

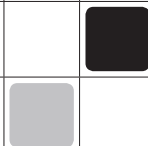
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فصلنامه تخصصی مطالعات دفاع مقدس

نمیریز

سال دوازدهم □ شماره چهل و پنجم □ تابستان ۱۳۹۲

صاحب امتیاز	مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه پاسداران
مدیر مسئول و سردبیر	دکتر حسین اردستانی
هیأت تحریریه	دکتر غلامعلی رشید - عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین (ع)؛ سردار سرتیپ پاسدار حمید اصلانی دکتر حسین علایی - عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین (ع)؛ دکتر محمود یزدان فام - عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات راهبردی؛
معاون سردبیر	حسن دری
صفحه آرایی	عباس درودیان
ویراستار	زهرا ناظری
ناظر چاپ	محمد بهروزی
نشانی	تهران، خیابان شریعتی، خیابان شهید وحید دستگردی (ظفر)، پلاک ۷۷
تلفن	داخلی ۲۴۵ - ۲۲۹۰۹۵۲۴
دورنگار	۲۲۹۰۹۵۳۸
پست الکترونیکی	neginiran@gmail.com
مرکز فروش	تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، مجتمع ناشران فخر رازی
	انتشارات مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس
تلفن	۶۶۴۹۷۲۲۷ - ۶۶۴۹۵۵۷۲
قیمت	۸۰۰۰ تومان



- مقاله‌ها و مطالب درج شده در فصلنامه نگین ایران بیانگر دیدگاه نویسندگان آنهاست.
- هرگونه استفاده از گزارش عملیات‌ها، نوارهای پیاده‌شده و اسناد مندرج، منوط به مجوز از سردبیر می‌باشد.
- بهره‌برداری از سایر مندرجات فصلنامه با ذکر مأخذ بلامانع است.



مقالات

امیر هوشنگ طهماسبی پور

۵

سیر تحول بیمارستان صحرائی در جنگ تحمیلی

مهدی حاجی خداوردی خان

۳۱

علل موفقیت لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) در عملیات کربلای ۵

تنظیم کننده: حسن دری

۵۹

جلسه فرماندهان سپاه پیرامون عملیات کربلای ۴ و آماده سازی عملیات کربلای ۵

یدالله ایزدی

۷۷

دوره چهارم جنگ شهرها علیه ایران (۱۳۶۶/۱۲/۸ تا ۱۳۶۷/۱/۳۱)

محمد باقر نیکخواه بهرامی

۱۱۱

جنگ شیمیایی عراق در کربلای ۵

مترجم: عبدالمجید حیدری

۱۱۹

جنگ ایران و عراق؛ نبردی فرسایش و طولانی

همایش

زهرا ناظری

۱۳۷

رونمایی از کتاب‌های «گزارش روزانه‌ی صحنه‌ی نبرد، لشکر علی ابن ابی طالب (ع) در عملیات بدر» و «راویان صحنه‌ی جنگ، شهید محمدرضا ملکی»

اسناد

حسن دری

۱۴۳

عملیات کربلای ۵ به روایت اسناد

معرفی کتاب

سید حمزه حسینی

۱۷۱

کتاب روز شمار ۲۳

۱۷۲

شورای عالی دفاع به روایت مطبوعات

بررسی و نقد کتاب

زهرا ناظری

۱۷۳

گزارش نشست نقد و بررسی کتاب «جاده‌ی استراتژیک فاو- بصره»



سیر تحول بیمارستان صحرایی در جنگ تحمیلی

امیر هوشنگ طهماسبی پور*

۱. پیش درآمد

بیمارستان صحرایی** مؤسسه درمانی متحرکی است که به طور معمول در ناحیه رزم دایر می شود و منظور از دایر شدن آن جلوگیری از تمرکز موقت بیماران در ناحیه مواصلاتی می باشد (نوروزی، ۱۳۸۵، ص ۱۹۴). بیمارستان صحرایی براساس تدابیر فرمانده قرارگاه خط مقدم و فرمانده بهداری رزمی و توسط مرکز بهداری رزمی منطقه ای با هماهنگی واحدهای

ذی ربط منطقه به منظور ارائه خدمات تخصصی و فوق تخصصی که امکان ارائه آنها در یگان های منطقه وجود ندارد، احداث و فعال می شود. علل راه اندازی بیمارستان صحرایی، تهدیدات دشمن، فاصله و بُعد مسافت خط مقدم تا عقبه، عقبه ناامن و صعب العبور مناطق جنگی است (محمدزاده، ۱۳۸۶، صص ۸۲ و ۸۳). در تعریفی دیگر، بیمارستان صحرایی به مثابه

* پژوهشگر حوزه دفاع مقدس

** Field hospital

سال دوازدهم □ شماره چهل و پنجم □ تابستان ۱۳۹۲



بیمارستان صحرایی، منطقه عملیاتی کربلای ۵

با حفظ روابط داخلی و خارجی نمی‌توانند از تمام عوامل تعیین‌کننده، هم‌چون تعداد تخت، مدت بستری و غیره در بیمارستان‌های عادی با نظام‌های مختلف پیروی کنند. از سوی دیگر بر خلاف بیمارستان‌های شهری که می‌توانند گسترش‌های افقی و عمودی (ارتفاعی) داشته باشند، بیمارستان‌های صحرایی در سطح توسعه می‌یابند (حسینی، ۱۳۸۶، صص ۵۵ و ۶۰).

بر این اساس، بیمارستان صحرایی به‌طور معمول باید دارای واحدهای امدادی، درمانی و تشخیصی طبق این موارد باشد: اورژانس مجروحان بدحال، اتاق عمل، بخش مراقبت‌های ویژه، پرستاری، داروخانه، آزمایشگاه و بانک خون، بخش استریلیزاسیون، بخش امداد و انتقال ویژه، بخش سوختگی و مصدومان C.B.N. همچنین به‌طور معمول در هر بیمارستان صحرایی حضور این افراد ضروری است: دو نفر متخصص بیهوشی، هفت نفر فوق‌لیسانس بیهوشی، شش نفر جراح عمومی، سه نفر متخصص ارتوپدی، یک نفر جراح پلاستیک، یک نفر جراح قلب و قفسه صدری، سه نفر پزشک متخصص طب اورژانس و دو نفر پزشک عمومی.

یک بیمارستان ثابت طبقه‌بندی شده است که می‌تواند به راحتی حرکت داده، یا حتی از طریق هوا حمل شود (رستمی، ۱۳۸۶، ص ۱۸۵).

این نوع بیمارستان، در چادر یا ساختمان‌های پیش‌ساخته با سازه فلزی یا بتنی قابل برپایی بوده و در رابطه با بلایا و سوانح یا موارد اورژانس (جنگ، زلزله یا سیل) بسته به شرایط حاکم و در ارتباط با نیازها از واحدهای مراقبتی جامعی تشکیل شده است. جمعیتی که به وسیله بیمارستان‌های صحرایی درمان می‌شود محدود به کسانی است که در مناطق آسیب‌دیده ساکن بوده‌اند. بیمارستان‌های صحرایی نمی‌توانند به تأسیسات بهداشتی دائمی تبدیل شوند زیرا هدف از استقرار آنها رویارویی با شرایط اورژانس است و نه رو به‌رو شدن با خطرهای و امراض روزانه که درگیر جمعیتی می‌باشد. البته باید به این نکته توجه داشت که بیمارستان‌ها مجموعه‌هایی متشکل از بخش‌های گوناگون‌اند که ارتباط مستقیم و غیر مستقیم با یکدیگر دارند و چگونگی روابط داخلی و خارجی آن از اهمیتی چشمگیر برخوردار است. این مسئله با پیشرفت دانش پزشکی ابعادی جدید به خود گرفته است. بیمارستان‌های صحرایی

زمان رکورد، به کمتر از یک ساعت رسید(گزارش عملکرد مرکز بهداری جنوب، ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶). در مجموع، از میانه‌های جنگ تحمیلی، میانگین مدت زمان ارائه خدمات درمانی به مجروحان به کم‌تر از نیم ساعت رسید(گفت و گو با سردار احمد اخوان، ماهنامه صنعت درمان، ۱۳۹۱، ص ۴۲).

۳. وضعیت بیمارستان‌های صحرایی پیش از پیروزی انقلاب

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران، بیمارستان‌های صحرایی زیرمجموعه سازمان پشتیبانی مناطق چهارگانه(منطقه ۱: غرب؛ ۲: جنوب؛ ۳: تهران؛ و ۴) بودند. سازمان پشتیبانی مناطق چهارگانه هر یک دارای ۲ گردان خدمات بهداری و هر گردان شامل ۴ گروهان به این ترتیب است: ۱- گروهان ارکان؛ ۲- گروهان جمع‌آوری مجروحین؛ ۳- گروهان آمبولانس؛ و ۴- بیمارستان صحرایی. برای تأمین نیاز بیمارستان‌های صحرایی پیش از انقلاب دو واحد بیمارستان صحرایی از خارج خریداری شد. در سال ۱۳۴۵ه.ش، ۶ مجتمع بیمارستان کانکسی سیار ۶۰ تختخوابی از خارج کشور خریداری و به پشتیبانی مناطق واگذار گردید. این شش دستگاه ابتدا به یگان‌های زیر واگذار گردید: لشکر ارومیه، لشکر کرمانشاه، پشتیبانی منطقه ۳ تهران در پادگان حر، لشکر اهواز در ایستگاه دغاغله، دپوی پادگان دزفول و لشکر مشهد. با توجه به اینکه بیمارستان‌های کانکسی از نظر دید دشمن هدفی مشخص است تنها در هنگام مانورها و حوادث غیرمترقبه نظیر سیل و زلزله قابل استفاده است. به علاوه استقرار آن وقت گیر و مستلزم وجود امکانات مختلف است. به طور معمول کارکنان مربوطه هم با کاربرد آن آشنایی نداشته و به همین دلایل در زمان دفاع مقدس نیز آن‌طور که باید مفید واقع نشد(نامجوی نیک، ۱۳۸۹، ص ۱۳۲). پس از آن در سال ۱۳۵۰، بیمارستان

در شرایط جنگی اهداف بیمارستان‌های صحرایی این موارد را در برمی گیرد: پشتیبانی پزشکی از عملیات نظامی، آماده‌سازی مجروحان و مصدومان برای تخلیه، انتقال و اعزام سریع مجروحان، جراحی اضطراری در منطقه عملیات و اعمال مراقبت‌های ویژه پیش و پس از عمل جراحی. همچنین کارایی بیمارستان‌های صحرایی دست‌کم منوط به داشتن این شرایط است: وجود شبکه آب آشامیدنی(چاه عمیق و...)، سیستم دفع فاضلاب، سیستم دفع زباله(سوزاندن زباله یا سبتیک)، حفاظت و ایمنی بیمارستان(استحکامات، استتار، اختفا و پوشش و داشتن پدافند هوایی)، آمادگی شبانه‌روزی، وجود روشنایی برق اضطراری، تسهیلات کمکی و پشتیبانی، پد بالگرد(خلبانان و خدمه پروازی و پشتیبانی هوایی)، قابلیت تغییر مکان بیمارستان صحرایی، وجود دستگاه‌های رادیولوژی متحرک(چندقطعه‌ای) با دستگاه‌های ظهور و ثبوت، داشتن ست‌های جراحی، جعبه‌های بانک خون قابل حمل متحرک، کیف‌های کمک‌های اولیه سبک، دستگاه‌های الکتروشوک متحرک، دستگاه‌های بیهوشی متحرک(محمدزاده، ۱۳۸۶، صص ۸۹ و ۹۰).

۲. پیشینه بیمارستان صحرایی

به گفته ناظران نظامی، در جنگ اول جهانی، مجروحانی که احتیاج به عمل جراحی در خط مقدم جبهه داشتند، پس از دو هفته می‌توانستند به بیمارستان‌های مجهز انتقال یافته و تحت مداوا قرار گیرند که به‌طور طبیعی تلفات جانی زیادی به همراه داشت. این زمان، در جنگ دوم جهانی به ۷۲ ساعت کاهش یافت و در جنگ امریکا علیه ویتنام به ۱۲ ساعت رسید(عراقی‌زاده، ۱۳۸۰، ص ۱۴۴). این رقم برای اولین بار در جهان با ساخت بیمارستان‌های مجهز و ایمن در نزدیک‌ترین فاصله از خط مقدم به ۳ ساعت کاهش یافت و می‌توان ادعا نمود که در جبهه فاو(الفجر ۸) پس از ساخت بیمارستان سجاده^(۱)، این

مصدومین) مجروحان در اورژانس توسط گروهی از پزشکان متخصص بیهوشی و جراحان، این مشکل حل شد. با ادامه جنگ و ساخته شدن اورژانس‌ها و بیمارستان‌های صحرایی، بسیاری از اقدامات درمانی از جمله کنترل نسبی خون‌ریزی و جبران حجم داخلی عروقی با استفاده از سرم و خون و نیز انجام آزمایشات پاراکلینیک در بیمارستان‌های صحرایی صورت می‌گرفت و بعد مجروح به بیمارستان‌های شهر منتقل می‌شد. این مسئله نیز در کاهش عوارض مرگ و میر مجروحان، نقشی حیاتی داشت (محمدزاده، ۱۳۸۶، صص ۸۶ و ۸۸). به این ترتیب، اولین بیمارستان‌های صحرایی بسیار ساده و ابتدایی با استفاده از سنگ‌چین (در آن‌ها گام از کیسه شن هم استفاده نمی‌شد)، چوب‌های افقی و چادر به وجود آمدند. روی چادر از برگ پوشانده می‌شد و از سنگ‌چین‌ها علاوه بر استفاده باربری و ساختن فضا به عنوان ترکش‌گیر نیز استفاده می‌شد. گاهی اوقات با استفاده از دو صخره نزدیک به هم و چوب و چادر، اورژانس برپا می‌شد. به تدریج با گذشت چندین ماه از جنگ با به‌کارگیری کیسه‌های شنی اتاقک‌هایی به عنوان اورژانس ساخته شد. این اتاقک‌ها فاقد سقف بود و استفاده از چادر به عنوان سازه سقف همچنان معمول بود. پس از مدتی اورژانس‌های کیسه شنی با به‌کارگیری تراورزهای خطوط راه‌آهن تخریب شده، که بسیار محکم بودند مسقف و با خاک پوشانده شد. اولین بیمارستان صحرایی با استتار خاک بدین صورت ساخته و استفاده شد. این گونه بیمارستان‌های ابتدایی تنها می‌توانستند مجروح را اگر در حالت وخیمی نبود تا رساندن به بیمارستانی زنده نگهدارند و به او کمک‌های اولیه را برسانند. به تدریج با گذشت زمان و به دلیل ضعف امکان انتقال مجروحین و از دست رفتن ایشان در طول عملیات، لزوم ایجاد بیمارستان‌های مجهزتر به وجود آمد. بدین ترتیب استفاده از کانکس‌های فلزی با بخش‌های کامل‌تر

۵۰ تختخوابی شهباز از باقی‌مانده جنگ دوم جهانی از اروپا خریداری شد. این بیمارستان بدون توجه به شرایط نگهداری و ایمنی آن به دزفول واگذار و سال‌ها در محلی نامناسب نگهداری می‌گردید. در هنگام پیروزی انقلاب مسئولین سعی داشتند آن را به تهران بازگردانند. سرانجام با شروع دفاع مقدس بیمارستان یادشده به پشت منطقه عملیات در نزدیکی شهر دزفول و پشت رودخانه کرخه انتقال یافت و در آن جا به‌طور نسبی مورد استفاده قرار گرفت. لیکن با توجه به ضعف آن از نظر استتار و ورود گرد و خاک به آن کارایی چندانی نداشت، بنابر این از منطقه عملیات خارج گردید و وسایل و تجهیزات آن در بهداری یگان‌ها مورد بهره‌برداری قرار گرفت (نامجوی نیک، ۱۳۸۹، صص ۱۳۳ و ۱۳۴).

۴. مواجهه با بحران جنگ

در روزهای آغازین جنگ تحمیلی که توأم با غافلگیری نیروهای رزمی و نیز حضور نیروهای مردمی خودجوش بود، تمامی امکانات و تجهیزاتی که برای مقابله با یک جنگ تمام‌عیار به عنوان یک حادثه مورد نیاز بود با سریع‌ترین و ابتدایی‌ترین حالت ممکن به وجود آمد (حسینی، ۱۳۸۶،

ص ۱۰۴). در اوایل به علت کمبود بیمارستان‌های صحرایی، مجروحان بدون انجام اقدامات اولیه به بیمارستان‌های شهر منتقل می‌شدند و به دلیل ناآشنایی با اولویت‌بندی بیماران برای عمل جراحی، مجروحان بدون اولویت‌بندی به اتاق عمل فرستاده می‌شدند؛ لیکن در مراحل بعد با انجام تریاژ* (اولویت‌بندی

* Triage

با گذشت چندین ماه از جنگ با به‌کارگیری کیسه‌های شنی اتاقک‌هایی به عنوان اورژانس ساخته شد. این اتاقک‌ها فاقد سقف بود و استفاده از چادر به عنوان سازه سقف همچنان معمول بود و گاهی اوقات با استفاده از دو صخره نزدیک به هم و چوب و چادر، اورژانس برپا می‌شد

تشکل لازم نبود (نامجوی نیک، ۱۳۸۹، ص ۱۳۵؛ مصاحبه سردار فتحیان با ویژه‌نامه فتح بزرگ، ۱۳۸۸)، لیکن بهداری رزمی سپاه پاسداران به‌طور پراکنده در مناطق جنوب و غرب کشور فعالیت‌های چشمگیر داشت و برای درمان و مداوای مجروحان و مصدومان اقدامات اولیه انجام می‌گرفت و کارهای اساسی و اعمال جراحی نیز از همان ابتدا در بیمارستان‌های شهرهای مرزی مثل اهواز، آبادان و اندیمشک و ... انجام می‌گرفت. البته ارتش در سازمان خود، بیمارستان‌های سیار نظامی داشت که به درمان و مداوای مجروحان خود در مناطق جنگی می‌پرداخت از جمله بیمارستان پایگاه هوایی وحدت در دزفول

مدتی پس از جنگ که عملیات‌های جنگی با دقت و برنامه‌ریزی مناسب‌تر و با تکیه بر عوامل پشتیبانی مؤثر اجرا شد، نیاز به بیمارستان‌های صحرائی و مقاوم در برابر انفجارات با درجه استتار بالا، منجر به ایجاد سوله‌های فلزی با قاب پنج‌ضلعی و پوشش ورق موج‌دار گردید.

یا بیمارستان گیلان غرب و سرپل ذهاب (محمدرزاده، ۱۳۸۶، ص ۸۶). بر این اساس، بهداری‌های یگان‌های مستقر در منطقه یعنی لشکر ۹۲ زرهی اهواز و لشکر ۷۷ پیاده خراسان و بیمارستان‌های منطقه‌ای اهواز، دزفول، کرمانشاه و سنندج با محدودیت امکانات و عدم آمادگی، بار سنگین پذیرش مجروحین و مصدومین را به دوش گرفتند، ضمن اینکه به علت عدم رعایت قوانین بین‌المللی از طرف نیروهای متجاوز بعثی خود

این تأسیسات زیر آتش دشمن و حملات هوایی قرار داشت (نامجوی نیک، ۱۳۸۹، صص ۱۳۵ و ۱۳۶). به‌طور کلی، در آغازین ماه‌ها و سال‌های جنگ تحمیلی فعالیت‌های درمانی بیمارستانی در شهرهای عقبه انجام می‌گرفت و در خطوط مقدم خدمات اورژانس و احیاء به مجروحین ارائه می‌شد، لیکن (عراقی‌زاده و

اتفاق افتاد. بیمارستان کانکسی اگر چه به‌طور کامل پاسخگوی نیازهای مختلف مجروحین بود اما به شدت در مقابل انفجارات آسیب‌پذیر بود.

مدتی پس از جنگ که عملیات‌های جنگی با دقت و برنامه‌ریزی مناسب‌تر و با تکیه بر عوامل پشتیبانی مؤثر اجرا شد، نیاز به بیمارستان‌های صحرائی و مقاوم در برابر انفجارات با درجه استتار بالا، منجر به ایجاد سوله‌های فلزی با قاب پنج‌ضلعی (موسوم به قاب آلمانی) و پوشش ورق موج‌دار گردید. با گذشت زمان و نیاز بیشتر به امنیت برای اعزام پزشکان به جبهه، سازه‌های بتنی عموماً پیش‌ساخته به وجود آمد. این سازه‌ها از جهات گوناگون نسبت به سازه‌های فلزی مشکلات بسیار زیادی داشتند اما بزرگ‌ترین مزیت آنها امنیت به نسبت بالای آنها بود (حسینی، ۱۳۸۶، صص ۱۰۴ و ۱۰۵). از سوی دیگر، با توجه به آمار بسیار ناچیز تعداد بالگردهای هوانیروز (حدود ۱۵ عدد برای منطقه جنوب) و عدم امکان استفاده از هلی‌برد و حمل مجروحین، ساخت بیمارستان‌های صحرائی در نزدیکی تمامی خطوط مقدم ضرورت یافت. همچنین به علت ناامنی جاده‌ها و مناطق غرب کشور در طول شب مجروحین باید تا صبح روز بعد در منطقه می‌ماندند. این امر خود دلیل دیگری بر ساخت بیمارستان در مناطق جنگی بود. پس از آن که ناکارآمدی بیمارستان‌های چادری و کانکسی در مقابله با برتری هوایی دشمن مشخص شد همچنین با توجه به اینکه برنامه‌ریزی در عملیات به‌طور مشخص بر توان پشتیبانی و به خصوص توان درمانی و زمان رسیدن مجروح به بیمارستان و اتاق عمل استوار بود، نیاز به بیمارستان‌هایی که مقاومت بیشتری در مقابل بمباران داشتند یا دست‌کم از توان استتار بالایی برخوردار بودند، احساس شد (حسینی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۵).

اگر چه در ابتدای جنگ تحمیلی امکانات رزمی، بهداشتی و درمانی سپاه پاسداران دارای انسجام و

دیگران، ۱۳۸۰، ص ۱۴۱) خلاء بیمارستان صحرایی و خدمات درمانی آن به شدت آشکار بود.

۵. بهره‌گیری از کانکس نخستین اقدام برای ساخت مراکز درمانی نزدیک به منطقه عملیات

با طولانی شدن جنگ ضرورت تأسیس مراکز درمانی نزدیک به منطقه عملیات و در عین حال در منطقه امن و دور از تیررس و هجوم مکرر هوایی دشمن، بیشتر احساس شد. بنابر این، در اواخر سال نخست جنگ فکر ایجاد بیمارستان‌های سنگری زیرزمینی در پشت خطوط اصلی جبهه و در خط انتقال مجروحین، مورد استقبال قرار گرفت. ابتدا بیمارستان‌های کوچکی ساخته شد و بعدها تبدیل به بیمارستان‌های بزرگ‌تری گردید و بعضی از آنها تا آخر جنگ یا تا زمانی که فعالیت‌های عملیاتی در منطقه وجود داشت به ارائه خدمات درمانی ادامه دادند. با توجه به تفکیک وظایف نیروهای ارتش و سپاه تعدادی از این بیمارستان‌ها توسط سپاه ساخته شد و تعدادی نیز توسط ارتش دایر گردید و در مناطقی که عملیات مشترک ارتش و سپاه انجام می‌شد، بیمارستان‌های مربوطه نیز با تشریک مساعی نیروهای ارتش و سپاه به وجود می‌آمد. در سال‌های نخست جنگ در مناطقی که سپاه از این بیمارستان‌ها دایر می‌کرد تیم‌های درمانی ارتش، مأمور به بیمارستان‌های سپاه می‌گردید (نامجوی نیک، ۱۳۸۹، صص ۱۴۰ و ۱۴۱).

اما «سیر تحول بیمارستان‌های صحرایی» با تشکیل بهداری رزمی و بهداری سپاه همگام است. از سال ۱۳۶۰ تأسیس بیمارستان‌های صحرایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شروع شد (محمدزاده، ۱۳۸۶، ص ۸۶). قرارگاه مهندسی رزمی خاتم‌الأنبیاء (ص) که با هدف اجرای مهندسی مورد نیاز جنگ طراحی شد، مأموریت یافت به منظور دستیابی به خدمات پزشکی برای مجروحین و مصدومین جبهه‌ها بیمارستان‌های صحرایی را در کوتاه‌ترین فاصله ممکن از لبه جلویی

منطقه نبرد (لجمن) ایجاد کند. هدف دیگر از طراحی و ساخت بیمارستان‌های صحرایی ایجاد فضای ایمن و مطمئن برای کادرهای پزشکی و درمانی در چنین شرایطی تعیین شد (عراقی‌زاده و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۱۴۰). با وجود این، در عملیات شکستن حصر آبادان - ثامن‌الائمه، ۵ مهر ۱۳۶۰، که نخستین عملیات مشترک بزرگ ارتش و سپاه به شمار می‌رود، مجروحان به‌طور مستقیم از پست‌های امدادی به بیمارستان‌های طالقانی، شهید بهشتی و شرکت نفت آبادان و تعدادی نیز به بیمارستان‌های ماهشهر و اهواز منتقل شدند (محمدزاده، ۱۳۸۶، ص ۸۷؛ عراقی‌زاده و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۱۴۱). بر اساس سوابق موجود دو ماه بعد در عملیات طریق‌القدس در ۸ آذر ۱۳۶۰ (درودیان، ۱۳۸۴، ص ۱۸۳) اولین بیمارستان صحرایی در دفاع مقدس به صورت کانکس و چادر در منطقه سوسنگرد توسط بهداری رزمی سپاه ساخته و به‌کارگیری شد و به دنبال آن در غرب شوش و جاده اهواز نیز سازه‌هایی به همین شکل در عملیات‌های فتح‌المبین و بیت‌المقدس ایجاد شدند که نقشی مهم در ارائه خدمات به مصدومین و مجروحین داشتند. اولین اتاق‌های عمل نیز در این بیمارستان‌ها از کنار هم قرار گرفتن چند کانتینر ایجاد شده بود (اطلاعات و خاطرات، ۱۳۸۲؛ نقشه بیمارستان‌های صحرایی دفاع مقدس. ۱۳۶۰).

تجارب دو عملیات پیشین (ثامن‌الائمه و طریق‌القدس) باعث شد تا بهره‌گیری از بیمارستان صحرایی برای عملیات واپسین با برنامه‌ریزی بیشتری پیگیری شود. براین اساس، در تاریخ ۲۵ اسفند ۱۳۶۰، اندکی پیش از اجرای عملیات فتح‌المبین، بیمارستان کانکسی سیار ۵۰ تختخوابی سپتا - جمعی لشکر ۱۶ قزوین - با ظرفیت ۱۰ کانکس در محل کارخانه نورد (سپتا) در هشت کیلومتری جاده اهواز - خرمشهر مستقر شد. این بیمارستان از امکانات برق کارخانه استفاده نموده و مدیریت امور لجستیک و ترابری و



مداوای رزمندگان مجروح در بیمارستان صحرایی؛ شوش؛ ۱۳۶۱/۱۱/۲۸

مقدم تعیین شده عملیاتی، تعداد ده تخت اورژانس برپا شده بود. در این عملیات برای نخستین بار، یک زنجیره انتقال مجروحان ترسیم و رانندگان آمبولانس ها به مسیرها توجیه شدند و تخلیه به بیمارستان صحرایی در عملیات آغاز شد. بر این اساس، سی درصد از عمل های جراحی در بیمارستان های صحرایی شهید کلاتری اندیمشک و پایگاه هوایی وحدتی دزفول، و بقیه در بیمارستان های اهواز و دزفول انجام گرفت (محمدزاده، ۱۳۸۶، صص ۸۶ و ۸۷؛ عراقی زاده و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۱۴۱).

۵-۱. عملیات بیت المقدس و تأسیس سازمان بهداری سپاه

عملیات بیت المقدس - ۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۱ - سرآغاز تشکیل و توسعه شبکه سازمان بهداری سپاه از محورهای عملیاتی تا بهداری قرارگاه مرکزی بود. همچنین همکاری و هماهنگی کامل نیروهای ارتش و سپاه با همراهی اساسی وزارت بهداشت به وجود آمد. در این عملیات برای نخستین بار مسئولین بهداری هر یک از محورهای عملیاتی مشخص شدند و وظایف سازمانی آنها - که به تصویب فرمانده کل سپاه پاسداران رسیده بود - همراه با احکام هر یک از

ثبت آمار مجروحان به عهده گردان خدمات بهداری ۵۴۳ لجستیک پشتیبانی منطقه ۳ تهران بود. این بیمارستان در عملیات های فتح المبین، بیت المقدس و رمضان فعال بود، لیکن پس از ۱۰ مرداد ۱۳۶۱ با تغییر محل عملیات رزمی، نوع فعالیت آن تغییر یافته و آماده پذیرش مجروحین شیمیایی شد. تغییرات مزبور باعث شد که دارای ۴۲۷ تختخواب شامل یک آسایشگاه ۱۵۰ تختخوابی و یک سالن ۲۷۷ تختخوابی و درمانگاه اورژانس دارای ۱۲ تختخواب به علاوه ۳۳ دستگاه حمام و سرویس های لازم شود. در مواقع لزوم تیم پرستاری و تکنیسین و پزشک از طرف اداره بهداشت و درمان نزاجا و پشتیبانی منطقه ۳ تأمین می شد. سرانجام از تاریخ ۱ اسفند ۱۳۶۵ به علت تغییر موقعیت واحدهای رزمی فعالیت بیمارستان متوقف شد (نامجوی نیک، ۱۳۸۵، صص ۱۴۱ و ۱۴۲؛ عراقی زاده و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۱۴۱؛ احمدیانی، تارنمای تبیان، ش ۱۳۲۵۸۲).

به طور کلی، در عملیات فتح المبین دو بیمارستان صحرایی با امکانات کانکس های بهداری ارتش و مدیریت بهداری سپاه احداث شد. در سطح تیپ ها هم با پیش بینی یک اورژانس صحرایی بر اساس خط

کادر پزشکی و پرستاری در اورژانس‌های تیپ‌ها و در بیمارستان‌های صحرایی در بیست و چهار ساعت بیش از هجده یا نوزده ساعت کار می‌کردند و سر پا بودند ولی چون حس می‌کردند کار بسیار اثرگذاری دارند روحیه بالایی داشتند. اگر این بیمارستان‌های صحرایی نبود شاید بیش از دو تا سه هزار نفر به شهادت این عملیات اضافه می‌شد (مصاحبه سردار فتحیان با ویژه‌نامه فتح بزرگ، ۱۳۸۸).

در مرحله سوم عملیات بیت‌المقدس (۱۹ اردیبهشت ۱۳۶۱)، یک بیمارستان صحرایی به نام «شهید کلاهدوز» در جاده خرمشهر- اهواز در پانزده کیلومتری خرمشهر به صورت کانکس برپا شد که در مرحله آخر عملیات، به عنوان عقبه اصلی انتقال مجروحان استفاده شد. عمده مجروحان به این بیمارستان منتقل می‌شدند و عمل تریاژ و تفکیک انجام می‌شد. البته یک پل هوایی با بالگردهای شنوک، ارتباط این مراکز صحرایی را با بیمارستان اهواز برقرار می‌کرد که بسیار مؤثر بود (محمدزاده، ۱۳۸۶، ص ۸۷؛ عراقی‌زاده و دیگ‌ران، ۱۳۸۰، ص ۱۴۱). در این عملیات بیمارستان صحرایی شهید کلاهدوز پذیرای ۱۴۵۰۵ مجروح بود (محمدزاده، ۱۳۸۶، ص ۸۵).

۲-۵. بهره‌گیری از بیمارستان صحرایی در عملیات‌های محدود

پس از آزادسازی خرمشهر، اقدامات نظامی ایران با عملیات رمضان (مرداد ۱۳۶۱) در شرق بصره آغاز شد. هدف از این عملیات آن بود که با حضور نیروهای نظامی ایران در پشت رودخانه اروند در شرق بصره و تسلط بر راه‌کارهای بصره، شرایط سیاسی و موقعیت نظامی مطلوب برای جمهوری اسلامی جهت شرایط خاتمه و پایان جنگ فراهم آید و در صورت عدم تحول در مواضع شورای امنیت سازمان ملل، شرایط برای ادامه نبرد آماده باشد. اما در این عملیات هدف‌های مورد نظر تحقق

مستولین بهداری‌ها به فرماندهان محورهای عملیاتی ابلاغ شد. همچنین مستولین بهداری تیپ‌ها نیز مشخص شدند. به این ترتیب بهداری جبهه‌ها شکل گرفت و سامانه و شبکه بهداری سپاه کامل شد؛ یعنی بهداری تیپ، بهداری قرارگاه و بهداری قرارگاه مرکزی تشکیل شد. همچنین در جلسه‌ای با حضور وزیر بهداشت و مستولین قرارگاه مرکزی، مسائل مربوط به بهداری و اقلام و مواد مورد نیاز اعلام شد و هماهنگی‌های لازم به عمل آمد. جبهه نبرد در این عملیات در سه محور شمالی، میانی و جنوبی گسترش یافته، برای هر یک بیمارستان صحرایی خاص خود در نظر گرفته شد. بیمارستان صحرایی قرارگاه قدس در محور شمالی در دشت آزادگان قرار داشت. در محور میانی، بیمارستان صحرایی قرارگاه فتح در جاده خرمشهر سمت نورد و بالاتر در حدود پادگان حمید واقع شده بود و سرانجام بیمارستان صحرایی محور جنوب با ظرفیت چهار اتاق عمل و اورژانس برای قرارگاه نصر در جاده آبادان- دارخوین آماده شد (مصاحبه سردار فتحیان با ویژه‌نامه فتح بزرگ، ۱۳۸۸).

تیم‌های پزشکی این بیمارستان‌ها از مجرب‌ترین جراحان متخصصین بیهوشی و بهترین کادر درمانی آن روزهای کشور تشکیل شده بود. سه بیمارستان صحرایی یادشده در مجموع بیش از دو هزار مجروح را تحت عمل جراحی قرار دادند. برخی از عمل‌های جراحی بسیار سنگین و گسترده با تیم‌های جراحی کامل انجام گرفت. در این عملیات کار امدادرسانی زخمی‌ها با چنان روحیه بالایی انجام می‌گرفت که

اگر چه در ابتدای جنگ
تحمیلی امکانات رزمی
و بهداشتی درمانی سپاه
پاسداران دارای انسجام و
تشکل لازم نبود، لیکن بهداری
رزمی سپاه پاسداران به‌طور
پراکنده در مناطق جنوب
و غرب کشور فعالیت‌های
چشمگیر داشت

به صورت حمام شیمیایی هر یک دارای ۱۲ دوش در محلی نزدیک بیمارستان احداث شد که از تانکرهای آب استفاده می‌کردند. افزون بر آن، دو سالن نیز هر یک به ظرفیت ۲۰۰ تخت برای بستری کردن بیماران یادشده توسط پشتیبانی منطقه ۳ ساخته شد که از نظر استتار نقص داشت. سرانجام همین نقص استتار سبب شد که در ۲۵ اسفند ۱۳۶۳ این بیمارستان مورد حمله هوایی دشمن قرار گیرد و بدین ترتیب به کلی تخریب شد. این بیمارستان پیش از انهدام در مقابله با حملات شیمیایی منطقه، خدمات ارزنده‌ای ارائه کرده بود، به‌طوری که از ظهر روز ۲۲ اسفند ۱۳۶۳ تا صبح ۲۴ اسفند ۱۳۶۳، ۴۱۲ نفر و تا شب همان‌روز

نیافت (اردستانی، ۱۳۸۴، صص ۳۳ و ۳۴). نخستین اقدام ایران پس از موفق نبودن عملیات رمضان، جلوگیری از ایجاد رکود در جبهه‌ها و آسودگی خاطر دشمن از حملات رزمندگان بود. از این‌رو، انجام عملیات محدود در دستور کار قرار گرفت. بنابر این، قرارگاه‌های عملیاتی، برخی نقاط مرزی را مورد بررسی قرار دادند و در نهایت، مناطق سومار و عین خوش را برای انجام عملیات‌های محدود انتخاب کردند. براین اساس، عملیات محرم در ۱۰ آبان ۱۳۶۱ در جنوب شرقی دهلران و در غرب عین‌خوش، با هدف تصرف ارتفاعات سرکوب منطقه طرح‌ریزی شد (اردستانی، ۱۳۸۴، صص ۳۶ و ۳۷). در این عملیات از بیمارستان صحرائی پیش‌ساخته (کانکس) مستقر در تپه‌های کنار پادگان عین‌خوش استفاده شد (محمدزاده، ۱۳۸۶، ص ۸۷؛ عراقی‌زاده و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۱۴۱). در بیمارستان صحرائی عین‌خوش در عملیات محرم ۳۰۶۶ مجروح مداوای اولیه شدند و ۴۸ عمل جراحی انجام گرفت (محمدزاده، ۱۳۸۶، ص ۸۵).

۳-۵. بیمارستان صحرائی حمید (ایستگاه حمید)

در ۱ اسفند ۱۳۶۲، پشتیبانی منطقه ۳ نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران بر حسب نیاز یگان‌های عملیاتی منطقه در جاده اهواز- خرمشهر در محل ایستگاه حمید بیمارستان زیرزمینی صحرائی حمید معروف به ایستگاه حمید را دایر کرد. در این بیمارستان کانکس‌های ۶۰ تخته‌خوابی سیار در فضاهای ساخته شده سنگری، مستقر شد، لیکن کانکس‌ها حدود یک متر از سطح زمین بلندتر قرار گرفت و از نظر استتار از حملات هوایی دشمن مطلوب نبود. نیازهای تدارکاتی بیمارستان نیز به‌وسیله پشتیبانی منطقه ۳ مستقر در اهواز تأمین می‌شد و تیم‌های جراحی و پزشکی از طریق اداره بهداشت و درمان نازجا تأمین می‌گردید. بعدها برای ارائه خدمات به مجروحین ش.م.ر پنج کانکس جداگانه

در آغازین ماه‌ها و سال‌های جنگ تحمیلی فعالیت‌های درمانی بیمارستانی در شهرهای عقبه انجام می‌گرفت و در خطوط مقدم خدمات اورژانس و احیاء به مجروحین ارائه می‌شد

در مجموع ۷۲۰ نفر که در عملیات شرق دجله شرکت داشتند تحت درمان قرار گرفته و مرخص شده بودند. این بیمارستان در پذیرش مجروحین عملیات والفجر ۱ ناحیه جنوب و عملیات خیبر طالایه و جزایر مجنون و عملیات بدر جنوب فعالیت چشمگیر داشت و توانست با پذیرش و درمان مجروحین و مصدومین ش.م.ر از تعداد

اعزام‌های خط جنوب به اهواز بکاهد و خدماتی خوب ارائه دهد (نامجوی نیک، ۱۳۸۹، صص ۱۴۳ و ۱۴۴).

۶. ظهور بیمارستان‌های صحرائی با سازه سوله‌ای

به مرور بر حسب ضرورت‌های موجود و با توجه به کسب تجارب پیشین و با وارد شدن یگان‌های رزمی سپاه و جهاد سازندگی بیمارستان‌هایی با سازه سوله‌ای که عمدتاً در زیر خاک استتار شده بودند، ایجاد و راه‌اندازی شدند. اولین بیمارستانی که به این

بیمارستان‌های صحرائی دوران دفاع مقدس، ۶۳-۱۳۶۱؛ نقشه بیمارستان‌های صحرائی دوران دفاع مقدس، ۶۲-۱۳۶۱).

در ابتدا فکر ساخت و اداره بیمارستان‌های صحرائی با شرایط «مستحکم و استقرار» برای پشتیبانی عملیات والفجر مقدماتی قوت یافت و آغاز شد. در این عملیات چون فاصله از شهرهای عقبه زیاد بود و دسترسی جاده‌ای نیز محدود بود، اولین بیمارستان صحرائی استقرار، طراحی و اجرا شد و منجر به ساخت بیمارستان «شهدای والفجر» شد که در عملیات والفجر ۱ مورد بهره‌برداری قرار گرفت (محمدزاده، ۱۳۸۶، ص ۸۸؛ عراقی‌زاده و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۱۴۱). با نزدیک شدن به زمان اجرای عملیات والفجر ۱ در ۲۱ فروردین ۱۳۶۲ (اردستانی، ۱۳۸۴، ص ۵۱) بیمارستان صحرائی شهدا (شهید باقری) توسط مهندسی رزمی سپاه پاسداران در نزدیک پاسگاه ربوط- جنوب شرقی دهلران در سال ۲-۱۳۶۱ تکمیل شد (حسینی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۳). همچنین در این عملیات بیمارستان صحرائی «بیت المقدس» ۳۳۶۵۶ مصدوم را پذیرا شد (محمدزاده، ۱۳۸۶، ص ۸۵).

شکل ساخته شد، بیمارستان صحرائی شهید باقری در غرب دزفول بود که توسط مهندسی رزمی سپاه در سال ۱۳۶۱ احداث گردید و در عملیات والفجر مقدماتی به کارگرفته شد. این بیمارستان زیربنایی حدود ۱۸۱ متر داشت (نقشه بیمارستان‌های صحرائی دفاع مقدس. ۱۳۶۰؛ مدارک و نقشه بیمارستان‌های صحرائی دوران دفاع مقدس، ۶۳-۱۳۶۱).

از این نوع بیمارستان‌های سوله‌ای ۱۳ مورد دیگر نیز طی سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۳ در نقاط مختلف خطوط عملیاتی ساخته شد که از آنها می‌توان به بیمارستان‌های شهدا در جنوب شرق دهلران، شهید بروجردی در مهران، شیخ صله در جواهرود، شهید ردانی‌پور در مریوان، ولی عصر (عج) در سرپل ذهاب، چم امام حسن (ع) بین قصر شیرین و سرپل ذهاب، شهید بروجردی در بانه، شهید رادمنش در مریوان، خاتم‌الانبیاء در سهراهی جفیر، رمضان در جاده اهواز - خرمشهر، شهید بهشتی در هویزه، ظفر در ۱۵ کیلومتری آبادان، و کربلا در ۱۵۰ کیلومتری مهران، اشاره نمود که از این مراکز صحرائی در عملیات‌های والفجر ۱، والفجر ۴، والفجر ۵، خیبر، بدر، والفجر ۸ و والفجر ۱۰ استفاده گردید (مدارک و نقشه



حمل رزمنده مجروح از داخل آمبولانس به بیمارستان صحرائی؛ آبادان، ۱۳۶۰/۷/۵

۶-۱. والفجر ۳

دفاع مقدس از جایگاهی ویژه برخوردار است؛ زیرا کوهستانی بودن منطقه، وجود ارتفاعات صعب العبور، حضور ضد انقلاب، شرایط جوی نامساعد، فاصله طولانی بین منطقه عملیاتی با شهرهای مرکزی برای انتقال مجروحین، طولانی شدن زمان عملیات و احتمال استفاده دشمن از سلاح‌های شیمیایی محدودیت‌های فراوانی ایجاد کرده بود(نویدی و دیگران، ۱۳۸۱، ص ۱۵۱؛ غنجال و دیگران، ۱۳۸۲، ص ۹۱). طی این عملیات بهداری سپاه علیرغم محدودیت‌ها، برای نخستین بار از شیوه‌هایی خاص در امداد و انتقال کوهستانی جهت کمک‌رسانی به مجروحان استفاده کرد. در این عملیات، ۸ لشکر و ۲ تیپ از سپاه و ۳ لشکر از ارتش شرکت داشتند. قرارگاه حمزه سیدالشهدا نیز پشتیبانی این عملیات را به عهده داشت. ۶ بیمارستان در شهرهای مجاور با ۱۶ اتاق عمل، ۳ بیمارستان صحرایی شامل بیمارستان شهید بروجردی در محور شمالی، شهید ردانی‌پور در محور جنوبی و شهید رادمنش در محور میانی منطقه عملیاتی با ۱۲ اتاق عمل، ۲۰ اورژانس صحرایی، ۱۸۸ تخت معاینه و ۴ نقاهتگاه تجهیز و آماده شد. همکاری و هماهنگی یگان‌های رزمی پیش از آغاز عملیات برنامه‌ریزی شده بود. همچنین تعیین محل احداث بیمارستان‌های صحرایی و نقاهتگاه‌ها با نیروهای عملیاتی هماهنگ بود. در این عملیات بیمارستان شهید بروجردی پشتیبانی لشکرهای نجف اشرف و ۴۱ ثارالله، بیمارستان شهید ردانی‌پور پشتیبانی لشکرهای ۱۴ امام حسین^(ع) و بیمارستان شهید رادمنش پشتیبانی تیپ ۴۴ قمر بنی‌هاشم و دیگر لشکرهای عمل‌کننده را به عهده داشتند. طی این عملیات دشمن بعضی دو بار اقدام به بمباران شیمیایی با گاز خردل کرد که منجر به مصدوم شدن عده‌ای از رزمندگان و مردم شد(غنجال، ۱۳۸۲، صص ۹۱ و ۹۲). بیمارستان «شهید بروجردی» در شیار کنار «روستای نی» توسط مهندسی سپاه، و بیمارستان شهید رادمنش

پس از عملیات والفجر مقدماتی و والفجر ۱ بار دیگر شرایط پس از رمضان با مسائل خاص خود مطرح شد و به نظر می‌رسید که با افزایش توانایی‌های نظامی دشمن، بدون تغییرات اساسی در شیوه نبرد، ادامه جنگ دشوار خواهد بود. از این‌رو، به منظور جلوگیری از رکود جبهه‌ها، بار دیگر هدف‌های محدودی که بیشتر در مناطق غرب و شمال کشور قرار داشتند، برای عملیات انتخاب شدند(اردستانی، ۱۳۸۴، ص ۵۵). براین اساس، کوهستانی بودن مناطق عملیاتی انتخاب شده، تطبیق بیمارستان‌های صحرایی با شرایط اقلیمی جدید را ضروری ساخت. در این راستا، عملیات والفجر ۳ در ۷ مرداد ۱۳۶۲ در منطقه مهران حد فاصل جنوب «کانی سخت» تا ارتفاع «قلا ویزان» واقع در شرق مهران انجام شد که ارتفاعاتی هم‌چون «زالو آب» و «نمه‌کلان‌بو» را دربرمی‌گرفت(اردستانی، ۱۳۸۴، ص ۵۸). در این عملیات شهید معتمدی که از برادران جهاد سازندگی بود، با همکاری جهاد استان کرمانشاه در نزدیکی مهران یک واحد بیمارستان صحرایی بتونی را با همکاری نیروهای بهداری رزمی سپاه ساخت. همچنین، بیمارستان دیگری به نام «شهید بروجردی» با به کارگیری امکانات یک شهرک نیمه‌کاره در جاده مهران-ایلام راه‌اندازی شد(محمدزاده، ۱۳۸۶، ص ۸۸؛ عراقی‌زاده و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۱۴۱).

۶-۲. عملیات والفجر ۴

پس از آن، عملیات والفجر ۴ در ۲۷ مهر ۱۳۶۲ در شمال غرب کشور در دو محور منطقه عمومی «شیلر» و منطقه «آلان» سردشت در منطقه‌ای به وسعت ۶۰۰ کیلومتر مربع در سه مرحله توسط سپاه پاسداران با همکاری ارتش جمهوری اسلامی ایران و تحت نظارت قرارگاه حمزه سیدالشهدا اجرا شد. این عملیات به خاطر ویژگی‌های محیطی و محدودیت‌های خاصی که داشت در میان عملیات‌های هشت سال

مهندسی نیروی رزمی سپاه در سال ۱۳۶۲ اقدام به ساخت بیمارستان خاتم‌الانبیا در سهراب فتح، منطقه عمومی جعفر کرد. «این بیمارستان در ۹۳۶ متر مربع، شامل داروخانه، یک بخش رادیولوژی، بانک خون، آزمایشگاه، ۱۷ تخت اورژانس، ۴ تخت ریکاوری، درمانگاه و ۸ اتاق عمل در ابعاد ۴ در ۵/۸۰ متر بنا شد. همچنین ۳۵ تخت اورژانس سرپایی و بستری آن، تا ۴۰ تخت نیز قابل افزایش بود. در ساخت این بیمارستان از سوله‌های فلزی پنج‌ضلعی در ابعادی با دهانه ۴ متر و ورق گالوانیزه موجدار استفاده شد. برق این سازه از طریق شبکه و ژنراتور، و آب مورد نیاز آن از شهر تأمین می‌شد. برای تأمین گرمایش و سرمایش بیمارستان نیز، دستگاه چیلر و کولر گازی در نظر گرفته شده بود» (حسینی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۵). با وجود خدمات ارزنده این بیمارستان در عملیات خیبر، بر اثر اصابت گلوله دشمن تعدادی از پزشکان و کادرهای پزشکی آن به شهادت رسیده یا مجروح شدند. از جمله شهدای این حادثه، دکتر محمدعلی رهنمون معاون درمان وقت بهداری کل سپاه بود. این بیمارستان در عملیات خیبر پذیرای ۱۵۶۰۶ مجروح بود و ۲۱۷ مورد عمل جراحی در آن انجام شد (محمدزاده، ۱۳۸۶، صص ۸۵ و ۸۸؛ عراقی‌زاده و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۱۴۱).

بیمارستان خاتم‌الانبیا نخستین تجربه بیمارستان صحرایی در منطقه جنوب بود و به همین جهت چند مشکل اساسی داشت. نخست اینکه به اندازه کافی مستحکم نبود و دیگر اینکه منطقه جغرافیایی آن مناسب نبود، زیرا هم در تیررس دشمن قرار داشت و هم چون خاک منطقه رملی بود، هنگام بارندگی‌های شدید آب وارد بیمارستان می‌شد (ریپهای، ۱۳۹۱، ص ۶۲). مشکلاتی که بیمارستان داشت باعث شد که بیمارستان دیگری به نام امام رضا^(ع) در همین منطقه و البته با موقعیت جغرافیایی بهتر ساخته شود. از بیمارستان خاتم‌الانبیا^(ص) در عملیات بدر - ۱۹

در حاشیه جاده مریوان به شیار شیلر توسط جهاد سازندگی ساخته شده بود. این دو بیمارستان ترکیبی از سازه‌های بتونی و فلزی بودند (عراقی‌زاده و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۱۴۱). در این عملیات بیمارستان صحرایی رادمنش ۱۱۶۰۷ مصدوم را پذیرش کرد و ۲۰۱ عمل جراحی انجام داد. همچنین بیمارستان شهید بروجردی افزون بر پذیرش ۴۱۳۵ مصدوم، ۳۲۱ عمل جراحی انجام داد (محمدزاده، ۱۳۸۶، ص ۸۵).

۳-۶. بیمارستان صحرایی خاتم‌الانبیاء در عملیات خیبر؛ نخستین تجربه بزرگ

پس از عملیات والفجر (فروردین ۱۳۶۲) و بروز دیدگاه‌های متفاوت در ارتش و سپاه، فرمانده سپاه با تشکیل یک قرارگاه در منطقه هور، شناسایی منطقه را به‌طور مستقیم کنترل و هدایت کرد (درودیان، ۱۳۷۵، ص ۸۱). بر این اساس، بار دیگر تصمیم ایران بر اجرای عملیات در مرداب‌های هورالهوریزه با تغییر زمین منطقه از خشکی به آب با ویژگی‌های «هور»، الزامات

خاصی را بر شبکه بهداری رزمی سپاه پاسداران از جمله وضعیت بیمارستان‌های صحرایی تحمیل کرد. در واقع، پشتیبانی درمانی در عملیات پیش‌رو از جمله امکانات بیمارستان صحرایی مورد نظر باید با توجه به ویژگی‌های منطقه عملیات در سطح انتظارات راهبردی جدید ارتقاء می‌یافت. در واقع ضرورت فوری ایران، به‌دست گرفتن «ابتکار عمل نظامی» و «امکان غافل‌گیری دشمن» بود و توان مهندسی پزشکی نیز باید خود را با شرایط و راهبرد جدید همراه می‌ساخت. بر این اساس

در اواخر سال نخست جنگ
فکر ایجاد بیمارستان‌های
سنگری زیرزمینی در پشت
خطوط اصلی جبهه که در
خط انتقال مجروحین تأسیس
شود، مورد استقبال قرار
گرفت

اورژانس سنگری (زیرزمینی) برای پذیرش مجروحین و بیماران یگان‌های عملیاتی مجاور قرارگاه دایر شد. اقلام مورد نیاز و تجهیزات آن از طریق اداره بهداشت و درمان نازجا تأمین می‌شد. در اوایل سال ۱۳۶۳ بر حسب ضرورت، این امکانات گسترش یافت و تبدیل به بیمارستان سنگری شد. از ۱۵ خرداد ۱۳۶۳ مدیریت و پشتیبانی لجستیکی آن به عهده پشتیبانی منطقه ۳ تهران گذارده شد که در منطقه مستقر بود، اما نیازمندی‌های لجستیکی آن از طریق محل قرارگاه خاتم‌الانبیا تأمین می‌شد. سپس در جلسه هماهنگی با وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی در تاریخ ۲۶ مهر ۱۳۶۵ واگذاری آمبولانس، دارو، وسایل و

اسفند ۱۳۶۳- نیز استفاده شد و تقریباً به مدت دو سال تا اوایل عملیات والفجر ۸ عملیاتی بود. در عملیات بدر، بیمارستان دیگری به نام بیمارستان شهید بهشتی در شمال بیمارستان خاتم‌الانبیا^(ص) به طرف هویزه ساخته شد و مورد بهره‌برداری قرار گرفت. یک بیمارستان صحرائی دیگر از همین نوع توسط ارتش در شرق جاده خرمشهر به سمت شلمچه نزدیک حسینیّه ساخته شد که تنها ۱۵۰۰ متر با خط مقدم فاصله داشت و امام حسین^(ع) نام گرفت (نیک، ۱۳۹۱، ص ۴۰؛ محمدزاده، ۱۳۸۶، ص ۸۸؛ عراقی‌زاده و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۱۴۱).

۴-۶. بیمارستان صحرائی چنانه (شهید کلاهدوز)

ارتش جمهوری اسلامی نیز با تجربه‌ای که از بیمارستان‌های چادری به‌دست آورده بود، در تاریخ ۱ اسفند ۱۳۶۲ بیمارستانی با ظرفیت ۶۰ تخت‌خواب به صورت سنگری (زیرزمینی) در محور اندیمشک- دهلران سهراهی چنانه به نام بیمارستان صحرائی زیرزمینی چنانه (شهید کلاهدوز) ایجاد کرد. این بیمارستان به صورت راهرویی به عرض ۵ متر بود که در طرفین آن کانکس‌های بیمارستان صحرائی متحرک در سنگر قرار داده شده بود. سرانجام به علت مشکلاتی که وجود کانکس‌ها در بیمارستان سنگری داشت، کانکس‌ها از محل خارج و به جای آن از اتاق‌های سوله‌ای در زیر زمین استفاده شد. بیمارستان یادشده به‌طور نسبی کارایی خوبی داشت و در عملیات خیبر در طلایه در تاریخ ۳ اسفند و در عملیات بدر در جزیره مجنون در تاریخ ۲۰ اسفند ۱۳۶۳ خدمات ارزنده‌ای ارائه کرد. این بیمارستان تا آخرین روزهای دفاع مقدس آماده به‌کار بود و کارایی خوبی داشت (نامجوی نیک، ۱۳۸۹، صص ۱۴۲ و ۱۴۳).

۵-۶. بیمارستان صحرائی (زیرزمینی) حسینیّه

در اواخر سال ۱۳۶۲ نیز در مجاورت قرارگاه خاتم‌الانبیا در کنار جاده خرمشهر- آبادان یک مرکز

«سیر تحول بیمارستان‌های صحرائی» با تشکیل بهداری رزمی و بهداری سپاه همگام است

کمک به اعزام رزیدنت‌های جراحی و بیهوشی از طریق وزارت‌خانه مزبور تضمین شد. بیمارستان یادشده در عملیات بدر ناحیه جنوب در تاریخ ۲۰ اسفند ۱۳۶۳، همچنین عملیات قدس ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ از تاریخ ۲۳ تیر ۱۳۶۴ تا ۱۷ مهر ۱۳۶۴ و عملیات والفجر ۸ و ۹ از تاریخ ۲۰ بهمن ۱۳۶۴ تا ۲۵ اسفند ۱۳۶۴ با پذیرش

مجروحین و بیماران و مداوای آنان و سپس اعزام به بیمارستان منطقه‌ای ۵۷۸ اهواز نقشی مؤثر در دفاع مقدس به عهده داشت. سرانجام در ۷ دی ۱۳۶۵ با توقف عملیات رزمی از جنوب کشور امکانات آن به بیمارستان‌های صحرائی غرب کشور انتقال یافت (نامجوی نیک، ۱۳۸۹، ص ۱۴۵).

افزون بر بیمارستان‌های صحرائی جنوب، ارتش جمهوری اسلامی ایران اقدام به برپایی این نوع بیمارستان‌ها در جبهه غرب شامل بیمارستان صحرائی (زیرزمینی) منطقه‌ای ۵۲۸ سومار معروف به

ارائه داد. مجروحینی که نیاز به خدمات درمانی پیشرفته‌تری داشتند از طریق زمینی یا به‌وسیله بالگرد به بیمارستان شهر مریوان یا بیمارستان الله‌اکبر میان راهی سنندج یا خود بیمارستان منطقه‌ای ۵۲۴ سنندج منتقل می‌شدند. در ۵ اسفند ۱۳۶۶ با توجه به شرایط منطقه داروهای درمانی ش.م،ر از طرف اداره بهداری نازجا به بیمارستان ارسال می‌گردید. در ۲۴ فروردین ۱۳۶۷ به علت گسترش درگیری در منطقه تعداد مجروحین اعزامی به بیمارستان کولان ۱۷۲۰ نفر و مجروحین ش.م،ر پذیرش شده ۱۸۶۰ نفر بود که با توجه به پیش‌بینی قبلی و احداث مرکز اورژانس در داخل پادگان مریوان که شامل حمام‌های ۱۲ دوشه و وان‌های محلول شیمیایی بود همچنین تأمین اقلام دارویی مربوطه و کارکنان آموزش دیده درمان لازم برای همه مجروحان انجام گردید و تعدادی نیز به طور مستقیم از محل درگیری به بیمارستان‌های میان راه توحید و الله اکبر اعزام شدند (نامجوی‌نیک، ۱۳۸۹).

۶-۸. والفجر ۵، بیمارستان صحرایی مهران (کربلا)
در سال ۱۳۶۳، مهندسی رزمی سپاه در ۱۵ کیلومتری مهران- سه‌راه «کانی سخت» جاده ایلام اقدام به تأسیس بیمارستان صحرایی مهران (کربلا) کرد. این بیمارستان در مساحت ۹۰۵ متر مربع، با به‌کارگیری سوله‌های فلزی پنج‌ضلعی با دهانه ۳/۷۰ متر و قاب هلالی با دهانه ۴ متر بنا و با ۲ متر خاک استتار شده بود. از این بیمارستان برای پشتیبانی عملیات والفجر ۵ استفاده شد (حسینی، ۱۳۶۸، ص ۱۲۸).

در عملیات والفجر ۵ برای اولین بار اورژانس بتونی هم ساخته شد. در این عملیات با وجود اینکه منطقه وسیعی درگیر نبود، اما حجم آتش دشمن بسیار سنگین بود و دشمن چه هوایی و چه زمینی، منطقه را به‌طور مرتب بمباران می‌کرد؛ بنابر این تصمیم گرفته شد که اورژانس بتونی در

شهید سرگرد دکتر هجرتی (۲ اردیبهشت ۱۳۶۲)، بیمارستان صحرایی (زیرزمینی) پادگان ابوذر (سرپل ذهاب) (۱۱ مهر ۱۳۶۲)، و بیمارستان صحرایی (زیرزمینی) نفت‌شهر (۱۴ آبان ۱۳۶۳) نمود. همچنین تأسیس بیمارستان‌های صحرایی «کلاشین» (شهدای بدر) و «کولان» در جبهه شمال غرب از دیگر اقدامات ارتش در این زمینه بود. این بیمارستان‌ها به شکل سوله‌ای ساخته شده بودند (بی‌نا، ۱۳۹۰).

۶-۶. بیمارستان صحرایی (زیرزمینی) کلاشین

بیمارستان صحرایی (زیرزمینی) کلاشین (شهدای بدر) در ۱۰ تیر ۱۳۶۴ توسط پشتیبانی منطقه ۴ به صورت سوله‌ای در حوالی اشنویه، مجاور مرز ایران و عراق ساخته شد. نیازهای ترابری و پشتیبانی این بیمارستان توسط پشتیبانی منطقه ۴ تأمین می‌گردید. اعزام تیم‌های جراحی و بیهوشی و گروه پزشکی به صورت مأموریت توسط اداره بهداری نازجا انجام می‌گرفت. این بیمارستان در فروردین ۱۳۶۶ در عملیات نصر ۱ و در ۲۵ فروردین ۱۳۶۶ در عملیات کربلای ۷ اقداماتی مؤثر در درمان و جابه‌جایی مجروحین به‌عمل آورد. سپس در ۱۲ خرداد ۱۳۶۶ در عملیات نصر ۲؛ در ۲۷ خرداد ۱۳۶۶ در عملیات نصر ۳؛ در ۳۱ خرداد ۱۳۶۶ در عملیات نصر ۴؛ در ۳ تیر ۱۳۶۶ در عملیات نصر ۵؛ در ۱۰ مرداد ۱۳۶۶ در عملیات نصر ۶؛ در ۲۹ آبان ۱۳۶۶ در عملیات نصر ۸؛ و در ۱ آذر ۱۳۶۶ در عملیات نصر ۹ فعالیتی چشمگیر داشت (نامجوی‌نیک، ۱۳۸۹).

۶-۷. بیمارستان صحرایی کولان

بیمارستان صحرایی کولان نیز در ۲۰ تیر ۱۳۶۲ توسط بهداری تیپ مستقل مریوان در کنار ستاد عملیاتی به صورت مرکز اورژانس تأسیس شد و هنگام عملیات این مرکز توسعه داده شده و به صورت بیمارستان صحرایی از نوع سوله‌ای آماده خدمت‌رسانی گردید. این بیمارستان در ۲۷ مهر ۱۳۶۲ در عملیات والفجر ۴ خدمات ارزنده‌ای

سوله‌ای ساخته می‌شد، اما پس از اینکه در عملیات خیبر، دکتر رهنمون و چند پزشک و کادر درمانی به خاطر مستحکم نبودن بیمارستان خاتم‌الانبیاء جان خود را از دست دادند، فرماندهان سپاه به این نتیجه رسیدند که باید بیمارستان‌های بتنی و مستحکم در جبهه‌ها ساخته شود و به این صورت ساخت بیمارستان‌های بتنی از عملیات بدر آغاز شد و تا پایان جنگ هم ادامه داشت (گفت و گو با سردار فتحیان، ماهنامه صنعت درمان، ۱۳۹۱، ش ۱۹، ص ۴۸). با بهره‌گیری از تجارب پیشین، در سال ۱۳۶۳ تأسیس نخستین بیمارستان صحرایی بتنی مقاوم در زیربنایی به مساحت ۱۳۲۶ مترمربع در منطقه شرق هور در محور جزایر مجنون، منطقه عمومی جفیر و ابتدای جاده شهید همت به نام بیمارستان امام رضا^(۷) برای پشتیبانی از نوار مرزی منطقه جفیر در دستور کار اداره کل مسکن و شهرسازی استان‌های اصفهان و خراسان با پشتیبانی فنی مهندسی قرارگاه کربلا قرار گرفت که پس از حدود یک سال، از آن بهره‌برداری شد (نیکو، ۱۳۹۱، ص ۴۰؛ محمدزاده، ۱۳۸۶، ص ۸۸؛ عراقی‌زاده و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۱۴۱؛ نقشه بیمارستان‌های صحرایی دوران دفاع مقدس، ۶۲-).

نزدیکی خط مقدم ساخته شود تا هم مجروحان در کوتاه‌ترین زمان ممکن، یعنی حدود ۱۰ دقیقه به اورژانس برسند و هم این سازه استحکام کافی داشته باشد. «ساخت این اورژانس‌های بتنی [دو اورژانس در منطقه ساخته شده بود] تقریباً معجزه بود. برای ساخت این اورژانس، بتون‌ها با تریلر در زمان خاصی از شبانه‌روز به منطقه‌ای که زیر آتش شدید دشمن بود حمل می‌شد. این اورژانس‌ها که حدود ۲۲ متر طول داشت در حدود یک هفته ساخته شدند و تأثیر زیادی هم در نجات جان مجروحان داشتند. به‌طور معمول نیروی تخصصی که برای اورژانس‌ها تعریف می‌شد در حد پزشک عمومی بود اما در این عملیات به خاطر شرایط خاصی که داشت، پزشکان متخصص هم حضور داشتند و حتی عمل‌های جراحی کوچک هم انجام می‌شد» (مصاحبه با سردار احمد اخوان، ۱۳۹۱، صص ۴۳ و ۴۴).

۷. بیمارستان‌های صحرایی با سازه‌های بتنی

۷-۱. بیمارستان امام رضا^(۷)، نخستین بیمارستان بتنی مقاوم در عملیات بدر
تا عملیات خیبر بیمارستان‌های صحرایی به شکل



بیمارستان صحرایی در جزیره مجنون؛ عملیات بدر؛ ۱۳۶۳/۱۱/۲۵

۱۳۶۱؛ نقشه و طرح‌های مرتبط با بیمارستان‌های صحرایی، ۶۶-۱۳۶۳).

پیش از اینکه این بیمارستان ساخته شود، بیمارستان صحرایی، به نام امام رضا^(ع) در این منطقه وجود داشت که با پلایت ساخته شده و پس از راه‌اندازی بیمارستان جدید، تجهیزات آن به بیمارستان بتنی جدید منتقل شد. بیمارستان صحرایی امام رضا^(ع)، اورژانسی با ۲۰ تخت داشت که در مواقع ضروری این امکان وجود داشت که ۵۰ تخت اورژانس دیگر به آن اضافه شود همچنین چهار اتاق عمل برای این بیمارستان در نظر گرفته شده بود. «این بیمارستان اولین تجربه بیمارستان بتنی بود به همین جهت

استحکام سازه‌اش خیلی زیاد نبود. بیمارستان‌های بتنی که پس از این بیمارستان ساخته شد، سازه‌های قوی‌تری داشتند» (ریبهاوی، ۱۳۹۱، ماهنامه صنعت درمان، ش ۱۹، ص ۶۳). این بیمارستان در عملیات بدر- ۱۹ اسفند ۱۳۶۳- به ۱۱۹۳۰ مجروح خدمات ارائه داد و ۹۱ عمل جراحی انجام داد. همچنین بیمارستان صحرایی «بقای

مقدم» ۲۷۰۴ مجروح را پذیرفت و ۲۱۴ عمل جراحی انجام داد (محمدزاده، ۱۳۸۶، ص ۸۵).

۷-۲. بیمارستان فاطمه‌الزهر^(س)، عملیات والفجر ۸ یک سال پس از عملیات بدر فضای روانی حاکم بر جبهه‌ها و جامعه، همچنین تبلیغات بین‌المللی که بر بن‌بست راهکار نظامی ایران در نبرد با عراق تأکید می‌ورزید، ضرورت اجرای عملیاتی بزرگ و متفاوت از عملیات‌های گذشته را که نتایجی شگرف در پی داشته باشد، ضروری ساخته بود. براین اساس عملیات والفجر ۸، در ۲۰ بهمن

۱۳۶۴ در منطقه فاو اجرا شد. متناسب با گستره و پیچیدگی عملیات، سازمان بهداری سپاه پاسداران از جمله ساخت و تجهیز بیمارستان‌های صحرایی نیز با شرایط جدید، سازماندهی شد. براین اساس، بیمارستان فاطمه‌الزهر^(س) در منطقه چوبیده^(بندر) چوبیده کنار رودخانه بهمن‌شیر) جزیره آبادان در عملیات والفجر ۸ مورد بهره‌برداری قرار گرفت که تأثیری شایان در ارائه خدمات درمانی به رزمندگان اسلام داشت (محمدزاده، ۱۳۸۶، ص ۸۸؛ عراقی‌زاده و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۱۴۱؛ زلفی^{*}، ۱۳۹۱). این بیمارستان به یک شهرک شبیه بود و به‌طور کامل در زیر زمین قرار داشت به‌گونه‌ای که آمبولانس کاملاً زیرزمین می‌رفت (صانعی، ۱۳۹۰، ص ۴۰)؛ لیکن با وجود اینکه، این بیمارستان سازه خوبی داشت، اما استحکامش به اندازه بیمارستان‌های امام حسن^(ع)، امام حسین^(ع) و علی‌بن‌ابی‌طالب^(ع) نبود (ریبهاوی، ۱۳۹۱، ص ۶۳). علیرغم این مسئله، دو بار بمباران این بیمارستان در عملیات والفجر ۸ هیچ‌گونه آسیب جدی به آن وارد نکرد و هیچ یک از بیماران و کادر پزشکی صدمه ندیدند (نیکو، ۱۳۹۱، ص ۴۰؛ ریبهاوی، ۱۳۹۱، ص ۶۳). عملیات ساخت این بیمارستان در سال ۱۳۶۴ توسط قرارگاه خاتم‌الانبیاء^(ص) آغاز شد و در همان سال نیز به پایان رسید (دارایی، ۱۳۹۱، ص ۶۳).

نکته مهم اینکه بیمارستان فاطمه‌الزهر^(س) به خاطر موقعیتی که داشت از طریق رودخانه بهمن‌شیر با قایق نیز پذیرای مجروحان بود. همچنین درمان‌های اولیه بسیاری از مصدومان شیمیایی در سایت شیمیایی این بیمارستان انجام می‌شد (ریبهاوی، ۱۳۹۱، ص ۶۳). بر روی هم، این بیمارستان توانست شمار زیاد مجروحان جنگی عملیات والفجر ۸ را پشتیبانی کند و پزشکان در این بیمارستان عمل‌های جراحی سنگینی انجام دادند. «در بیمارستان‌های علی

* مسئول بیمارستان‌های صحرایی در منطقه جنوب

بر اساس سوابق موجود در عملیات طریق‌القدس در ۸ آذر ۱۳۶۰ اولین بیمارستان صحرایی در دفاع مقدس به صورت کانکس و چادر در منطقه سوسنگرد توسط بهداری رزمی سپاه ساخته و به‌کارگیری شد

سایت از بتن پیش ساخته نوع ترکیبی استفاده شده و نوع قالب راهروها دال بتنی بود. این بیمارستان هشت اتاق عمل در ابعاد ۵۰/۷ در ۵۰ داشت (حسینی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۳). این بیمارستان در عملیات کربلای ۴ پذیرای ۶۰۰۰۰ مجروح، انجام ۱۸۵ مورد عمل جراحی و در کربلای ۵، پذیرای ۱۵۲۰۷ مجروح و انجام ۱۹۷۰ عمل بود. همچنین در عملیات کربلای ۴، بیمارستان‌های صحرایی بقایای مقدم و جهادگران به ترتیب ۱۲۱۴۲ و ۱۵۲۵ مجروح را پذیرا بودند و ۴۶ و ۵۳ مورد عمل جراحی انجام دادند (محمّدزاده، ۱۳۸۶، ص ۸۵). بیمارستان علی ابن ابی طالب^(ع) در طول فعالیت خود تعداد بی شماری مجروح شیمیایی را نیز درمان اولیه کرد و در عملیات کربلای ۸ هم به نحو چشمگیری فعال بود. همچنین در سال ۱۳۶۷ هم زمان با حمله مجدد عراق به اراضی ایران حضور داشت به طوری که در مرداد این سال، ۶۹۰۰ نفر به صورت سرپایی و ۲۱۹ نفر نیز بستری و درمان شدند (حسینی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۳).

پیش از راه اندازی بیمارستان امام حسین^(ع)، بیشتر مجروحان در بیمارستان علی بن ابی طالب^(ع) تخلیه می شدند. «پس از عملیات والفجر ۸، نوار مرزی جزیره مینو تا خود شلمچه تحت پوشش این بیمارستان قرار گرفت و نیروهایی که در این نوار مرزی مجروح می شدند، برای مداوا به این بیمارستان ارجاع داده می شدند» (ریبهاوی، ۱۳۶۱، ص ۲۱).

به مرور بر حسب ضرورت‌های موجود و با توجه به کسب تجارب پیشین و با وارد شدن یگان‌های رزمی سپاه و جهاد سازندگی بیمارستان‌هایی با سازه سوله‌ای که عمدتاً در زیر خاک استتار شده بودند، ایجاد و راه اندازی شدند. اولین بیمارستانی که به این شکل ساخته شد، بیمارستان صحرایی شهید باقری در غرب دزفول بود که توسط مهندسی رزمی سپاه در سال ۱۳۶۱ احداث گردید

ابن ابی طالب^(ع) و فاطمه الزهرا^(س) در روزهای آفندی در عملیات‌های والفجر ۸ و کربلای ۵ که هر کدام از بیمارستان‌ها ۱۸ اتاق عمل داشت، روزانه ۱۰۳ عمل جراحی انجام می شد که به طور متوسط هر عمل جراحی ۱۰۱ دقیقه طول می کشید. بیمارستان فاطمه الزهرا^(س) در مجموع ۱۴۲۰۰ مجروح را پذیرفت و ۱۴۵۰ عمل جراحی انجام داد» (محمّدزاده، ۱۳۸۶، صص ۸۵ و ۸۷).

همچنین، اولین بیمارستان صحرایی که در آن مرکز دندان پزشکی مجهز و خوبی راه اندازی شد، بیمارستان صحرایی حضرت فاطمه^(س) بود: «در بیمارستان صحرایی حضرت فاطمه^(س)، سه یونیت بسیار خوب دندان پزشکی راه اندازی شده و به رزمندگان خدمات اولیه ارائه می شد» (گفت و گو با دکتر اکبر فاضل و دکتر کاظم آشفته یزدی، ۱۳۹۱، ص ۲۵).

آزادسازی مهران

با از دست دادن فاو ارتش عراق با طرح دفاع متحرک دست به اقداماتی زد که اشغال مجدد شهر مهران از آن جمله بود. بر این اساس و با تأکیدی که امام خمینی (ره) بر آزاد ساختن شهر مهران داشتند، عملیات کربلای ۱ با هدف آزادسازی شهر مهران توسط نیروی زمینی سپاه پاسداران طراحی و در ۹ تیر ۱۳۶۵ اجرا شد. در این عملیات، بیمارستان امیرالمؤمنین و مهران به ترتیب پذیرای ۵۲۰۰ و ۴۹۲۰ مصدوم بودند و ۲۷۷ و ۲۵۱ عمل جراحی انجام دادند (محمّدزاده، ۱۳۸۶، ص ۸۵).

۷-۳. بیمارستان علی ابن ابی طالب^(ع)

در پاییز ۱۳۶۴، قرارگاه مهندسی رزمی قرارگاه خاتم الانبیا^(ص) و بهداری رزمی جنوب سپاه پاسداران اقدام به تأسیس بیمارستان علی ابن ابی طالب^(ع) (شهید ادب) در منطقه مارد، واقع در ۱۱ کیلومتری آبادان کرد. این بیمارستان در مساحتی بالغ بر ۲۸۹۴ مترمربع بنا شد. در قطعات کف، دیوار و سقف این



بیمارستان صحرایی در منطقه عملیاتی شمال غرب؛ حلبچه، ۱۳۶۵/۱۰/۳۰

مورد نیاز آن از موتور برق تأمین می‌شد، به گونه‌ای که با وجود اینکه پایتخت کشور با قطع برق مواجه بود اما در این بیمارستان چنین مشکلی وجود نداشت (نیکی، ۱۳۹۱، صص ۳۹ و ۴۰).

۴-۷. بیمارستان امام حسین^(ع)، عملیات کربلای ۵
بیمارستان صحرایی امام حسین^(ع) در ۳۵ کیلومتری خرمشهر* قرار دارد. این بیمارستان یکی از مستحکم‌ترین و مجهزترین بیمارستان‌های صحرایی در زمان جنگ تحمیلی بوده است. ساختمان اصلی این بیمارستان در سال ۱۳۶۴ و در کمتر از هشت ماه ساخته شد و در سال‌های ۶۵، ۶۶ و ۶۷ پشتیبان بسیاری از عملیات‌ها بود؛ اما ساخت بخش‌های دیگر، از سال ۱۳۶۵ شروع شد و تا سال ۱۳۶۶ ادامه یافت. بیمارستان صحرایی امام حسین^(ع) در موقعیت سوق‌الجیشی بسیار خوبی بنا شده، مجروحان نوار مرزی شلمچه تا پیچ کوشک را پوشش می‌داد. این بیمارستان به یکی از بهترین سایت‌های شیمیایی نیز مجهز بود که در دل تپه‌ای کوچک قرار داشت و به طور کامل استتار شده بود. فاصله این بیمارستان تا

* ۳. جاده اهواز- خرمشهر از ایستگاه حسینی، ۷ کیلومتر به سمت دارخوین.

۱۳۹۱، ماهنامه صنعت درمان، ش ۱۹، ص ۶۴). از نظر فنی، سازه بیمارستان علی‌بن‌ابی‌طالب^(ع)، نسبت به بیمارستان امام حسن^(ع) و امام حسین^(ع) ضعیف‌تر بود. نقشه مهندسی این بیمارستان هم با بیمارستان امام حسن^(ع) و امام حسین^(ع) تفاوت داشت، لیکن «با وجود اینکه بیمارستان علی‌بن‌ابی‌طالب^(ع) از بیمارستان‌های امام حسن^(ع) و امام حسین^(ع) مقداری کوچک‌تر بود، اما تمام بخش‌هایی که در یک بیمارستان نیاز است مانند بخش اورژانس، آزمایشگاه، رادیولوژی، ریکآوری، داروخانه و بقیه بخش‌های پاراکلینیک را در بر داشت. هشت اتاق عمل این بیمارستان با راهروهایی به هم متصل بودند. همچنین سایت‌های اداری و پشتیبانی هم در خارج بیمارستان و در محوطه اطراف طراحی و ساخته شده بود» (ربی‌هاوی، ۱۳۹۱، ماهنامه صنعت درمان، ش ۱۹، ص ۶۴). بر روی هم رفته، بیمارستان علی‌بن‌ابی‌طالب^(ع) به نحوی پیشرفته ساخته شده بود که تیم‌های بازدیدکننده از کشورهای مختلف هم‌چون ژاپن و چین و ... متحیر بودند که با وجود تحریم‌ها و فشارهای خارجی، ایران چگونه توانسته است به آن سطح از پیشرفت در زمینه پزشکی دست یابد. این بیمارستان در برابر حملات هوایی مقاوم بود و انرژی

درب ورودی و خروجی داشت که سه درب آن در قسمت جلو و بقیه در قسمت پشت ساختمان قرار داشتند.

در عملیات کربلای ۵، از سایت شیمیایی این بیمارستان نسبت به بخش درمانی آن بیشتر استفاده شد و تنها در تک‌های آخر ارتش عراق بود که از بخش درمانی این بیمارستان بهره گرفته شد. پس از آنکه قطعه‌نامه ۵۹۸ پذیرفته شد، این بیمارستان به مدت ۴۸ ساعت در تصرف عراقی‌ها بود و از آن زمان آثار دو گلوله تانک بر دیوار این بیمارستان به جا مانده است. بیمارستان امام حسین^(ع) اکنون بازسازی و تبدیل به موزه شده است (زلفی، ۱۳۹۱؛ ربیهاوی، ۱۳۹۱، ص ۶۵؛ روزنامه رسالت، ش ۶۳۸۹، ۲۵ اسفند ۱۳۸۶، ص ۶). در سال‌های جنگ تحمیلی ۲۷ هزار و ۳۶۶ مجروح جنگی به این بیمارستان منتقل شده و ۱۷ هزار و ۷۸۰ عمل جراحی، ۸ هزار و ۶۱۴ مورد خون‌گیری، ۴ هزار و ۲۸۳ مورد آزمایش و ۳ هزار و ۷۰۳ مورد رادیولوژی نیز در این بیمارستان انجام شد (زلفی، ۱۳۹۱). تنها در عملیات کربلای ۵ بیمارستان‌های بقایی مقدم و امام حسین^(ع) به ترتیب ۵۹۶۱۵ و ۱۳۴۹۷ مجروح را مداوا کردند همچنین ۱۲۲۴ و ۹۱۴ عمل جراحی انجام دادند (محمدزاده، ۱۳۸۶، ص ۸۵). بر روی هم رفته، بیمارستان صحرائی امام حسین^(ع) نمونه کامل از دانش مهندسی و پزشکی نظامی و نظام مدیریت بهداشت و درمان بود.

۷-۵. والفجر ۱۰

با انتقال مجدد عملیات به مناطق شمالی، عملیات والفجر ۱۰ در ۲۳ اسفند ۱۳۶۶ در محور حلبچه و سد دربندیخان اجرا شد. در این عملیات چهار قرارگاه فتح، قدس، کاظمین و بعثت با تأسیس پنج بیمارستان صحرائی (با ۲۹ اتاق عمل) و ۱۱ اورژانس (با ۲۲۰ تختخواب)، ۲ نقاهتگاه با ۵۰۰۰ تخت، ۴ ایستگاه مصدومین شیمیایی و ایستگاه هوانیروز با تجهیزات به نسبت کافی، چند هزار مجروح را تحت درمان قرار

مرز عراق تنها ۹ کیلومتر و ۷۰۰ متر بود. مسئولیت ساخت این بیمارستان نیز بر عهده قرار خاتم‌الانبیاء^(ص) و وزارت مسکن و شهرسازی بوده است. ساختمان اصلی بیمارستان درون تپه‌ای محصور شده و سقف هلالی شکل آن از سه لایه تشکیل شده بود: لایه اول بتنی با مقاومت زیاد؛ سقف دوم از جنس سرب و پس از آن لایه دیگری از جنس ماسه بادی و گل رس به قطر پنج متر. به این ترتیب سقف بیمارستان مقاوم و قدرت تحمل بمب‌های ۵۰۰ پوندی را داشت و به طور کامل هم استتار شده بود.

بیمارستان امام حسین^(ع) کاملاً مجهز بود به‌طوری که دارای ۳۰۲ اتاق، ۸ اتاق عمل، ۲۵ تخت اورژانس برای مجروحین عادی و ۲۰ تخت اورژانس برای مصدومین شیمیایی، داروخانه، بخش ICU و آزمایشگاه، رادیولوژی، محل تخلیه مجروحان، محل خوابگاه پزشکان و ۱۴۵۰ نفر پزشک و کادر مرتبط پزشکی و ۱۲۰ نفر کادر اجرایی بود. در بخشی از محوطه اطراف بیمارستان هم مکانی برای تعمیر آمبولانس‌ها آماده شده بود. باند فرود بالگرد هم در پشت ساختمان قرار داشت و یکی از خروجی‌های بیمارستان به سمت این باند بود و مجروحان از این طریق به اهواز منتقل می‌شدند. این بیمارستان دو سالن داشت که سالن سمت چپ مخصوص تخلیه مجروح بود. پس از تخلیه، وضعیت مجروحان بررسی می‌شد و بعضی از آنها به بیمارستان بقایی اهواز اعزام و برخی نیز مستقیم به اتاق عمل منتقل می‌شدند. در انتهای راهرو دوم بیمارستان، اتاق‌های عمل قرار گرفته بود. همچنین، با توجه به اینکه تعداد زیادی مجروح به این بیمارستان منتقل می‌شدند، لازم بود هوای درون بیمارستان به خوبی تهویه شود. برای این کار چند هواکش در مسیر وزش باد ایجاد شده بود. به این ترتیب هنگام وزش باد، هوای درون بیمارستان به صورت طبیعی در گردش بود و هوای تازه به داخل وارد می‌شد. همچنین این بیمارستان ۹

به نقاط مختلف کشور انجام می‌گرفت (حاج احدی و دیگران، ۱۳۸۱، ص ۷۸).

هر چند شبکه امداد و انتقال مجروحان در سال‌های میانی جنگ توان بالایی داشت و وسیله‌های مختلفی برای انتقال بیماران تعریف شده بود اما باز هم گاهی غافل‌گیری پیش می‌آمد و انتقال و درمان مجروحان با مشکل مواجه می‌شد. در بمباران شیمیایی حلبچه فرماندهان ایران هرگز تصور نمی‌کردند که صدام مردم خود را بمباران شیمیایی کند؛ به خاطر همین تدارکات لازم برای امداد و نجات در آن منطقه تعریف نشده بود: «منطقه کوهستانی بود، انتقال این همه مجروح در آن منطقه با شرایط خاصی که داشت، بسیار مشکل بود» (گفت و گو با سردار احمد اخوان، ۱۳۹۱، ص ۴۴).

۶-۷. بیمارستان امام سجاد^(ع)

بیمارستان امام سجاد^(ع) در منطقه فاو - در داخل خاک عراق - به دستور فرمانده کل سپاه، ساخته شد. «قرار بود عملیات‌ها ادامه پیدا کند و به سمت بصره پیش‌روی کنیم، بنابراین وجود یک بیمارستان صحرایی در آن منطقه لازم بود» (دارایی، ۱۳۹۱، ص ۶۴). این بیمارستان زیرزمینی، هشت اتاق عمل، دو رادیولوژی، دو آزمایشگاه، یک اورژانس ۲۴ تخته، یک ریکاوری ۱۸ تخته و شش در داشت؛ سه در ورودی و سه در خروج اضطراری. برای این بیمارستان سایت مخصوص بیماران شیمیایی هم در خارج از ساختمان اصلی طراحی و ساخته شده بود. عملیات ساخت این بیمارستان هم بر عهده قرار خاتم‌الانبیاء^(ص) بوده است. «مجروحانی که به این بیمارستان آورده می‌شدند، باید پس از درمان‌های اولیه یا اعمال جراحی به بیمارستان‌های شهرهای عقبه منتقل می‌شدند، اما چون این بیمارستان در خاک عراق قرار داشت، مجروحان باید از رود اروند عبور داده می‌شدند تا به خاک ایران و بیمارستان‌های عقبه برسند و این فرایندی پیچیده داشت. برای

دادند. برای انتقال مجروحین در این عملیات ۵۱۵ اتوبوس و مینی‌بوس و ۵۱۰ آمبولانس و ۸ بالگرد شرکت داشتند (حاج احدی و دیگران، ۱۳۸۱، ص ۷۷). این عملیات در بامداد ۲۳ اسفند ۱۳۶۶ در محدوده بین ارتفاعات پشت جبهه و انتهای غربی بالامبو به وسعت ۱۲۰۰ کیلومتر مربع انجام شد. نبود جاده مواصلاتی، کوهستانی بودن، سرمای هوا، بمباران شیمیایی و تصرف چندین شهر عراق از مشکلات و ویژگی‌های این عملیات بود. بهداری سپاه در این عملیات به عنوان واحد پشتیبانی‌کننده حضور فعال داشت و توانست با انتقال

امکانات امدادی و انتقال مجروحین به مراکز مجهزتر و به‌خصوص در مواجهه با خیل عظیم مجروحین پیش‌بینی نشده مردم حلبچه به‌واسطه حمله شیمیایی عراق، نشان داد که می‌توان از تجارب بهداری آن زمان در مواقع بحرانی استفاده بهینه کرد (حاج احدی و دیگران، ۱۳۸۱، ص ۷۵). در این عملیات شهر حلبچه عراق مورد حمله شیمیایی قرار گرفت و هزاران زن و مرد و کودک شهر مصدوم شدند. در این میان تعداد بی‌شماری از مردم به شهادت رسیدند. نوع ماده شیمیایی به کار رفته در این حمله خردل، اعصاب

و سیانور بود. مصدومین شیمیایی در مراکز مربوطه شامل اورژانس‌های ش.م.ر و بخش‌های مخصوص در بیمارستان‌های صحرایی تحت درمان قرار می‌گرفتند و سرانجام به نقاهتگاه‌ها منتقل می‌شدند و بر حسب وضعیت عمومی تقسیم‌بندی و اعزام آنها

پس از اینکه در عملیات خیبر، دکتر رهنمون و چند پزشک و کادر درمانی به خاطر مستحکم نبودن بیمارستان خاتم‌الانبیاء جان خود را از دست دادند، فرماندهان سپاه به این نتیجه رسیدند که باید بیمارستان‌های بتنی و مستحکم در جبهه‌ها ساخته شود و به این صورت ساخت بیمارستان‌های بتنی از عملیات بدر آغاز شد و تا پایان جنگ هم ادامه داشت

اواخر جنگ و برای پوشش مجروحان نوار مرزی بستان در نزدیک مناطق عملیاتی در مسیر سوسنگرد - بستان پس از پل سابله ساخته شد اما پس از ساخت این بیمارستان، قطعنامه ۵۹۸ بین ایران و عراق به امضا رسید و جنگ تمام شد. با پایان جنگ، دیگر نیازی نبود که این بیمارستان تجهیز شود. بیمارستان صحرایی امام حسن^(ع)، یکی از کامل ترین بیمارستان های صحرایی بوده که در طول دفاع مقدس ساخته شده است؛ نقشه ساخت این بیمارستان مانند بیمارستان امام حسین^(ع) بوده، بسیار مستحکم ساخته شده است. «این بیمارستان یک اورژانس بزرگ سرپایی و بستری، هشت اتاق عمل، آزمایشگاه،

رادیولوژی، ریکواری، بخش بستری، داروخانه و همه بخش های لازم یک بیمارستان را داشته است (رییهاوی، ۱۳۹۱، ص ۶۵؛ روزنامه رسالت، ش ۶۳۸۹، ۲۵ اسفند ۱۳۸۶، ص ۶).

سرانجام تا مدتی پس از جنگ، در خطوطی که نیاز به حضور نیروهای پدافندی بود، این بیمارستان ها فعال بودند. در ضمن چون نزدیک محل سکونت مردم ساخته شده بودند، همچنان به بومی ها، عشایر و مردم عادی خدمات ارائه می دادند (صانعی، ۱۳۹۰، ص ۶۷).

۸. تحلیل و جمع بندی

ضرورت توجه به بیمارستان صحرایی در هنگامه ای به طور جدی خود را بر سازمان رزم نیروهای مسلح ایران تحمیل کرد که اساساً خود

انتقال مجروحان به خاک ایران، یک اسکله ساخته شده و چهار قایق برای حمل و نقل مجروحان اختصاص داده شده بود. پس از اینکه مجروحان با قایق به خاک ایران منتقل می شدند، آمبولانس ها آنها را به بیمارستان صحرایی حضرت فاطمه^(س) منتقل می کردند و سپس مجروحان از آنجا با بالگرد به بیمارستان های عقبه برده می شدند؛ البته گاه دشمن آنقدر آتش می ریخت که تا ۲۴ ساعت امکان انتقال مجروحان جراحی شده، به خاک ایران وجود نداشت» (دارایی، ۱۳۹۱، صص ۶۴ و ۶۵؛ زلفی، ۱۳۹۱).

بر روی هم، این بیمارستان بسیار مستحکم بود و ساخت آن بیش از یک سال طول کشید (چند بار گلوله توپ و راکت به آن اصابت کرد، اما هیچ آسیبی ندید). از سوی دیگر به دلیل احداث آن در خاک عراق، استتار آن هم با دقتی بسیار بالا انجام شد. پس از پایان ساخت بیمارستان، سه متر خاک بر روی بنای آن ریخته شد، سپس تله های انفجاری کار گذاشته شد، دوباره خاک ریخته و بار دیگر تله انفجاری کار گذاشته شد. همچنین از آنجا که بیمارستان در نخلستان بنا شده بود، بر روی آن نخل کاشتند تا به خوبی استتار شود.

بیمارستان امام سجاد^(ع) تقریباً به مدت دو سال مورد بهره برداری قرار گرفت تا اینکه رزمندگان از این منطقه عقب نشینی کردند: «در هنگام عقب نشینی، هشت مجروحی که در بیمارستان بستری بودند به ایران منتقل شدند و حتی سه شهیدی را که در منطقه بودند با قایق به ایران آوردند؛ اما دیگر فرصت نبود تا بتوان امکانات و تجهیزات بیمارستان را هم تخلیه کرد؛ بنابراین بیمارستان با تجهیزات کامل به دست عراقی ها افتاد» (دارایی، ۱۳۹۱، ص ۶۵).

۷-۷. بیمارستان امام حسن^(ع)

بیمارستان صحرایی امام حسن^(ع) در ۱۵ کیلومتری شهرستان بستان قرار دارد. این بیمارستان

در بیمارستان های علی بن ایطالب^(ع) و فاطمه الزهرا^(س) در روزهای آفندی در عملیات های والفجر ۸ و کربلای ۵ که هر کدام از بیمارستان ها هجده اتاق عمل داشت، روزانه ۱۰۳ عمل جراحی انجام می شد که به طور متوسط هر عمل جراحی ۱۰۱ دقیقه طول می کشید. بیمارستان فاطمه الزهرا^(س) در مجموع ۱۴۲۰۰ مجروح را پذیرفت و ۱۴۵۰ عمل جراحی انجام داد

کلان جنگ متمرکز است.

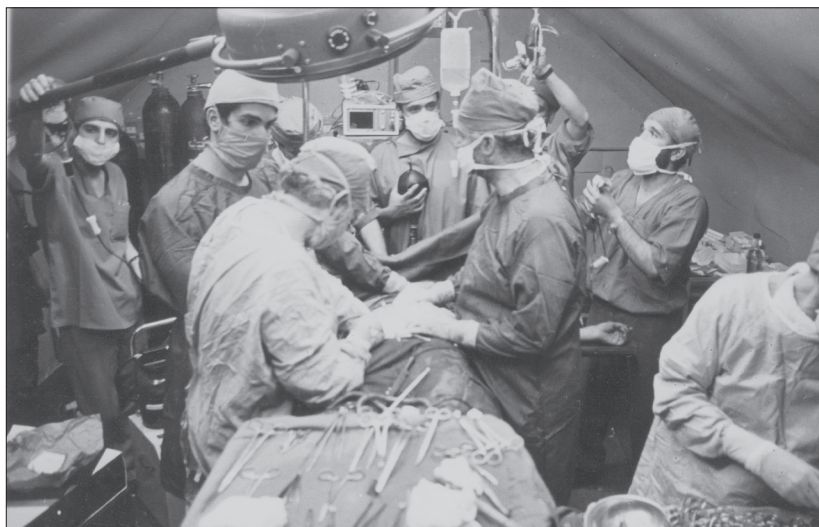
۱- بیمارستان‌های صحرایی که در ابتدا فعالیت خود را از سطح کمترین امکانات آغاز کرده بودند و تقریباً هیچ سازماندهی مشخصی بر آن حاکم نبود، در پایان جنگ به میزانی از تکامل و پیشرفت کمی و کیفی دست یافتند که می‌توان آن را الگو و نمونه‌ای شایان توجه در این زمینه برشمرد. در ابتدا بیمارستان‌ها سوله‌ای و کانکس بودند اما پس از سال ۱۳۶۳ بیمارستان‌های بتونی ساخته شد. بر روی هم، «در مدت دفاع مقدس ۴۸ بیمارستان صحرایی کانکسی، سوله‌ای و بتنی در مناطق جنگی راه‌اندازی و به کار گرفته شد» (مصاحبه با سردار احمد اخوان، ۱۳۹۱، ص ۴۳). تنها در منطقه جنوب هفت بیمارستان صحرایی پیشرفته وجود داشت که نقش بسیاری در پشتیبانی از عملیات‌های بزرگ ایران در جبهه جنوب ایفا کردند.

از نظر ارائه خدمات پزشکی، در دومین کنگره بیهوشی و احیاء که در سال ۱۳۷۰ در تهران برگزار شد اعلام شد بیش از ۳۰ درصد از مجروحینی که در اتاق‌های عمل بیمارستان‌های صحرایی مورد عمل جراحی قرار گرفته‌اند در صورت توقف طولانی‌تر در محوطه تریاژ (جداسازی مجروحین) به شهادت می‌رسیدند و با توجه به عملکرد بیمارستان‌های صحرایی و مجموعه عظیم اعمال جراحی انجام گرفته در آنها (رک: عراقی‌زاده و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۱۴۴) به جرأت می‌توان گفت اگر بیمارستان‌های صحرایی به خطوط مقدم جبهه‌ها نرفته بودند بیش از ۵۰ درصد از مجروحین عمل شده در این بیمارستان‌ها به شهادت می‌رسیدند (عراقی‌زاده، ۱۳۸۰، ص ۱۴۴). سرانجام هر چند ایران در زمینه تأمین اقلام دارویی از بازار خارج هیچ‌گاه با کمبود جدی مواجه نبود، اما ارتقای چشمگیر کمی و کیفی مهندسی سازه‌های بیمارستانی به‌ویژه افزایش ضریب امنیت آنها، گسترش ساختارهای ساختمانی و تفکیک

جنگ و آشوب داخلی بزرگ‌ترین معضل نظام به‌شمار می‌آمد و تمام دستاوردهای آن را در خطر نابودی قرار داده بود. مانند خود جنگ، بیمارستان صحرایی نیز سازمان و خط و مشی خود را از درون نیروهای پرورده در دامن انقلاب باز یافت، لیکن نسبت به آن کم‌تر در کشاکش مرزبندی سازمانی و نهادی قرار گرفت و همکاری ارتش و سپاه و وزارت بهداشت، جهاد سازندگی و سایر عوامل دخیل در جنگ در این زمینه ستودنی بود.

ارتش که در آغاز جنگ با فروپاشی بخش عظیمی از نظام سازمانی و ساختار خود مواجه شده بود، تمام هم خود را بر توقف ماشین نظامی عراق و زمین‌گیر کردن آن بنا نهاده بود و اعاده حیثیت در بحبوحه حمله خارجی، آشوب داخلی، ساختار فروپاشیده و سوء ظن سیاسی، کم‌تر اجازه پرداخت به مسئله‌ای را می‌داد که اساساً عده و عده لازم را برای چنان روزی فرا نگرفته بود. در این حال، محدود نیروهای سپاه پاسداران کمابیش تجاربی را در بحران کردستان به دست آورده بودند.

بر روی هم، در بررسی وضعیت بیمارستان‌های صحرایی در طول جنگ می‌توان دو سطح تحلیلی را مد نظر قرار داد: نخست، بررسی فنی و تکنیکی و رشد و گسترش بیمارستان‌های صحرایی در شبکه بهداری سپاه پاسداران و ارتش جمهوری اسلامی ایران که بی‌تردید افتخارآمیزترین صفحات تاریخ این مرز و بوم را رقم زده است؛ دوم، بررسی راهبرد تأسیس، تجهیز و گسترش بیمارستان‌های صحرایی در ذیل تحولات سیاسی نظامی و راهبرد کلان جمهوری اسلامی در قبال جنگ. بخش نخست ناظر بر تحلیل مکانیسم عمل بیمارستان صحرایی و سیر تحول مهندسی سازه، امدادسانی و مدیریت سازمان آن در ذیل شبکه بهداری نیروهای مسلح است؛ و بخش دوم بر رویکرد و نگرش جامع مدیران جنگ در قبال مسئله بیمارستان‌های صحرایی در ذیل راهبرد



— اتاق عمل بیمارستان صحرایی در منطقه عملیاتی کربلای ۵؛ شلمچه ۱۳۶۵/۱۰/۲۷

کانکسی در جبهه غرب و شمال غرب پاسخ‌گوی تک‌های محدود نیروهای عمل‌کننده ایران بود در جبهه جنوب ساخت بیمارستان صحرایی بزرگ امام رضا^(ع) برای پشتیبانی از عملیات دوم ایران در منطقه هور در دستور کار قرارگاه خاتم‌الانبیاء سپاه پاسداران قرار گرفت. اما شهرک بیمارستانی فاطمه‌الزهراء که به مراتب بزرگ‌تر و مجهزتر از نمونه پیشین بود در مجاورت رودخانه بهمن‌شیر برای حمایت از غافل‌گیرکننده‌ترین عملیات آبی خاکی ایران ساخته شد. سپس بیمارستان علی‌ابن‌ابی‌طالب با وسعت ۲۸۹۴ مترمربع و بیمارستان امام حسین^(ع) در سال ۱۳۶۴ از کامل‌ترین نمونه‌های بیمارستان‌های صحرایی بودند که در حمایت از عملیات سرنوشت‌ساز کربلای ۴ و ۵، نقش‌آفرینی کردند. سرانجام هرچند این عملیات‌ها علیرغم دستاوردهای شگرف خود سرنوشت جنگ را مشخص نکردند، اما دستور ساخت بیمارستان‌های امام حسن^(ع) در محور بستان که فرصت حضور در عملیات نیافت، همچنین ساخت و گسترش بیمارستان امام سجاد^(ع) از تداوم تپش نبض عملیات در نهان اندیشه سپاه پاسداران خبر می‌داد. ایران باور داشت که سرنوشت

ساختارهای سازمانی که موجب نظم امور و جلوگیری از تداخل وظایف و اتلاف سرمایه و به‌ویژه زمان می‌شد، از جمله قابلیت‌هایی بود که در شبکه بهداری نیروهای سپاه پاسداران و ارتش جمهوری اسلامی ایران به‌وجود آمد.

۲ - ساخت بیمارستان‌های صحرایی بزرگ و متعدد توسط سپاه پاسداران در جبهه جنوب که پس از عملیات والفجر ۱ و تغییر نحوه تعامل ارتش و سپاه پیگیری شد نسبت به تعداد کمتر این نوع بیمارستان‌ها در جبهه شمال‌غرب که حوزه فعالیت ارتش بود نشان‌دهنده سهم بیشتر سپاه پاسداران در تعیین راهبرد کلان جنگ داشت. بر این اساس، در جبهه جنوب بودجه و امکانات بیشتری صرف ساخت بیمارستان‌های صحرایی برای پشتیبانی از عملیات‌های بزرگ و سرنوشت‌ساز اختصاص یافت. بدین ترتیب در سال ۱۳۶۲، نخستین تجربه بیمارستان صحرایی بزرگ در نخستین عملیات به نسبت مستقل سپاه پاسداران در منطقه هور پیش از عملیات خیبر رقم خورد. اما ناتوانی سازه‌های آن در برابر بمباران، باعث شد که سازه‌های بتنی جایگزین آن شود. در حالی که سازه‌های سوله‌ای و حتی

جنگ در آن منطقه رقم خواهد خورد.

به طور کلی، پراکندگی جغرافیایی بیمارستان‌های صحرایی بزرگ و پیشرفته شاهی بر این مدعی است که این سازه‌ها متناسب با راهبرد ایران در جنگ و نگاه راهبردی به منطقه جنوب به طور عمده در استان خوزستان مستقر شدند.

۲-۱. سال‌های پایانی، در جبهه ایران عدم توازن کافی بین مقدرات و راهبرد جنگ شدت یافت؛ با وجود این، عملیات‌های بزرگ ایران در منطقه جنوب و گاه متوسط آن در غرب و شمال غرب، همگان را افزون بر شگفتی به این پرسش وامی‌داشت که عملیات‌های ایران چند صباح دیگر تداوم خواهد داشت و ایران در تنگنای

تحریم و سقوط قیمت نفت و اتمام ذخایر استراتژیک تا چه هنگام پیکره بی رمق خود را بر لشکر تا دندان مجهز عراق خواهد کوفت. علیرغم وضع موجود و تمام محظورات، اما در زمینه ساخت و تجهیز و گسترش بیمارستان‌های صحرایی ایران هیچ‌گونه امساک نورزید و قرارگاه خاتم‌الانبیاء سپاه پاسداران

همچنان تا واپسین سال‌های جنگ پروژه‌های بزرگی را در دست اقدام داشت. به نظر می‌رسد چشم‌انداز مقصود ایران از جنگ و نیاز به انجام عملیات‌های بزرگ در جبهه جنوب علیرغم تحولات مخالف دلیل بر اصرار یادشده باشد. در این حال، پذیرش نامنتظره و ناگهانی قطعنامه ۵۹۸ - دست‌کم در نزد افکار عمومی - ارزیابی تدوین برنامه جامع گسترش و تأمین بیمارستان‌های صحرایی را در میان تردیدها و ابهام‌های سیاسی نظامی بر پایه احتمال محاسبه می‌کند.

۲-۲. به نظر می‌رسد دریافت واقعی ایران از

جنگ، ادامه جنگ تا پیروزی یا دستیابی به موقعیتی مهم و کلیدی برای توجیه تداوم جنگ بود. اتکا به نیروی پیاده در جبهه ایران و آمار* شهدا و مجروحان در عملیات‌های پیشین از عواملی بود که ساخت و تجهیز و گسترش بیمارستان‌های صحرایی استقرارِ پیشرفته را در اولویت برنامه‌های سپاه پاسداران قرار داد. از سوی دیگر علیرغم تعریف متعارف بیمارستان‌های صحرایی که به نوعی بر قابلیت تحرک آن تأکید می‌شود، لیکن به دلیل نامتناسب بودن این تعریف با وسعت و گستره عملیات‌های ایران و حضور فراگیر نیروی پیاده که به طور طبیعی مجروحان زیادی را در پی داشت، سازه بیمارستان‌های صحرایی بزرگ ایران در زیر زمین استقرار دائم یافت و به این دلیل بر مقاومت آن در برابر حملات هوایی و آتش توپخانه بسیار توجه شد. به نظر می‌رسد بیمارستان‌های صحرایی در مناطق جنوب متناسب با پیش‌بینی و انتظار دستاوردهای راهبردی کلان بنا می‌شد به گونه‌ای که می‌توان برنامه ساخت، تجهیز و گسترش بیمارستان‌های صحرایی را شاخصی برای فهم اهداف مطلوب ایران در جنگ برشمرد.

* . در عملیات فتح‌المبین سردار فتحیان، مسئول بهداری قرارگاه مرکزی سپاه که در آن زمان ۲۳ سال داشت آمار مجروحان را ۱۵۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰ تن پیش‌بینی کرد. در مقابل، آمار پیش‌بینی شده ارتش رقم ۵۰۰۰ تن بود. آمار واقعی عملیات فتح‌المبین ۱۷ هزار و ۴۵۰ نفر بود.

«در مدت دفاع مقدس ۴۸ بیمارستان صحرایی کانکسی، سوله‌ای و بتنی در مناطق جنگی راه‌اندازی و به کار گرفته شد»

منابع:

- احمدیانی، ابوالحسن؛ اولین بیمارستان صحرایی؛ تارنمای تبیان، کد خبر ۱۳۲۵۸۲، ۱۳ مرداد ۱۳۹۱: <http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=132582>
- اردستانی، حسین (۱۳۸۴)؛ تنبیه متجاوز؛ تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- اطلاعات و خاطرات برخی از مسئولین مهندسی رزمی و بهداری سپاه، پرسشنامه و مصاحبه صورت گرفته توسط علی غنجال در سال ۱۳۸۲، محل نگهداری، مرکز تحقیقات بهداری در رزم نروما. به نقل از: غنجال، علی و دیگران (۱۳۸۳)؛ بیمارستان‌های صحرایی دوران جنگ عراق علیه ایران؛ مجله طب نظامی، سال ششم، ش ۲ (شماره پیاپی ۲۰)، ص ۱۴۴.
- بی‌نا (۱۳۹۰)؛ اقدامات بهداشتی درمانی ارتش جمهوری اسلامی ایران در زمان دفاع مقدس؛ سه‌شنبه، ۱ شهریور ۱۳۹۰ <http://rasekhoon.net/article/show/197044>
- حاج‌احمدی، توکل، و دیگران (۱۳۸۱)؛ مروری بر تجربیات بهداری سپاه در دوران دفاع مقدس، عملیات والفجر ۱۰؛ فصلنامه طب نظامی، سال ۴، ش ۲، صص ۸۰-۷۵.
- حسینی، سید بهشید (۱۳۸۶)؛ طراحی در بحران، مراکز درمانی صحرایی؛ ناشر: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
- رستمی، محمود (۱۳۸۶)؛ فرهنگ واژه‌های نظامی؛ تهران: انتشارات ایران سبز.
- روزنامه رسالت؛ قطعات بهشت، مشتاق راهیان نور؛ ش ۳۸۹، ۲۵ اسفند ۱۳۸۶، ص ۶ (فرهنگی): <http://www.magiran.com/npview.asp?ID=1590164>
- زلفی، جان‌محمد (۱۳۹۱)؛ بیمارستانی که در و دیوارش هنوز صدای توپ و تانک می‌دهد؛ گزارش خبرنگار اجتماعی ایسنای خوزستان: محمدامین صالحی‌نژاد؛ ۱۵ فروردین، کد خبر ۵-۶۶۱۴-۹۱۱: <http://khuzestan.isna.ir/Default.aspx?NSID=5&SSLID=46&NID=24230>
- درودیان، محمد (۱۳۸۴)؛ جنگ، بازیابی ثبات؛ تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- صانعی، مهدی (۱۳۹۰)؛ تپش قلب از پست امدادی تا اتاق جراحی؛ ماهنامه امتداد، ش ۶۵، صص ۴۱-۳۸.
- عراقی‌زاده و دیگران (۱۳۸۰)؛ نقش سازه‌های مستحکم بیمارستانی در فعالیت‌های پزشکی و کاهش آمار شهدا در دفاع مقدس؛ مجله پزشکی کوثر، تابستان، ش ۶ (۳)، صص ۱۴۶-۱۳۹.
- غنجال، علی؛ صدری، ارحامی؛ بصام، سیدمحمد (۱۳۸۲)؛ تجربیات امداد و انتقال بهداری سپاه در عملیات والفجر ۴؛ مجله طب نظامی، سال پنجم، ش ۲، صص ۹۸-۹۱.
- گفت و گو با سردار فتحیان (۱۳۸۷)؛ فتح بزرگ تجسم یکدلی و هماهنگی کامل ارتش و سپاه بود؛ فتح بزرگ؛ ویژه‌نامه بیست و ششمین سالگرد فتح خرمشهر، خرداد، صص ۷۱-۶۲.
- گفت و گو با سردار فتحیان (۱۳۹۱)؛ چگونگی امدادرسانی در دفاع مقدس یک ابتکار بود؛ ماهنامه صنعت درمان، سال دوم، ش ۱۹، آذر، صص ۴۸-۴۵.
- گفت و گو با سردار احمد اخوان (۱۳۹۱)؛ ۴۸ بیمارستان صحرایی در دوره دفاع مقدس راه‌اندازی کردیم؛ ماهنامه صنعت درمان، سال دوم، ش ۱۹، آذر، صص ۴۴-۴۲.
- گفت و گو با دارایی و ربیهای (۱۳۹۱)؛ بیمارستان‌های صحرایی منطقه جنوب در دوران دفاع مقدس؛ ماهنامه صنعت درمان، سال دوم، ش ۱۹، آذر، صص ۶۵-۶۰.
- گفت و گو با دکتر اکبر فاضل و دکتر کاظم آشفته یزدی (۱۳۹۱)؛ دکتر اکبر فاضل و دکتر کاظم آشفته یزدی از فعالیت‌هایشان در دوران دفاع مقدس می‌گویند؛ اولین یونیت‌های دندان پزشکی ایران در زمان جنگ تحمیلی ساخته شد؛ ماهنامه صنعت درمان، سال دوم، ش ۱۹، آذر، صص ۲۷-۲۴.
- گزارش عملکرد مرکز بهداری جنوب سپاه در سال ۱۳۶۶، فرماندهی بهداری جنوب سپاه، اهواز.
- گزارش عملکرد مرکز بهداری جنوب سپاه در سال ۱۳۶۶ و ۱۳۶۵، فرماندهی بهداری جنوب سپاه، اهواز.
- محمدزاده، فیض‌الله (۱۳۸۶)؛ بهداری در رزم؛ ناشر: ستاد مشترک سپاه، معاونت آموزش و نیروی انسانی، مرکز برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی.
- مدارک و نقشه بیمارستان‌های صحرایی دوران دفاع مقدس، ۶۳-۱۳۶۱. آرشیو مهندسی رزمی سپاه پاسداران تهران. به نقل از: غنجال، علی و دیگران (۱۳۸۳)؛ بیمارستان‌های صحرایی دوران جنگ عراق علیه ایران؛ مجله طب نظامی، سال ششم، ش ۲ (شماره پیاپی ۲۰)، ص ۱۴۴.
- نامجوی نیک، خسرو (۱۳۸۹)؛ تاریخچه طب نظامی از دوران ایران باستان تا پایان هشت سال دفاع مقدس؛ تهران: انتشارات ایران سبز.
- نقشه بیمارستان‌های صحرایی دفاع مقدس. ۱۳۶۰؛ آرشیو مهندسی رزمی بهداری نیروی زمینی سپاه تهران. به نقل از: غنجال، علی و دیگران (۱۳۸۳)؛ بیمارستان‌های صحرایی دوران جنگ عراق علیه ایران؛ مجله طب نظامی، سال ششم، ش ۲ (شماره پیاپی ۲۰)، ص ۱۴۴.
- نقشه بیمارستان‌های صحرایی دوران دفاع مقدس، ۶۲-۱۳۶۱. آرشیو مهندسی رزمی جهاد سازندگی تهران. به نقل از: غنجال، علی و دیگران (۱۳۸۳)؛ بیمارستان‌های صحرایی دوران جنگ



علل موفقیت لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) در عملیات کربلای ۵

مهدی حاجی خداوردیخان*

در موج دوم عملیات نیروهای لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) تحت فرماندهی قرارگاه کربلا در یکی از کلیدی‌ترین محورها وارد عملیات شدند و طی هفت شبانه‌روز جنگ طاقت‌فرسا توانستند مهم‌ترین سرپل این محور را به یمن فداکاری، ایثار و از جان گذشتگی رزمندگان غیور حفظ کنند و تلاش پر دامنه و مستمر دشمن را برای باز پس‌گیری مواضع ناکام گذارند. در این راستا مطلب پیش رو به بررسی عوامل موفقیت رزمندگان در این عملیات پرداخته و به دنبال بررسی اصول و عوامل مؤثر در این موفقیت است. کلید واژگان: عملیات، کربلای ۵، کانال مامی، لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص)	چکیده	

مقدمه

عملیات کربلای ۴ که وضعیت دشواری را فراروی فرماندهان نظامی ایجاد کرده بود هیچ چاره‌ای جز یک تدبیر سریع برای غلبه بر دشمن مغرور و سرسخت در جبهه‌های جنوب باقی نگذاشته بود. در چنین وضع پیچیده‌ای فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که می‌دانستند پیدایش این وضعیت غیر قابل پیش‌بینی، می‌تواند عواقبی

در پی داشته باشد، یک راه فوری را برای اعاده‌ی حیثیت و تجدید و تثبیت موقعیت برتر، انتخاب کردند و آن انجام یک عملیات اساسی و فوری بود. از این رو یک هفته پس از عملیات نافرجام کربلای ۴، جلسات متعدد و فشرده‌ای به طور شبانه‌روزی تشکیل دادند تا تدابیری را برای طراحی مجدد و اجرای عملیات در نزدیک‌ترین زمین به

* نویسنده و راوی مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس



— رزمندگان لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) در منطقه عملیاتی کربلای ۵؛ شلمچه؛ ۱۳۶۵/۱۰/۲۰

که در آن نیروهای لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) — که از مرحله‌ی دوم عملیات، حضوری پر قدرت پیدا کرده بودند — نیز نقش به سزایی داشتند.* اما بدیهی است پرداختن به همه‌ی جنبه‌ها و جزئیات این‌که چه عواملی در این موفقیت نقش داشتند در یک مقاله نمی‌گنجد، از این رو به اختصار به ۹ شاخص — به شرح ذیل — که تأثیر بسیاری در این پیروزی و مقاومت اعجاب‌آور رزمندگان داشت، اشاره می‌گردد. (شایان ذکر است جزئیات نبود نیروهای لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص)، در این عملیات بزرگ توسط نویسنده‌ی مقاله، تشریح شده است که به زودی در کتابی از سوی مرکز اسناد و تحقیقات

منطقه عملیاتی کربلای ۵ (یعنی محور عمومی شلمچه) بیان‌دیشند. جایی که دشمن امکان عملیات در آنجا تصور نمی‌کرد. زیرا فرماندهان عراقی به قدری به نفوذناپذیری مواضع در این منطقه اطمینان داشتند که بارها در اظهارات خود مدعی شده بودند چنانچه ایران قصد عملیات در آنجا را داشته باشد، نه تنها تضمین پیروزی برایشان غیرممکن است بلکه فقط با تلفات بی‌شمار نیروی انسانی و انهدام وسیع تجهیزات مواجه شده و هیچ دستاورد مثبتی عاید ایران نخواهد شد.

با این حال فرماندهان سپاه با بررسی عمیق و دقیق زمین و آرایش دشمن به رغم همه‌ی محاسبات آنها، خطوط آسیب‌پذیر در منطقه‌ی مورد نظر را شناسایی کرده و مانور عملیاتی موسوم به کربلای ۵ را با هدف وارد کردن ضربات نظامی تعیین‌کننده به سازمان رزم عراق و انهدام قوای آن در منطقه‌ی عمومی شلمچه طرح‌ریزی کردند و در روز ۱۹ دی ۱۳۶۵ رزمندگان یگان‌های رزمی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی عملیات را در کمال غافل‌گیری و در عین ناباوری علیه مواضع و نیروهای عراقی به اجرا در آوردند و موفقیت‌های چشمگیری به دست آوردند. عملیاتی

* شرح جزء به جزء عملیات در یکی از محورهای مهم منطقه نبرد — یعنی کانال پرورش ماهی، ان‌شاءالله به زودی در کتابی از سوی مرکز اسناد و تحقیقات جنگ منتشر خواهد شد. کتابی که در آن حماسه‌آفرینانش نیروهای جوان، پرشور، دلاور و بی‌باک، در غالب یگانی قدرتمند به نام لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) سازمان یافته بودند و صادقانه و شجاعانه با هدف حفظ کیان انقلاب اسلامی با دشمن متجاوز جنگیدند و با مجاهدتی وصف‌ناپذیر لحظه‌ها و صحنه‌هایی را در اوج حماسه و عرفان به گونه‌ای خلق کردند که فقط می‌توان به همه آن از خود گذشتگی‌ها افتخار کرد و آن‌ها را سرلوحه رفتار و آداب و منش زندگی قرار داد و برای فرزندان و نسل‌های آینده خاطرات عزت‌بخش آن را بازگو کرد و برای گذشت لحظه به لحظه‌اش به آن افتخار کرد.

دفاع مقدس منتشر خواهد شد).

۱. بن بست شکنی

کارنامه‌ی پنج ساله‌ی یگان‌های رزمی سپاه پاسداران در مواجهه با دشمنان سرسخت انقلاب اسلامی، بیانگر آن بود که نهال نوپای نظامی توانسته با اتکاء به ماهیت و جوهره‌ی اعتقادی‌اش و نیز پابندی به حفظ ارزش‌های انقلاب اسلامی، یکی پس از دیگری بحران‌های سخت را - که دشمنان داخلی و خارجی با حمایت کشورهای دیگر صحنه گردان آن بودند- با موفقیت پشت سرگذارد. سپاهی که محیط عملش، یک محیط پُرتنش و پُراتهاب بود و فرماندهان آن توانسته بودند با تصمیمات اقتضایی و سریع بر مشکلات فائق آیند و حتی با وقوع جنگ تحمیلی در مواجهه با دشمن تا بن دندان مسلح، هیچ‌گاه از خطرهای پیش رو نترسیدند، حاشیه‌نشین نشدند و رزمندگان با همه‌ی سختی‌های جنگ با دشمن بعضی دست و پنجه نرم کردند. این ویژگی‌ها در اظهارات و نحوه‌ی تفکر فرماندهان، از همان آغاز طرح‌ریزی عملیات در یکی از پیچیده‌ترین و سخت‌ترین زمین‌های جبهه‌ی نبرد به خوبی حس می‌شد. ماحصل این تلاش در طرح‌ریزی عملیات، در شکستن بن بست نفوذناپذیر منطقه بود. در بخشی از کتاب حال و هوای آن روزها و دلایل انتخاب منطقه و عامل پیروزی، چنین بیان شده است:

«جلسات برای طرح‌ریزی عملیات یکی پس از دیگری ادامه می‌یابد. رضایی از روی نقشه بزرگی که جبهه شلمچه بر آن نمایان است برای حضار از آرایش و گسترش یگان‌های دشمن و خطوط دفاعی آن‌ها در منطقه صحبت می‌کند. او چشم در چشم یاران خود می‌دوزد و چنین می‌گوید: برادران امسال هم به دستور رهبر انقلاب و هم به خواسته‌ی مسئولین، کشور به حال بسیج در آمده است. کارخانه‌ها،

رزمندگان و... همه بسیج شده‌اند. آن‌ها عملیات غرورآفرین والفجر ۸ و تصرف فاو را به عنوان آغاز تحولی بزرگ در جنگ تلقی کرده‌اند و همه به دنبال کار افتاده‌اند. ... ما در این ۵ سال فراز و فرودهای زیادی را سپری کردیم. طمع تلخ شکست و جام شیرین پیروزی‌های فراوانی را به جان دیده‌ایم. نه از شکست‌ها مأیوس شدیم و نه از پیروزی‌ها مغرور شدیم. ما و رزمندگان دلیر، متعلق به روزگار سخت هستیم.»^۱

فرمانده کل سپاه پس از این اقدامات، موضوع پر اهمیت «ابتکار عمل» در مقابله با توانایی‌های کلاسیک دشمن را پیش می‌کشد. هنر شگفت‌انگیزی که در طول دوران جنگ، فرماندهان و رزمندگان به سبب نبوغ و خلاقیت‌های فردی و بهره‌مندی از جرأت و جسارت در برخورد با تنگناهای عملیاتی و برای غلبه بر مشکلات از خود بروز می‌دادند. رضایی با نگاهی پر نفوذ، خطاب به حاضرین، از مشورتش با فرماندهان و نتیجه‌گیری به دست آمده گفت، و تصریح کرد که: «با برخی فرماندهان خیلی مشورت کردیم است و در مجموع به این نتیجه رسیدیم که باید سریع‌تر از آنچه دشمن درباره‌اش فکرش می‌کند -ابتکار عمل- را به دست آوریم و شرط آن، تنها در گرو انتخاب فوری زمینی جدید برای عملیات است. تجربه نشان داده در جنگ‌هایی که زمین آن برای دشمن قابل پیش‌بینی است، نمی‌شود پیشروی کرد. از سویی می‌دانیم، جنگ با شیوه‌ی کلاسیک به بن‌بست رسیده است. الآن اگر روی شلمچه تمرکز کنیم، گرچه از روی ناچاری است- ولی اهمیت آن را می‌دانیم. زمین این منطقه، «قلب» است. البته عملیات در آن سخت است، مشکلات دارد. نیاز به جناحین دارد، ولی بهترین منطقه است... و چنانچه یک فلش تهاجم نیروهایمان را معطوف به جناح راست منطقه

یعنی کانال عمودی بر کانال پرورش ماهی کنیم و در سمت چپ هم به پشت کانال زوجی برسیم، می‌توانیم به پیروزی در این عملیات، آن هم در حساس‌ترین جبهه دشمن امید داشته باشیم. اگرچه عبور از کانال پرورش ماهی، به لحاظ جنگ سخت و پر مخاطره به نظر آید.^۲

اظهارات فرمانده سپاه در مورد مخاطره‌آمیز بودن منطقه نبرد بی‌دلیل نبود. این مسأله در بیانات محمد کوثری، فرمانده لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص)، در جلسه‌ی توجیهی با فرمانده گردان‌های عملیاتی هم به خوبی قابل برداشت بود. ایشان در بخشی از صحبت‌هایشان این گونه اظهار داشته بود:

«برادران عزیز، همه می‌دانیم که منطقه‌ی شلمچه به دلایل مختلف که مهم‌ترین آن، نزدیکی با شهر بصره‌ی عراق است همواره برای ما و عراقی‌ها حائز اهمیت بوده و ارتش و رژیم بعثی عراق برای حفظ آن میلیارد‌ها دلار بودجه، ده‌ها میلیون متر مکعب خاک، آهن، سیمان و سایر مصالح، ده‌ها متر مکعب آب، تعداد بسیار زیادی مین، ده‌ها کیلومتر کانال، هزاران کیلومتر سیم خاردار، موانع خورشیدی و ... با هدف ساختن دیواره‌های مستحکم دفاعی مصرف کرده است. از این رو بیش از نیمی از کمیت و بیش از ۷۰ درصد کیفیت ارتش خود را در خطی که تنها ۱/۶ از کل طول جبهه‌های نبرد را تشکیل

می‌دهد برای دفاع از آن بسیج کرده است. حتی طبق اخبار جمع‌آوری شده بچه‌های اطلاعات، در شرایط کنونی مقایسه‌ی آرایش نیروهای دشمن در این منطقه با منطقه‌ی عملیات والفجر ۸ خیره‌کننده است. دشمن، خطوط دفاعی‌اش را با بهره‌گیری از طرح‌های مستشاران شرقی و غربی با استفاده از تجربیات جنگ‌های جهانی احداث کرده و با تجربیات بیش از ۵ سال جنگ، تکمیل و تقویت کرده است. طبق گفته برخی اسراء، ظاهراً این تاکتیک دفاعی و مهندسی قوی را به عنوان یک تجربه‌ی موفق در دانشگاه‌های جنگ تدریس می‌کنند. قرائن حاکی از این است که فرماندهان عراقی انواع احتمالات را در مورد حملات ایران بررسی کردند و براساس آن‌ها، طرح‌های پاتک را از پیش تعیین و برنامه‌ریزی کرده‌اند و ظاهراً حتی یگان‌های احتیاط منطقه، بارها طرح پاتک‌ها را عملاً اجرا کرده‌اند. با این حال خوشبختانه رزمندگان موج اول، به خوبی همه‌ی خطوط دشمن را در هم شکستند و پیشروی‌های امیدوار کننده‌ای داشتند. اما به رغم سرپل‌گیری در کانال پرورش ماهی، الحاق بین لشکر ۲۵ کربلا و لشکر عاشورا متأسفانه برقرار نشد.

ان‌شاءالله ما هم با حضور قوی به کمک آن‌ها می‌رویم تا غائله کانال ماهی را به نفع رزمندگان تمام کنیم. الان حاج حسن محقق سریع گردان را آماده کند و سریع به موقعیت اسکله‌ی شهید بهشتی برود. آنجا منتظر باشید تا به محض آن که به شما اعلام کردم به سمت کانال ماهی حرکت کنید. ان‌شاءالله گردان‌ها با قوت وارد عمل شوند و

نیروهای لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص)
تحت فرماندهی قرارگاه کربلا
در یکی از کلیدی‌ترین محورها
وارد عملیات شدند و طی هفت
شبانه‌روز جنگ طاقت‌فرسا توانستند
مهم‌ترین سرپل این محور را به یمن
فداکاری، ایثار و از جان گذشتگی
رزمندگان غیور حفظ کنند و تلاش
پر دامنه و مستمر دشمن را برای باز
پس‌گیری مواضع ناکام گذارند

روز یازدهم (دی ماه)، طولانی‌ترین نشست مشورتی فرماندهان با فرمانده عالی جنگ (هاشمی رفسنجانی) برگزار می‌شود. فرماندهانی که مخالف عملیات در منطقه‌ی شلمچه هستند، دلایل خود را درباره مسائل مربوط به مشکلات جبهه‌ی شلمچه (نظیر: هوشیاری دشمن، فقدان جاده‌های مواصلاتی مناسب و فضای محدود برای استقرار نیروها در نزدیکی مناطق نبرد و ...) طرح کردند.

هاشمی رفسنجانی پس از استماع گزارش فرماندهان، با تصریح این نکته که مطالب زیادی از

صحبت‌های شما فهمیدم ابتدا زمان کوتاهی را به تحلیل جنگ می‌پردازد و می‌گوید: «وضعیتی که الآن شما یگان‌ها و واحدهای رزمی دارید شرایط کاملاً استثنایی است. ما هیچگاه تاکنون این همه نیرو و امکانات نداشتیم و از نظر سیاسی و شرایط حضور رزمندگان داوطلب و مشارکت مردم در وضعیت ممتازی قرار داریم. قدر مسلم اگر با این پتانسیل و حجم

نیرو، کاری نکنیم و بگذاریم نیرو برگردد، اوضاع به زیان ما خواهد بود. از سویی عراقی‌ها اگر چنین چیزی (یعنی صرف نظر کردن ما از انجام عملیات) را احساس کنند بر تهدیدات خود می‌افزایند و حتی ممکن است در بعضی جبهه‌ها امنیت ما را به مخاطره اندازند و اگر هم موفق شوند منطقه‌ای را بگیرند، هیاهوی تبلیغاتی وسیعی را راه خواهند انداخت. مجموع این وضع به ما دیکته می‌کند که باید عزم را جزم کرده و بجنگیم و تأخیر در انجام

عملیات، به مصلحت نیست.»

رفسنجانی در ادامه ضمن اشاره به ضرورت

درس عبرت‌آموزی به دشمن متجاوز بدهیم. امیدوارم رزمندگان مان تحت حمایت مولا، اباعبدالله الحسین (ع) به پیروزی نائل شوند.»

۲. انتخاب هدف و قاطعیت فرمانده

اجرای صحیح هر عملیاتی متکی به اصولی است که فرماندهان برای رسیدن به نتیجه، ناگزیر باید آن‌ها را مدنظر داشته باشند. اصولی که بعضاً به هم وابسته‌اند و بنابر وضعیت و موقعیت‌های مختلف گاه همدیگر را تقویت و بعضی مواقع مغایر با یکدیگر هستند - البته در بعضی از ارتش‌ها، به اقتضاء شرایط و تجزیه و تحلیل میزان و حدود درگیری‌ها، تعداد اصول کم یا زیاد می‌شوند- از جمله‌ی این اصول «هدف» است که همه‌ی تلاش‌های یک واحد نظامی معطوف و متمرکز به آن می‌گردد. چرا که اگر هدف به طور دقیق مشخص نشود، کاربرد سایر اصول، مفهومی پیدا نمی‌کند و در این فرایند فرمانده نباید به منظور اجرای عملیاتی که به نظرش مناسب است، از هدف اصلی منحرف شود و آن را فدای بعضی اهداف نامشخص‌تر و یا مبهم نماید. این شاخص (اصل هدف) از جمله مباحث اصلی بود که در جریان عملیات کربلای ۵، جلسات فشرده و گاه پر تنش را سپری کرد تا آنجا که جانشین فرماندهی کل قوا و نیز فرمانده کل سپاه با قاطعیت هدف را تعیین و به یگان‌ها ابلاغ کردند. این عزم در تصمیم‌گیری و احیاء کسب اعتماد در فرماندهان تحت امر اگر در آن مقطع زمانی، عمل نمی‌شد، شاید تبعات و پیامدهای ناخوشایندی متوجه جمهوری اسلامی می‌شد و از این رو می‌توان آن را یکی از عوامل مهم موفقیت در عملیات بر شمرد و نتیجه‌ی بحث‌های فشرده‌ی فرماندهان را قبل از عملیات که برای انتخاب منطقه عملیات برگزار شد- مؤلف کتاب چنین منعکس کرده است؛* طی شب دهم و

* مؤلف: مشروح این مذاکرات که توسط راویان مرکز مطالعات و تحقیقات سپاه ضبط و جمع‌آوری گردید، اکنون در مرکز آرشیو همان مرکز (با نام جدید) مرکز اسناد و تحقیقات جنگ سپاه موجود است.

محسن رضایی: نه از شکست‌ها مأیوس شدیم و نه از پیروزی‌ها مغرور شدیم. ما و رزمندگان دلیر، متعلق به روزگار سخت هستیم.»

تردید احتمالی و نیز نتیجه‌گیری ساعت‌ها بحث و تبادل نظر «جبهه‌ی شلمچه» را منطقه‌ی اصلی برای انجام عملیات نام ببرد و در یک جمله چنین دستور دهند:

«انجام عملیات در شلمچه مانند
عملیات کربلای ۱ در مهران (که جهت
مقابله با استراتژی دفاع تحرک عراق انجام
پذیرفت) یک دستور است.»^{۴*}

وی همچنین مابین نشست دیگری که چند شب بعد (نیمه شب ۱۷ دی ۱۳۶۵) برگزار گردید و تا نزدیک صبح به طول انجامید، جلسه خصوصی را با فرمانده کل سپاه تشکیل می‌دهد و پس از آن ضمن فراخوان مجدد همه‌ی فرماندهان، به عنوان جمع‌بندی مباحث و تصمیم اخذ شده و اتمام حجت به آنان می‌گوید: «با همه‌ی اظهاراتی که شده، نظر ما این است که ان شاء الله فردا شب، عملیات با فرماندهی آقای محسن رضایی انجام گردد و اگر در جریان عملیات وضع فوق‌العاده‌ای پیش آمد و آقای رضایی تشخیص داد که عملیات متوقف شود، این حق را دارند که متوقف کنند. ولی فقط منحصر به تصمیم ایشان می‌شود و فرماندهان دیگر این حق را ندارند. ضمناً آقایان ان شاء الله با توکل بر خداوند، این مقدار که عقل‌مان رسیده مشورت کردیم و راه حل صحیح را این طور تشخیص دادیم. عمل خواهیم کرد و خداوند نصرت می‌دهد.»

در سویی محسن رضایی که از تصمیم اخذ شده رضای‌تر به نظر می‌رسد در راستای تهییج فرماندهان و به عنوان حسن ختام جلسه گفت:

«ما در امر جنگ، در شرایط خیلی خاص قرار گرفته‌ایم که برادران ما باید

* در عملیات کربلای (منطقه‌ی مهران) پس از طرح مشکلاتی که وجود داشت و ممکن بود باعث تردید در انجام عملیات شود، هاشمی‌رفسنجانی با اتکاء به انتظار امام خمینی^(ع) مبنی بر ضرورت آزادسازی مهران، به صورت یک دستور، خواستار انجام عملیات شد.

تسریع در انجام عملیات تصریح کرد: «آنچه من فهمیدم این که عملیات فوری در منطقه‌ی هور و یا جبهه‌های شمال امکان‌پذیر نیست، حتی با فرض احتمال انجام عملیات معلوم نیست [با وجود مشکلاتی نظیر عدم شناسایی دقیق از منطقه، آرایش دشمن و ...] وضع بهتری از شملچه داشته باشیم... نکته اینجاست که نمی‌توانیم عملیات را به تأخیر بیندازیم و نقدترین منطقه، شملچه است»^۳

توجهات و سخنان فرمانده عالی جنگ برای متقاعد کردن فرماندهان برای عملیات، با بروز برخی مخالفت‌ها و عدم نتیجه‌گیری قطعی و نیز به حاشیه کشیدن مباحث جلسه به مسائل غیر عملیاتی ادامه یافت که این روند به دلیل محدودیت زمان خیلی به صلاح نبود. از این رو وی خطاب به فرماندهان گفت:

«قدرت روز افزون دشمن با اتکا به کمک قدرت‌های بزرگ هم مزید بر علت است و هر روز ممکن است با اقدامات آن‌ها توازن قوا به کلی (به ضرر ما) تغییر کند... شما الآن قدرت، نیرو و امکانات دستتان است. بروید راه پیدا کنید و درست بجنگید ... من هم مثل شما هستم معتمد غیر از پیروزی هیچ راهی ندارم... من با نظرات شما (در بیان و کمبودها و مشکلات) موافقم اما این‌طور هم نیست که نتوانیم بر آن‌ها فائق شویم. بالاخره تدبیر می‌کنیم و راه‌های مختلف (برای تفوق بر مشکلات و دشمن) پیدا می‌کنیم.»

با وجود این تذکرات از سوی بالاترین مقام جنگ، اما هنوز فرماندهان بی‌تاب هستند. آن‌ها مرتب و پی در پی پرسش‌های جدیدی را مطرح می‌سازند. استمرار جلسات که همه را کسل کرده است. راهی جز این نگذاشت تا فرمانده عالی جنگ در تصمیمی قاطع و با هدف رفع هر گونه ابهام و



— رزمندگان لشکر ۲۷ محمدرسول الله (ص) در منطقه عملیاتی کربلای ۵؛ شلمچه؛ ۱۳۶۵/۱۰/۲۰

در روحیه آفندی بیشتر تجلی پیدا می‌کند و این ویژگی در عملیات کربلای ۵ و نیروهای لشکر ۲۷ محمدرسول الله (ص)، کاملاً محسوس بود. زیرا آنها مصمم بودند تا اراده‌ی خود را به دشمن بعثی تحمیل کنند و ابتکار عملی که یگان‌های موج اول به دست آورده بودند، توسعه و یا حفظ نمایند. فرماندهی کلی عملیات و به تبع آن فرماندهی لشکر ۲۷ با این نگرش که در سایه‌ی عملیات آفندی قادرند ابتکار عمل را در اختیار داشته باشند و جنگ را هدایت و رهبری کنند و در پرتو عملیات تهاجمی، روحیه‌ی نیروها افزایش و میل آنها به پیروزی بیشتر خواهد شد، از این رو این تاکتیک نظامی را روزهای متمادی ادامه دادند. چون به یمن به کارگیری این روش تاکتیکی می‌توانستند هم از نظر هدف و هم به لحاظ زمان، ابتکار عمل را به نفع خود محفوظ نگه دارند. چنین رهیافتی، پیش از آغاز عملیات در پیام فرمانده عالی جنگ به کل رزمندگان کاملاً مشهود بود و نیز امید رزمندگان لشکر ۲۷ را که در اردوگاه باهنر به سر می‌بردند، برای انجام عملیات دوباره زنده و دل‌ها را روانه‌ی جبهه کرد. پیامی با این مضمون:

این شرایط را حداقل درک بکنند. دشمن قصد دارد به فاو حمله بکند و نباید [برای این کار به دشمن] کوچک‌ترین فرصتی دهیم تا وارد عمل شود... تنها راه حلی که برادرها باید انجام بدهند، این است که با یک روحیه‌ی ایثارگرانه به طوری که واقعاً صداقت‌مان را بتوانیم هم به امام نشان بدهیم و هم ان شاء الله بتوانیم به خداوند متعال نشان بدهیم و ثابت کنیم که ما برای آخرت‌مان واقعاً می‌جنگیم و نه برای هیچ مسأله‌ی دیگر و این را باید در عمل‌مان نشان بدهیم. شاید این میدان آزمایش که بتواند ما را از بوته‌ی آزمایش در بیاورد، بهتر از این جنگ، چیزی دیگری نباشد. اگر در عملیات بصیرت پیدا کنیم که به کجای دشمن ضربه بزنیم، حتماً موفق خواهیم شد. همه برادران به صورت جدی آماده بشوند.»

۱. میل به آفند

همان‌طوری که می‌دانیم تحقق و دستیابی به هدف و نتیجه‌ی قطعی و نیز حفظ آزادی عمل

«سلام و دورد بر شما بزرگوارانی که امروز محور تاریخ و تاریخ ساز هستید. چشمان تمامی ناظران امروز خیره به سوی شماسست و دل های پاک و مؤمنان در انتظار بشارت پیروزیهایتان می تپد و قلوب کفار و دشمنان خدا از ترس تهاجم سرنوشت سازتان نگران. شنیدن خروش الله اکبرتان و مشاهده ی گام های بلند و استوارتان در میدان های نبرد حق علیه باطل، این افتخار را که طلایه داران کاروان الهی و نوک پیکان حرکت تاریخ در جهت اجرای خواست اسلام و قرآن شده اید، مبارک باد... شما دژهای مستحکم و پولادین را می شکافید و صاعقه دار بر دشمنان خدا در سنگرها فرود می آید و طنین الله اکبرتان ابرهای تیره تعصب ها و ابهامات را می شکافد و پرده گوش جهانیان را مرتعش می سازد و این ها همه محصول ایمان و تقوا و نمونه های والای سنت الهی در تاریخ جهاد انبیا و واولیا ربوبین آن هاست.»^۶ و آنگاه که عملیات در

شب اول (۱۹ دی ۱۳۶۵) با موفقیت حیرت آور نیروهای خودی انجام می شود. فرماندهی عملیات با استمرار اصل آفند، در پی دستیابی به اهداف مرحله بعدی عملیات، دستور حضور یگان های موج دوم را ابلاغ می کند. در همین زمینه آمده است:

«در پی موفقیت درخشان رزمندگان، فرمانده سپاه دستورات لازم را به فرماندهان دو قرارگاه قدس و نجف جهت آمادگی

ورود یگان های تحت امر به صحنه نبرد صادر می کند. به خصوص که امکان تردد از مدخل ورودی این دو قرارگاه (یعنی جاده شلمچه) تا حدودی هموار شده و این امتیاز باعث گردیده تا ساعت ۵:۳۰ رزمندگان بتوانند به منطقه ی پنج ضلعی که در درجه ی اول میل اتصال زمین دشمن به زمین خودی است، قدم بگذارند و با تصرف مواضع نیروهای عراقی در این منطقه، افق روشنی را فرا روی فرماندهان قرارگاه قرار دهند تا جهت اجرای سریع مراحل بعدی عملیات اقدام کنند. تصرف زمین های پنج ضلعی از آن جهت که محل اتصال آن با خط دوم نیروهای عراقی محسوب می شد، بسیار حائز اهمیت بود. از سویی آزادسازی جاده ی شلمچه امکان انتقال سریع امکانات و نیرو را میسر می ساخت و نگرانی فرماندهان را از اتکاء صرف به عقبه ی دریایی که باعث ایجاد محدودیت هایی برای یگان های عمل کننده و همچنین قرارگاه به شمار می رفت، برطرف می نمود.»

همچنین با گذشت سه روز از عملیات، در حالی که دشمن با تشخیص فلش حمله ی رزمندگان و ورود نیروهای تازه نفس، فشار شدیدی را برای بازپس گیری مهم ترین سرپل عملیات، یعنی غرب کانال ماهی، آغاز کرده بود، اما مجدداً بر استمرار تاکتیک عملیات آفندی از سوی نیروها، تأکید شده بود:

«قرائن حاکی از تداوم فشار از سوی عراقی هاست و این در حالی است که در جناح راست منطقه ی کلی عملیات (یعنی کانال ماهی)، یگان ها، موضع پدافندی قابل اتکایی ندارند و این می تواند خطر

محسن رضایی: با برخی فرماندهان خیلی مشورت کردیم است و در مجموع به این نتیجه رسیدیم که باید سریع تر از آنچه دشمن درباره اش فکرش می کند «ابتکار عمل» را به دست آوریم و شرط آن، تنها در گرو انتخاب فوری زمینی جدید برای عملیات است

حتی در پنجمین روز عملیات که هر دو گروه درگیر که در پی تهاجمات متعدد به قوای همدیگر، تلفات زیادی داده بودند و انتظار می‌رفت هر طرف ضربه‌ی آخر را بزنند، عملاً توان دیگری را به شدت تحلیل خواهد برد و می‌تواند به پیروزی امیدوارانه‌تر فکر کند، فرماندهی عملیات با درک چنین وضعیتی یگان‌ها را به تداوم اصل آفند ترغیب می‌نماید:

«تا امروز رزمندگان زمینی را به دست آورده‌اند که اگر هر شب با ۱۰ گردان عمل کنیم می‌توانیم تلفات [زیاد از دشمن] بگیریم و دور عملیات را در اختیار داشته باشیم. ولی اگر دو شب عملیات

نکنیم، دور را از دست می‌دهیم. لذا اصلاً تأخیر به نفع ما نیست و سیاست ما تداوم عملیات است. وی در توجیه دیدگاهش پیدایش وضعیت جدید در عملیات و شرایط خاص و نتیجه صحنه نبرد را ملاک قرار می‌دهد و تصریح می‌کند که جنگ اکنون به نهایت شدت خود نزدیک شده و در آینده هم شاید شدیدتر شود. در این

محمد کوثری: دشمن بیش از نیمی از کمیت و بیش از ۷۰ درصد کیفیت ارتش خود را در خطی که تنها ۱/۶ از کل طول جبهه‌های نبرد را تشکیل می‌دهد برای دفاع از آن بسیج کرده بود.

اثر عملیات گفت: «عملیات هوشمندانه شما رزمندگان از دشوارترین عملیات‌ها و در حساس‌ترین جبهه‌هایی صورت پذیرفت که دشمن بعضی پس از عملیات رمضان تاکنون، بیشترین تمرکز نیروهای زنده را در این منطقه قرار داده بود. در واقع [عملیات رزمندگان] هشدار و بیدار باش به کسانی است که با تبلیغات دروغین خود غرق در خواب‌های خوش و پوچ هستند. این عملیات فتح بزرگی برای مردم به ارمغان خواهد آورد» [روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۵/۱۰/۲۱، ص ۶] همچنین فرمانده عالی جنگ و سخنگوی شورای عالی دفاع ضمن سلام و درود به فاتحان عملیات کربلای ۵، رزمندگان را محور تاریخ و تاریخ‌ساز انقلاب اسلامی برشمرد و شهادت و شجاعت و ایثار آنان را ستود، وی حرکت رزمندگان را صاعقه‌وار و محصول پیروزی‌شان را ناشی از ایمان و تقوا، تحمل سختی‌ها، مقاومت و نیز نمونه والای سنت‌الهی در تاریخ جهاد انبیاء و اولیا ربیون دانست. {همان}

جدی به شمار آید. از این رو فرمانده کل سپاه اعتقاد بر استمرار عملیات در شب جاری دارد. به عقیده‌ی محسن رضایی: «اگر امشب با یگان‌ها عملیات نکنیم، دشمن می‌فهمد که یک جای کارمان می‌لنگد.» معاون عملیاتی محسن رضایی نیز ضمن تأیید این نظریه گفت: «اگر پل کانال ماهی بسته شود. امکان محاصره شدن نیروها وجود دارد و ما در آن‌جا سه لشکر ۲۵ کربلا، ۱۰ اسیدالشهداء^۷ و ۲۷ محمدرسول‌الله^(ص) را داریم که باید مراقب باشیم» در انتها و پس از بررسی جوانب مختلف صحنه‌ی نبرد، مقرر می‌شود. که دو اقدام جدی صورت بگیرد:

۱. انفجار پل سوم کانال زوجی - (که به نام‌های رحمتی یا حسین یا رعد معروف بوده است).

۲. انجام عملیات مهندسی با هدف احداث پل دیگری بر روی کانال پرورش ماهی.

این تدابیر با کلیات طرحی که صبح امروز ابلاغ شده بود تفاوت چندانی نداشت. لذا فرمانده قرارگاه کربلا نیز پس از جمع‌بندی مباحث، خطاب به کوثری گفت: «امشب ان‌شاءالله همان کار دیشب را تکرار می‌کنید. شما امشب با یک گردان محکم به دشمن بزنید. عزیز جعفری (فرمانده قرارگاه نجف) هم در منطقه‌ی پنج‌ضلعی، کار دیشب خود را ادامه می‌دهد [تا زمینه الحاق در نوک کانال ماهی برقرار شود].»^{۷*}

* در همین زمان دو پیام، یکی توسط رئیس‌جمهور و دیگری از سوی فرمانده عالی جنگ برای رزمندگان فرستاده می‌شود. پیام‌ها حاوی مطالب روحیه‌بخشی بود که در آن دلاوری، شجاعت و پایداری‌های رزمندگان ستوده و مورد تقدیر قرار گرفته بود. در پیام اول رئیس‌جمهور، ضمن تقدیر از عملیات غرورآفرین رزمندگان، عملیات را پاسخی کوبنده به عملیات روانی دشمن و حامیان رژیم بعث عراق تلقی کرد و درباره

این سنگرهایی از دشمن که کنار شما قرار دارند، سنگرهایی مستحکمی نیستند. دشمن خود می‌داند، گره اصلی همان نبش(نوک) کانال ماهی است. که اگر الحاق نیروهای غرب کانال ماهی با محور پنج ضلعی در این نوک شمشیر انجام بشود کار عراقی‌ها تمام است. به همین دلیل عراقی‌ها بیشتر آنجا سرمایه‌گذاری کردند. به واحد تخریب هم گفته‌ام نیروهایش را جمع کند، حداقل در حد یک گروهان منها می‌توانند تشکیل بدهند.»

هوشنگ نورالله‌زادگان، حرف فرمانده را قطع می‌کند و به منظور قوت قلب بخشیدن به محقق به او می‌گوید: «اگر چه ما الآن دو تا تیم بیشتر نداریم اما یکی از آن‌ها را در اختیار شما قرار می‌دهیم و یکی را هم مأمور به گردان انصار خواهیم کرد که آخر از همه عمل می‌کند.»^۹

کمال آبادی، دست خود را بالا می‌گیرد تا مطلبی بگوید. کوثری اجازه می‌دهد. کمال‌آبادی با اشتیاق می‌گوید: «حاج آقا ما هم تقریباً به اندازه‌ی یک گروهان آر.پی.جی‌زن داریم آن‌ها را می‌توانید به کار گیرند.» کوثری از او تشکر می‌کند: «این توان بسیار خوبی است. آن‌ها هم بیایند و در گردان‌ها تقسیم شوند تا توان ضد زره گردان‌ها افزایش یابد.»^{۱۰}

کوثری در ادامه با ابراز خرسندی از این همدلی و خوش‌بینی برخی هم‌زمان گفت: «امیدوارم یک مجموعه‌ی آتش خیلی خوبی را هنگام عملیات و پس از آن داشته باشیم.»

۵. شجاعت و نترسیدن از مرگ

عامل مهم دیگری که در عملکرد موفق و تحسین برانگیز رزمندگان لشکر ۲۷ در عملیات کربلای ۵ نقش و تأثیر بسزایی داشت، روحیه‌ی جنگجویی، جسارت و نترسیدن از مرگ بود. حضور در یکی از مخاطره‌آمیزترین محورهای عملیات، یعنی کانال پرورش ماهی بود. منطقه‌ای محدود که به دلیل موقعیت ویژه‌اش، پشتیبانی از نیروها به سختی هر

خاکریزهای مقطعی به سمت جنوب پیشروی کند تا با لشکر ۳۲ الحاق نمایند.»^۹

البته بنا به دلایلی همکاری و عملیات مشترک با لشکر ۲۵ با واکنش برخی فرماندهان گردان‌ها همراه شد. آن‌ها ترجیح می‌دادند عملیات مستقل انجام دهند. به طوری که محتشم(فرمانده گردان انصار) به کوثری گفت: حاج آقا آیا واقعاً نیروهای لشکر ۲۵ کربلا پا به پای نیروهای ما جلو می‌آیند یا نه؟

رضا یزدی هم از کوثری پرسید: اگر نیروهای لشکر ۲۵ کربلا نیامدند چه؟

کوثری با خوش‌بینی پاسخ می‌دهد: «نه چنین چیزی امکان ندارد. به محض درگیری نیروهای ما، آن‌ها هم درگیر می‌شوند و کار خودشان را ادامه می‌دهند... آقا مرتضی(قربانی) تضمین کرده و همه‌ی هماهنگی‌ها در قرارگاه صورت گرفته است.»

در ادامه حسن محقق نیز از نبود نیروی کافی برای انجام عملیات سخن گفت و خطاب به کوثری می‌گوید: «ما الآن توان لازم را نداریم. کلاً ۷۰ نفر نیرو برایمان باقی مانده است. در صورتی که جنگیدن در این زمین حداقل به ۲۰۰ نفر نیرو نیاز دارد و معلوم هم نیست نیروهای لشکر ۲۵ چه طوری عمل کنند؟» علاوه بر این مانور عملیاتی مورد نظر در این جا، خیلی در هم و برهم است و نمی‌شود نیروها را توجیه کرد.»^{۱۱}

توجیهات کوثری که بیشتر به اهمیت عملیات و حفظ سرپل کانال ماهی اشاره دارد و وی تلاش می‌کند تا با طرح مباحث عملیاتی، راهکارهایی را برای پشتیبانی مؤثر از نیروها هنگام عملیات بیابد. خطاب به حسن محقق گفت: «اتفاقاً مانور این جبهه خیلی راحت است. اصولاً عمق هدف در جناح چپ کانال(یعنی از هلالی ۳ تا نوک کانال ماهی) ۲ کیلومتر و عرض خط حدمان بین ۳۰۰ تا ۶۰۰ متر است. پس با دو فلش(یکی روی دژ و دیگری سمت چپ جاده‌ی فجر) می‌توانیم عمل کنیم. علاوه بر

با لحنی که عصبانیت در آن موج می‌زد به فرمانده لشکر می‌گوید: «مگر ما گردان پدافندی هستیم که همیشه خطوط پدافندی را به ما می‌سپارید. شما با گردان ما خیلی بد رفتاری و کم لطفی می‌کنید. شما اصلاً به توانایی گردان و کادر گردان ما آشنایی نزدیک ندارید تعجب می‌کنم که چه طور (مسئولیت) ۴۸۰ نفر را به ما سپرده‌اید. برخورد دو گانه شما رنج‌آور است. به یک گردان خیلی پر و بال می‌دهید و به گردان دیگر اصلاً اهمیت نمی‌دهید. من اصلاً با این وضع خجالت می‌کشم توی گردان بروم...»

قریب، سپس به موضوع قبل از عملیات کربلای ۵، هنگامی که در جلسه‌ای در قرارگاه، کوثری قصد معرفی کادر گردان‌ها و توانایی‌های آنان را به مسئولین داشت، اشاره می‌کند و در حالی که بیش از پیش ناراحت شده به مصداقی از بی‌مهری کوثری در نحوه‌ی گزارشش اشاره می‌کند و می‌گوید: «حتی در جلسه‌ی قرارگاه شما در معرفی افراد، تبعیض قائل شدید. به عده‌ای خاص توجه می‌کردید و الباقی را به نحوه‌ی دیگر معرفی کردید. این سبک رفتار در روحیه‌ها اثر منفی می‌گذارد.»

کوثری که غافل‌گیر شده تلاش می‌کند این نحوه‌ی برداشت را نفی کند، لذا پاسخ داد: «نه، اصلاً این طور نیست. شاید فقط شما این طوری فکر می‌کنید.» قریب، صحبت کوثری را قطع می‌کند و سریع واکنش نشان می‌دهد: «نه خیر، اگر سری تو گردان بزنید، همه (فرمانده گروهان‌ها و دسته‌ها) نظرشان همین است.»

کوثری نمی‌خواهد این گفتگو ادامه یابد. پس دوباره جمله‌اش را تکرار می‌کند که: «نه، اصلاً این طوری نیست. من هیچ فرقی میان گردان‌ها نمی‌گذارم. البته ملاک‌هایی دارم که براساس آن برنامه‌ریزی و طرح می‌ریزم. مثلاً گردانی برای عملیات در زمین باتلاقی آمادگی و یا تجربه خوبی ندارد و گردان دیگر سابقه این کار را دارد و بهتر

چه تمامتر امکان‌پذیر بود. منطقه‌ای که دشمن با تمرکز آتش، تحرک را از هر جنبه‌ای سلب می‌کرد. زمینی که هیچ عارضه و جان‌پناه مطمئنی حائل خود با دشمن نداشت و ... با این حال هم فرمانده و هم رزمنده، یکی با شجاعت عملیات را هدایت می‌کرد و دیگری با جسارت و پذیرش هر خطری با نگاه به افق دور دست، در پی کسب موفقیت بود. در انگیزه‌ی فرمانده لشکر و رزمندگان آن، دشمن تا دندان مسلح دارای ابهت مجازی و پوشالی بود و به همین دلیل فراوانی تجهیزات دشمن در نگاه آن‌ها هیچ، مفهومی نداشت. زیرا آن‌ها اساساً رزمندگانی خطرپذیر بودند و برای حضور در این میدان‌ها گاه با فرمانده خود بگو و مگو می‌کردند.

چنانچه در کتاب عملکرد لشکر ۲۷ در عملیات کربلای ۵ اظهارات انتقادی یکی از فرمانده گردان‌ها، به فرمانده لشکر، وقتی متوجه می‌شود که گردان آن‌ها برای موج اول عملیات در نظر گرفته نشده، چنین بوده

غلامعلی رشید: «اگر پل کانال ماهی بسته شود. امکان محاصره شدن نیروها وجود دارد و ما در آن‌جا لشکرهای ۲۵ کربلا، ۱۰ اسیدالشهداء (ع) و ۲۷ محمد رسول الله (ص) را داریم که باید مراقب باشیم»

است:

«کوثری به فرمانده گردان‌ها که برای موج اول عملیات در نظر گرفته شده‌اند تأکید می‌کند که با توجه به فرصت و زمان محدود، سریعاً نیروها را از کرخه به اردوگاه (شهید باهنر) منتقل نمایند و منتظر دستور برای عزیمت به خط باشند. در این هنگام «قریب» (معاون گردان سلمان) که دقایقی پس از شروع جلسه، به جمع حاضرین پیوسته بود، توقع داشت گردان سلمان، جز گردان‌هایی باشد که در همان شب اول، به کار گرفته شود اما وقتی نامی از آن‌ها برده نشد، چهره‌اش در هم کشیده شد و

خطوط مواصلاتی متوقف شود بلکه تعداد زیادی از خودروها، سنگرها و بنه‌های پشتیبانی، منهدم شده و یا آسیب ببینند.

محقق از فرمانده لشکر مصرانه تقاضای مهمات و آتش پشتیبانی می‌کند: «حاج محمد، سریع بگو مهمات برسانند. بچه‌ها از سمت چپ به شدت تحت فشارند. عراقی‌ها تلاش دارند تا از ما پهلوی بگیرند».

کوثری او را به هوشیاری و صبر دعوت می‌کند: «شما مراقب باشید تا خدای ناخواسته بچه‌ها عقب نیایند الآن بچه‌ها را جمع می‌کنم تا برای شما مهمات برسانند».

اما کوثری پس از اطلاع از موقعیت پل به محقق می‌گفت که فعلاً امکان انتقال مهمات نیست و باید یا از مهمات لشکر ۲۵ کربلا استفاده کنند یا این که نیروهایش باید بیایند نزدیک پل و مهمات را که کنار خشایارهای منهدم شده دپو شده، جمع کنند و از آن‌جا به هم‌زمان خود برسانند.

محقق و معاونش پی‌درپی

و با فریادهای بلند نیروها را به مقاومت دعوت می‌کنند. تعداد زیادی از نیروهای دو گروهان عابس و قیس مجروح و تعدادی شهید شده‌اند. تمام حواس‌ها به دشمنی بود که لحظه به لحظه جلو می‌آید. کم‌تر کسی دیده می‌شود که زخمی بر بدن نداشته باشد. عجیب این که دشمن هم به رغم صدماتی که متحمل شده بود همچنان بر ادامه‌ی پاتک پافشاری می‌کرد.

محقق نگران از وضع پیش آمده به طور خستگی‌ناپذیر از این سو به آن سو می‌دوید تا با آگاهی از آرایش و سمت و سوی پیشروی دشمن،

می‌تواند از عهده‌ی مانور عملیات بر بیاید. طبیعی است که دومی را انتخاب می‌کنم. وگرنه این طور نیست که بین گردان‌ها فرق بگذارم. ضمناً اگر وجود چنین ذهنیتی را زودتر می‌گفتی، حتماً با برادران گردان صحبت و توجه‌شان می‌کردم. من هیچ وقت میان شماها فرقی نمی‌بینم.» قریب به نمایندگی نیروهای تحت امرش که مدت‌ها در عطش شرکت در عملیات می‌سوزند از ادامه‌ی گفتگو کوتاه نمی‌آید. می‌خواهد به هر نحوه‌ی فرمانده لشکر را متقاعد کند تا به آن‌ها فرصت انجام عملیات را بدهد و گردانی دیگر را جایگزین آن‌ها را خط پدافندی بکند. از این رو با جمله‌ای اعتراض‌آمیز گفت: «پس چرا دوباره می‌خواهید ما را به خط پدافندی مهران بفرستید. گردان‌های دیگر باید بروند. ما به تازگی از خط پدافندی «تبور» رها شدیم و به عشق عملیات روزها سپری کردیم. من هیچ رویی ندارم که نزد بچه‌ها بروم و بگویم، دوباره به ما گفته‌اند به جبهه‌ی مهران برویم. اصلاً از جنبه‌ی روانی، وجهه‌ی بدی دارد. بنابراین شما ببینید، نوبت چه گردانی است آن‌ها به خط پدافندی بروند.»^{۱۳}

همچنین در بخشی دیگر از کتاب، جلوه‌ای از شجاعت و دلاوری و روحیه‌ی سلحشوری رزمندگان گردان حبیب‌ابن مظاهر در اولین روز نبردشان با دشمن چنین بیان شده است:

«ساعت ۹:۲۰ روز ۲۱ دی ۱۳۶۵ در یک لحظه زمین به هم می‌ریزد. منطقه را بارانی از گلوله‌های توپ، خمپاره و موشک فرا می‌گیرد. اجرای آتش تهیه از سوی عراقی‌ها آن‌قدر سنگین است که حتی رزمندگان قدیم گردان، اعتراف می‌کنند که نمونه‌ی آن را در طول سال‌های جنگ کم‌تر به چشم دیده‌اند. تمرکز آتش در ده، پانزده دقیقه‌ی اول روی پل کانال ماهی، جاده‌ی شنی رحمان و سیل‌بندهای فرعی منتهی به کانال ماهی (سیل‌بندهای یوسف و یونس) باعث شد تا نه تنها کلیه تردها و نقل و انتقال در این

در عملیات کربلای ۵،
رزمندگان تحت فشار دشمن
قرار گرفتند اما خوش‌بینی
فرمانده به نتیجه‌ی عمل
موجب می‌شد تا روح
مقاومت در برابر هجمه دشمن
افزایش یابد

می‌کند. «شما محکم ادمه دهید. اسلام شکست‌بردار نیست، محکم باشید»^{۱۴}

کوثری نیز متعاقباً با همین مضامین محقق را برای سرکوب قوای عراقی ترغیب می‌کند.

محقق لحظاتی بعد در تماس با او، از وخامت اوضاع در حد بحران چنین خبر می‌دهد: «حاجی کار تمام است. نیروهای باقی‌مانده یا شهید می‌شوند یا مجروح یا اسیر. آتش دشمن سنگین است از ما کمکی (برای حفظ سرپل) بر نمی‌آید.» در همین حال صدای فرمانده گروهان عابس به گوش می‌رسد: «حاج حسین، دشمن از جناح چپ لحظه به لحظه نزدیک‌تر می‌شود.» محقق خطاب به نیروها از آنان می‌خواهد با توسل به «حضرت فاطمه (س)» از او مدد و روحیه بگیرند.

در چنین اوضاع و احوالی محقق اسامی ۹ آر.پی. جی‌زن را یک به یک یاد می‌کند: علی غیاثوند، قیصری، میثم محمدی، حمید بهارلو، ترابی و...

دقایقی بعد فرمانده گروهان با نه جوان رزمنده مجهز به آر.پی. جی - که متوسط سنشان ۲۱ سال بود می‌آید. آن‌ها پشت سر هم می‌نشینند تا به حرف‌های فرمانده گوش کنند. صدای محقق در میان صدای انفجارها گاهی گم می‌شود. او با نگاهی مضطرب به انتهای خاکریز چشم می‌دوزد و توصیه‌های لازم را برای انهدام تانک‌ها گوشزد می‌کند. آر.پی. جی‌زن‌ها با تعقیب نگاه فرمانده، با دقت به صحبت‌های محقق گوش می‌کنند. سپس به دو تیم دو نفره تقسیم می‌شوند و با فاصله از همدیگر به سمت تانک می‌روند. رگبار تیربارها لحظه‌ای قطع نمی‌شود. قریب به دو ساعت است که نیروهای گردان حبیب در پشت خاکریزها در برابر هجومی سنگین عراقی‌ها مقاومت می‌کنند. برخی نگاه‌ها بدرقه راهی است که آر.پی. جی‌زن‌ها به سوی تانک‌های عراقی طی می‌کنند. آن‌ها با سرعت و با چند حرکت ایذایی خود را به نزدیک تانک‌ها می‌رسانند. اما شدت تیراندازی دشمن به

کار هدایت نیروهایش را به خوبی انجام دهد. او با مشاهده تانک‌ها فریاد می‌زند: «آر.پی. جی‌زن‌ها آماده باشند» چند جوان قبرا آ.پی. جی به دست سریع آماده می‌شوند و به سمت تانک‌ها می‌روند و موفق می‌شوند یکی، دو تانک دشمن را از کار بیاندازند.

کوثری قصد دارد با مرتضی قربانی تماس بگیرد تا در صورت امکان به نیروهای گردان حبیب کمک کند. اما وقتی صدای مرتضی قربانی را از طریق بی‌سیم می‌شنود که در تماس با قرارگاه کربلا پیشنهاد می‌کرد سرپل کانال ماهی را خرج گذاری کنند تا چنانچه ناچار به عقب‌نشینی شدند، با انفجار آن، تلاش دشمن را برای عبور از پل ناکام بگذارند، بیش از پیش گردان حبیب را ترغیب به مقاومت می‌کند.

بدین ترتیب حفظ پنج ضلعی که به عنوان دستاورد عملیات کربلای ۵ در ابتدای عملیات به عنوان حداقل انتظار برای فرماندهان مطرح بود، با فشار دشمن در کانال ماهی و تلاش برای بازپس‌گیری سر پل کانال و پنج ضلعی تبدیل به حداکثر انتظار می‌شود. از این رو باید به سرعت نسبت به اتخاذ تاکتیک مناسب برای حفظ سرپل تدبیری اندیشیده می‌شد. به خصوص که براساس اطلاعات کسب کرده، دشمن مصمم به بازپس‌گیری سرپل در غرب کانال ماهی بود.

برابر گزارش واحد شنود قرارگاه: «فرمانده لشکر ۵ مکانیزه عراق» که فرمانده محور کانال ماهی است - به یگان‌های تحت امر دستور داده که سرپل تصرف شده را باید هر چه سریع‌تر پس بگیرند. با کسب این خبر علی شمخانی، فرمانده نیروی زمینی سپاه، دستور می‌دهد تا جلوی پل کانال ماهی به شدت توسط کاتیوشا گلوله‌باران شود. و غلامپور، فرمانده قرارگاه کربلا، نیز از داخل نفربر خود، کوثری، مرتضی قربانی و فرمانده گردان‌های درگیر این دو لشکر را به مقاومت در برابر دشمن تشویق

میثم محمدی به زحمت بلند می‌شود تا راهش را ادامه دهد اما هدف تک تیرانداز عراقی قرار می‌گیرد و با فریاد یا حسین، یا حسین^(ع) از روی زمین بلند می‌شود. توانی برای راه رفتن ندارد. روی زانویش می‌نشیند و چون در معرض تیرانداز عراقی قرار دارد، با شلیک چند تیر دیگر به زمین می‌افتد. هم‌رمز میثم که هاج و واج نظاره‌گر این صحنه درد آور بود، تاب نمی‌آورد در حالی که فریادهای متوالی: «خدایا، خداجون، میثم، میثم!» سر می‌دهد، به سوی میثم برمی‌گردد تا وی را از اصابت بیشتر تیرهای دشمن خلاص کند. لیکن خودش هدف تک تیرانداز عراقی قرار می‌گیرد و در دم شهید می‌شود. نفر سوم غیاثوند نیز سرنوشتی مشابه دارد. او بر اثر اصابت ۱۲ گلوله رگبار مسلسل دشمن به شهادت می‌رسد. از میان آنها، ۵ نفر شهید و ۴ نفر باز می‌گردندند.^{۱۵} مشاهده‌ی این صحنه، هیجان اندک نیروهایی که از گروهان قیس و عابس سالم مانده‌اند را به غلیان(جوش) می‌آورد. دو دسته از نیروهای گردان حر که پشت دژ رشید به سر می‌برند با زحمات زیادی به جمع نیروهای دو گروهان قیس و عابس ملحق می‌شوند. محقق در تماس با کوثری درخواست افزایش آتش توپخانه

قدری شدید است که آنان فرصتی برای هدف‌گیری به دست نمی‌آورند. حدود ۳۵ یا ۳۶ تانک دشمن قابل شمارش بود. آرامش و تاکتیک خاصی داشتند. تعدادی جلو می‌آمدند و به شدت مواضع رزمندگان را هدف قرار می‌دادند و باز می‌گشتند. هم‌زمان تعدادی دیگر به جلو می‌آمدند. به نظر می‌رسید این تاکتیک با دو هدف انجام می‌شد.

۱. اعزام نیرو

۲. ارزیابی توان مقابله

آر.پی.جی. زن‌ها پس از گذشت شش، هفت دقیقه با تغییر موضع خود، در یک فرصت استثنایی، یکی یکی به سوی تانک‌ها شلیک می‌کنند. اما چون هیچ فرصت و موقعیتی برای نشانه‌روی دقیق وجود نداشت هیچ یک از موشک‌های آر.پی.جی به هدف اصابت نمی‌کند. با هدر رفتن هر موشک آه از نهاد رزمندگانی که ناظر جسارت هم‌رمزمان خود بودند، بلند می‌شود. در مرحله‌ی بعد آنها موفق می‌شوند دو سه تانک را مورد هدف قرار دهند. آر.پی.جی زن‌ها بر می‌گردند تا چند موشک با خود ببرند. هنوز چند قدمی بر نداشته‌اند که دو تن از آنها مورد هدف رگبار مسلسل تانک‌های دشمن قرار می‌گیرند.



رزمندگان لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) در منطقه عملیاتی کربلای ۵؛ شلمچه؛ ۱۳۶۵/۱۰/۲۰

از جمله مسائل دیگری که باعث تفوق نیرو در نبرد سنگین با دشمن یعنی بود، قدرت خبرگی فرماندهان در تصمیم‌گیری سریع و به موقع در وضعیت‌های سخت صحنه نبرد بود. آنچه که در کارنامه‌ی ۷ روزه‌ی نبرد این لشکر در عملیات به چشم می‌خورد. این که اکثر فرماندهان (اعم از فرمانده لشکر و فرمانده گردان‌ها) در تلاش بودند تا دانش‌های ضمنی و تجربیات خود - که طی ۵ سال نبرد با دشمن و گذر از فراز و فرودهای سخت‌ترین صحنه‌های جنگ کسب کرده بودند- را به میدان عمل آوردند و به دانش جاری و تدبیر برای حل فوری مسائل مرتبط با صحنه‌ی نبرد تبدیل کنند. آن چنان که نمادی از این خبرگی در تصمیم‌گیری سریع و جسورانه در دومین روز نبرد، چنین تجلی پیدا می‌کند:

قوای عراقی سرمست از اقدام جسورانه‌ی خود، به تعقیب نیروها ادامه می‌داده و از پشت، نیروها را مورد هدف قرار می‌دهند و تعدادی از آنان را مجروح و تعدادی را شهید می‌کنند.

سعید سلیمانی در تماس با کوثری وی را در جریان اوضاع بحرانی قرار می‌دهد و تقاضای افزایش آتش توپخانه می‌کند. چند تانک عراقی که تا آستانه‌ی خاکریز توحید پیش آمده‌اند خود را به حاشیه‌ی دژ رشید می‌رسانند تا با عبور به بالای دژ به سمت سرپل کانال ماهی پیش آیند.

با حضور تانک‌ها در این موقعیت اندک نیروهای سالم گروهان عابس و قیس نه تنها از پهلوی بلکه از پشت هم در معرض تهدید و گلوله‌های مستقیم تانک و مسلسل دشمن قرار می‌گیرند.

محقق در تماس با کوثری با فریاد می‌گوید که اگر تا پانزده دقیقه‌ی دیگر نیرو و مهمات نرسد، همه یا شهید می‌شویم یا اسیر. بیابید بغداد ملاقاتمان...

نوری پشت بی‌سیم به فرمانده سه گروهان عابس و حر و قیس توصیه می‌کند که به بچه‌ها

می‌کند. این درخواست از سوی فرمانده لشکر ۲۵ کربلا که نیروهایش وضع خوبی نداشتند به قرارگاه منعکس می‌شود. دقایقی بعد حجم سنگینی از آتش توپ‌خانه - که دقت خوبی هم داشت- مواضع عراقی‌ها را در هم می‌نوردد. از میان باران گلوله چند گلوله‌ی توپ، به تانک‌های دشمن اصابت کرد و باعث انهدام و یا از کار افتادن آن‌ها می‌شد. انهدام تانک‌ها در کاهش فشار دشمن علیه رزمندگان خیلی زود تأثیر می‌گذارد. زیرا تانک‌ها به طور ناگهانی عقب‌نشینی می‌کنند. در همین حال سه، چهار آر.بی. جی‌زن فرصت را مغتنم دیده و با حرکت به سمت تانک موفق می‌شوند، دو دستگاه از آن‌ها و دو دستگاه از نفربرهای دشمن را مورد هدف قرار داده و به آتش بکشند.

رزمندگان با مشاهده آتش تانک‌ها، که گاه با انفجار گلوله‌های داخل آن‌ها، آتش حجیمی مثل آشفشان بر می‌خاست، فریاد الله اکبر سر دادند. موجی از شادی در منطقه‌ی

نبرد ایجاد شد. نیروها با روحیه‌ای مضاعف بر بالای خاکریزها می‌روند و با مسلسل‌های خود به سوی نیروهای پیاده عراقی که در حال عقب‌نشینی هستند، شلیک می‌کنند.

با دفع اولین پاتک که به یمن مقاومت و فداکاری تحسین برانگیز رزمندگان گردان حبیب (و نیروهای لشکر ۲۵) انجام پذیرفت، از شدت آتش دشمن هم کاسته شد. نیروها خسته از جنگ سخت و نابرابر، حالا فرصت پیدا می‌کنند تا به مداوای مجروحین و یا جمع‌آوری شهدا و انتقال آن‌ها به عقب بپردازند.

۶. قدرت تصمیم‌گیری سریع و جسورانه

حسن محقق: دشمن خود می‌داند، گره اصلی همان نبش (نوک) کانال ماهی است. که اگر الحاق نیروهای غرب کانال ماهی با محور پنج ضلعی در این نوک شمشیر انجام بشود کار عراقی‌ها تمام است

نمی‌شه از روی زمین بلند بشی.»

محقق می‌گوید: «برادر من، هیچ راهی نداریم. اگر نروید کل گردان با نیروهای لشکری دیگر که اینجا هستند، به محاصره می‌افتند. یک نفرمان هم نمی‌تونیم برگردیم. عجله کن. یک دسته راه بیفتید، الله اکبر بگویید و بزنیدشان.»

از آن جا که روحیه‌ی دوستی و فرمان‌پذیری عاشقانه از فرمانده، به عنوان یک رویه در یگان‌های سپاه جاری بود، فرمانده دسته جایی برای تعلل و تأخیر در انجام مأموریت نمی‌بیند. در واقع رزمندگان برای موقعیت‌های سخت بی‌تاب‌تر بودند.

فرمانده دسته می‌رود به سمت نیروهایش که سخت سرگرم مقاومت و درگیری با قوای عراقی بودند. یک به یک هم‌رزمانش را صدا می‌زند و می‌گوید: برادران، حاج حسن گفت: «برادرها آماده باشند تا یک حال حسابی به این پدر سوخته‌های عراقی بدیم. آماده باشید مثل همیشه، همه با هم و یکپارچه با فریاد «الله اکبر و یا زهرا^(س)» به سوی دشمن هجوم ببریم.»

این دستور در آن وضعیت سخت نه تنها موجب تعجب نیروها شد، بلکه گویا آنها برای مأموریتی ویژه انتخاب می‌شدند، بسیار سریع و با اشتیاق آماده شدند. فرمانده دسته در آن هیاهوی نبرد دوباره فریاد زد که: «خشابه‌ها پر از فشنگ باشند. اگر یکی دو خشاب اضافه هم پیدا کردید همراه داشته باشید. بگردید چند تا نارنجک پیدا کنید تا به یاری خدا برای انهدام تانک‌ها استفاده کنیم. سریع، سریع، بجنبید تا دیر نشده.»

از یک دسته ۳۰ نفره، جمعی از آن‌ها مجروح یا

بگویید ذکر یا فاطمه‌الزهر^(س) بگویند. دل‌هایشان را به خدا بسپارند و برابر دشمن استقامت کنند. نفوذ کلام این روحانی جوان که در گردان محبوبیت خاصی داشت، موجب روحیه و انرژی جدید در نیروها شد به خصوص وقتی نیروها شاهد تکاپو و جنب‌وجوش فراوان او بودند که چگونه به این سو و آن سو می‌دود و به دشمن تیراندازی می‌کند و در عین حال جوانان را توصیه به ذکر خدا و توسل جستن به ائمه‌ی معصومین^(ع) می‌کند.

۲۰ دقیقه از آغاز هجوم و ۱۰ دقیقه از پیشروی نیروهای پیاده دشمن که حالا خود را به ۱۰۰ متری رزمندگان رسانده‌اند، می‌گذرد. تعدادی از نیروهای مستقر در خاکریزهای مقطعی ناس، فلق و دژ رشید شهید و مجروح شده‌اند. سایر رزمنده‌ها در پناه سنگرهای کوچک و محقر خود بی‌آنکه از مرگ هراسی به دل راه دهند، سرسختانه مقاومت می‌کنند. حسن محقق و سعید سلیمانی باید برای خروج از این وضع، از آخرین تجربیات خود استفاده می‌کردند. زیرا توان نیروها کاملاً تحلیل رفته و مهمات مصرف شده است. باید سریع چاره‌ای اندیشیده می‌شد. محقق - که روی دژ رشید به سر می‌برد - با کف دست محکم به شانه سعید می‌زند و در حالی که چشمان گردش، گشاده‌تر شده بود، فرمانده دسته‌ی یک گروهان حر را صدا می‌زند. صدای او در میان صدای مهیب انفجارها گم می‌شود. دوباره صدا می‌زند.

سعید با هیجان از محقق می‌پرسد چه کار کنیم، محقق می‌گوید: «برای خلاصی از این فشار یک راه (با یک رمز) بیشتر نداریم. باید سریع تعداد نیرو را جمع کنیم و با فریاد الله اکبر به سمت نیروهای عراقی حمله کنیم. در این صورت عراقی‌ها خیلی زود وحشت می‌کنند.»

فرمانده دسته که خود را به محقق رسانده بود با تعجب می‌پرسد: «آخه حاجی چه طوری؟ اصلاً

عامل مهم دیگری که در عملکرد موفق و تحسین برانگیز رزمندگان لشکر ۲۷ در عملیات کربلای ۵ نقش و تأثیر بسزایی داشت، روحیه‌ی جنگجویی، جسارت و نترسیدن از مرگ بود

و نابود است.^{۱۶}

لذا بهره‌مندی از همین روحیه عرفانی بود که رزمندگان حتی غیر از زمان رزم در میدان جنگ، روح خود را با آن جلا می‌دادند و در هنگام نبرد، روحیه‌ایی مضاعف و امیدوار پیدا می‌کردند. در این باره حالات شخصی رزمندگان که پس از روزها انتظار در اردوگاه شهید باهنر، عازم جبهه‌ی نبرد بودند، بیانگر این نکته است:

«شور و شغف زیادی بین نیروها دیده می‌شود. هر کس به تکاپو افتاده و با دقت وسایل انفرادی و تجهیزات خود را چک می‌کند که چیزی جا نگذاشته باشند.

کامیون‌ها و تویوتاها در محوطه‌ی اردوگاه و جلوی محل استقرار گردان به صف پارک کرده‌اند. در حرکات و رفتار اعزام جدیدی‌ها هیجان خاصی دیده می‌شد. فرمانده گروهان‌ها، فرمانده دسته‌ها و پیک‌های گردان بیش از دیگران در تکاپو هستند. فرماندهان با فریادهای پی در پی نیروها را به نظم و سرعت در سوار شدن توصیه می‌کنند. اعزام جدیدی‌ها بیش از قدیمی‌ترها حرف شنوی دارند. شاید هنوز برخی از آن‌ها باورشان نمی‌شود که به عنوان اولین مهاجرین لشکر راهی حضور در میدانی هستند که صحنه‌ی جنگ واقعی و رویارویی مستقیم با دشمن متجاوز است. نیروهای مخابرات با آن تجهیزاتشان خیلی تابلواند. آن‌ها بر اساس تجربه بی‌سیم‌هایشان را با بند پوتین محکم به کوله‌پشتی‌هایشان بسته بودند تا موقع دویدن اذیت نشوند. معمولاً عکس‌های کوچکی از امام خمینی^(ره) که لبخند بر لب دارد را روی بی‌سیم‌ها چسبانده‌اند. کمال سپاهی - از نیروهای با تجربه مخابرات در گروهان عابس - با خونسردی به نخل کنار چادر گروهان تکیه زده و از این که بی‌سیم نو و جدیدی تحویل گرفته راضی به نظر می‌رسید. باطری بی‌سیم را جلوی دهانش گرفته و زمزمه می‌کرد.

نیروها با شور و اشتیاق سوار ماشین‌ها می‌شوند. آن‌ها که سوار کامیون هستند، بسیار صمیمی دست هم‌زمان خود را می‌گیرند و بالا می‌کشند تا راحت سوار شوند. همه به هم کمک می‌کنند. برخی شوخی می‌کنند و سر به سر دیگران می‌گذارند مثل پازوکی. کمی آن طرف‌تر چند نفر مشغول کمک به همدیگر هستند تا سربندهای سبز و سرخ رنگی که با کلماتی نظیر «یا زهرا^(س)»، «لیک یا خمینی^(ره)»، «عاشقان کربلا»، «یا ثارالله» مزین شده است به پیشانی هم ببندند. بعضی هم سربندها را روی کلاه خود بسته‌اند. حضور تعدادی پیرمرد که مثل پدر یا عمو برای جوانان هستند، روحیه و صفای خاص به جمع حاضرین می‌بخشد. چند نفری هم دو به دو همدیگر را در آغوش گرفته‌اند، می‌بوسند و از هم حلاوت می‌طلبند و برخی دیدار مجددشان را در بهشت آرزو می‌کنند.»

همچنین شکرگزاری رزمندگان گردان حبیب پس از دفع پاتک عراقی‌ها، عمق ایمان قلبی رزمندگان را به وضوح نشان می‌دهد:

«حسن محقق، فرمانده گردان، حبیب با همکاری فرماندهان گروهان، اندک نیروهای سالم را سازمان‌دهی مجدد می‌کند. او هم رزمانش را به خاطر مقاومت سرسختانه و طاقت‌فرسا در برابر دشمن مورد تفقد و تقدیر قرار می‌دهد و پس از کمی خوش و بش کردن تأکید می‌کند که مراقب تحرک دشمن باشند. سپس با کوثری تماس می‌گیرد و ختم غائله‌ی پاتک‌های دشمن را به اطلاع می‌رساند.

کوثری نفس راحتی می‌کشد. خدا را شکر می‌کند. باد سرد که در مسیر عبورش، آب ساکن در کانال پرورش ماهی است، سوز خاصی دارد و گوش و نوک بینی را بی‌حس می‌کند. فرمانده لشکر پوتین‌ها را از پا بیرون می‌آورد. آستین پیراهن را بالا می‌زند تا با آب حاشیه‌ی سیل‌بندها تجدید وضو کند. دوباره چشم به آسمان می‌دوزد و خدا را به

پاس پیروزی و دفع خطر دشمن، شکر می‌کند. با صدای اذان که از هر گوشه‌ای، توسط برخی رزمندگان خوش صدا به گوش می‌رسد، روح‌ها جلا پیدا می‌کنند و به طور عجیبی دل‌ها و توجه‌ها به سوی خالق یکتا جلب می‌شود. اکثر رزمندگان در حال تیمم و یا وضو گرفتن هستند. اگر خواست قلبی آن‌هایی هم که سوار موتور یا ماشین یا تانک و نفربرها بودند، می‌دانستیم، حتماً آن‌ها هم دوست داشتند تا زودتر به مقصد برسند تا نماز خود را سر وقت بخوانند و با خدای خود راز و نیاز کنند.

در دژ رشید و خاکریزهای مقطعی (ناس و فلق)

رزمندگان پس از پشت سر گذاشتن جنگی سخت و نفس‌گیر در گودال‌های کوچکی که به عنوان سنگر در آن جای گرفته‌اند بعضی به طور نشسته و با پوتین و برخی - با کمال بی‌احتیاطی - ایستاده در حاشیه‌ی خاکریزها مشغول خواندن نماز بودند. آن‌هایی که عارف‌ترند، دل‌های خود را به خالق هستی گره می‌زنند. سر به زیر و دست به سوی آسمان با تواضع و فروتنی به راز و نیاز مشغولند. انگار دیگر هیچ چیز یا هیچ کس را جز خدای خود حس نمی‌کنند و نمی‌بینند. گاه صدای مناجاتشان را که به آرامی زمزمه می‌کنند، می‌شنوی.

یا ذالجلال و الاکرام، الهی واجعلنی ممن نادیته فاجابک.

«خدایا، ای صاحب عظمت و کرامت! مرا از کسانی قرار ده که او را ندا کرده‌ای، پس تو را اجابت

کره»

رزمندگان جوان ابتدا با این ذکر می‌خواهند تا خدا به باطن آن‌ها توجه کند، سپس ادامه می‌دهند. الهی لم اسلط علی حسن ظنی قنوط الایاس، ولا انتقطع رجایی من جمیل کرمک، ... و لایستخ بامرک، «الهی والحقنی بنور عزک الابهج».

خدایا بر گمان خوبم [در تبعیت از رهبر انقلاب اسلامی و حضور در جبهه‌ها و مقابله با دشمن متجاوز] مأیوس شدن را مسلط نکردم و [در انتخاب این راه] امیدم از کرم زیبایت قطع نشده است و امرت را سبک نشمرده. «پس ای» پرودگار، مرا به نور درخشان عزت، محلق بفرما.

و نویسنده‌ی کتاب در جایی دیگر، هنگامی که در چهارمین روز نبرد، دشمن پاتک شدیدی را علیه نیروهای گردان میثم به اجرا در آورده، عظمت روحی و ایمانی رزمندگان را چنین وصف کرده است:

«چند دقیقه از ظهور و تابش اشعه‌های خورشید در پهن دشت منطقه‌ی نبرد نمی‌گذشت که» همانند روزهای قبل - پاتک سنگین دشمن شروع شد. نیروهای عراقی با استفاده از رخنه‌ی موجود از ناحیه‌ی جنوبی (نوک شمشیری کانال ماهی) از همان ابتدا فشار شدیدی را آغاز کردند. فرمانده کل سپاه در پی وصول خبر از فشار عراقی‌ها از جبهه روبه‌رو و احتمال حمله نیروهای لشکر گارد از پل‌های فضیلت و رحمت در کانال زوجی و احساس نگران کننده از سقوط جبهه‌ی غرب کانال ماهی، دستور مقاومت تا آخرین نفر را به یگان‌های درگیری ابلاغ می‌کند. کوثری نیز متعاقباً با علی درویش، کاظمینی و عاطفی تماس می‌گیرد و با لحنی شورانگیز و حماسی نظیر: «برادران امروز عاشورا است»، به خدا توکل کنید. «کربلا را زنده نگه دارید.» فرماندهان را برای مقاومت در برابر تهاجم عراقی‌ها تهییج می‌کند. قوای عراق با شدت، تمام مواضع رزمندگان را زیر

«قرب» (معاون گردان سلمان) که توقع داشت گردان سلمان، جز گردان‌هایی باشد که در همان شب اول، به کار گرفته شود اما وقتی نامی از آن‌ها برده نشد، چهره‌اش در هم کشیده شد و با لحنی که عصبانیت در آن موج می‌زد به فرمانده لشکر می‌گوید: مگر ما گردان پدافندی هستیم که همیشه خطوط پدافندی را به ما می‌سپارید

ارکان سپاه و حتی در بین غیرنظامیانی که به صورت داوطلبانه (بسیجی) به جمع نیروهای سپاه ملحق می‌شوند، سایه افکنده است.

فرماندهان عراقی همچنان به تاکتیک خود مبتنی بر «آتش و حرکت» با هدف «کسب زمان» ادامه می‌دهند. آن‌ها دسته‌ها واحدهای رزمی پیاده‌ی کوچکی را برای تماس گرفتن و درگیری با رزمندگان وارد عمل می‌کنند. آن‌ها سعی می‌کنند از عنصر «زمان» به نفع خود استفاده کنند و با استمرار آتش و انجام عملیات هوایی، توان رزمندگان را برای ایستادگی کاهش و روحیه‌ی آن‌ها را

خسته، فرسوده و متزلزل کنند. در مقابل فرمانده لشکر ۲۷ و فرمانده گردان، معتقد بودند که راه غلبه برای محروم ساختن دشمن از امتیاز زمان، بهره‌گیری از قدرت برتر آتش، انجام عملیات فریب و کمین زدن به دشمن است. اما در شرایط کنونی دو راه اول و دوم کارایی ندارد. زیرا امکان فریب دشمن متصور نیست و برتری آتش هم با عراقی‌ها است. از سویی وضعیت خاص زمین منطقه نبرد، قدرت کمین زدن به

دشمن را بسیار محدود نموده. بنابراین تنها گزینه برای حفظ سرپل، افزایش امید بستن به آتش متقابل، انتقال نیروی تازه نفس و امید بستن به اجرای هجوم یکپارچه و غافل گیرانه است.

ساعت ۱۵:۱۸، با گذشت یک ساعت از آغاز پاتک، همچنان بارانی از گلوله‌ی توپ و خمپاره بر مواضع رزمندگان می‌بارد. برتری آتش کاملاً در

آتش قرار داده‌اند. وسعت کم محدوده‌ی زمین نبرد، تمرکز دقیق آتشبارها و شلیک مستمر تانک‌های عراقی نه تنها امکان تحرک رزمندگان را کند کرده بلکه لحظه به لحظه بر تعداد مجروحین و شهدا افزوده است.

نیروهای عراقی پس از حضور در مثلی پشت کانال ماهی، یک فلش دیگر با هدف رخنه در پنج ضلعی ایجاد کرده‌اند.

کوثری با محسن کاظمینی تماس می‌گیرد و تأکید می‌کند تا سریع‌تر نیروهایش را به منطقه اعزام کند. سپس از عاطفی وضع نیروها را جویا می‌شود. فرمانده گردان شهادت می‌گوید: «حاجی، اینجا فقط آتیشه. آتش گلوله‌ی توپ و خمپاره خیلی سنگین است. شهید و مجروح هم زیاد دادیم و ...»

ارتباط قطع و وصل می‌شود. کلمات به خوبی گویا نیستند، چون فشار دشمن زیاد است. کوثری احتمال می‌دهد که نیروها به دلیل کمبود مهمات و آتش سهمگین دشمن ناچار به عقب‌نشینی شوند. از این رو خطاب به عاطفی می‌گوید: «اکبر جون الان باید با قوت بزنی و ترتیب دشمن را بدیدی. به خاطر خون شهدا هم که شده قوی و با تمام توان اقدام می‌کنیم. با دلی محکم و مطمئن ان شاء الله بزنی و پدر عراقی‌ها رو در بیارین. یا الله ببینیم چه کار می‌کنید. گفتم که، اینجا عاشورا است. باید مثل کربلا که برای امام حسین (ع) جنگیدند، ما هم همان طور بایستیم، پدر کفار را در بیاوریم. باید به امید خدا اسم‌تان در تاریخ ثبت شود که چه طور این کفار متجاوز را از پا در آوردید. شما نگران آتش نباشید، خیلی کارایی نداره.»^{۱۷}

شعارهای فرمانده هیچ‌گاه جنبه‌ی تصنعی نداشت. او با اعتقاد قلبی آن‌ها را به زبان می‌راند و هم‌زمانش از فرمانده گردان تا رزمنده تک تیرانداز، با جان و دل فرمانبری می‌کردند. این گونه گفتمان، سال‌هاست که بر فضای جبهه و همه‌ی

«ساعت ۹:۲۰ روز ۲۱ دی ۱۳۶۵ در یک لحظه زمین به هم می‌ریزد. منطقه را بارانی از گلوله‌های توپ، خمپاره و موشک فرا می‌گیرد. اجرای آتش تهیه از سوی عراقی‌ها آن‌قدر سنگین است که حتی رزمندگان قدیم گردان حبیب، اعتراف می‌کنند که نمونه‌ی آن را در طول سال‌های جنگ کم‌تر به چشم دیده‌اند

شب شروع شده بود، بدون آن که به فرجامی برسد متوقف شده و یگان‌های عملیاتی آن آسیب زیادی متحمل شدند.

و آنگاه فرمانده کل سپاه هنگام حرکت یگان‌های موج دوم (از حمله‌ی لشکر ۲۷ محمدرسول‌الله^(ص)) خطاب به رزمندگان چنین می‌گوید:

«رزمندگان عزیز اسلام، مگر عاشورا افتخاری بر جبین جوانمردان و مجاهدین فی سبیل الله نیست مگر فخر بزرگ اسلام و مسلمین نبوده؟ مگر طراوت و نشاط مبارزین مسلمان و عدم احساس خستگی در پرتو شعاع‌های عاشورا حاصل نشده؟ پس برادران، منتظر چه هستیم؟ دشمن خدا و قرآن و انسانیت در چند قدمی شما در میدان انبوه سیم خاردار و زره و سنگرها است؟»

برادران عزیز، امام علی^(ع) را همواره به خاطر داشته باشید که فرمود: «فلما رای الله صدقنا انزل بعدونا الکبت و انزل علینا النصر حتی استقرار الاسلام...» (آنگاه که خداوند متعال صداقت ما را دید) (که حاضریم در راه اسلام از همه چیز خود بگذریم) دشمن ما را ذلیل و پیروزی را نصیب ما گرداند تا اسلام مستقر شد. (نهج البلاغه کلام ۵۵)

کانال ماهی بسیار مؤثر واقع می‌شود. کوثری در تماس مجدد با نجفی و اعلام مختصات موقعیت عراقی‌ها در روبه‌روی خاکریزهای شمس و توحید، اعلام می‌کند تا همچنان با شدت در این محل اجرای آتش کنند. به خصوص آن که آب‌گرفتگی ایجاد شده در منطقه و ترس از به گل نشستن تانک‌ها، قدرت مانور واحد زرهی عراقی‌ها را در جناح چپ ناخواسته با مشکل مواجه کرده و همین حس نگران‌کننده، خدمه‌ی تانک‌ها را از پیشروی به سمت مواضع رزمندگان بازداشته است. در چنین وضعی، براساس شنود بی‌سیم، فرمانده عراقی در قرارگاه به یگان درگیر، فشار می‌آورد که تانک‌هایش را به سمت خاکریز مقطعی جلوی دریاچه‌ی ماهی پیش ببرند. ولی فرمانده یگان پاسخ می‌دهد که به شدت تحت فشار آتش رزمندگان ایران قرار دارند. ضمن آنکه وضعیت یک گردان از تیپ ۱۲ گارد در منطقه، بسیار بد است. او تصریح کرد که منطقه توسط دشمن (ایرانی‌ها) آب انداخته شده و امکان حرکت ندارد.^{۲۰} لحظاتی بعد ارتباط قطع می‌شود؛ بدین ترتیب پاتک‌های نیروهایی از تیپ ۲ زرهی، تیپ ۳ نیروی مخصوص و تیپ ۱۶ گارد که از نیمه‌های



رزمندگان لشکر ۲۷ محمدرسول‌الله^(ص) در منطقه عملیاتی کربلای ۵؛ شلمچه؛ ۱۳۶۵/۱۰/۲۰

زودتر از موعد مقرر در ساعت ۱:۱۹ بامداد (۱۹ دی ۱۳۶۵) عملیات را به دلیل بروز درگیری‌های جدی در برخی از خطوط مقدم (از جمله محورهای چون بوراین و شلمچه که حاکی از هوشیاری نسبی دشمن به عملیات بود) با رمز «یا زهرا (س)» آغاز کردند. هیجان ناشی از درگیری زودرس، باعث شد تا کار هدایت عملیات در ابتدای درگیری تا حدودی انسجام خود را از دست بدهد؛ اما کسب خبرهای مربوط به نحوه‌ی درگیری‌ها و شدت آن‌ها، تشخیص درست فلش پیشروی‌ها و میزان مقاومت‌های دشمن و ... نیز تجربه و هم فکری ارکان قرارگاه که موجب قدرت فرماندهی در هدایت عملیات شد، موجب گشت تا خیلی سریع بر هیجان‌ها فائق آیند و با تسلط بیشتر و اتخاذ تاکتیک‌های مناسب و به موقع، کار هدایت یگان‌های عملیاتی را به خوبی انجام دهند. به طوری که ثمره‌ی تلفیق فداکاری، شجاعت و از خود گذشتگی رزمندگان در یگان‌ها، که به قیمت شهادت و مجروح شدن تعدادی از آن‌ها تمام شده بود از یک سو و هنر فرماندهی در طراحی مانور و هدایت عملیات از سوی دیگر سبب شد تا با گذشت دو و نیم ساعت از آغاز عملیات، پیروزی‌های چشمگیری نصیب رزمندگان شود و در ادامه در ساعت ۳:۳۸ (بامداد) خبر موفقیت رزمندگان در محورهای کانال ماهی، پنج ضلعی و شلمچه، شور و شعف خاصی را در فضای اتاق فرماندهی ایجاد کند. ضمن آن که نفرات دشمن در اکثر جبهه‌ها به نحو ناباورانه غافل گیر شده بودند و با حداقل مقاومت و عکس‌العملی که در برخی از جبهه‌ها انجام دادند عملاً مشخص شد که آمادگی برخورد با چنین تهاجمی را نداشتند.

همچنین در شب‌های بعد بهره‌گیری از تک شبانه در طرح عملیات لشکر، این گونه به اجرا در می‌آمد: ساعت ۲۱:۳۰، فضای منطقه عمومی عملیات را سکوت نسبی فرا گرفته است. آتش سلاح‌های

پس عزیزان بیایید به درگاه خداوند برویم و بر آستان او سر تسلیم فرود آوریم ... مطمئن باشیم خداوند ما را رها نخواهد کرد و نسبت به ما بی تفاوت نخواهد ماند و دست ما را خواهد گرفت و با نصرت خود بالا خواهد کشید.»^{۲۱}

۸. تک‌های شبانه:

تجربه و آگاهی از وضعیت خاص نیروهای عراقی - طی سال‌های نبرد با آنان - این اصل را برای رزمندگان روشن ساخته بود که عملیات‌های شبانه امکان غافل گیر کردن دشمن را به مراتب بیشتر از شرایط معمولی (در روز) ایجاد

می‌کند و فرماندهان خودی با علم به این موضوع همواره حملات خود را با استفاده از تاریکی هوا و با اهداف زیر به اجرا در می‌آوردند:

- غافل گیر کردن دشمن.
- ادامه‌ی فشار به دشمن به منظور دسترسی به اهداف باقی مانده
- ممانعت از مستحکم کردن مواضع و یا احداث موانع جدید

- پرهیز از تلفات زیاد که معمولاً در تک روزانه وجود داشت.

«لذا استمرار این وضعیت طی ۷ شبانه‌روز موجب شد تا سرانجام دشمن به نوعی تسلیم اراده و هجوم پی در پی رزمندگان قرار گیرد و در لاک دفاعی رفته و از شدت پاتک‌های خود بکاهد و به تدریج منطقه به نفع رزمندگان حالت ثبات پیدا کند. مرور چگونگی بهره‌گیری از این تاکتیک در شرح عملیات یگان‌های موج اول و نیز رزمندگان لشکر ۲۷ در شب‌های بعد، به خوبی هویدا است: سرانجام موج اول یگان‌های عملیات، ۴۱ دقیقه

غلامپور، فرمانده قرارگاه کربلا، از داخل نفربر خود، کوثری، مرتضی قربانی و فرمانده گردان‌های درگیر این دو لشکر را به مقاومت در برابر دشمن تشویق می‌کند. «شما محکم ادامه دهید. اسلام شکست بردار نیست، محکم باشید»

هدف تشخیص هر گونه تحرکی از سوی رزمندگان روشن گذاشتند. نیروهای سه گروهان عملیاتی گردان انصار، به ترتیب و با فاصله‌ی زمانی کوتاه از همدیگر به آرامی از نقطه‌ی رهایی به سمت هدف حرکت می‌کنند. قرار است گروهان شهادت از جناح چپ، گروهان هجرت از سمت راست و گروهان جهاد از وسط به خط دفاعی عراقی‌ها حمله کنند.

ساعت ۲۲:۴۹، نیروهای گردان انصار به خاکریز امین رسیده‌اند. محتشم پس از لحظه‌ای مشورت با فرمانده گروهان‌ها درباره‌ی آرایش و تاکتیک

رزم نیروها در جاده‌ی بلال و حرکت به سوی دژ ابوذر، دستور حرکت می‌دهد. در جناح راست از درگیری نیروهای لشکر ۲۵ کربلا با عراقی‌ها چیزی مشاهده نمی‌شود. گروهان هجرت خاکریز امین را به قصد

محقق خطاب به نیروها از آنان می‌خواهد با توسل به «حضرت فاطمه (س)» از او مدد و روحیه بگیرند

جاده‌ی بلال ترک می‌کند. هنوز سر ستون ۱۵۰ متر راه طی نکرده بود که ناگهان صحنه‌ی عملیات یکپارچه شلوغ می‌شود. زیرا نیروها در معرض دید عراقی‌ها قرار گرفته‌اند و آنها بدون درنگ با اجرای آتش سهمگین مسلسل خودکار تانک‌ها، گلوله‌های مستقیم تانک و توپ‌های ۲۳ میلی‌متری ضدهوایی، موضع رزمندگان را هدف قرار می‌دهند. در تاریکی شب، روشنایی منوره‌های شلیک شده از سوی عراقی‌ها جلوه‌ی عجیبی در آسمان دارد. شلیک مستمر منورها و روشنایی پروژکتورهای تانک‌ها، صحنه‌ی نبرد را مثل روز روشن کرده است. عراقی‌ها با تشخیص فلش حرکت نیروها، غرب کانال ماهی و خاکریزهای امین و شفق را آماج آتش سلاح‌های خود قرار داده‌اند. رزمندگان در این دشت بی‌عارضه در پی‌جان‌پناه می‌گردند. آر.پی.جی‌زن‌ها با چالاکی و جسارت و از خود گذشتگی تمام، این سو و آن

سنگین و سبک خودی و عراقی‌ها تک و توک به گوش می‌رسد. تانک‌های عراقی در فاصله‌ی ۵۰۰، ۶۰۰ متری از خاکریزهای مقطعی ناس و فلق و ۲۰۰-۳۰۰ متری جاده‌ی بلال در حالی که پروژکتورهای خود را روشن کرده‌اند، هوشیارانه مراقب اقدام و تحرک رزمندگان هستند. نیروهای گردان میثم و اندکی از نیروهای گردان حبیب و گردان عمار در دژ رشید و خاکریزهای مقطعی نیز در اندیشه شروع عملیات از سوی گردان انصار هستند که باید مقاومت دشمن را در هم بشکنند.

محتشم نزد محمد کوثری می‌رود. تا آخرین سفارش‌های او را بشنود. فرمانده لشکر پس از آن که خبر استقرار نیروها را می‌شنود، از محتشم انتظار پیروزی دارد: «برادر محتشم، فرصت کم است. برو نیروها را آماده کن و ان‌شاءالله با قوت به دشمن بزنید.»

محتشم از کوثری خداحافظی می‌کند. فرمانده دوباره محتشم را صدا می‌زند:

«طرح محتشم، دقت کن این فاصله ۲۰۰-۳۰۰ متر بین جاده‌ی فجر تا خاکریز ناس را سریع عبور کنند چون رویه‌رو سر پل کانال ماهیه و آتش دشمن اینجا زیاده. نیروها را سریع عبور بده و خودتان را بچسبونید به خاکریزهای شفق و امین. اگر کند حرکت کنید صدمه می‌بینید.»

محتشم: «چشم حاجی می‌تونیم تانک جلو ببریم؟»

کوثری: «الآن گفتم تانک بیاد. اگر بتوانیم آن‌ها را با درویش (فرمانده گردان کمیل) راهی می‌کنیم. در ضمن گفتم خشایار هم آماده کنند تا مهمات بیارن. برید ان‌شاءالله با توکل به خدا موفق می‌شویم.»^{۲۲} محتشم خداحافظی می‌کند و به سمت نیروهایش می‌رود.

ساعت ۲۲:۵۵، تانک‌های عراقی به سمت مواضع رزمندگان آرایش گرفته‌اند و پروژکتورهای خود را با

بندهای شان می‌نگریستی و نیز زمانی که عازم خط مقدم جبهه می‌شدند و از سر ذوق و شوق اشعار و مرثیه‌هایی می‌سرودند که مفاهیم آن مملو از سرسپاریشان به نبی اکرم (ص) و ائمه‌ی معصوم (ع) را گواهی می‌داد. آن چنان که نماد و مظهر آن در میان رزمندگان لشکر ۲۷ چنین توصیف شده است:

«ساعت سه بعداز ظهر ۱۰ دی ۱۳۶۵، یک روز نسبتاً سرد زمستانی؛ اردوگاه کرخه متعلق به رزمندگان لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) مملو از رزمندگان پرشور است. هرگاه اردوگاه تا این حد رزمنده در خود جای می‌دهد، بیانگر حکایت‌ها و تحولاتی خواهد بود که مهم‌ترین آن انجام عملیات در آینده‌ی نزدیک است. در این اوقات همه‌ی عزم‌ها جزم و دل‌ها در شوق و شور حضور در صحنه‌ی کارزار می‌تپد. هیچ‌کس آرام و قرار ندارد. پیر و جوان در انتظار برای اعزام به میدان نبرد در تکاپو به سر می‌برند. چهره‌ها عمدتاً هیجان‌زده، شاد و با طراوات است. کسی به زور نیامده که حالا در پی بهانه‌جویی و خروج از صحنه باشد. در محوطه‌ی اردوگاه آنچه برای هر رزمنده‌ی تازه‌واردی، چشم‌نوازی می‌کند تعداد چادرهای اجتماعی زیادی است که برای استقرار نیروها و واحدهای پشتیبانی بر پا شده‌اند.

اردوگاه به یک شهرک کوچک شباهت دارد. با یک خیابان اصلی (خاکی) و چند خیابان فرعی که هر کدام به محل استقرار گردان‌های رزمی و واحدها منشعب شده‌اند. در ابتدای هر خیابان فرعی، تابلو نوشته‌ای که به نام شهیدی مزین شده است، بیانگر محل استقرار یک گردان است. در جای جای اردوگاه و به ویژه محوطه‌ی مربوط به هر گردان و واحدهای پشتیبانی، تابلو و پارچه نوشته‌ها با خط زیبا و با مضامین عرفانی - حماسی خودنمایی می‌کنند که از دو کلمه تا یک عبارت کوتاه محتوای آن‌ها را تشکیل می‌دهند. تابلو نوشته‌هایی چون «جهاد مایه‌ی رستگاری است»، «اگر خسته جانی

سو می‌دودند و به محض قرار گرفتن در موقعیت مناسب، به سوی تانک‌های عراقی شلیک می‌کنند. برخی از آن‌ها در انجام مأموریت خود چنان آرامش دارند که گویی در مسیر زمان سیر نمی‌کنند و اصلاً صدای انفجار خمپاره، مسلسل‌های دوشکا و انفجار گلوله‌های توپ و تانک را در کنارشان نمی‌شنوند. بی‌پروا گاه به صورت ایستاده و گاه روی زانو می‌نشینند و تانک‌ها را نشانه‌گیری می‌کنند. زیر لب ذکر (صلوات و دعا) می‌گویند و آیه‌ی شریفه‌ی «و ما رمیت اذ رمیت ولكن الله رمی» می‌خوانند و بعد شلیک می‌کند. از میان ۷ یا ۸ موشک شلیک شده، دو تا به هدف می‌خورد. یکی از تانک‌ها آتش می‌گیرد و دیگری از کار می‌افتد.

۹. عشق به اهل بیت (ع) و جوهره‌ی مهربانی

انسان‌های مؤمن در عالم هستی و نظام دینی هر قدر با موقعیت و جایگاه رهبران دینی - به ویژه آنان که برگزیده خداوند هستند - آشنا می‌شوند، بیش از پیش جان و دل به ولایت آن‌ها می‌سپارند و به تأسی از فرمان الهی* ولایت‌پذیر می‌گردند و هم و غم خود را صرف حمایت و اطاعت از دستورهای آن‌ها می‌کنند و جان خود را، که بزرگ‌ترین دارایی محسوب می‌گردد، در راه پاسداری از ارزش‌های مولای خود نثار می‌کنند و هر قدر که این مرحله از شناخت عمق می‌یابد به همان میزان دوستی و محبت‌شان عاشقانه‌تر و عارفانه‌تر تجلی پیدا می‌کند. نشانه‌ها و نهادهای این ویژگی در بین عملکرد و رفتار رزمندگانی که در اردوگاه شهید باهنر لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص)، دور هم جمع شده بودند کاملاً هویدا بود. آن‌جا که «نامی» را برای خیابان‌ها و یا گردان‌های رزمی و پشتیبانی خود برگزیده بودند، آنگاه که به نوشته‌های در پرچم‌ها و پیشانی

* آنجا که خداوند متعال (در سوره مبارک نساء آیه ۵۹) فرموده‌اند: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و صاحب امر خودتان را اطاعت کنید.

می‌زند. خیلی وقت‌ها به سمت کربلا می‌ایستد، به آسمان آن سمت خیره می‌شود و زیر لب زمزمه می‌کند: «یا ابا عبدالله^(ع)، یا علی بن حسین^(ع) السلام علیک، السلام علیک یا اولاد الحسین^(ع) و السلام علیک یا اصحاب الحسین^(ع)».

با همه‌ی این احوال در اردوگاه آنچه بیش از همه، حال و هوای رزمندگان را تحت تأثیر قرار می‌داده، دل‌هایشان را جلا می‌دهد و روحیه‌شان را تقویت می‌کند، ترنم و آهنگ عاشقانه‌ترین زیارت‌نامه (زیارت عاشورا) است که هر سحرگاه رزمندگان بعد از قرائت نماز صبح در حسینیه و یا بسیاری هم به صورت انفرادی در چادرهای محل استراحت و یا خلوتگاه‌هایی که برای خود انتخاب کرده‌اند، می‌خوانند. آن‌ها از این طریق دل‌های خود را با یار و دل‌داده‌ی محبوبشان (حضرت امام حسین^(ع)) پیوند می‌زنند و شعله‌های مقاومت و ایثار را در جان‌هایشان می‌افروزند. چشمان پیرها و جوانان با ذکر «یا حسین^(ع)» مملو از اشک شده و شور حسینی در قلب‌هایشان برانگیخته می‌شود. شور و عشقی که آن‌ها پس از قرائت زیارت‌نامه عاشورا و نیز انجام مراسم سوگواری (به مناسبت ایام شهادت حضرت فاطمه زهرا^(س)) پیدا می‌کنند، چنان خاطرشان را سبک‌بال می‌کند که هر رنجی برایشان آسان و انجام هر مسئولیت و وظیفه‌ای برایشان قابل تحمل می‌شود. در میان چادرها، آن که از همه بزرگ‌تر است متعلق به گروهان شهید مدنی از گردان کمیل است. در واقع بنابر توصیه و علاقه‌ی محمد زندی مراسم سوگواری و جشن اعیاد (با برنامه‌ریزی هیأت گردان) در این چادر برگزار می‌شود. همچنین این چادر به قدری بزرگ است که تبلیغات گردان در روزهای بارانی، نماز جماعت را در آن برگزار می‌کند.»

بگو یا حسین»، «مظهر تمام پیروزی‌ها خداست»، «ای لشکر خمینی^(ره) تا کربلا رسیدن، یک یا حسین دیگر»، «ما تا آخر ایستاده‌ایم»، «مسافر کربلا»، «یا زهرا^(س)، شهادت کمال و هنر مردان خداست». البته محتوای برخی تابلو نوشته‌ها با محیط و محلی که نصب شده‌اند، موضوعیت دارد. مثلاً در محوطه‌ی مربوط به واحد تخریب، تابلوهایی که به چشم می‌خورد با مضامینی چون «اساس تخریب، تهذیب نفس است» و یا «تخریب مدرسه‌ی عشق و ایثار» است.

برخی رزمنده‌های خوش‌نویس، تابلو نوشته‌ها را به فرازهایی از سخنان رهبر انقلاب اسلامی و سیاستمداران شهید انقلاب و نیز وصیت‌نامه‌ی شهدا مزین کرده‌اند. حتی دست نوشته‌ها که روی پیراهن رزمندگان قدیمی و نوشته‌های چاپی که روی پیشانی‌بندهای آن‌ها دیده می‌شود از این قاعده مستثنی نیستند؛ شعارهایی که تجلی ایمان، باور و آرمان‌شان به شمار می‌آید. عبارت‌هایی که برخی پشت لباس خود و برخی در بالای جیب پیراهن‌شان زینت داده‌اند نظیر: «مسافر کربلا»، «یا زیارت یا شهادت»، «یا فاطمه زهرا^(س)»، «یا حسین»، «لبیک یا حسین»، «عاشقان کربلا» و... همه نشانگر ارادت، ایمان و معرفت عاشورایی آن‌ها است.

«محمود صانعی» رزمنده‌ی جوانی که معلومات عمومی‌اش در سطح بالایی بود، علاقه به حل جدول روزنامه‌ها داشت و با مهارت خاص و سرعت خوب همه‌ی سؤالات را پاسخ می‌داد. او حافظ کل قرآن بوده و دانش زبان انگلیسی‌اش در حد بسیار خوبی است.

«فلاح» که کم‌ترین لطفش در برخورد با دیگران، سلام همراه با تبسمش است عادت برجسته‌ای دارد و آن نماز اول وقت و قرائت دعا بعد از نماز با آن آهنگ و صوت زیبایش است. هنگام مناجات نوعی دلباختگی و سلوک عارفانه در وجودش شعله



جلسه فرماندهان سپاه پیرامون ارزیابی عملیات کربلای ۴ و آماده سازی عملیات کربلای ۵

حسن دری*

چکیده	عملیات کربلای ۵ یکی از تجارب مهم و ارزنده نظامی سپاه پاسداران در طول هشت سال دفاع مقدس است. بررسی و ارزیابی این عملیات مهم و گسترده از زوایای مختلف هم چون راهبردی، فرماندهی، تاکتیک، رزمی و ... بسیار با اهمیت و ارزشمند است.	
	پیاده نوار شماره ۲۶۶۶، مرکز اسناد به جلسه گفت و گوی فرماندهان سپاه در قرارگاه خاتم (ص) درباره آماده سازی عملیات کربلای ۵ اختصاص دارد که به همت راوی مرکز در قرارگاه خاتم (ص) سپاه برادر محمد درودیان در تاریخ ۱۳۶۵/۱۰/۶ ثبت و ضبط شده است.	
	در جلسه مورخ ۱۳۶۵/۱۰/۶ ابتدا برادر غلامپور گزارشی از آخرین وضعیت منطقه و یگان های خودی را به فرمانده کل سپاه برادر محسن رضایی ارائه می کند که در این متن نیامده است سپس فرماندهان لشکر ۴۱ ثارالله و تیپ ۱۸ الغدير از وضعیت یگان و زمین منطقه گزارش می دهند و بعد برادر نبی رودکی فرمانده لشکر ۱۹ فجر و برادر روح الله نوری به همراه فرمانده گردان های خود، عملکرد یگان های شان را در عملیات کربلای ۴ تشریح می کنند. در این بین، برادر رضایی و فرماندهان دیگر قرارگاه خاتم (ص) برای ارزیابی منطقه و دشمن سؤال های مهمی از آنان می پرسند که دارای اهمیت است.	

مقدمه

اما ساعاتی از توقف عملیات نگذشته بود که امام خمینی در پیامی از فرماندهی عالی جنگ خواستند هرچه سریع تر، عملیات دیگری را طراحی و اجرا کنند. محسن رضایی فرمانده کل سپاه، درباره این پیام در جلسه قرارگاه خاتم (ص) چنین می گوید: «الآن حضرت امام به شدت ناراحت هست نه از نظر اینکه اینجا کربلای ۴ موفق نشدیم، از نظر اینکه تأخیر دارد در عملیات؛ گفتند شما از نظر اینکه عملیات این طور شده، گفتند نه، تأخیر دارد تو کارها، سرعت نیست، نباید به دشمن زمان بدهیم، فرصت بدهیم.»

پس از فتح فاو فرماندهان عالی جنگ، سال ۱۳۶۵ را سال سرنوشت ساز نامیدند. در نظر بود با اجرای عملیات کربلای ۴ در تاریخ ۱۳۶۵/۱۰/۳ ابوالخصیب عراق در شرق بصره تصرف شود و شبه جزیره فاو به طور کامل سقوط کند، لکن اطلاعات مربوط به این عملیات از طریق سازمان های جاسوسی و اطلاعات ماهواره ای امریکا در اختیار عراق قرار گرفت و بدین ترتیب معبر اصلی عملیات را نیروهای عراقی مسدود کردند، طوری که به ناچار پس از ۴۸ ساعت از آغاز عملیات، دستور توقف آن صادر شد.

* نویسنده و پژوهشگر مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس



از راست احمد غلامپور و امین شریعتی

- ۶- برادر صفوی رحیم جانشین فرمانده نیروی زمینی سپاه
 - ۷- برادر غلامپور احمد فرمانده قرارگاه کربلا
 - ۸- برادر فضلی علی فرمانده لشکر ۱۰ سیدالشهدا^(ع)
 - ۹- برادر میرحسینی فرمانده تیپ ۱۸ الغدير
 - ۱۰- برادر نوری روح الله فرمانده لشکر ۵۷ حضرت ابوالفضل^(ع)
 - ۱۱- و تعدادی دیگر از فرمانده گردانهای لشکر ۵۷ حضرت ابوالفضل^(ع)
- گفتنی است دقایقی از آغاز و پایان جلسه به دلیل گفت وگوهای فردی و ... حذف شده است.
- برادر میرحسینی: بسم الله الرحمن الرحيم، منطقه ای که صبح به ما گفته شد و رقتیم منطقه را دیدیم و ساعت ۳ هم که قرار جلسه بود، آمدیم.
- برادر محسن رضایی: کجا رفتید شما؟
- برادر میرحسینی: چه؟
- برادر محسن رضایی: کدام منطقه را دیدید؟
- برادر میرحسینی: ما این منطقه را دیدیم.
- برادر محسن رضایی: دکل بود یا نه؟
- برادر میرحسینی: نه همین جوری دیدیم. روی

این پیام امام مبنای اجرای عملیات موفقته آمیز کربلای ۵ شد. برخی فرماندهان که دچار یأس و ناامیدی شده بودند، همچنین یگانهایی که انسجام و توانایی لازم برای اجرای عملیات دیگری را از دست داده بودند، با سرعت عمل کم نظیری، انسجام و توانایی لازم را کسب کردند.

جلسات طراحی عملیات کربلای ۵ پس از صدور این پیام از روز پنجم دی ماه ۱۳۶۵ آغاز شد. متن پیش روی، جزو اولین جلسات طراحی عملیات کربلای ۵ است که در آن به ارزیابی مجدد دشمن، منطقه و توان خودی در عملیات کربلای ۴ و آمادگی برای اجرای عملیات کربلای ۵ در منطقه شلمچه پرداخته شده است.

اسامی و مسئولیت افراد حاضر در جلسه بدین ترتیب می باشد:

- ۱- برادر دانایی فر حسن جانشین فرمانده قرارگاه کربلا
- ۲- برادر رضایی محسن فرمانده کل سپاه
- ۳- برادر نبی رودکی - فرمانده لشکر ۱۹ فجر
- ۴- برادر شریعتی امین فرمانده لشکر ۳۱ عاشورا
- ۵- برادر شمخانی علی فرمانده نیروی زمینی سپاه

گزارش برادر قاسم سلیمانی فرمانده لشکر ۴۱
 ثارالله؛ مشکلات آفندی و پدافندی در شلمچه
 برادر محسن رضایی: خب یگان بعدی.
 برادر قاسم سلیمانی: بسم الله الرحمن الرحیم، تو
 منطقه هنوز نرفتم.
 برادر محسن رضایی: غواص نفرستاده بودید عمق
 آب؟

برادر قاسم سلیمانی: نخیر، ولی اطلاعات قرارگاه
 آقای محرابی رفت و شناسایی کردند.
 برادر محسن رضایی: نه، گفتیم خودتان نفر و
 غواص بفرستید بروید، بروند جلو، حالا لازم نیست
 بروند سیل بند یا از موانع رد بشوند، بروند ببینند وضع
 دشمن چطور است به چه صورت هست؟ خط حدی
 که به شما گفتند کجا است، چه طوری است.
 برادر قاسم سلیمانی: امشب آقای غلامپور فرمودند
 که این است.

برادر قاسم سلیمانی: یک کلیاتی در رابطه با زمین
 اینجا مشخص است، حالا ربطی به شناسایی ندارد
 شناسایی تقریباً آب و زمین را مشخص می‌کند که
 می‌شود بعداً به دست آورد. آنچه که در رابطه با زمین
 است قبلاً بحث شده است. ما باید یک کاری بکنیم که
 بعد از اینکه سختی را نیروهایمان، پشت سر می‌گذارند
 بعدش بتوانند به راحتی مانور بکنند؛ ما اینجا برسیم
 توان ما گرفته می‌شود یعنی از اینجا به اینجا برسیم
 خودش کلی صحبت دارد بعداً هم اینجا برسیم از این
 پل هم بخواهیم عبور بکنیم به همین سادگی نیست؛
 بیاییم و روی اینجا بایستیم پدافند بکنیم مشکلات
 دارد؛ زمین اینجا که حالا یک تجدیدنظر بشود در
 رابطه با این زمین (آبگرفتگی منطقه شلمچه)، هم
 مشکلات پدافندی دارد، هم مشکلات آفندی دارد.
 برادر محسن رضایی: مشکلات آفندی و پدافندی
 جایی است که دشمن، تک را پیش‌بینی کرده، جایی
 که دشمن پیش‌بینی نکرده مشکلات کمتری وجود
 دارد.

سطح آب موج داشت یک خورده هم مه بود که
 این کنج که با دوربین هم پیدا نبود؛ این عقبه‌ها را
 بررسی کردیم -که الآن باران آمده است-. فقط پشت
 این سیل‌بند، می‌توانیم مستقر شویم که تا زیر فجر از
 جاده‌ای که می‌آید تو این جاده، از اینجا تا اینجا جاده
 دشمن ادواتش و توپخانه‌اش را گذاشته است. منطقه
 دیگر را هم اگر دست بزنید دکل‌های دشمن می‌بیند و
 ماشین هم قابل تردد نیست؛ مسئله بعدی مانور این
 قسمت هست که تقریباً از اینجا که حساب بکنید
 تا اینجا ۱۰ کیلومتر می‌شود ۸ کیلومتر، آتش ادوات
 پشتیبان خودمان را می‌خواهد باشد که نمی‌رسد.
 توپخانه هم مسئله جدایی است، که توپخانه خاتم
 بیاید یا پشتیبان بیاید.

این جناح راست هست، اگر اینجا (راست یگان ما)
 کسی عمل نکند از سمت راست تهدید می‌شویم. یکی
 هم عبور اینجا [(منطقه آبگرفتگی شمال شلمچه)]
 هست که باید بررسی بشود قابل قایق‌رانی هست یا
 نیست؛ ما یک ماه پیش اینجا شناسایی رفتیم، قابل
 قایق‌رانی نبود، ۳۰، ۴۰ سانت آب بیشتر نبود؛ مسئله
 عقبه هم جدا که چه جوری، نیروها تردد بکنند.

برادر محسن رضایی: چند تا گردان دارید شما؟
 برادر میرحسینی: ما ۶ گردان.
 برادر محسن رضایی: قبلاً که اینجا بچه‌های
 شناسایی‌تان کار کرده بودند.

برادر میرحسینی: این قسمت کار کرده و تا
 اینجاها (دژمرزی) را شناسایی کرده بودند.

برادر محسن رضایی: غواص رفته بود؟
 برادر میرحسینی: بله، غواص رفته بود ولی سطح
 آب خیلی کم بود که حتی بچه‌ها روی مین‌های
 فرسوده شده راه می‌رفتند و منفجر نمی‌شد؛ به
 این قسمت دژ دست زده بودند داخل دژ را طوری
 شن‌ریزی کرده بودند که اگر دست می‌خورد صدا
 می‌کرد؛ بچه‌ها تا اینجا را شناسایی کرده بودند و بعد
 برگشته بودند.

برادر قاسم سلیمانی: خوب اینجا(منطقه دشمن)
همه‌اش پر کانال است، برادر محسن! کانال.
برادر محسن رضایی: کانال چی؟
برادر قاسم سلیمانی: کانال چند رشته‌ای دارد
زمین اینجا کانال بوده.
برادر محسن رضایی: کانال چه ربطی به خشایار
دارد؟!
برادر قاسم سلیمانی:(خشایار) گیر می‌کند.
برادر محسن رضایی: هان یعنی می‌گویید کناره‌اش
خاک آمده بالا.
برادر قاسم سلیمانی: نه اصلاً تو گودی که خشایار
برود گیر می‌کند.
برادر محسن رضایی: .. خط پدافندی که سابق
دشمن داشت.
برادر قاسم سلیمانی: آن خط پدافندی سابق،
کانال‌های جلو.
برادر محسن رضایی: خشایارها که شناور می‌ماند
دیگر تو کانال که نمی‌آید.
برادر قاسم سلیمانی: این آبی که خشایار را شناور
بکند نیست.
برادر محسن رضایی: چرا؟!
برادر قاسم سلیمانی: نخیر نیست.
برادر محسن رضایی: بله، آقای رودکی؟ این
خشایار توی آب راه نمی‌رود؟
برادر احمد غلامپور: روی پا خودش رفته بود
عمق آب هم کم بوده.
برادر محسن رضایی: کجا روی شنی می‌رفت؟
برادر محمدنبی رودکی: برادر محسن اینجا هم.
برادر امین شریعتی: جاده است.
برادر احمد غلامپور: نه اطراف جاده شنی زمین
مناسبی است اما اینجا قبلاً چون دشمن خطوط
پدافندی و کانال‌های متعدد داشته یعنی زمین اینجا
فرق می‌کند با زمین اینجا.
برادر قاسم سلیمانی: ... بحث اینکه شما فرمودید

برادر قاسم سلیمانی: حالا با این عجله‌ای که
می‌خواهیم تو منطقه برویم، که نه نه‌ری و نه پوششی
دارد قایق‌هایمان را بگذاریم توی این زمین، نه‌ری
دریاوریم و ایجاد بکنیم!
برادر محسن رضایی: نه‌ری هست این یک کانال،
این یک کانالی که ... این یک تکه است.
برادر قاسم سلیمانی: ما اینجا پدافند داشتیم برادر
محسن!
برادر محسن رضایی: یک حوضچه اینجا باید
درست بکنیم یک یا دو تا کانال دیگر اینجا.
برادر قاسم سلیمانی: اینجا
همه‌اش دشمن می‌بیند.
برادر محسن رضایی:
سریع بزنند.
برادر قاسم سلیمانی:
دشمن می‌بیند.
برادر محسن رضایی:
الآن چون منطقه شلوغ است،
اشکال ندارد این اگر منطقه
خلوت بشود دوباره بخواهیم شلوغش بکنیم دیگر
امکان ندارد.
برادر قاسم سلیمانی: این یک مطلب، مطلب بعدی
هم در رابطه با خود قایقرانی تو منطقه است اینجا
این کنار، شاید بشود از قایق استفاده کرد ولی اینجا
نمی‌شود، ما که شناسایی کردیم که دو سال پیش هم
کرده بودیم اینجا(آبگرفتگی شمال شلمچه) نمی‌شود
استفاده از قایق کرد.
برادر محسن رضایی: نه امکان‌پذیر است، منتها
قایق را بایستی پاشنه‌اش را کوتاه کنید و بعداش هم با
خشایار استفاده کرد.
برادر قاسم سلیمانی: خشایار که نمی‌شود استفاده
کرد.
برادر محسن رضایی: خشایار خیلی خوب جواب
داده است.

برادر محمدنبی رودکی: اصلاً
دنبال یک قایق می‌گشتم که توی
این سطح آب باشد تا بتوانیم
زخمی و شهید بیشتری بیاوریم،
قایق نبود

اینجا بود. یک گردان اینجا پیاده کردیم که عمق آب که آمده بالا قایق‌ها با سرعت بیشتر می‌رفتند نسبت به آنجا که حساب کرده بودیم؛ دوتا محور قایق هم یعنی دو گردان را هم آوردیم کنار پاسگاه و بعد یک خشایار را. یک گروهان از این گردان‌ها را بین جاده شنی و این که ۶۰ متر فاصله بود تو آب، خشایار را راحت آورد و نوک کمین دشمن، پیاده کرد. صبح هم شکاف داده بودیم، خشایار را از اینجا بیرون آوردیم، به این شکل ترابری می‌کردیم، خشایارها، زخمی، شهید و

مجروح، می‌آوردند. مسئله‌ای که ما داشتیم تعداد قایقی که به سمت ما رسید فقط برای مانورمان بود. اگر قایق توی این می‌داشتیم، اینجا را هم شکاف داده بودیم.

صبح خودم اینجا ایستاده بودم اصلاً دنبال یک قایق می‌گشتم که توی این سطح آب باشد تا بتوانیم زخمی و شهید بیشتری بیاوریم، قایق نبود اینجاها چون دشمن وجود داشت، تیربارش کار می‌کرد دیگر قایق نمی‌توانست برود. قایق‌های (تیپ حضرت)

ابوالفضل هم همان شب به دستش رسیدند. ۱۰، ۱۵ تا سکانی نداشتند.

برادر محسن رضایی: قایق‌ها، کجا است؟ ساحل؛ کجا نیرو پیدا می‌کردند؟

برادر محمدنبی رودکی: از خود جاده شنی تا این حدود اینجا ۳۰ متر بود از جاده شنی دو وجب آمده روی جاده شنی که این قسمت جاده شنی رفت زیر آب، این جاده شنی پشت در؛ جاده شنی اینجا می‌کشد به پاسگاه کوت‌سواری، از کوت‌سواری هم

که بروید جمع کنید از آن تانک‌ها بردیم توی زمین. برادر محسن رضایی: خب الآن که دشمن خودش سیل‌بند زده است از اینجا تا اینجا است.

برادر احمد غلامپور: نه، نه از اینجا است.

برادر محسن رضایی: از اینجا است دیگر؟

برادر قاسم سلیمانی: بله همین جا است محدودتر شده.

برادر احمد غلامپور: از این گوشه زده به این گوشه، بله.

برادر محسن رضایی: یعنی دشمن اینجا سیل‌بند آمده جلو خودش.

برادر ...: بله.

برادر محسن رضایی: شما خشایارتان را کجا انداختید؟

برادر احمد غلامپور: تیپ ۲۱ اگر درست است؟

برادر ...: آره تو همین مسیر.

برادر احمد غلامپور: همین مسیر؛ کنار جاده شنی آوردند. جاده شنی و سیل‌بند یک حالت چیزی هست مانند کانال.

برادر محسن رضایی: قایق‌هایتان چه؟

برادر قاسم سلیمانی: از اینجا آوردند.

گزارش برادر محمدنبی رودکی فرمانده لشکر ۱۹ فجر؛ عملیات کربلای ۴

برادر محمدنبی رودکی: قایق‌ها را شب توی این کانال انداختیم یعنی توی این درّ گذاشته بودیم ... قایق‌کش آوردیم توی این کانال انداختیم بعد این پلی که بسته بود خاکریزش را ریختیم. بعد به وسیله دست و تراکتوری که جرثقیل داشت قایق‌ها را سریع از غرب، کنار این جاده شنی آوردیم، این جاده شنی را با بیل و کلنگ شکافته بودیم و تک‌تک عبورش دادیم؛ بعد از درّ تا جاده شنی پل نفرو زدیم. همه قایق‌ها را سمت بیرونی جاده شنی، سمت راستش گذاشتیم. بعد گردان‌ها از این پل آمدند و سوار قایق‌ها شدند. بعد یک مسیر قایق‌مان، به وسیله تیربرق‌ها و کنار جاده

برادر محسن رضایی: الآن حضرت امام به شدت ناراحت هستند نه از نظر اینکه اینجا (کربلای ۴) موفق نشدیم از نظر اینکه تأخیر دارد در عملیات، گفتند شما از نظر اینکه عملیات این‌طور شده گفتند نه، تأخیر دارد تو کارها سرعت نیست نظر امام این است که نباید به دشمن زمان و فرصت بدهیم.

یگان‌ها با استتار و با توجه به بودن این دکل (در منطقه دشمن) و اینها بیایند یواش یواش توی دژ برویم ادوات را مستقر کنیم؛ شناسایی‌ها شروع بشود این منطقه (شلمچه) می‌شود رویش ان‌شاءالله سرمایه گذاشت یعنی ما دو، سه سال قبلاً هم که برادرمان قاسم سلیمانی اینجا شناسایی می‌کرد، الغدیر اینجا بود ما آمدیم اینجا از قرارگاه نوح همان اول به این منطقه نظر داشتیم. منطقه، منطقه‌ای قابل مانوری هست و دشمنی که اینجا (روبروی شلمچه) مستحکم شده و محکم هست البته با توجه به این حساسیت که دشمن پیدا کرد.

برادر محسن رضایی: [تیپ] ۵۷ [حضرت ابوالفضل] نیست اینجا (قرارگاه) فرمانده گردان‌هایش کجا است؟

برادر احمد غلامپور: اینجا.

برادر محسن رضایی: بگوئید بیایند توضیح بدهند که وضع دشمن را بگویند از نظر سنگرها و استحکامات.

برادر احمد غلامپور: آقای نوری (فرماندهان گردان شما) چند نفرند.

برادر روح‌الله نوری: چهار نفر؛

برادر محسن رضایی: بیایند.
برادر احمد غلامپور: پس یکی یکی بیایند توضیح بدهند.

برادر محسن رضایی: نه بیایند چهارتایشان بیایند. برادر محمدنبی رودکی: با توجه به حساسیتی که الآن دشمن پیدا کرده یک دلیل، یک دلیل هم با توجه به زمانی که ما باید با صبر و این یعنی عقبه را درست کنیم حتماً یک زمان بیشتری از اینجا بگذرد ان‌شاءالله می‌شود توی این منطقه این حساسیت از بین برود و این محور را ان‌شاءالله کار کنیم.

برادر محسن رضایی: زمان که نداریم.

برادر محمدنبی رودکی: با این وضعیت اگر بخواهیم آن مسئله‌ای که الآن هست، مسئله عقبه مناسبی اینجا ندارد.

برادر محسن رضایی: برایش یک راه حل پیدا می‌کنیم.

برادر محمدنبی رودکی: یکی هم حساسیت دشمن باید حتماً از کار بیفتد که آن موقع خیلی اطمینان هست مثل همان موقع ما هم گفتیم این جاده اگر درست می‌شد خیلی مسائل اینجا حل می‌شد.

برادر محسن رضایی: الآن حضرت امام به شدت



موانع منطقه عملیاتی شلمچه؛ ۱۳۶۵/۱۰/۲۵

میرهاشمی بود. مأمور زدن خط دشمن تا رسیدن به کانال؛ گردان دوم، آقای آزادبخت بود از پشت کانال اول می افتاد جایی که خاکریزها واقع شده بودند. برادر محسن رضایی: شما روی این نقشه توجیه هستید!

برادر روح الله نوری: بله، جای خاکریزهایی که بریده، بریده داشت که می آمد وصل می شد به کانال که الآن تشریف دارند و گردان سوم آقای خداشناس بود که می آمد تا این جاده مستقر می شد این پشت، این پیشانی اول هم مربوط به گردان آقای آزادبخت بود که می باید می آمد اینجا مستقر می شد که آمدند رسیدند. اینجا این وضعیت کلی بود، یک گردان هم داشتیم یک دسته اش می آمد به اینها می زد با دو دسته می آمد پشتیبانی دوم و حد فاصله بین دو پیشانی بود و گردان بعدیمان آمد اینجا مستقر شد که بنا بود این وسط را بزند که دیگر خودمان برگردانیدیم حالا گردان اولمان آقای میرهاشمی.

برادر محسن رضایی: بگویند ساعت چند حرکت کردند از کجا حرکت کردند.

برادر میرهاشمی: بسم الله الرحمن الرحیم، ما پشت این خاکریز که یک سیل بند و یک قسمتی افتادگی دارد، اینجا مستقر بودیم که بعد از شروع شدن عملیات، حدود ساعت ۱۰ شب به بعد بود دقیقاً یادم نیست چه ساعتی بود ولی می دانم که از ۱۰ به بعد بود، حرکت کردیم رفتیم جلو، تا اینجا، دوتا جاده عبور می کند می رود بالا، جاده اول نه، از جاده دوم ما شروع کردیم به پاکسازی دشمن که یک مقداری رفتیم جلو بعد مقداری که رفتیم، بعد از آن مقدار شروع کردیم آمدیم تو کانالی که رویش سیل بند زده بود و رفته بود جلو؛ شروع کردیم سنگرها را یکی یکی پاکسازی کردند و رفتیم جلو تا رسیدیم به این کانال، (نزدیک پنج ضلعی) و بعد از این کانال هم گردان [محض] آمدند که باز هم با هم رفتیم جلو، تا این هلالی، (U شکل) مستقر شدند و ماندیم تا روز

ناراحت هست نه از نظر اینکه اینجا (کربلای ۴) موفق نشدیم از نظر اینکه تأخیر دارد در عملیات، گفتند شما از نظر اینکه عملیات این طور شده گفتند نه، تأخیر دارد تو کارها سرعت نیست باید ایشان اصلاً نظرشان این است که نباید به دشمن زمان بدهیم فرصت بدهیم.

گزارش برادر روح الله نوری فرمانده لشکر ۵۷ حضرت ابوالفضل (ع) به همراه فرمانده گردانهای لشکر؛ عملیات کربلای ۴

حضار: سلام علیکم.

برادر محسن رضایی: سلام علیکم، آقای نوری!

برادرها بیایند یکی یکی اینجا توضیح بدهند ببینم.

برادر علی شمخانی: خودش.

برادر محسن رضایی: بفرمایید.

برادر محسن رضایی: شما فرمانده گردانهایتان را نیاوردید.

برادر ... نه.

برادر محسن رضایی: چرا؟

برادر ... کسی نبود.

برادر محسن رضایی: گفته بودم که بیاورید نزدیک نیستند

اینجا.

برادر ... نخیر، بالای شوستر هستند.

برادر محسن رضایی: آقای نوری یک توضیح بدهید کلیات را مختصر بگویید بعد برادران توضیح بدهند که ساعت چند حرکت کردند وضع دشمن و مواضع و سنگرها میزان پیشروی و اینها را بگویند.

برادر روح الله نوری: بسم الله الرحمن الرحیم، به محض شکستن خط توسط برادران (لشکر) ۱۹ (فجر) ما نیروهایمان اینجا (نقطه رهایی) آمده بودند که بلافاصله نیروهایمان راه افتادند. گردان اول آقای

برادر روح الله نوری: به محض شکستن خط توسط برادران (لشکر) ۱۹ (فجر) ما نیروهایمان اینجا (نقطه رهایی) آمده بودند که بلافاصله نیروهایمان راه افتادند. گردان اول آقای میرهاشمی بود. مأمور زدن خط دشمن تا رسیدن به کانال؛ گردان دوم، آقای آزادبخت بود از پشت کانال اول

برادر محسن رضایی: خودت همین جا بودی؟

برادر میرهاشمی: بله.

برادر محسن رضایی: جلویت چه می دیدی تجمع دشمن کجا بود؟

برادر میرهاشمی: ما دشمن را تا از این هلالی به بعد هم برده بودیم که از اینجا دیگر مقاومت می کرد.

برادر محسن رضایی: سمت راست چه می دیدی کنار این کانال اینجا زرهی، نفر، چه می دیدی؟

برادر میرهاشمی: اینجا همه اش خاکریز بود پشت خاکریزها چیزی معلوم نبود ولی جلوی این

کانال(سراسری در محدود پنج ضلعی) کانال اولی، دشمن چند تا تپه زده بود و روی هر کدام یک تانک گذاشته بود و بعد از این دیگر خاکریز بود و خاکریزهای کوتاه کوتاه، که پشت شان معلوم نبود، حالا چی بود، نمی دانم، چون ما پایین تر از خاکریزها بودیم از بغل نگاه می کردیم ولی کلاً مقاومتی که دشمن داشت اینجا(در محدوده پنج ضلعی) چند تا تیربار بود که به سمت ما شلیک می کرد.

برادر محسن رضایی: خب بعد مواضع دشمن روی این دژ(مرزی) چه طوری بود؟

برادر میرهاشمی: مواضع دشمن یک نقشه کشیدیم اگر ما این را خاکریز همه اش، حساب کنیم، سراسر این خاکریز(دژ مرزی) حدود ۸ متر یا ۱۰ متر عرض داشت.

برادر میرهاشمی: همان دژ اصلی، دشمن از وسط دژ اصلی، یک کانال سراسری زده بود، از اینجا که ما شروع می کردیم بعضی جاها یک خورده می رفت به راست ولی بعضی جاها هم مستقیم می رفت. بعد از

که بعداً برگشتیم.

برادر رحیم صفوی: وضعیت کانال ها و ...

برادر محسن رضایی: چرا برگشتید؟ سمت راستان چه خبری بود؟

برادر میرهاشمی: سمت راستمان یک چند تیربار بود اینجاها(غرب کانال پنج ضلعی) کار می کردند و خبر مهمی نبود در این منطقه تقریباً فقط چند تا تیربار اینجا، کار می کردند یک تیربار هم مثل اینکه اینجاها کار می کرد.

برادر رحیم صفوی: به کدام طرف کار می کرد؟
برادر احمد غلامپور: اینجاها حد گردان ثارالله اشان است.

برادر میرهاشمی: طرف ما.

برادر رحیم صفوی: آنجا که نیروهای خودشان بودند چطور؟

برادر محمدنبی رودکی: حد گردان ثارالله، لشکر ابوالفضل.

برادر محسن رضایی: کجا؟

برادر محمدنبی رودکی: نه ایشان می گویند بعد از پاکسازی را می گویند.

برادر رحیم صفوی: بعد از پاکسازی آن طرف کار می کردند.

برادر میرهاشمی: بله ما خط اول را پاکسازی کردیم رفته بودیم جلو؛ اینجا این مسیر به سمت ما تیراندازی می کردند.

برادر محسن رضایی: ساعت چند؟

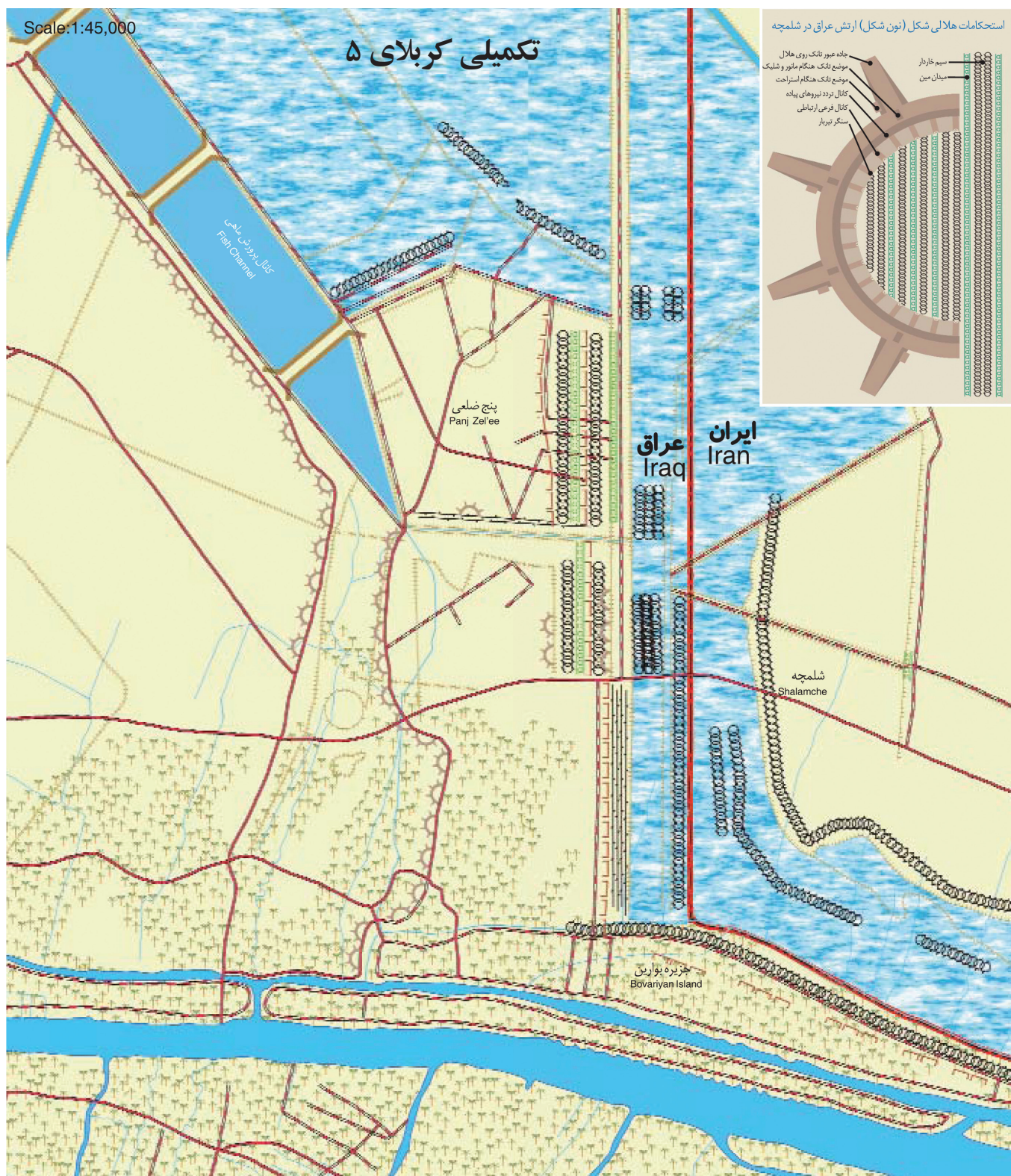
برادر میرهاشمی: ساعت، دیگر روز شده بود حدود هفت و اینجا بود، بله از هفت به بعد بود.

برادر روح الله نوری: ساعت ۱۰ منطقه را ترک کردیم.

برادر محسن رضایی: شما ساعت ۷ خودت کجا بودی؟

برادر میرهاشمی: ما ساعت ۷ اینجا(در خط اول) بودیم.

برادر محسن رضایی: بگوید ساعت چند و از کجا حرکت کردید.
برادر میرهاشمی:
بسم الله الرحمن الرحیم، ما پشت این خاکریز که یک سیل بند و یک قسمتی افتادگی دارد، اینجا مستقر بودیم که بعد از شروع شدن عملیات، حدود ساعت ۱۰ شب به بعد بود



هم یک اتاق بود.
برادر احمد غلامپور: اتاق چه جوری بود یعنی سنگر منظورت است؟
برادر میرهاشمی: سنگر اجتماعی. اما اتاق درست کرده بودند اتاق با بلوک ساخته بودند و سقفش را پوشیده بودند بعد هم سفیدکاری، سیمانکاری بعضی‌ها سفید و بعضی‌ها هم سفید نبود. بعد از این دو اتاق و این سنگر که می‌رفتی جلوتر، می‌دیدي یک سنگر آری‌جی درست کردند که این سقفش باز بود و سنگر آری‌جی سمت راست، آری‌جی قفسه درست کرده بودند قفسه‌ای بزرگ که حدوداً صد تا صد و پنجاه تا موشک آری‌جی با خرج بسته و آماده گذاشته بودند تو قفس. یک خورده از این رد می‌شد حالا ۱۰ متر ۱۵ متر تفاوت داشت، می‌دیدي که پشت سرت یک سکویی پشت کانال، یک سکوی ۱۰۶ یا تانک درست کرده بودند که ۱۰۶ را با جرثقیل، یا نمی‌دانم با هر چیز گذاشته بودند آماده کار، ولی پشتش هم پرتگاه بود دیگر ۱۰۶ نمی‌توانست که دنده عقب برود یا مثلاً فرار کند یا پشتش هم پرتگاه بود و این به همین صورت تا می‌رفتی جلو تا آخر (کانال) که متصل به پنج ضلعی می‌شد (بعضی از این سنگرها

اینجا) داخل دژ مرزی) که می‌رفت کمی هم سمت راست و کمی هم سمت چپ، این دو تا دیوار که بود با اینها را با بلوک آورده بود بالا، بلوک سیمان و دو بلوک هم بیشتر جاها سیمان کرده بود و بعضی جاها هم وسط بلوک‌ها را سیمان کرده بود که وقتی که یک ۱۰ متر می‌رفتی جلو، بعد سمت چپ، این‌ها (کانال داخل دژ) یک کوچه‌ای باز می‌شد وقتی که می‌پیچیدی سمت چپ می‌رفتی داخل کوچه می‌رفتی می‌دیدي که به این صورت دیوار سمت راستش است. وقتی که می‌رفتی جلو دیوار سمت چپش مستقیم می‌آمد و دیوار سمت راست یک نیم دایره‌ای می‌خورد، می‌آید جلو و وقتی که می‌آمدی جلو یک سنگر بزرگی بود که قشنگ آدم می‌توانست بایستد سر پا و از جلو سه تا پنج تا سوراخ داشت که به راحتی این نوک تیربار می‌آوردند بیرون، و به سمت جلو تیراندازی می‌کرد یعنی قشنگ یک نیم دایره‌ای جلو و این رویش هم پوشیده بود و پشت سر این دیوار (کانال) بعد این مانع از اینجا تا اینجا پوشیده بودند و از این سنگر که می‌رفتی بیرون می‌رفتی داخل کانال سمت راست کانال دری باز می‌شد که می‌رفتی یک اتاقی بود بعضی جاها دو تا اتاق بود بعضی جاها سه اتاق بود بعضی جا



از چپ امیر شریعتی، مرتضی قربانی، جعفر اسدی، علی هاشمی، غلامرضا محرابی، قاسم سلیمانی، قاسم حاج محمد درمنش، احمد صیاف، منطقه عملیاتی کربلای ۴؛ ۱۳۶۵/۹/۱۰

اینجا، اینجا که می‌رسیدیم این کانال.
 برادر محسن رضایی: این چقدر طول کشید
 پاکسازی‌اش از اینجا تا اینجا.
 برادر میرهاشمی: ما از ساعت ۱۰ به بعد آمدیم
 وارد عمل شدیم یعنی ...
 برادر احمد غلامپور: کی رسیدید اینجا (به انتهای
 کانال دژ مرزی).
 برادر میرهاشمی: من حافظه خوبی هم ندارم دقیق
 نمی‌دانم کی چه ساعتی بود ولی می‌دانم که از ۱۰ بعد
 ما از اینجا حرکت کردیم.
 برادر حسن دانایی‌فر: دشمن مقاومت می‌کرد در
 این سنگرها یا همین جور بچه‌ها بدون دردر می‌رفتند
 شکل خاصی نداشتند یادت نیست؟
 برادر میرهاشمی: بعد ما رفتیم جلو، یکی یکی
 سنگرها را پاکسازی می‌کردند و دشمن هم قدم به قدم
 می‌ایستاد و محکم هم ایستاده بود. همین‌طوری که
 نمی‌رفت، فرار نمی‌کرد تا رفتیم اینجا، و اینجا کانالی
 که می‌آمد یک پلی بود باز هم روی این پل، (ابتدای
 پنج‌ضلعی) یک پل عریضی بود خیلی بزرگ و روی
 این پل باز هم این سیل‌بند به همین عرض ادامه
 داشت و می‌رفت جلو جایی که این کانال می‌آمد و
 وصل می‌شد به این آب بزرگ و سیل‌بند هم از رویش
 رد می‌شد یک دیده‌بانی درست کرده بود خیلی بزرگ
 یک طوری که مثلاً صد نفر می‌رفت می‌نشست آنجا
 باز هم جایش وسیع‌تر بود. بعد از اینجا راحت یک
 راهی داشت می‌آمدند برای کمین‌ها البته این و ...
 برادر محسن رضایی: آب داشت.
 برادر میرهاشمی: آب داشت ولی این را با چوپ
 درست کرده بودند همین‌طوری چوب بسته بودند به
 هم بعد مثل نردبان چوب گذاشته بودند و بعد هم
 رویش را فرش کرده بودند با چوپ و نیروهایش از
 این روی چوب‌ها می‌آمدند برای کمین‌ها.
 برادر رحیم صفوی: پل‌ها جنس‌شان چه بود؟
 برادر حسن دانایی‌فر: می‌گوید چوب بوده.

که می‌آمدی جلو قشنگ از زیرزمین می‌آمدی جلو
 اینها بعضی نورافکن داخلش بود بعضی‌ها دوشکا بود.
 بعضی سلاح‌های دیگر که یک نوع سلاح بود من
 ندیدم از آن سلاح‌ها نمی‌دانم آن چه چیز بودند آن
 سلاح‌ها.
 برادر حسن دانایی‌فر: آتش‌زنی نبودند؟
 برادر میرهاشمی: نه از دوشکا بزرگ‌تر بودند یک
 مقدار، تکللول بزرگ‌تر.
 برادر حسن دانایی‌فر: کالیبراش چقدر بود،
 کالیبرش؟
 برادر میرهاشمی: یک خورده مثل اینکه بزرگ‌تر از
 دوشکا بود.
 برادر حسن دانایی‌فر: کالیبرش.
 برادر میرهاشمی: بزرگ‌تر بود از چیز، از دوشکا.
 برادر رحیم صفوی: ۱۴/۵ تکللول نبود؟
 برادر میرهاشمی: نمی‌دانم حالا چه بود خلاصه
 بزرگ‌تر از دوشکا بود، به همین صورت این
 استحکامات ادامه داشت تا می‌آمدیم.
 برادر محسن رضایی: تا کجا؟
 برادر میرهاشمی: تا اینجا (نزدیک پنج‌ضلعی) که
 ما رفتیم.
 برادر محسن رضایی: خب بچه‌هایتان همه این
 سنگرها را رفتند یا از رویشان رد شدند.
 برادر میرهاشمی: نه ما به این صورت رفتیم جلو،
 که پشت این، یعنی بین این کانال اول و بین این خاکریز
 این سیل‌بند (دژ) این یک جاده‌ای سراسری بود. البته
 جاده‌اش هم جاده گلی بود شن‌ریزی اینها نبود که
 رفتیم جلو؛ بعد تقریباً دسته‌ها به صورت دشت‌بان
 می‌آمدند روی کانال، وقتی که می‌آمدند روی کانال، از
 بالا از پشت‌بام که عرض کردم خدمتتان، اینجا (روی دژ
 مرزی) سقف داشت همه‌اش از اینجا (بالای سنگرهای
 داخل کانال) به بعد، سقف نداشت از زیر این سقف
 این‌طوری با نارنجک آن زیر پرت می‌کردند و سنگرها
 را منهدم می‌کردند و همین‌طوری ادامه داشت تا رفتیم

برادر میرهاشمی: البته یک مقدارش هم خدمتتان عرض کنم که بعداً که ما رفتیم نیروها را چیدیم آنجا و بعداً آمدیم چک کنیم یک مقدار زیادی نیروهایش همین طوری مانده بودند. افتاده بودند در محاصره؛ بعداً اینها را آمدیم پاکسازی کردیم. که سخت گرفته بودیم از سمت راست رفتیم (خنده حضار)
برادر ...: اول هدف را گرفتند بعد برگشتند پاکسازی کردند.

برادر روح الله نوری: البته برادر محسن! اینها که بعداً آمدند گروهی بودند که کمین بودند جلو، بعداً آمدند ماندند تو سنگرها برگشتند.

برادر رحیم صفوی: خیلی خوب بود.
برادر روح الله نوری: البته من اینجا یک توضیحی خدمتتان بدهم.

برادر محسن رضایی: گردان بعدی هم می خواهد بگوید، بفرمایید.

برادر محمدنبی رودکی: گردان انبیاء بود.
فرمانده گردان: بسم الله الرحمن الرحیم، یک گروهان ما با گردان انبیاء بود، حرکت کرد که می خواست از مسیر انبیاء - تا آخر خط حدوداً ۴ تا خاکریز برده بود- پشت خاکریز را پاکسازی کند بعد تحت فرماندهی گردان انبیاء آمدند رفتند جلو، بعد اینها موقعی که پاکسازی را شروع کردند تا این قسمت ها دیگر نیروهایشان کم آمد. اینها را تو دژ به کار گرفته بودند و این مسیر را تا سرپل ادامه داده بودند و بعد پشت سر اینها، ما خودمان با دو گروهان رفتیم و تا رسیدیم اینجا؛ و دیگر نیروهای اینجا کلاً نیروهای دشمن پاکسازی شده بود از موقعی که رسیدیم اینجا یک گروهان از این سرپل رها کردیم برای هلالی؛ که دشمن اینجا سریع یک گروهان پشتیبانی، را با دو، سه تا ایفا رساند، اینجا، برادرها ایفاهایشان را زدند و قبل از اینکه بیایند بالای دژ، بچه های ما رفتند روی دژ و اینها دیگر رفتند تو سنگرهایشان، نیروهای پشتیبانی که رسیدند سریع رفتند داخل سنگرها خودشان را زده

برادر میرهاشمی: این پل، این را نگاه نکرده بودیم جنسش چه بود ولی خوب جنسش هر چه بود یک سیل بند بود. همین سیل بند ادامه داشت روی همان پل، لابد من نگاه نکردم ولی حتماً بتن آرمه بوده است. که مقاومت داشته، سیل بند رویش زده بودند.
برادر احمد غلامپور: حدوداً چقدر عراقی کشتید؟
برادر میرهاشمی: والله من فکر نمی کنم چیزی از عراقی ها در رفته، از آنجا یعنی خیلی جنازه ریخته بودند.

برادر احمد غلامپور: پانصد تا عراقی کشتید؟
برادر میرهاشمی: خدا عالم است.

برادر محسن رضایی: تو هر سنگر چند تا بودند؟
برادر میرهاشمی: تو هر سنگر چهار تا شش نفر توی این سنگرهای اجتماعی.

برادر احمد غلامپور: حدوداً چندتا سنگر بود فکر می کنی؟

برادر میرهاشمی: نمی دانم.
برادر غلامعلی رشید:

فاصله سنگر چند متر از همدیگر بود.
برادر میرهاشمی: حدوداً بین ۲۰ تا ۳۰ متر.
برادر غلامعلی رشید: ...

برادر میرهاشمی: خیلی سراسر (دژ مرزی)، همه اش دیگر این طوری بود تا آخر، یا نورافکن داخلش بود یا دوشکا یا آن سلاح های دیگر و یا ۱۰۶ چسبیده بودند رفته بود داخل.

برادر محمدنبی رودکی: البته این برادرها زود رسیده بودند اینجا من ساعت ۱ بود یک مرتبه آقای ایزدی گفتند ...

برادر محسن رضایی: شاید از روی سنگرها برادرها رفتند؟ (خنده حضار)

برادر میرهاشمی: ما دشمن را تا از این هلالی به بعد هم برده بودیم که از اینجا دیگر مقاومت می کرد.
برادر محسن رضایی: سمت راست چه می دیدی کنار این کانال اینجا زرهی، نفر، چه می دیدی؟

بودند به خواب، که بچه‌ها از بالای دژ می‌آمدند پایین، داخل این سنگرها که خودشان را زده بودند به خواب، موقعی که در سنگر را باز می‌کردیم زیر پتو سرشان را درمی‌آوردند نگاه می‌کردند؛ که هر سنگری سه چهارتا نارنجک انداخته بودند و آمده بودند بالا که وسط این دژ سکوی تانک بود تانک که بالای سکو بود فرار می‌کند بعد تانک اینجا با آرپی جی زدند و اینجا روی هاللی، آنجا ماندند و گروهان سوممان را اینجا باز هم فرستادیم کمک اینها، که مهمات آوردند، نیروهایی که بالای دژ بودند و تیربار دشمن اینجا دیگر مقاومت می‌کرد.

برادر محسن رضایی: ساعت چند بود حالا؟
فرمانده گردان: ساعت تقریباً دو و نیم بود.

برادر محسن رضایی: دو و نیم شب.
فرمانده گردان: بله که دیگر کار اینها دیگر تمام شده بود ما اینجا ماندیم که بچه‌های ثارالله هم از اینجا مسیرشان را ادامه دادند و آمدند سراغ اینها که جلوی این سنگرها این خاکریزهای بریده، بریده بین کانال و خاکریز میدان مین ندیدیم ولی سیم خاردار زشتی بود.
برادر محسن رضایی: یعنی متصل بود؟
فرمانده گردان: بله.
برادر محسن رضایی: از کجا تا کجا سیم خاردار بود؟

فرمانده گردان: از اول بود از اینجا تا آخر خط.
فرمانده گردان: نه جلوی خاکریزها و پشت.
برادر محسن رضایی: پشت خط اول.
فرمانده گردان: نه.
برادر محمدنبی رودکی: یک تعداد [سنگر] ب‌شکل هست.
فرمانده گردان: جلوی خاکریزها و پشت کانال اول.

برادر محسن رضایی: سیم خاردارهایش کجا بود.
فرمانده گردان: وسط این خاکریز (دژ مرزی) و این کانال سیم خاردار اینجا فرش شده بود که اینجا هم

سنگر داشت.

برادر محسن رضایی: کانال نفری بود، آب تویش بود؟

فرمانده گردان: کم، بعضی جاها هست یعنی بعضی جاهایش خشک شده بود زیاد آب نداشت که متصل بشود فقط آب باران بود.

برادر محسن رضایی: نفربر می‌توانست از رویش رد بشود؟

فرمانده گردان: روی کانال نه، اگر می‌خواستند اینجا (از روی کانال) بروند باید با سرعت می‌پريدند

از اینجا وگرنه نمی‌توانست
برود بعد دوتا پل اینجا داشت
تقریباً دم پل‌ها انتظامات بود.
برادر محسن رضایی:
ماشین از رویش رد می‌شد از
این پل‌ها یا نه؟

فرمانده گردان: آره
مشخص بود جایی که
ماشین‌ها رد شده بودند گل
بود مشخص بود که انتظامات
هم داشت و سنگر انتظامات
و اینها مشخص بود. ما دیگر
ماندیم تا صبح که گفتند بیایید
عقب.

برادر رحیم صفوی: سمت راست خودتان زرهی
راه افتاد، آمد طرف لشکر فجر شما می‌دیدید این
حرکت زرهی ما را صدایش را می‌شنیدید؟
فرمانده گردان: صدا را هم نمی‌شنیدیم ولی خوب
جهت تیراندازیشان کاملاً مشخص بود روی بچه‌های
فجر و خود بچه‌های ما و ...

برادر محسن رضایی: از کجا تیراندازی می‌کردند؟
فرمانده گردان: از اینجا تیراندازی می‌شد از این
مقر، این گروهان، آره از اینجا تیراندازی می‌شد از این
قسمت تیراندازی می‌شد. کالیبر تانک کاملاً مشخص

برادر حسن دانایی‌فر: دشمن
مقاومت می‌کرد در این سنگرها
یا همین جور بچه‌ها بدون دردرس
می‌رفتند شکل خاصی نداشتند
یادت نیست؟
برادر میرهاشمی: بعد ما رفتیم
جلو، یکی یکی سنگرها را
پاکسازی می‌کردند و دشمن هم
قدم به قدم می‌ایستاد

خودشان را محکم کرده بودند.

برادر محسن رضایی: روی دژ؟

فرمانده گردان: بله سرنیزه جا کنده بودند و بعضی جاها خودشان محکم و یکی که اینجا است، جای تردد ماشین بود که دوتا ایفا آمده بود اینجا که می خواست از اینجا رد کند که جلوییش را گرفته بودند؛ اینجا تردد ماشین هایشان بود که می آمد که اینجا حتی از این قسمت لودر دشمن داشت حرکت می کرد می آید این طرف، که با یک جیب فرماندهی بچه ها رفتند آنها را زدند و تقریباً سنگرهای زیادی بود که چهل، پنجاه نفری یک دفعه درآمدند خودشان را تسلیم کردند.

برادر محسن رضایی: کجا؟

فرمانده گردان: همین تو این قسمت اینجا (ابتدای پنج ضلعی) سنگرهای زیادی بود الآن اینجا از این قسمت درآمدند خودشان را اسیر کردند و برادران ترتیبشان را دادند بچه های بسیج.

برادر روح الله نوری: دیگر دشمن اینجا روحیه مقاومت نداشتند.

فرمانده گردان: بله، اینجا یعنی هر چه (نیروی دشمن) بود اینجا کشتند توی این قسمت و بعد از این قسمت از اینجا بچه ها را از پشت می زدند ... از این قسمت ها پاکسازی نشده بود این قسمت کلاً از این قسمت (راست) می زدند از این قسمت (چپ) می زدند از اینجا از این قسمت روبرو باز قشنگ این جاده را با تیربار و آرپی جی ۱۱ می زدند بچه های ما را.

برادر محسن رضایی: اگر احیاناً اینجا (در همین منطقه) بخواهد عملیات صورت بگیرد پیشنهاد شما چیه؟

فرمانده گردان: تو همین منطقه پنج ضلعی دیگر؟

برادر محسن رضایی: هان! آفند و پدافند.

فرمانده گردان: اینجا که می شد پدافند کنیم.

برادر محسن رضایی: این راحت به حساب می شد از بس مهمات بود. شاید تا یک ماه (می شد ماند).

فرمانده گردان: سنگر، کانال خیلی محکمی بود

حتی با تانک شلیک می کردند به این چیز می خورد واقعاً چون آمده بالا و بغلش هم خاکریزی شده بود تقریباً یک تپه ای بود که وسط را کنده بودند و کانال زده بودند و به آن صورت آسیب پذیر نبوده اینجا (استحکامات داخل دژ)؛ مگر به قول آقای میرهاشمی که سنگرهایشان را ساخته بودند خیلی محکم بود، اینجا می شد پدافند کرد. فقط این خط دومش که تقریباً صد متر فاصله داشت که این جاده ها هم که زده بود اینجا جاده های گلی بود زیاد مشخص نبود روی خود خاکریزش هم باز سیم خاردار بود.

برادر محسن رضایی: وضع زمین چطور بود کل زمین اینجا؟

فرمانده گردان: اینجا زمینی تقریباً بعضی جاهایش خشک بود بعضی جاهایش آب داشت بعضی جاهایش هم لجن بود مثلاً این مسیری که ما حرکت کردیم یک قسمت آمدم پایین جاده بغلی که چسبیده بود به خود این تپه (دیده بانی و تیربار دشمن) که آمده بود بالا جاده اش گلی بود بعد این قسمت این طرفش باز هم یک تقریباً خاکریزی داشت نه خاک به آن صورت جان پناهی بود ولی به آن صورت از آن استفاده نمی کردند ولی قسمت جلوتر که این قسمت حدود تقریباً گل بود همه اش. یک مقدار آبگرفتگی و اینها بود تا می رسید به آن جاده بعد این جاده تقریباً که از اینجا جدا می شد فقط این جاده (ابتدای پنج ضلعی) را اینجا خشک داشت این طرفش باز آب بود این طرفش هم آب گرفته بود که بچه ها از این جاده رد شدند و رفتند.

برادر رحیم صفوی: صبح تا کی آنجا بودید؟

فرمانده گردان: ما صبح اینجا تا ساعت هفت خودمان اینجا بودیم.

برادر رحیم صفوی: دشمن چی، می دیدید به طرف لشکر فجر صبح به طرف همان جاده هایی که لشکر فجر رفته بود تانک می آمد، چی می دیدید. فرمانده گردان: اینجا تانک بود.



دوره چهارم جنگ شهرها علیه ایران

۱۳۶۶/۱۲/۸ تا ۱۳۶۷/۱/۳۱

یدالله ایزدی*

چکیده		

دامنه‌ی درگیری نظامی ایران و عراق در طول دوران جنگ تحمیلی، با بمب باران و پرتاب موشک به شهرها کشیده شد و تلفات انسانی و خسارات قابل توجهی به بار آورد. در سال پایانی جنگ چهارمین و آخرین دوره‌ی این حملات با حمله‌ی هوایی به پالایشگاه تهران آغاز شد و چند شهر کشور از جمله تهران مورد اصابت موشک‌های دور بُرد عراق قرار گرفت و به بسیاری از شهرها نیز حملات هوایی شد. در حالی که مذاکره‌ی جمهوری اسلامی با دبیر کل سازمان ملل برای انجام اصلاحاتی در ترتیب بندهای قطعنامه‌ی ۵۹۸، روند طبیعی و منطقی خود را طی می‌کرد، عراق همسو با فشارهای سیاسی فزاینده‌ی قدرت‌های جهانی به ایران برای قبولاندن بدون قید و شرط قطعنامه ۵۹۸، حمله به شهرهای ایران را آغاز کرد. مطالب پیش رو فشرده‌ای از حوادث مربوط به چهارمین دوره از جنگ شهرها، انگیزه‌های عراق از انجام آن، مواضع امریکا، شوروی و سایر کشورهای غربی و منطقه‌ای و همچنین مقاومت مردم در برابر حملات عراق و پافشاری جمهوری اسلامی بر مواضع اصولی خود در مذاکرات صلح با دبیر کل سازمان ملل است. حوادثی که عراق را تا آستانه‌ی عملی کردن «تهدید حمله‌ی شیمیایی» به شهرهای بزرگ ایران پیش برد.

واژگان کلیدی: جنگ شهرها، موشک باران، بمباران، ایران، عراق

مقدمه

چهارمین دوره از حملات گسترده‌ی موشکی و هوایی عراق به شهرها، روستاها و سایر مراکز جمعیتی ایران و از سوی دیگر اقدامات تلافی‌جویانه جمهوری اسلامی در حمله به مراکز نظامی و صنعتی و اقتصادی عراق که به جنگ شهرها موسوم شده است، از روز شنبه ۸ اسفند ۱۳۶۶ با حمله‌ی عراق به پالایشگاه تهران و سپس حمله‌ی موشکی به تهران در روز ۱۰

اسفند آغاز شد و تا پایان فروردین ۱۳۶۷ ادامه یافت. در این دوره که ۵۳ روز به طول انجامید برای اولین بار تهران و شهرهای قم، اصفهان، تبریز، کرج و شیراز مورد حمله‌ی موشکی عراق قرار گرفتند. عراق در این دوره جمعاً ۱۸۹ فروند موشک به شهرهای ایران شلیک کرد و علاوه بر آن به طور متوسط هر روز ۱۲ شهر و تعدادی از روستاهای ایران مورد حمله

* نویسنده و راوی مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

سال دوازدهم □ شماره چهل و پنجم □ تابستان ۱۳۹۲



بمباران مناطق مسکونی؛ تهران؛ ۱۳۶۷

از جمله تهران با موشک‌های شیمیایی حمله خواهد نمود. تهدید عراق باعث بسیج عمومی برای مقابله با حملات شیمیایی احتمالی شد. تشکیل ستاد مقابله با حملات شیمیایی احتمالی عراق در استان‌های در معرض حمله، بسیج و توزیع مقادیر زیادی امکانات پدافند شیمیایی در این استان‌ها، برگزاری مانور مقابله با حملات شیمیایی در شهرهای مختلف کشور، دادن اطلاعات عمومی درباره‌ی نحوه‌ی مقابله با این گونه حملات به مردم از طریق وسایل ارتباط جمعی و اختصاص یافتن ساختمان مستحکم دولتی به عنوان پناهگاه عمومی از سوی دولت از جمله تدابیر مسئولین در این دوره برای مقابله با شرایط ایجاد شده در جنگ شهرها بود.

تعطیلی زودتر از موعد مقرر ادارات، مدارس و دانشگاه‌ها در اواخر سال ۱۳۶۷، موجب خلوت شدن شهرها و مهاجرت بسیاری از مردم شهرهای بزرگ در معرض حمله از جمله تهران به شهرهای شمالی و برخی نقاط امن کشور شده و این مسأله چهره بسیاری از شهرها را تحت تأثیر جنگ شهرها قرار داد. پس از اتمام تعطیلات نوروز به دلیل تداوم حملات عراق به شهرها تعطیلی مدارس ادامه یافت و آموزش

هوایم‌های دشمن قرار گرفتند. این حملات حداقل ۱۷۴۶ نفر شهید و ۸۱۸۳ نفر مجروح بر جا گذاشت و خسارات فراوانی به بار آورد.*

در این ۵۳ روز، حملات عراق به شهرهای ایران در ۳ نوبت متوقف شد که در دو نوبت آن با پاسخ مثبت ایران مواجه شد. در اولین بار پس از ۱۲ روز از آغاز حملات، به دست نیامدن نتیجه‌ی مناسب، سبب شد عراق حمله به شهرهای ایران را متوقف کند.

در اولین بار به دلیل «سفر تورگوت اوزال»، نخست وزیر ترکیه، به بغداد این حملات به مدت ۳ روز (از روز جمعه ۱۲ تا یکشنبه ۱۴ فروردین ۱۳۶۷) متوقف شد. در دفعه‌ی سوم رژیم عراق به بهانه‌ی برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی به مدت ۳ روز (از ساعت ۷ صبح روز ۱۹ تا ۲۱ فروردین ۱۳۶۷) حملات خود را متوقف کرد.

پس از افزایش فشارهای جهانی علیه عراق به خاطر بمباران شیمیایی حلبچه و برخی مناطق مرزی ایران، رژیم بغداد تهدید کرد به شهرهای بزرگ ایران

* آمارهای ارائه شده غالباً آمارهای اولیه هستند که از سوی منابع خبری اعلام شده است به سبب نبودن ارگان مشخصی برای اعلام ارقام صحیح و نهایی، می‌توان آمارهای موجود را به عنوان حداقل تلفات تلقی نمود.

خواهان ادامه‌ی جنگ شهرها است، معترف بودند که ایران همچنان مصمم است که راه پیروزی کامل را در جبهه پی‌گیری کند، در حالی که عراق قصد دارد که فشار بر اقتصاد ایران را مداومت بخشد تا همزمان با فشارهای سیاسی قدرت‌های بزرگ جهانی، ایران را وادار به پذیرش قطع‌نامه‌ی ۵۹۸، براساس ترتیب بندهای آن نماید.

چهارمین دوره از حملات موشکی و هوایی عراق به شهرها و روستاهای ایران و حملات تلافی‌جویانه و بازدارنده ایران به اهداف اقتصادی و نظامی عراق که به جنگ شهرها موسوم شده است، با حمله‌ی هواپیماهای عراقی به پالایشگاه تهران در روز شنبه ۸ اسفند ۱۳۶۶ و سپس حمله‌ی موشک به پایتخت در روز دوشنبه ۱۰ اسفند ۱۳۶۶ آغاز شد و تا پایان فروردین ۱۳۶۷ ادامه یافت.* در این دوره ۵۳ روزه برای اولین بار تهران و چندین شهر دیگر مورد اصابت موشک قرار گرفتند و جمعاً ۱۸۹ موشک به شهرهای: تهران ۱۳۴ موشک، اصفهان ۲۳ موشک، قم

* از ابتدای حمله‌ی ارتش عراق به ایران در سال ۱۳۵۹، در ۴ دوره دامنه درگیری نظامی میان ایران و عراق با بمباران و پرتاب موشک به درون شهرها و مراکز جمعیتی کشیده شد. در جریان اولین دوره جنگ شهرها که از تاریخ ۱۳ اسفند ۱۳۶۳ آغاز شد، ۳۹ شهر و روستا مورد حملات دشمن قرار گرفت و در ۱۸ نوبت بمباران شد. این حملات ۱۲۲۷ شهید و ۴۶۸۲ مجروح بر جای گذاشت. جنگ دوم شهرها از تاریخ ۱۳۶۴/۳/۵ آغاز شد و بیست روز ادامه یافت. ۵۷۰ شهید و ۱۳۳۲ مجروح در بر داشت و در ۱۱۵ نوبت حمله‌ی موشکی، هوایی و توپخانه‌ای ۲۷ شهر مورد حمله قرار گرفت. سومین دوره جنگ شهرها ۴۲ روز به طول انجامید و ۲۳۲ مورد بمباران، ۲۷ مورد حمله موشکی و ۲۹ حمله‌ی توپخانه‌ای را شامل می‌شود، در این حملات که با حمله به مناطق مسکونی سوسنگرد آغاز شد، ۶۵ شهر آسیب دید و ۳۰۳۵ نفر شهید و ۱۱۱۵۰ نفر مجروح شدند. «بولتن گزیده اخبار، روابط عمومی نیروی زمینی سپاه، ش ۲۵. ۱۳۶۶/۱۲/۲۵، صص ۱۰-۱۲» و «خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش‌های ویژه، ش ۳۶۰، ۱۳۶۶/۱۲/۲۴، بغداد، صص ۱۱-۱۰» لازم به ذکر است در برخی اسناد تقسیم‌بندی‌های دیگری انجام شده و دوره‌های جنگ شهرها تا ۸ مرحله نیز تقسیم‌بندی شده است. «هاشمی‌رفسنجانی، اکبر، هاشمی‌رفسنجانی: کارنامه و خاطرات سال ۱۳۶۶؛ دفاع و سیاست، تهران: نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹، صص ۵۹۲-۵۸۹»

دانش‌آموزان از طریق رادیو و تلویزیون و ادامه‌ی تحصیل آنان در سایر مناطق امن کشور انجام شد.

اصابت اولین موشک‌ها به تهران، اصفهان و قم اعتراضاتی را در محافل سیاسی، رسانه‌ای و مردمی داخل کشور علیه شوروی برانگیخت. تعدادی از مردم و دانشجویان در مقابل سفارت و کنسولگری شوروی در تهران و اصفهان تجمع نموده و به سیاست شوروی در جنگ اعتراض کردند. در پی وقوع این اعتراضات، برخی مقامات شوروی دادن موشک‌های قوی‌تر به عراق را تکذیب کردند.

در حالی که شوروی خواستار قطع فوری جنگ شهرها و تشکیل جلسه‌ی شورای امنیت در این‌باره شد و در تبلیغات رسانه‌ای، خود را مخالف ادامه‌ی جنگ شهرها نشان می‌داد، امریکا رضایت خود را از این روند به انحاء مختلف بروز می‌داد و بسیاری از کشورهای غربی نیز از موضع امریکا حمایت و پیروی کرده و موضوع جنگ شهرها را دارای ارتباط مستقیم با جنگ کرده و عنوان کرده و در موضع‌گیری‌های رسمی خود معتقد بودند پذیرش بدون قید و شرط قطع‌نامه‌ی ۵۹۸ از سوی جمهوری اسلامی جنگ شهرها را نیز پایان خواهد داد.

از سوی دیگر حملات موشکی و هوایی عراق به شهرها از سوی مسئولین به منزله‌ی فشار عراق به جمهوری اسلامی ایران برای پذیرش قطع‌نامه‌ی ۵۹۸ و در نتیجه نادیده گرفتن حقوق اولیه‌ی ایران تلقی می‌شد. لذا بر ضرورت رعایت حقوق اساسی ایران بر مواضع اصولی خود یعنی آغاز روند تحقیق درباره‌ی معرفی و محاکمه متجاوز همزمان با پذیرش قطع‌نامه پای می‌فشرده.

بازتاب رسانه‌ای این دوره از جنگ شهرها بسیار وسیع بود و اغلب خبرگزاری‌ها و نشریات بین‌المللی و منطقه‌ای اخبار آن را به طور گسترده پوشش می‌دادند. بسیاری از این رسانه‌ها در گزارش‌های خود در این‌باره که از بین ایران و عراق کدام یک

حنگ شهرها

جنگ شهرها بوده است. اعلام کرد که آخرین شلیک بایستی توسط این کشور انجام شود.

عراق ساعت ۴ بعدازظهر روز جمعه (۲۱ اسفند ۱۳۶۶) را به عنوان شروع آتش بس اعلام کرد و پس از آن تنها در روز آخر یعنی ۲۱ اسفند ۱۳۶۶، ۱۲ موشک به تهران و ۳ موشک به قم پرتاب کرد. بلافاصله پس از انتشار خبر متوقف کردن ادامه ی جنگ شهرها از سوی عراق، جمهوری اسلامی اعلام کرد که به محض قطع حملات عراق به مناطق غیر نظامی ایران حملات مقابله به مثل خود را فوراً و بدون قید و شرط متوقف خواهد کرد.

به گزارش رادیو بی.بی.سی از مقر سازمان ملل متحد: «آقای محلاتی، نماینده ایران در سازمان ملل متحد گفت که به دبیر کل سازمان ملل و رئیس سازمان ملل و رئیس شورای امنیت اطلاع داده که ایران پیشنهاد کرده، اگر عراق حمله به شهرهای ایران را متوقف کند، ایران نیز فوراً و بدون قید و شرط به حملاتش به شهرهای عراق پایان خواهد داد. آقای محلاتی اضافه کرد که او اگر حملات عراق ادامه پیدا کند ایران نیز تلافی خواهد کرد، زیرا تلافی تنها ابزاری است که در اختیار دارد. به نظر می رسد نماینده ی ایران به پیشنهاد آتش بس عراق اعتماد زیادی ندارد، زیرا او گفته است که عراق برای فرار از فشار بین المللی دست به این حرکت زده است. آقای محلاتی گفت: «عراق با افزودن شرایط مسخره، پیشنهادات را پیچیده کرده است تا از تمام شدن جنگ شهرها جلوگیری کند.»^۵

هر چند شروط عراق با واکنش منفی برخی مقامات سیاسی ایران روبه رو شد و نماینده ی ایران در سازمان ملل این شرط عراق را کاملاً مسخره خواند، اما نخست وزیر جمهوری اسلامی اعلام کرد که اگر عراق به تهاجم خود به مناطق مسکونی ایران خاتمه دهد، ایران نیز حملات خود را از ساعت ۱۷ به وقت تهران، خاتمه خواهد داد.^۶

ساعاتی بعد نیز کمال خرازی، سرپرست ستاد

تبلیغات جنگ، در مصاحبه با رادیو بی.بی.سی اعلام کرد: «آنها جنگ علیه شهرهای ما را آغاز کرده اند و هر زمان که آنها دست از حمله بردارند ما نیز بلافاصله از حمله خودداری خواهیم کرد. این موضع اصولی ماست.»^۷

آقای هاشمی رفسنجانی نیز در نماز جمعه ی روز ۲۰ اسفند گفت: «ایران درصدد گسترش جنگ شهرها نیست و پاسخ نهایی خود به موشک های عراقی را با عملیات در جبهه ها، در مرزها و در داخل خاک عراق خواهد داد.»^۸

دلایل اعلام آتش بس اول عراق

پس از اعلام آتش بس از سوی عراق، گمانه زنی ها درباره ی دلایل این پیشنهاد عراق نیز مورد توجه محافل سیاسی و رسانه ای قرار گرفت. رژیم عراق که از ابتدا توقف حمله به شهرهای ایران به ویژه تهران را منوط به پذیرش بدون قید و شرط قطع نامه ۵۹۸ از سوی ایران کرده، چرا به این امر تن داده بود؟ به نظر

می رسید رژیم عراق که در طی دو هفته حملات پیوسته ی موشکی و هوایی به شهرهای ایران به نتیجه دلخواه خود دست نیافته، اینک تحت فشار زیادی است و از سوی دیگر در حال از دست دادن موقعیت خود در سازمان ملل نیز می باشد. لذا برای رهایی از این وضعیت، پیشنهاد آتش بس را مطرح کرده است. به گفته ی بعضی منابع دیپلماتیک، شوروی برای تشکیل

* آقای هاشمی در یادداشت های خود در روز ۲۱ اسفند ۱۳۶۶ درباره ی دلیل تلافی نکردن آخرین موشک های عراق در این روز می نویسد: «آخرین موشک های عراقی، درست در لحظات آخر وقت مهلت ۴:۳۰ بعدازظهر به تهران رسید. گفتیم تلافی نشود که جنگ شهرها ختم گردد.» [هاشمی رفسنجانی، کارنامه و خاطرات ۱۳۶۶، دفاع و سیاست، تهران: دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹، ص ۵۱۹]

عراق همسو با فشارهای سیاسی فزاینده ی قدرت های جهانی به ایران برای قبولاندن بدون قید و شرط قطع نامه ۵۹۸، حمله به شهرهای ایران را آغاز کرد

۸۲



بمباران مناطق مسکونی؛ تهران؛ ۱۳۶۷

به شهرهای تهران ۴ موشک، اصفهان ۳ موشک، قم ۱ موشک، کرج ۲ موشک و تبریز ۱ موشک شلیک کرد و همزمان هواپیماهای عراقی به ۹ شهر کشور حمله کردند. تنها در این روز ۱۷۶ نفر شهید و ۷۱۰ نفر مجروح شدند. پرتلفات‌ترین روزهای حملات عراق به شهرها نیز مربوط به روزهای ۲۵ و ۲۷ اسفند ۱۳۶۶ است. در حملات این دو روز ۳۵۵ نفر شهید و ۱۳۹۹ نفر مجروح شدند.

ادامه‌ی جنگ شهرها (حمله به شهرها) و برای سومین بار توسط رژیم عراق به بهانه‌ی برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی متوقف شد. لطیف نصیف جاسم، وزیر فرهنگ و اطلاعات عراق، درباره دلیل قطع حمله به شهرهای ایران گفت: «ما جمعه (۱۹ فروردین ۱۳۶۷) از صبح تا شب از زدن شهرهای ایران خودداری ورزیدیم تا به مردم ایران فرصتی اعطا کنیم که بدون ترس و دلهره به کاندیداهای مجلس شورا رأی بدهند و این مسأله سبب تصمیم خیرخواهانه‌ی مجلس در راه برقراری صلح بین دو کشور شود».^{۱۸} خبرگزاری عراقی «خلیج» نیز با اعلام قطع حملات هوایی و موشکی به شهرهای ایران به علت برگزاری انتخابات مجلس به نقل از یک مقام مسئول عراقی

۱۴ فروردین ۱۳۶۷ به بهانه‌ی سفر نخست‌وزیر ترکیه به بغداد اجرا شد. در خبری که توسط خبرگزاری عراق مخابره شد یک سخنگوی رژیم عراق اعلام کرد که برای احترام به سنت مهمان‌نوازی و به خاطر دیداری که «تورگوت اوزال»، نخست‌وزیر ترکیه، از عراق خواهد داشت، ما از نیمه شب پنج‌شنبه [۱۱ فروردین ۱۳۶۷] تا ۶ ساعت پس از پایان دیدار وی از عراق جنگ شهرها را قطع خواهیم کرد.^{۱۵}

خبرگزاری نیمه رسمی آناتولی به نقل از رضا باقری، سخنگوی سفارت ایران، گفت که در صورتی که عراق جنگ شهرها را متوقف کند، ایران خود به خود به این حملات پایان خواهد داد.^{۱۶}

ساعاتی پس از اعلام خبر آتش‌بس موقت، عراق ۲ موشک به اصفهان و یک موشک به قم شلیک کرد.^{۱۷} ایران نیز به تلافی حملات عراق، ۲ موشک به سوی شهر کرکوک پرتاب کرد.^{۱۷}

شدیدترین حملات موشکی عراق مربوط به ۱۸ اسفند ۱۳۶۷ است. در این روز عراق ۱۱ موشک

* عراق در اولین آتش‌بس غیررسمی در ۱۹ اسفند ۱۳۶۶ نیز در آخرین ساعت قبل از فرا رسیدن زمان اعلام شده برای آغاز آتش‌بس ۱۱ موشک به شهرهای ایران شلیک کرد. اما ایران به این اقدام عراق پاسخ نداد.

اعلام کرد: «عراق آرزومند است که تشکیل دور جدید

واکنش‌ها علیه شوروی در ایران

در پی حملات بی‌سابقه‌ی موشکی عراق به تهران، با فرض این‌که موشک‌های جدیدی از سوی شوروی در اختیار عراق قرار گرفته است، سفیر شوروی در تهران به وزارت امور خارجه فرا خوانده شد و مراتب اعتراض رسمی ایران به وی ابلاغ شد و به سفیر شوروی گفته شد که اولین بار نیست که سیاست‌های امریکایی به وسیله‌ی تسلیحات روسی علیه ایران اعمال می‌شود.^{۲۲}

مجلس شورای اسلامی ایران بتواند به برقراری صلح و پایان جنگ ایران و عراق طبق مفاد قطع‌نامه‌ی ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد کمک بنماید.»

با اتمام اجرای انتخابات، توقف جنگ شهرها دو روز دیگر هم ادامه یافت. خبرگزاری فرانسه دلیل آن را به خاطر دیدار و مذاکرات و سام‌الزهاوی، معاون وزیر امور خارجه‌ی عراق، با خاویر پرز دکوئیار، دبیرکل سازمان ملل، درباره‌ی چگونگی دستیابی به آتش‌بس در جنگ با ایران دانست.^{۱۹}

در اعتراض به نقش شوروی در حملات موشکی عراق به تهران سفارت شوروی در تهران و کنسولگری این کشور در اصفهان مورد حمله‌ی تعدادی از مردم قرار گرفت. روز یکشنبه ۱۶ اسفند ۱۳۶۶ در تهران تعدادی از دانشجویان، کارگران و دانش‌آموزان با تجمع در مقابل سفارت شوروی به ساختمان سفارت حمله کردند و با استفاده از مواد آتش‌زا بخشی از تأسیسات و درختان محوطه‌ی جنوبی سفارت را به آتش کشیدند که با دخالت پلیس اوضاع کنترل شد.^{۲۳}

در اصفهان نیز تعدادی از مردم اقدام به تظاهرات در مقابل ساختمان کنسولگری شوروی کردند و در این میان چند نفر به ساختمان کنسولگری حمله کردند.^{۲۴}

پس از ۳ روز توقف در جنگ شهرها، رژیم عراق بار دیگر در روز ۲۲ فروردین ۱۳۶۷ با شلیک ۴ فروند موشک به تهران و اصفهان و حمله‌ی هوایی به ۴ شهر و روستای کشور حمله به شهرها را از سر گرفت. در حملات این روز ۲۹ نفر شهید و ۵۰ نفر مجروح شدند و خسارت قابل توجهی به بار آمد. یگان موشکی سپاه پاسداران به تلافی، دو موشک به بغداد شلیک کرد.^{۲۰}

در دوره ۵۳ روزی حملات
موشکی عراق به طور متوسط
هر روز ۱۲ شهر و تعدادی از
روستاهاى ایران مورد حمله‌ی
هواپیماهای دشمن قرار گرفتند.
این حملات حداقل ۱۷۴۶ نفر شهید
و ۸۱۸۳ نفر مجروح بر جا گذاشت و
خسارات فراوانی به بار آورد

رسانه‌های ایران نیز مطالبی درباره‌ی نقش شوروی در جنگ شهرها و دادن موشک‌های با بُرد بلند به عراق به چاپ رساندند. در پی افزایش جو ضد شوروی در ایران مقامات این کشور این موضوع را تکذیب کردند. سفیر شوروی در تهران گفت: «اتحاد شوروی به موشک‌باران جاری هیچ ربطی ندارد. کشور ما موشک‌هایی که قادر باشند به تهران برسند به عراق تحویل نداده و نمی‌دهد.»^{۲۵}

حملات عراق به مدت ۱۰ روز دیگر ادامه یافت. رژیم عراق پس از حمله به فاو و باز پس‌گیری آن و در حالی که تنها ۴۸ ساعت از حمله‌ی آمریکا به سکوهای نفتی ایرانی می‌گذشت با صدور اطلاعیه‌ای که متن آن در اخبار ساعت ۱۸:۳۰، رادیو «صوت الجماهير» در روز ۳۱ فروردین ۱۳۶۷ خوانده شد، با اعلام شروط قبلی اعلام نمود از ساعت ۲۴ امشب بمباران شهرهای ایران را متوقف خواهد کرد.^{۲۱}

برخی از مقامات وزارت خارجه مسکو نیز تأکید کردند که هرگز مجوزی جهت تغییر در بُرد موشک‌های با بُرد کوتاه که قبلاً تحویل عراق گردیده

۲۱ بمب باران شهرهای ایران را متوقف خواهد کرد.
 رژیم عراق ۱۵ دقیقه قبل از شروع آتش بس
 ۲۲ موشک به قم شلیک کرد که جمهوری اسلامی با

به این کشور داده نشده است.^{۲۶}

«گنادی گرسیمف»، سخنگوی وزارت خارجه‌ی شوروی هم اظهار داشت: «ما در گذشته مقادیری موشک‌های با بُرد کوتاه در اختیار عراق قرار دادیم ولی بُرد این موشک‌ها برای حمله به تهران کافی نبود و این بدان معنی است که ما در جنگ شهرها دخالتی نداریم. ما هرگز اجازه ندادیم بُرد این موشک‌ها اضافه شود.»^{۲۷}

در پی افزایش جو ضد روسی در ایران و توضیحات مقامات شوروی، آقای هاشمی‌رفسنجانی در مصاحبه‌ای گفت:

«با وجود آنکه موشک‌هایی که به طرف ایران در روزهای اخیر پرتاب شده در اصل ساخت شوروی هستند، اما عراق می‌تواند آن‌ها را از منابع دیگری دریافت کرده باشد.»

موشک‌های پرتابی عراق از نوع اسکاد-بی هستند که برای آنکه بُرد آنان را افزایش دهند مواد منفجره‌ی موشک‌ها را تقلیل داده‌اند.^{۲۸}

و بدین ترتیب جو ضد شوروی را تا حدی تعدیل کرد.^{۲۹*}

* یادداشت‌های آقای هاشمی‌رفسنجانی در این دوره نشان‌دهنده‌ی روند آگاهی مسئولین ایران از نوع موشک و چگونگی دست‌یابی رژیم عراق به آن است.

- (۱۳۶۶/۱۲/۱۲) با دکتر [حسن] روحانی تلفنی صحبت کردم. گفت نظر متخصصان این است که موشک‌های پرتاب شده‌ی عراقی همان اسکاد-بی است که به سوخت آن اضافه شده و از سر جنگی آن کاسته شده و در نتیجه قدرت انفجاری آن کم و بُرد آن اضافه شده است.

- (۱۳۶۶/۱۲/۱۴) گروه موشکی سپاه آمدند درباره‌ی موشک‌های عراقی نظر دادند که همان اسکاد-بی روسی است که با افزایش سوخت و کاهش سِر جنگی، بُرد آن زیاد و قدرت انفجاری آن کم شده است.

- (۱۳۶۶/۱۲/۱۵) شب جلسه‌ی سران قوا در زیر زمین ساختمان ریاست جمهوری تشکیل شد. وضع جنگ را توضیح دادم. از سیاست ضد روسی که ترویج می‌شود، انتقاد کردم، زیرا روشن شده که موشک‌های عراق چیز جدیدی نیست که روس‌ها داده باشند. همان اسکاد-بی‌های سابق است و بی جهت با تبلیغات منفی، دشمنی روس‌ها را تحریک می‌کنیم.

با ادامه یافتن حملات موشکی عراق «جورجی تاراویویچ»، نایب رئیس مجلس شوروی، یک بار دیگر دادن موشک روسی به عراق را تکذیب کرد و مدعی شد خود عراقی‌ها توانسته‌اند بر بُرد آن‌ها بیفزایند.^{۳۰}

اما از نکات جالب درباره‌ی نقش شوروی در ماجرای حملات موشکی به تهران مطلع بودن سفارت شوروی از جزئیات این حملات است. هنگام این حملات سفارت شوروی در تهران در چند مورد قبل از پخش آژیر قرمز از صدا و سیما اقدام به پخش آژیر در داخل سفارت کرد. این اقدام حتی در مواردی که صدا و سیما آژیری پخش نکرده ولی حمله‌ی موشکی انجام شده نیز صورت گرفت که نشان می‌داد سفارت شوروی به طور مستقیم از مسکو یا بغداد خبر

(۱۳۶۶/۱۲/۱۸) دکتر ولایتی آمد و برای موضع‌گیری راجع به پیشنهاد ختم جنگ شهرها از طرف شوروی مشورت کرد. شوروی از شورای امنیت خواسته است جلسه‌ی فوری اضطراری تشکیل شود. قرار شد موافقت کنیم. من از برخورد عجولانه وزارت خارجه نسبت به شوروی در رابطه با موشک‌های اخیر عراق انتقاد کردم و گفتم ممکن بود روابط را با روس‌ها کاملاً تیره کنند. ایشان مصاحبه اخیر من را که با صراحت گفتم شوروی موشک جدیدی به عراق نداده، مفید خواند و گفت روس‌ها هم راضی شده‌اند. گفت: «سفیر شوروی هم تشکر کرده است.»

آقای هاشمی‌رفسنجانی همچنین در مصاحبه‌ای با شبکه یک سیمای جمهوری اسلامی در روز ۱۷ اسفند ۱۳۶۶ درباره‌ی موشک‌های شلیک شده به شهرهای تهران، قم و اصفهان گفت:

«روشن شد که موشک جدیدی نیست. همان (اسکاد-بی) است که عراقی‌ها قبلاً در دزفول و بسیاری از شهرهای ما زده بودند. منتهی با قدرت تخریبی زیادی که این موشک در شرایط طبیعی خودش دارد و همان است که ما هم به کار می‌بریم. عراقی‌ها این موشک را تحقیقاً با کمک قدرت‌های بزرگ مثل آمریکایی‌ها یا فرانسوی‌ها، ناشیانه دستکاری کرده‌اند و ناچاراً سوخت را زیاد و قدرت انفجاری را کم کردند. وزن مواد انفجاری این موشک را که به طور طبیعی ۸۰۰ کیلوگرم است، به ۱۶۰ کیلوگرم - یعنی یک پنجم - تقلیل دادند. این موضوع را موشک‌هایی که سالم به دست ما افتاده روشن کرده است.» هاشمی‌رفسنجانی، دفاع و سیاست - کارنامه خاطرات ۱۳۶۶، تهران: دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹، صص ۵۱۵-۵۰۸.

حمله‌ی موشکی به تهران را دریافت کرده است.^{۳۱}

دلایل آغاز جنگ شهرها توسط عراق

چرای آغاز چهارمین دوره‌ی جنگ شهرها از سوی عراق از جمله سؤالاتی است که بلافاصله پس از حمله‌ی موشکی عراق به تهران مطرح گردید و محافل سیاسی و رسانه‌ای در جستجوی پاسخ به این سؤال که هدف رهبران رژیم عراق از شروع مجدد حمله به مناطق مسکونی ایران چیست، برآمدند.

تحلیل‌های ارائه شده از سوی محافل مختلف سیاسی و رسانه‌ای تا حدود زیادی به هم نزدیک است. بسیاری از این محافل معتقدند هدف عراق از این اقدام وارد آوردن فشار به شورای امنیت برای تعجیل در تصویب کردن تحریم تسلیحاتی است. در این ایام نمایندگان کشورهای عضو شورای امنیت سازمان ملل در حال رایزنی درباره‌ی جنگ ایران و عراق هستند. امریکا با همراهی فرانسه و انگلیس در پی تصویب قطع‌نامه‌ای برای تحریم تسلیحاتی ایران است. این کشورها معتقدند تصویب چنین طرحی، جمهوری اسلامی ایران را به پذیرش قطع‌نامه‌ی ۵۹۸ وادار خواهد کرد و تاکنون مواضع منفی شوروی و تا حدی چین مانع به نتیجه رسیدن آن بوده است.

«شیرین هانتر»، تحلیل‌گر دانشگاه جورج تاون آمریکا، معتقد است: «هدف عراق از این حملات بین‌المللی کردن جنگ و وارد کردن دیگر کشورها به معرکه، علیه ایران است. عراق قصد دارد با ایجاد نگرانی بیشتر در محافل بین‌المللی آن‌ها را وادار به اعمال فشار بیشتر بر ایران کند. عراق مدت‌هاست که در صدد است، وضع جنگ را که خود موفق به بُرد در آن نبوده است، با وارد کردن کشورهای دیگر علیه ایران عوض کند.»^{۳۲}

رادیو بی.بی.سی در اولین روز حمله موشکی عراق به تهران در روز دهم اسفند گفت:

«به نظر می‌رسد که قصد اصلی عراق، وادار کردن شورای امنیت به تحریم تسلیحاتی ایران به دلیل قبول نکردن قطع‌نامه‌ی ۵۹۸ است. عراق از کوتاهی شورای امنیت در جلوگیری از فروش اسلحه به ایران ابراز ناخرسندی کرده است و شاید می‌خواهد با نگهداشتن جنگ در مرکز توجه بین‌المللی از تأخیر بیشتر در صدور قطع‌نامه‌ی مذکور جلوگیری کند.»^{۳۳}

رویتر هم اعلام کرد: «گمان می‌رود هدف از این حملات شکستن بن بست ایجاد شده در جنگ خلیج فارس باشد.»^{۳۴}



بیماران مناطق مسکونی؛ تهران؛ ۱۳۶۷

کشور ندارد.^{۳۸}

خبرگزاری فرانسه نیز تأکید کرد که: «محافل دیپلماتیک معتقدند که عراقی‌ها به منظور خاتمه دادن به جنگ احتمالاً آماده‌اند تا جنگ موشک‌ها را تا آخرین مرحله علیه شهرهای ایران ادامه دهند. این منابع بدون ابراز تردید تصور می‌کنند که عراق با تصمیم قبلی، جنگ جدید شهرها را با حملات موشکی علیه تهران و سپس علیه قم آغاز کرده تا وضع را کد موجود را چه در جبهه‌ها و چه از نظر دیپلماتیک تغییر دهد. مقامات عراقی خود را در مقابل رکود جبهه‌ها و جلسات تمام نشدنی شورای امنیت برای وادار کردن ایران به پذیرش قطع‌نامه‌ی ۵۹۸ ناتوان می‌بینند.» به گفته‌ی این منابع: «رژیم بغداد که از انتظاری رنج‌آور و بی‌تفاوتی عمومی مستأصل شده، راه دیگری در پیش رو ندارد و به جز کبریت کشیدن به انبار باروت، کار دیگری نمی‌تواند انجام دهد. مقامات عراقی امیدوارند که شلیک کورکورانه موشک به تهران و قم به اندازه‌ی کافی به شورای امنیت برای اقدام سریع هشدار دهد. در بیانیه‌های ستاد مشترک عراق که پس از شلیک هر موشک منتشر می‌شود، پذیرش قطع‌نامه‌ی ۵۹۸ سازمان ملل متحد، به عنوان انگیزه‌ای برای این اقدام معرفی می‌شود. عراق به دنبال دو چیز بود: اول در هم شکستن وضعیت (نه جنگ و نه صلح) که آگاهانه از یک سال قبل از جانب ایران در جبهه‌ها اعمال می‌شد و دوم تغییر نظر شوروی در شورای امنیت برای پذیرش اعمال مجازات و تحریم تسلیحاتی در راستای متقاعد کردن تهران به پذیرش قطع‌نامه‌ی ۵۹۸.^{۳۹}

«تامس مکناور» محقق مسائل نظامی خاورمیانه در واشنگتن و نویسنده‌ی کتابی درباره‌ی جنگ ایران و عراق هم در مصاحبه با رادیو امریکا دلیل حملات موشکی عراق به تهران را نشان‌دهنده‌ی سرخوردگی روزافزون عراق دانست که بیم دارد بار دیگر به انزوای نسبی کشانده شود. وی با مقایسه‌ی شرایط گذشته

روزنامه‌ی انگلیسی گاردین هم نوشت: «عراق با حمله به پالایشگاه تهران در روز شنبه (۸ اسفند ۱۳۶۶) دور جدید حملات خارج از جبهه را آغاز کرد. ظاهراً می‌خواهد که دوباره توجه محافل بین‌المللی را به جنگ ایران و عراق جلب کند و بدین وسیله سبب تشدید کوشش‌هایی شود که برای برقراری آتش‌بس انجام می‌گیرد.»^{۳۵}

روزنامه‌ی ایتالیایی «کوریره دل‌سیرا» هم هدف حملات موشکی بغداد را اعمال فشار غیرمستقیم به سازمان ملل جهت خروج از شرایط نه جنگ و نه صلح توصیف کرد.^{۳۶}

رادیو امریکا هم گفت: «عراق می‌خواهد به این وسیله ایران را بار دیگر به یک جنگ تمام عیار در میدان کارزار در سال جاری وادار کند.» یک مقام آگاه عراقی می‌گوید: «برای نخستین بار در تاریخ این کشور عراقی‌ها به راستی می‌خواهند که ایرانی‌ها حمله کنند.» به گفته‌ی این مقام عراقی اثبات به این‌که عراق می‌تواند هر گونه حمله‌ی ایران را دفع کند به متحدانش نشان خواهد داد که ایران یارای در هم شکستن خطوط دفاعی عراق را ندارد.»^{۳۷}

از دلایل شروع جنگ شهرها توسط عراق به روایت واشنگتن‌پست وادار کردن ایران به انجام عملیات بزرگ زمینی و خشم عراق از انحراف اذهان بین‌المللی از مسأله‌ی جنگ ایران و عراق به مسأله‌ی فلسطین است.

این روزنامه‌ی امریکایی نوشت: «عراق قصد دارد با بهره‌برداری از پیشرفت تکنولوژی نظامی خود و تاکتیک جدیدش مبنی بر تشدید جنگ، ایران را برای آغاز یک جنگ تمام عیار در جبهه‌های نبرد تحریک سازد.» یک مقام آگاه عراقی می‌گوید: «برای اولین بار در تاریخ عراق، ما می‌خواهیم که ایرانی‌ها حمله کنند. اعتماد به نفس عراق از این‌که قادر به دفع یک تهاجم عمده (ایران) می‌باشد به دوستان عراق نشان خواهد داد که ایران هیچ‌گونه امیدی برای شکستن دفاع این

عراق با دوران جدید گفت:

«در سال ۱۹۸۷ عراق از حمایت بین‌المللی فوق‌العاده برخوردار بود. جامعه‌ی عرب از موضع عراق حمایت کرد. قطع‌نامه‌ی شماره‌ی ۵۹۸ در شورای امنیت سازمان ملل صادر شد و نیروهای دریایی غرب در خلیج‌فارس مستقر شدند به عبارت دیگر عراق اتکاء به نفس بیشتری پیدا کرد ولی اینک به نظر می‌رسد که حمایت بین‌المللی از عراق رو به کاهش گذارده است. جامعه‌ی عرب توجه خود را به بحران فلسطینی‌ها معطوف داشته و برخی از نیروهای دریایی حاضر در خلیج‌فارس در فکر کاهش قدرت خود در منطقه هستند.»^{۴۰}

چهارمین دوره از حملات موشکی و هوایی عراق به شهرها و روستاهای ایران با حمله‌ی هواپیماهای عراقی به پالایشگاه تهران در روز شنبه ۸ اسفند ۱۳۶۶ و سپس حمله‌ی موشکی به پایتخت در روز دوشنبه ۱۰ اسفند ۱۳۶۶ آغاز شد و تا پایان فروردین ۱۳۶۷ ادامه یافت

بخش انگلیسی و رادیو بی‌بی‌سی نیز درباره‌ی دلیل حمله‌ی عراق گفت: «عراق در جنگی محبوس شده که ایران حاضر نیست به آن پایان دهد. بنابراین آیا می‌توان گفت که یأس عراق دلیل اصلی اوج‌گیری جنگ است. در ذهن مردم منطقه کوچک‌ترین تردیدی وجود ندارد که این عراق بود که بار دیگر جنگ را شدت بخشید تا بار دیگر توجه جهان را به خود جلب کرده و با حملات تلافی‌جویانه ایران، بهانه تجاوزات مجدد بیاورد.»^{۴۱}

در کنار این گمانه‌زنی‌ها، یکی از مهم‌ترین نکاتی که در چرایی حمله‌ی موشکی عراق به شهرهای ایران باید مد نظر داشت فراهم بودن وقوع آن برای عراق در آن برهه است.

اصولاً رژیم عراق در طول جنگ با ایران از تمامی مقدرات و تجهیزاتی که در اختیار داشت بهره‌جست. رژیم بغداد معتقد بود که باید از هر امکانی علیه ایران استفاده کند. کما اینکه در این دوره و حتی در زمانی

که بمباران شیمیایی حلبچه و کشتار جمعی مردم این منطقه از سوی تمامی نهادهای بین‌المللی، بسیاری از دولت‌ها و افکار عمومی جهان محکوم شد و فشار سیاسی و روانی شدیدی بر ضد این رژیم به وجود آمد، حاکمان بغداد به صراحت اعلام کردند از این پس برای حفظ موجودیت خود از هر امکانی که در اختیار دارند از جمله سلاح‌های شیمیایی و میکروبی علیه مراکز جمعیتی ایران استفاده خواهند کرد و نشان دادند از حملات شیمیایی علیه شهرهای بزرگ ایران نیز ابائی ندارند.

عراق موشک را از کجا آورده است؟

از آنجایی که حمله‌ی موشکی به تهران برای اولین بار در تاریخ جنگ اتفاق افتاده بود، درباره‌ی چگونگی دستیابی عراق به سلاح جدید سؤالاتی مطرح شد. ادعای عراق درباره‌ی این که موشک‌ها در داخل این کشور ساخته شده‌اند از سوی محافل خارجی با تردید جدی مواجه شد. مجله‌ی نظامی «جنیز دیفنس» به نقل از یک کارشناس نظامی نوشت: «کسی ادعای عراق را باور نمی‌کند، چون تکنولوژی این موشک‌ها بسیار پیچیده است. طراحی و ساخت چنین موشک‌هایی با بُرد بیش از ۵۰۰ کیلومتر کار و دانش فوق‌العاده‌ای لازم دارد.» این مجله احتمال خرید موشک از برزیل را مطرح کرد.^{۴۲}

خبرگزاری آلمان غربی نیز با غیر محتمل دانستن ساخت موشک در عراق اعلام کرد: «بعضی از گزارش‌ها حاکی است که موشک‌ها ممکن است به وسیله روس‌ها ارسال شده و به وسیله گروه‌هایی از شوروی مورد استفاده قرار می‌گیرد.»^{۴۳}

این در حالی است که عراق اعلام کرد موفق به ساختن موشک‌هایی با بُرد حداکثر ۶۵۰ کیلومتر شده و آزمایش نخستین نمونه‌های آن که شلیک به سوی یک هدف در فاصله‌ی ۶۱۵ کیلومتری بود، موفقیت‌آمیز بوده است.^{۴۴}

روزنامه‌ی نیویورک تایمز احتمال ایجاد تغییراتی

ساخت شوروی که قادر به حمل دو هزار پوند مواد منفجره است، روی آورده است.» ناظران غربی می‌گویند مدت‌ها است که عراق موشک‌های اس.اس.۱۲ را در اختیار داشته ولی مقامات شوروی از طرق دیپلماتیک بر موشک‌ها کنترل سیاسی داشته‌اند. یعنی عراق نمی‌تواند بدون اجازه شوروی از آن استفاده کند. شوروی‌ها به دیپلمات‌ها در تهران گفته‌اند که کرملین اجازه استفاده از موشک‌های اس.اس.۱۲ را علیه شهرهای ایران صادر نکرده است.^{۴۸} یکی از نشریات داخلی سپاه پاسداران موشک‌های عراقی را از نوع اس.اس.۱۲ دانست و نوشت:

در این دوره ۵۳ روزه برای اولین بار تهران و چندین شهر دیگر مورد اصابت موشک قرار گرفتند و جمعاً ۱۸۹ موشک به شهرهای: تهران ۱۳۴ موشک، اصفهان ۲۳ موشک، قم ۱۷ موشک، تبریز ۸ موشک، کرج ۴ موشک و شیراز ۳ موشک پرتاب شد و حداقل ۵۲ شهر، بخش و روستای کشور در ۲۲۳ نوبت توسط هواپیماهای رژیم عراق بمب باران شد

«موشک‌های مورد استفاده عراق علیه تهران احتمالاً از نوع اسکیل‌برد- اس.اس.۱۲ هستند. این موشک‌ها ساخت شوروی و دارای سوخت مایع بوده و برای حمل و پرتاب آن از خودروی هشت چرخ مدل‌ماز- ۵۴۳ استفاده می‌شود. طول این موشک تقریباً برابر موشک اسکاد- بی، اس.اس.۱-بی (۱۱/۲۵ متر)، قطر آن تقریباً یک متر و وزنش کمی بیش از ۶۸۰۰ کیلوگرم است. نوع سیستم هدایت این موشک اینرسی و نوع تکامل یافته سیستم هدایت موشک اسکادبی

می‌باشد و بُرد آن نیز حدود ۷۰۰ الی ۸۰۰ کیلومتر تخمین زده می‌شود. وزن این کلاهک سبک‌تر از کلاهک جنگی موشک اسکادبی است. زیرا فضای بیشتر از بدنه موشک به سوخت مایع تخصیص یافته تا بُرد موشک را افزایش دهد. در نتیجه میزان مواد منفجره قابل حمل آن به مراتب کمتر از موشک

در ساختمان موشک را مطرح کرد و نوشت: «دیپلمات‌های غربی معتقدند عراق در حمله به تهران از موشک‌های روسی اسکاد- بی که برای افزایش بُردشان در آن‌ها تغییراتی داده‌اند، استفاده می‌کند.» به نوشته‌ی نیویورک تایمز عراقی‌ها برای اینکه موشک‌های اسکاد- بی آن‌ها به تهران برسد مجبور بوده‌اند که مقدار زیادی از خرج انفجاری ۱۲۰۰ پوندی موشک‌ها را تخلیه کنند و این مسئله سبب شده است که موشک‌های شلیک شده به تهران از قدرت انفجاری زیادی برخوردار نباشد.^{۴۵}

کارشناسان انستیتوی «ایوری» فرانسه اعلام کرده‌اند که موشک‌های شلیک شده به تهران روسی هستند. کارشناس امور جنگ ایران و عراق مرکز تحقیقات استراتژیک بین‌المللی نیز به رادیو بی.بی.سی گفت: «در گذشته عراق از موشک‌های اسکاد ساخت شوروی در جنگ علیه ایران استفاده کرده است. اما این موشک‌ها نمی‌توانند تهران یا قم را هدف قرار دهند.^{۴۶} تکنولوژی مربوط به این موشک‌ها را می‌توان از مصر، برزیل و کشورهای اروپایی چه شرقی و چه غربی تأمین کرد. بعید به نظر می‌رسد که شرکت یا واحد مهندسی خاصی به تنهایی برای ساختن این موشک‌ها وارد عمل شده باشد. احتمال قوی می‌رود که تولید آن‌ها با مشارکت شرکت‌ها و مهندسین متفاوت از جاهای مختلف صورت گرفته باشد. موشک‌های مورد استفاده عراق گرچه در مقایسه با موشک‌های پیشرفته موجود چندان اهمیت تکنولوژیکی ندارد، اما قدرت تخریبی آن‌ها زیاد است.»^{۴۷}

بر خلاف انتشار اخباری مبنی بر دست‌کاری در موشک‌های بُرد کوتاه ساخت شوروی، توسط عراق با کمک مستشاران بعضی کشورها، روزنامه‌ی واشنگتن‌پست دستیابی عراق به موشک‌های بُرد بلند روسی را منتفی ندانست. این روزنامه امریکایی در بیستمین روز جنگ شهرها نوشت: «به گفته‌ی مقامات عرب، ظاهراً عراق به موشک‌های اس.اس.۱۲

ایران را ادامه خواهد کرد.^{۶۰} ایران به ادامه جنگ شهرها و اصرار عراق به ادامه آن را برجسته می‌کردند.

به گزارش خ.ج.ا. نشریه کریستن سانیس مانیتور درباره شروع مجدد جنگ شهرها نوشت:

«ایران همچنان مصمم است راه پیروزی کامل در جبهه جنگ را در پیش بگیرد و عراق قصد دارد فشار بر اقتصاد ایران را پی بگیرد.»^{۶۴}

رادیو بی.بی.سی هم درباره این که چه کسی از جنگ شهرها سود می‌برد گفت:

«بسیار غیر محتمل است که ایران بخواهد دور جدیدی از جنگ شهرها را آغاز کند. عراق در این جنگ(شهرها)، نسبت به ایران برتری نسبی دارد. زیرا هم نیروی هوایی آن برتر است و هم ظاهراً تعداد بیشتری موشک‌های ساخت شوروی را در اختیار دارد. عراق در جنگ موشکی اخیر دو برابر ایران موشک پرتاب کرد و به این دلایل، ایران علاقه بسیار اندکی به از سرگیری جنگ شهرها دارد.»^{۶۵}

خبرگزاری آسوشیتدپرس هم با تأکید بر تفاوت دیدگاه و عملکرد مسئولان ایرانی و عراقی بر ادامه جنگ شهرها، در گزارشی با عنوان «تهران عملاً سعی دارد از حمله موشکی به مناطق پر جمعیت اجتناب

در همین حال رژیم عراق وساطت برخی کشورها برای توقف جنگ شهرها را نیز رد می‌کرد. طه یاسین رمضان معاون اول نخست‌وزیر عراق در دیدار با فرستاده ویژه‌ی رئیس‌جمهور پاکستان که حامل پیام ضیاءالحق برای صدام حسین درباره توقف کردن جنگ شهرها بود، اعلام کرد عراق به اقدامات خود برای وارد کردن ضربات سنگین به ایران تا یافتن راه حلی به منظور خاتمه دادن به جنگ، ادامه خواهد داد.^{۶۱}

همچنین طارق عزیز، وزیر امور خارجه وقت عراق، پس از دیدار با جفری هاو وزیر امور خارجه انگلیس در لندن در ۲۵ اسفند ۱۳۶۶ در مصاحبه‌ای با رادیو بی.بی.سی، هر گونه میانجیگری برای آتش‌بس در جنگ شهرها را رد کرد.^{۶۲} فرستاده سرهنگ قذافی هم که حامل پیام رهبر لیبی برای صدام حسین در خصوص توقف جنگ شهرها بود، در بغداد گفت: «عراق موافق است جنگ در همه‌ی سطوح متوقف شود و تفکیک آن را منتفی می‌داند. در حالی که ایران بر توقف جنگ شهرها تأکید داشته و ادامه جنگ را خواستار است.»^{۶۳} رسانه‌های غربی نیز عدم تمایل



بمباران مناطق مسکونی؛ تهران؛ ۱۳۶۷

انتظارات رژیم بغداد و حامیان جهانی و منطقه‌ای آن آغاز شد. با وجود خوش‌بینی‌های اولیه درباره‌ی مؤثر بودن روش عراق در وادار کردن ایران به پذیرش بدون قید و شرط قطع‌نامه ۵۹۸ و رهایی عراق از وضعیتی که در آن گرفتار آمده بود، تردیدهای محافل سیاسی به رسانه‌ها راه یافت. محافلی که در ابتدا معتقد بودند عراق برگ مؤثر و برنده خود را رو کرده است، کمتر از یک هفته از آغاز جنگ شهرها نسبت به مؤثر بودن آن تشکیک کردند. به نظر بسیاری از محافل سیاسی و رسانه‌ای بین‌المللی، ادامه جنگ شهرها، علاوه بر وارد آوردن خلل در روند تلاش‌های شورای امنیت و کاهش حمایت‌ها از عراق در جنگ با جمهوری اسلامی، باعث افزایش مقاومت در داخل ایران نیز شده و مسئولین و مردم ایران در حال تطبیق دادن کشور و زندگی روزانه خود با جنگ شهرها هستند.

خبرگزاری «یونایتدپرس» تنها ۳ روز پس از اصابت اولین موشک به تهران با تردید در موفقیت عراق در دستیابی به اهداف‌اش از شروع کردن جنگ شهرها نوشت:

«برخی دیپلمات‌های غربی معتقدند اقدام عراق برای آغاز جنگ موشک‌ها ممکن است به ضرر عراق تمام شود. زیرا این حملات می‌تواند به تلاش‌های جاری در شورای امنیت سازمان ملل برای اعمال تحریم تسلیحاتی علیه ایران ضربه زند.» یکی از این دیپلمات‌ها گفت: «حملات عراق ممکن است تأثیر منفی داشته باشد. زیرا می‌تواند برای کشورهایی که در زمینه موافقت با اعمال تحریم تسلیحاتی علیه ایران طفره می‌روند بهانه خوبی را فراهم کند.» منابع دیپلماتیک از سوی دیگر گفتند کشورهای غربی و کشورهای عرب حوزه خلیج فارس که در طول جنگ ایران و عراق از عراق حمایت کرده‌اند، به طور خصوصی از عراق درخواست کرده‌اند که از حملات بیشتر به تهران خودداری کند.»

روزنامه «کریستین ساینس مانیتور» هم ده روز پس

کند.^{۶۶} نوشت: «ظاهراً هدف حملات موشکی هفته گذشته ایران به پایتخت عراق، پالایشگاه قدیمی این شهر و پایگاه نظامی نزدیک آن بوده است. منابع آگاه سیاسی می‌گویند پالایشگاه دوره واقع در حومه شرقی بغداد و مجتمع بزرگ نظامی آن موسوم به کمپ الرشید، ظاهراً هدف‌های اصلی تهران در حمله به بغداد بوده‌اند. این منابع گفتند حداقل چهار مورد از شش مورد حمله موشکی تأیید شده به پایتخت عراق، طی هفته گذشته به داخل یا اطراف کمپ الرشید اصابت کرده‌اند. این کمپ که از آن به دانشکده جنگ عراق یاد می‌شود، شامل پایگاه هوایی و بیمارستان نظامی است. این منابع گفتند که دو موشک اوایل هفته گذشته به کمپ الرشید اصابت نموده و به انتهای این کمپ و ساختمان نیروی هوایی آن آسیب رسانده است. میزان تلفات این پایگاه معلوم نیست و عراق محاصره نظامی و شدید این منطقه را ادامه می‌دهد.^{۶۷}

آثار حملات موشکی به ایران (شروع تردیدها در موفقیت عراق)

در حالیکه به نظر می‌رسید عراق و حامیان‌اش امید زیادی به تأثیر حملات موشکی عراق به ایران داشت و از موشک‌باران تهران به عنوان جهشی در جنگ نام برده می‌شد،^{۶۸} تنها چند روز پس از شروع حملات موشکی عراق به ایران، اولین تردیدها درباره تحقق یافتن

* قرارگاه رمضان در نامه‌ای به فرماندهی نیروی زمینی سپاه پاسداران به نقل از برخی از منابع داخلی عراق اصابت موشک به پادگان الرشید در محله رشیدیه، بیمارستان نظامی رشید، محوطه کاخ جمهوری و پالایشگاه دوره در منطقه زعفرانیه بغداد را اعلام کرد. (اس.ش. ۸۵۹۷۲، از فرماندهی سپاه پانزدهم رمضان - معاونت اطلاعات به فرماندهی نیروی زمینی، ۱۳۶۷/۱/۴، سند تک برگی (۵/۴۷۴))

در جریان اولین حمله‌ی موشکی عراق، ۳ نقطه پایتخت از جمله بیمارستان و زایشگاه عیوض زاده در خیابان شیخ‌هادی در جنوب خیابان جمهوری اسلامی مورد اصابت قرار گرفت و منجر به شهادت ۵ نفر و مجروح شدن ۵۰ نفر از جمله تعدادی از بیماران و چند نوزاد شد

همانگونه که آیت‌الله خمینی^(ره) گفته است حملات موشکی عراق به ایران باعث افزایش روحیه مردم شده است و نه تضعیف آن.^{۷۱}

رادیو بی.بی.سی در برنامه دیگری در بررسی تأثیر اصابت موشک به شهرهای ایران گفت: «در کوتاه مدت این حملات بسیار مؤثر بوده‌اند زیرا آن‌ها دقیق و ویرانگر بوده‌اند. اما پس از آن استمرار حملات موشکی عراق اثر معکوس داشته است. زیرا مرتباً از ایرانی‌هایی که به خارج مسافرت می‌کنند می‌شنویم که مردم ایران اکنون بیش از هر زمانی به پشتیبانی از دولت خود برخاسته‌اند و این پشتیبانی به مراتب بیشتر از پشتیبانی سه هفته پیش است یعنی زمانی که

حملات موشکی شروع شد و اصلاً موضوع سازش با عراق به هیچ‌وجه مطرح نبوده و استمرار حملات موشکی عراق به شهرهای ایران تنها به مصمم‌تر شدن مردم به ادامه جنگ با عراق منجر گردیده است.^{۷۲} این در حالی است که خبرگزاری رویتر نیز به نقل از خبرنگار خود در کویت که اخیراً از بغداد دیدن کرده است، درباره تأثیر

جنگ شهرها بر مردم پایتخت عراق اعلام کرد: «در بسیاری از قسمت‌های شهر بغداد، اهالی نسبت به طولانی شدن جنگ ابراز خستگی و بی‌تابی می‌کنند، اما در جوامع عمومی از خود اطمینان نشان می‌دهند. ایران شهر کاظمین را که مدفن دو امام شیعیان است در برابر حملات خود شهری امن اعلام کرده و این باعث خبر رونق یافتن کاظمین و بازار آن شده است.»^{۷۳}

درخواست شوروی برای تشکیل جلسه شورای امنیت با شروع حمله به شهرهای ایران، شوروی از

از آغاز جنگ شهرها به استناد اظهارات میرحسین موسوی، نخست‌وزیر وقت و محمدجواد لایجانی، معاون وزیر امور خارجه ایران، که بر پایداری مردم و مسئولین ایران در برابر حمله به مراکز جمعیتی تأکید کرده بودند، نوشت: [موشک‌باران‌ها] و بمب‌باران‌های اخیر عراق موجب تشدید موضع ایران در جنگ شده و تهران را به مخالفت شدید با پذیرش قطع‌نامه [۵۹۸] سازمان ملل متحد برانگیخته است.^{۶۸}

همچنین استاد روابط بین‌الملل سوئسی در مصاحبه با تلویزیون اتریش در این باره گفت: «اینک دیگر مسلم شده که عراق هدف‌گیری موشکی شهرهای مرکزی ایران را به عنوان یک جنگ روانی شدید علیه مردم ایران آغاز کرده و دولت عراق با دست زدن به حملات موشکی می‌خواهد مقاومت ملت ایران را بشکند و به آن‌ها نشان دهد که هنوز هم قدرتش تمام نشده است. اما این موشک‌باران‌ها هیچ نقش تعیین کننده‌ای در نتیجه جنگ نخواهد داشت.»^{۶۹}

روزنامه انگلیسی «میدل‌ایست اینترنشنال» هم با اشاره به تقویت موضع ایران می‌نویسد: «[آیت‌الله] علی خامنه‌ای رئیس‌جمهور ایران حملات موشکی را به موضوع تحریم فروش اسلحه به ایران ربط داد و گفت هر اقدامی که در زمینه اجرای این تحریم صورت گیرد هر گونه امید نسبت به یافتن راه حل صلح‌آمیز جنگ را از بین خواهد برد.»^{۷۰}

رادیو بی.بی.سی نیز از منظر دیگری موضوع را بررسی کرده و گفت: «عراق قدرت هوایی فوق‌العاده‌ای دارد، اما تلفات حمله موشکی عراق بیشتر از تلفات اتومبیل در تهران نیست.» خبرنگاری که اخیراً از بغداد بازگشته و مطالب زیادی در بزرگنمایی حملات عراق گزارش کرده بود، اعتراف کرد اقدام عراق از روی درماندگی و ناچاری است و تنها در کوتاه مدت تأثیر دارد. به نظر می‌رسد که

عراق ساعت ۴ بعدازظهر روز جمعه (۲۱ اسفند ۱۳۶۶) را به عنوان شروع آتش‌بس اعلام کرد و پس از آن تنها در روز آخر یعنی ۲۱ اسفند ۱۳۶۶، ۱۲ موشک به تهران و ۳ موشک به قم پرتاب کرد



— بمباران مناطق مسکونی؛ تهران؛ ۱۳۶۷

قطع‌نامه ۵۹۸ باشد و در آن صورت نیاز به قطع‌نامه دیگری درباره جنگ شهرها نمی‌باشد. همچنین رادیو بی.بی.سی درباره علت نگرانی برخی کشورها در خصوص پیشنهاد شوروی به نقل از منابع سازمان ملل متحد اعلام کرد: «دیپلمات‌ها از آن بیم دارند که در صورت اخذ تصمیمات تازه، قطع‌نامه قبلی اهمیت خود را از دست بدهد.»^{۷۶}

سفیر آمریکا در موضع‌گیری دیگری با انتقاد از پیشنهاد شوروی مجدداً بر ضرورت اجرای قطع‌نامه ۵۹۸ تأکید کرد و گفت: «در شورای امنیت این احساس وجود دارد که نباید کاغذ بازی کرد و ما (شورای امنیت) قطع‌نامه‌ای [۵۹۸] را تصویب کرده‌ایم و در شرف اجرای آن می‌باشیم.» وی افزود: «تشدید اخیر جنگ شهرها ضرورت خاتمه کلی جنگ در کلیه صحنه‌ها را به اثبات رساند.»^{۷۷}

* وزیر خارجه شوروی قبل از اعلام نظر رسمی درباره تشکیل جلسه شورای امنیت در ملاقات با کاردار ایران در مسکو اعلام کرده بود که این کشور در صدد درخواست از شورای امنیت برای پایان جنگ شهرها است. {بولتن خبرها و نظرها، وزارت اطلاعات، ش ۶۹۸ (۱۳۶۶/۱۲/۱۸)، صص ۷-۶ و خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش‌های ویژه، ش ۳۶۴ (۱۳۶۶/۱۲/۲۸)، رادیو بی.بی.سی، صص ۱۷-۱۶}.

پنج کشور عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل خواست برای بررسی جنگ شهرها جلسه فوق‌العاده تشکیل دهند و در عین حال از دبیر کل سازمان ملل نیز درخواست کرد با ایران و عراق تماس گرفته و به تشدید حملات موشکی خاتمه دهد.^{۷۴}

علیرغم انتقاد به درخواست شوروی، این شورا در تاریخ ۲۴ اسفند ۱۳۶۶ جلسه محرمانه تشکیل داد. اما نتوانست به راه حلی فوری برای خاتمه جنگ شهرها دست پیدا کند. با این حال اعضا موافقت کردند که رئیس شورا با انتشار بیانیه، قویاً خواستار توقف فوری حملات موشکی به مراکز غیر نظامی گردد. همچنین دبیر کل به اعضای شورای امنیت پیشنهاد کرد که از وزیر امور خارجه و دیگر مقامات بلند پایه ایران و عراق برای حضور در نیویورک دعوت به عمل آید.^{۷۵} با ادامه جنگ شهرها پس از عملیات والفجر ۱۰ در منطقه حلبچه، اتحاد جماهیر شوروی در پیشنهاد دیگری خواستار صدور قطع‌نامه‌ای از سوی شورای امنیت برای خاتمه دادن به جنگ شهرها شد که با واکنش سرد بعضی کشورها مواجه شد. از جمله سفیر آمریکا در سازمان ملل در واکنش به این پیشنهاد روس‌ها اعلام کرد شورای امنیت باید در پی اجرای

قطع‌نامه قبلی [۵۹۸] اهمیت خود را از دست بدهد.^{۸۱} امریکا مخالفت خود را با پیشنهاد شوروی ابراز نموده و تأکید کرده است که آنچه اکنون لازم است، اجرای قطع‌نامه ۵۹۸ می‌باشد. سخنگوی وقت وزارت امور خارجه امریکا گفت: «ضرورت ایجاب می‌کند کلیه تلاش‌ها متوجه موضوع اصلی یعنی خاتمه جنگ از طریق مسالمت‌آمیز بر اساس قطع‌نامه ۵۹۸ شورای امنیت شود.»^{۸۲} «ورنن والترز» رئیس هیأت نمایندگی ایالات متحده امریکا در سازمان ملل متحد در رابطه با از سرگیری جنگ شهرها بین ایران و عراق اظهار داشت که او اینک امید بیشتری دارد که تلاش‌های دولت امریکا برای تحریم تسلیحاتی ایران به منظور هموار شدن راه برای برقراری آتش‌بس با موفقیت رو به رو شود.

انگلیس نیز از خواسته شوروی استقبال نکرد و بار دیگر بر لزوم اجرای قطع‌نامه ۵۹۸ شورای امنیت مبنی بر برقراری آتش‌بس میان ایران و عراق تأکید کرد. «دیوید میلور» معاون وقت وزیر امور خارجه‌ی انگلیس، گفت: «ایران باید هدف فشارهای بین‌المللی باشد. زیرا از پذیرش آتش‌بس خودداری می‌کند.»^{۸۳} معاون وزیر امور خارجه وقت انگلیس مقاصد عراق را به زبان دیپلماتیک و با منطق لندن این‌گونه بیان کرد: «این تحول جدید باید باعث آغاز فعالیت‌های تازه‌ای در سازمان ملل برای توقف جنگ و اجرای قطع‌نامه ۵۹۸ شود. این در حالی است که عراق آن را پذیرفته و ایران قطع‌نامه را نپذیرفته است. از تحولات چند روز اخیر نتیجه می‌گیریم که اگر جنگ ایران و عراق گسترش یابد و به دریا [خلیج فارس] کشیده شود کشورهای دیگر نیز در خطر قرار می‌گیرند و جنگ تنها به دو طرف اصلی آن محدود نمی‌ماند. وی سپس بر مؤثر بودن تحریم تسلیحاتی تأکید کرد و گفت: «سلاح‌هایی که توسط ایران و عراق در این برهه به کار گرفته می‌شود وارداتی هستند و این امر اهمیت تحریم را نیز نمایش می‌دهد.»^{۸۴}

پیشنهاد شوروی در حالی با استقبال ایران مواجه شد که عراق با همراهی امریکا، انگلیس و فرانسه و برخی کشورهای منطقه از جمله کویت با آن مخالفت کردند و هدف از آن را به تعویق انداختن تصویب قطع‌نامه‌ای برای اعمال تحریم تسلیحاتی علیه ایران دانستند. تشکیل جلسه شورای امنیت از سوی امریکایی‌ها و حتی عراقی‌ها، تلاش برای ایجاد وقفه در روند اجرای قطع‌نامه ۵۹۸ تلقی گردید.^{۷۸}

تحلیل وزارت امور خارجه ایران از پیشنهاد شوروی آن بود که استراتژی روس‌ها در منطقه این است که جنگ ایران و عراق نباید قبل از حل مسأله افغانستان پایان یابد و بازی آن‌ها در شورای امنیت و دیگر موارد [از جمله ارائه طرح صدور قطع‌نامه برای پایان دادن به جنگ شهرها] احتمالاً از این موضوع نشأت می‌گیرد.^{۷۹}

«فرد هالیدی»، استاد روابط بین‌الملل در مدرسه عالی اقتصاد لندن، درباره‌ی دلایل ارائه پیشنهاد شوروی به شورای امنیت گفت: «پیشنهاد شوروی به این منظور است که به ایران گفته شود بدون آنکه ناچار به پذیرفتن شرایط قطع‌نامه [۵۹۸] شورای امنیت باشد می‌تواند با سازمان ملل گفتگو کند. دلیل دیگر می‌تواند این باشد که مذاکرات مربوط به افغانستان اینک در مرحله بسیار حساسی است و شوروی نمی‌خواهد ایران زیاد دور و منزوی شود. زیرا ایران نقش مؤثری در تقویت چریک‌های افغان دارد. شوروی امیدوار است با طرح پیشنهادی خود که کلاً به نفع ایران است، مانع وارد شدن لطومات بیشتر به روابط خود با ایران شود.»^{۸۰}

رادیو بی.بی.سی. هم درباره دلیل مخالفت امریکا با پیشنهاد شوروی گفت: «نماینده امریکا در سازمان ملل گفته است که بیم دارد صدور قطع‌نامه دیگر به خصوص در زمینه جنگ شهرها باعث شود که شوروی به موضع قبلی خود که راه حل تدریجی و قدم به قدم در پایان دادن به جنگ بود باز گردد و

تهدید عراق در خصوص حملات شیمیایی به شهرهای ایران

پس از حمله‌ی شیمیایی عراق به حلبچه که منجر به شهادت و مصدومیت چند هزار نفر از اهالی این شهر و روستاهای اطراف آن شد و همچنین بمباران شیمیایی برخی روستاهای مرزی استان کردستان، برخی مقامات عراقی از احتمال استفاده از این نوع سلاح‌ها علیه مناطق مسکونی شهرهای ایران سخن گفتند.

یک روز پس از بمباران شیمیایی شهر حلبچه، سفیر شوروی در کویت درباره احتمال به کارگیری سلاح‌های شیمیایی در جنگ شهرها در آینده نزدیک خبر داد.^{۸۸}

روز بعد از آن [۲۸ اسفند ۱۳۶۶] عدنان خیرالله، جانشین فرمانده کل نیروهای مسلح و وزیر دفاع وقت عراق، بر استفاده عراق از هر نوع تسلیحات نظامی را تأکید و دلیل آن را لجاجت ایرانی‌ها در ادامه دادن به جنگ اعلام کرد.^{۸۹}

در پی اظهارات این مقام رژیم عراق، روزنامه کویتی «الأنباء» در روز ۳۰ اسفند ۱۳۶۶ نوشت، «اعلام وزیر دفاع عراق درباره استفاده عراق از سلاح‌های مرگبارتر علیه شهرهای ایران با اخطار مقامات شوروی در مورد احتمال کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ شهرها ارتباط دارد.» الأنباء افزود: «اعطای تسهیلات از سوی مقامات ایران برای ساکنان تهران برای تخلیه این شهر و همچنین فراخواندن دیپلمات‌های خارجی از تهران به کشورهاشان با هشدارهای اعلام شده در مورد تبدیل جنگ شهرها به یک جنگ شیمیایی گسترده میان دو کشور ارتباط دارد.»^{۹۰}

با افزایش فشار افکار عمومی علیه رژیم عراق به

حزب بعث عراق که به ریاست صدام حسین تشکیل شد، بدون نام بردن از شوروی و سایر اعضای شورای امنیت، آنان را به داشتن تعبیر نادرست از قطع‌نامه ۵۹۸ متهم کرد و نسبت به روند مذاکرات ایران با دبیر کل درباره جابه‌جایی بندهای قطع‌نامه ۵۹۸ عکس‌العمل نشان داد. [خ.ج.ا.]

گزارش ویژه، ش ۳۶۴ (۲۸/۱۲/۹۲)، صص ۱۸-۱۷

در میان کشورهای منطقه صریح‌ترین موضع را کویت اتخاذ کرد. وزیر امور خارجه وقت کویت در این باره گفت: «جنگ ایران و عراق باید در تمامی سطوح متوقف شود و تنها به جنگ شهرها ختم نشود. وی تشدید جنگ شهرها را ناشی از تعویق اجرای قطع‌نامه ۵۹۸ خواند و خواستار تسریع در اجرای آن شد.^{۸۵}

در این میان عراق نیز به پیشنهاد شوروی واکنش منفی نشان داد و درخواست این کشور را برای دخالت سازمان ملل در حمله شهرها رد کرد.^{۸۶}

در حالیکه شوروی اعلام کرد شورای امنیت

باید ابتدا قطع‌نامه‌ای درباره‌ی توقف جنگ شهرها صادر کند و سپس به موضوع تصویب طرح تحریم تسلیحاتی ایران برای وادار کردن جمهوری اسلامی به پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸ پرداخته شود، امریکا و برخی دیگر از اعضای شورای امنیت و همچنین عراق با آن مخالفت کرده و معتقد بودند صدور قطع‌نامه جدید برای توقف جنگ شهرها لزومی نداشته و باید مستقیماً وارد موضوع راه‌های وادار کردن

ایران به پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸ پرداخت.^{۸۷}

دو روز پس از جلسه‌ی محرمانه‌ی شورای امنیت درباره‌ی آغاز مجدد جنگ شهرها، این شورا دوباره تشکیل جلسه داد و «دراگوسلا و پیچیک» رئیس یوگسلاو شورای امنیت، متن بیانیه‌ای را که بر اساس مشورت بین اعضا تهیه و در آن به ضرورت فوری جنگ شهرها و اجرای قطع‌نامه ۵۹۸ تأکید شده بود، قرائت کرد.^{۸۸*}

* بیانیه شورای امنیت با واکنش منفی عراق مواجه شد. شورای فرماندهی

حاکمان بغداد به صراحت اعلام کردند از این پس برای حفظ موجودیت خود از هر امکانی که در اختیار دارند از جمله سلاح‌های شیمیایی و میکروبی علیه مراکز جمعیتی ایران استفاده خواهند کرد و نشان دادند از حملات شیمیایی علیه شهرهای بزرگ ایران نیز ابائی ندارند

درگیر شده است و باید برای تضمین بقای خود، از چنگ و دندان گرفته تا هر گونه سلاح پیشرفته‌ای که تاکنون برای نابودی و هلاکت اختراع شده است. علیه دشمن خود استفاده کند و استفاده عراق از هر گونه سلاح علیه ایران به خاطر اینکه عراق در حالت دفاع می‌باشد، مشروع به نظر می‌رسد.^{۹۳}

علیرغم افزایش فشارهای سیاسی و افکار عمومی علیه ایران به ویژه پس از پخش تصاویر جنازه‌های مردم حلبچه از تلویزیون‌های کشورهای مختلف دنیا، مسئولین عراقی ابایی از ادامه‌ی تهدید حملات شیمیایی نداشتند. «نزار حمدون»، معاون وقت وزیر

امور خارجه عراق، در مصاحبه‌ای با رادیو بی‌بی‌سی گفت: «دولت این کشور برای دفاع از خاک خود به هر وسیله‌ای که لازم باشد متوسل می‌شود و هنگامی که از او سؤال شد که آیا این شامل به کارگیری سلاح‌های شیمیایی هم می‌شود، او تکرار کرد هر وسیله‌ای که لازم باشد.»^{۹۴}

تهدید حمله شیمیایی به شهرهای بزرگ ایران از سوی مقامات ایران جدی گرفته شد. زیرا رژیم بعث عراق از این سلاح به طور گسترده علیه مردم کرد منطقه حلبچه استفاده نموده و علاوه بر آن پیش‌تر نیز، در کوچاندن مردم روستاهای منطقه قره‌داغ و... در شمال استان سلیمانیه از سلاح‌های شیمیایی به طور وسیع استفاده کرده بود. در همین ایام نیز به طور مکرر چندین روستا در مناطق مرزی استان کردستان را بمباران شیمیایی کرده بود. لذا تکرار چنین اقدامی از سوی عراق بعید به نظر نمی‌آمد. خصوصاً آنکه در این ایام فشار فزاینده‌ای از سوی مجامع سیاسی و رسانه‌ای علیه رژیم عراق به وجود آمده بود و فضایی از همدردی با ایران به وجود آمده بود که درگیر آثار

خاطر کاربرد سلاح‌های شیمیایی در حلبچه، مسئولین عراقی یک‌بار دیگر احتمال چنین اقدامی را مورد تأکید قرار دادند. از جمله طارق عزیز وزیر امور خارجه وقت عراق در گفت‌وگو با رسانه‌های کویت در تاریخ ۴ فروردین ۱۳۶۷ ایران را به استفاده از سلاح‌های جدید در جنگ شهرها تهدید کرد و گفت ایرانیان باید انتظار سلاح‌های مرگبارتری از سوی عراق را داشته باشند.^{۹۱} «نوری نایف»، رئیس دفتر خبرگزاری عراق در قاهره، هم گفت که سخنگوی عراقی به وی گفته است که عراق ممکن است به عنوان اقدامی بازدارنده، تعدادی از شهرهای بزرگ ایران را هدف حملات شیمیایی قرار دهد. روزنامه‌های کویتی هم در خبری ویژه این اظهارات را انعکاس دادند.^{۹۲}

در اظهار نظر دیگری، یکی از مقامات عراقی که نامش را فاش نکرد، پا را فراتر از این‌ها گذارده و در تاریخ ۱۶ فروردین ۱۳۶۷ به روزنامه کویتی «القبس» که به همراه سایر رسانه‌های کویتی به نوعی نقش سخنگویی رژیم عراق را ایفا می‌کردند گفت: «بغداد هیچ قانونی را در زمان جنگ محترم نمی‌شمارد و برای پیروزی در جنگ از هر وسیله ممکن از جمله راه انداختن جنگ میکروبی و بمب هسته‌ای استفاده می‌کند.» این مقام عراقی در توجیه این اقدام احتمالی رژیم بغداد افزود: «چه فرقی می‌کند انسان با ترکش موشک یا سلاح میکروبی و یا اتمی جان خود را از دست بدهد. کشتن با هر وسیله ممکن برای دفاع از خود بخشی از حاکمیت یک کشور محسوب می‌شود.» وی همچنین گفت: «رژیم عراق در جنگ سرنوشت‌سازی که بقا و فناى آن را تعیین می‌کند،

* آقای هاشمی‌رفسنجانی درباره اظهارات مقامات عراقی درباره حمله شیمیایی به مناطق مسکونی ایران می‌نویسد: عراقی‌ها زمزمه زدن شهرها با سلاح‌های شیمیایی را دارند شروع می‌کنند و از دبیرکل سازمان ملل به خاطر محکوم کردن عراق در زدن شیمیایی حلبچه، به تلخی انتقاد می‌کنند. آن‌ها علاوه بر شکست در جبهه از لحاظ سیاسی و تبلیغاتی هم تحت فشارند. [هاشمی‌رفسنجانی، پایان دفاع، آغاز بازسازی، کارنامه و خاطرات سال ۱۳۶۷، تهران: نشر معارف انقلاب، ۱۳۹۰، ص ۵۸]

طه یاسین رمضان، معاون اول نخست وزیر عراق نیز تأکید کرد که حملات عراق [به شهرها] ادامه خواهد یافت تا مسئولان ایران صلح را بپذیرند

مهاجرت تعداد زیادی از مردم، به شهرهای شمالی کشور، این مناطق را با مشکلاتی از قبیل تأمین مواد غذایی، اسکان مسافرتی، کمبود نقدینگی بانک‌ها و ترافیک سنگین در معابر مواجه کرد.^{۹۶}



بمباران مناطق مسکونی؛ تهران؛ ۱۳۶۷

نوروزی هم قرار شد با رعایت جوانب احتیاط عمل شود.^{۱۰۲}

مدتی پس از شروع حملات موشکی هوایی، عراق که به نتیجه‌ی دلخواه دست نیافته بود و به ویژه پس از فشار فزاینده‌ی افکار عمومی جهان علیه اقدام عراق در بمباران شیمیایی حلبچه، مسئولین رژیم عراق تهدید کردند که با سلاح‌های شیمیایی به شهرهای ایران حمله خواهند کرد. در پی این تهدیدها و استفاده از این سلاح‌ها در برخی مناطق مرزی ایران، دستگاه‌های اطلاعاتی کشور و سپاه پاسداران نسبت به احتمال حمله‌ی شیمیایی عراق به مراکز جمعیتی ایران هشدار داده و لزوم کسب آمادگی دستگاه‌های اجرایی را یادآور شدند.^{۱۰۳}

دولت جمهوری اسلامی نیز اقدامات پیشگیرانه‌ی همه جانبه‌ای را برای بالا بردن میزان آمادگی دستگاه‌های اجرایی کشور و استان‌ها و مقابله مؤثر در برابر این حملات احتمالی انجام داد. اعلام آمادگی کامل به ستادهای کنترل رویدادهای شیمیایی استان‌ها، تشکیل ستاد مقابله با حملات ش.م.ر (شیمیایی، میکروبی و هسته‌ای) در استان‌های در معرض حمله و واگذاری مسئولیت مدیریت مقابله با حملات

این شهروند تهرانی در ادامه گفت: «شلیک این همه موشک در ظرف چند روز ما را بی تفاوت کرده است.»^{۹۹}

کشیده شدن دامنه‌ی حملات موشکی عراق به سایر شهرها مدارس اصفهان، قم و چند شهر دیگر را نیز به صورت نیمه تعطیل در آورد.^{۱۰۰} ادامه یافتن این شرایط باعث آغاز تعطیلی زودرس مدارس، دانشگاه‌ها و سایر مراکز اداری و جمعیتی کشور شد و این مراکز عملاً حدود یک هفته قبل از فرا رسیدن نوروز تعطیل شدند. با استمرار حملات عراق، در جلسه‌ی سران کشور در ۶ فروردین ۱۳۶۷ قرار بر این شد که تعطیلی مدارس در مناطق در معرض حملات پس از پایان تعطیلات نوروز ادامه یابد. مدارس سایر مناطق کشور نیز موظف به پذیرش دانش‌آموزان مناطق در معرض حمله شده و رادیو تلویزیون نیز خدمات آموزش از راه دور را از طریق ضبط و پخش دروس مقاطع تحصیلی فراهم کرد. طبق ابلاغیه‌ی آموزش و پرورش معلمان مناطق در معرض حمله، که به شهرستان‌ها و مناطق امن رفته بودند، در این مناطق مشغول به کار شدند.^{۱۰۱} در مورد باز شدن دانشگاه‌ها پس از پایان تعطیلات

استان‌ها توزیع شد. ۱۰۵

همچنین تمرکز بخشیدن به مدیریت امور اجرایی پدافند ش.م.ر در نامه‌ای به دستگاه‌های اجرایی کشور ابلاغ شد. براساس این دستورالعمل، هماهنگی‌های امور اجرایی پدافند ش.م.ر مناطق مسکونی و مدیریت اجرایی آن به عهده‌ی «ستاد پشتیبانی و هماهنگی اجرای مناطق بمب‌باران شده و مدیریت امداد و دفاع غیر نظامی» گذارده شد. این ستاد از گذشته در استان‌ها و شهرستان‌ها تشکیل شده و مسئولیت کنترل حوادث و رویدادهای مربوط به موشک‌باران و بمب‌باران شهرها را عهده‌دار بود. کمیته‌های تخصصی و اجرایی ستادهای ش.م.ر در مراکز استان‌ها مأموریت یافتند آمادگی مردم و دستگاه‌های دولتی برای مقابله با حملات شیمیایی دشمن را با برنامه‌ریزی‌های لازم، بالا ببرند.

در جهت افزایش قابلیت‌های اجرایی کشور برای کاهش آسیب‌های ناشی از حملات شیمیایی احتمالی عراق به شهرهای بزرگ ایران علاوه بر سیاست‌گذاری‌ها، با هدف بالا بردن آمادگی ۱۸ استان* کشور که در معرض حملات موشکی و هوایی عراق قرار داشتند، مقادیر قابل توجهی تجهیزات از دستگاه‌های مهندسی (لودر، بولدزر، بیل مکانیکی و...) تا موتور برق، کنسرو، لامپ و ... بین

* استان‌های در معرض حملات عراق عبارتند از: خوزستان، باختران، لرستان، زنجان، گردستان، آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی، مرکزی، اصفهان، همدان، فارس، هرمزگان، بوشهر، تهران، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، ایلام و گیلان. (ش.س. ۱۳۰۵۶۱۴ از سرپرست ستاد تبلیغات جنگ شورای عالی دفاع به مدیرعامل صدا و سیما جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۱/۱۱، سند تک برگ، ۱)

ساماندهی به امور تبلیغاتی در دوره‌ی جنگ شهرها نیز از نظر مسئولان دور نماند. ستاد تبلیغات جنگ نیز سیاست خبری داخلی و وظیفه‌ی دستگاه‌های تبلیغاتی را در صورت حملات شیمیایی عراق به مراکز جمعیتی کشور تعیین و به دستگاه‌های کشور ابلاغ کرد. اطمینان‌بخش بودن سیاست خبری داخل کشور، جدیت در آموزش عمومی پدافند شیمیایی و تسریع در آموزش مردم، انتشار اخبار حملات شیمیایی عراق به مناطق جنگی و روستاهای مرزی ایران، اولویت دادن به پخش اخبار عملیات‌های رزمندگان (به نحوی که بازتاب اخبار فاجعه‌ی بمباران حلبچه در اولویت بعدی قرار گیرد) از محورهای اصلی سیاست‌های جدید تبلیغاتی کشور تعیین شد.^{۱۱۰}

طارق عزیز، وزیر امور
خارجہ عراق، پس از دیدار با
جفری هاو وزیر امور خارجہ
انگلیس در لندن در ۲۵
اسفند ۱۳۶۶ در مصاحبه‌ای
با رادیو بی.بی.سی، هر گونه
میانجیگری برای آتش‌بس در
جنگ شهرها را رد کرد

فرودین ۱۳۶۷، هماهنگی فرایند یک حمله شیمیایی از مرحله‌ی ابتدایی در پایتخت تا پایان رفع آلودگی بررسی شد.^{۱۱۳}

صدور دستور ستاد کل سپاه پاسداران به مراکز سپاه استان‌ها برای آماده نگه داشتن مراکز درمانی سپاه به همراه پرسنل مربوط، مجهز کردن این مراکز به تجهیزات انفرادی و محیطی برای ارائه‌ی خدمات درمانی به مصدومین شیمیایی،^{۱۱۴} برگزاری جلسه ستاد ش.م.ر در شهرستان‌ها و تقسیم کار بین دستگاه‌های

اجرایی و امدادی از جمله فرمانداری، شهرداری، هلال احمر، سپاه پاسداران، شبکه بهداشت و درمان، کمیته‌ی انقلاب اسلامی، آتش نشانی، جهاد بازرگانی نیز از جمله تصمیمات اتخاذ شده در سطح کشور می‌باشد.^{۱۱۵}

علاوه بر این اقدامات با

توجه به کمبود امکانات و تجهیزات مقابله با حملات شیمیایی در داخل کشور و گستردگی مناطق در معرض آسیب، دولت در توزیع امکانات واگذار شده به استان‌ها چند مؤلفه تعیین کرد که عبارت هستند از: ۱. مراکز استان‌ها. ۲. شهرهای عقبه‌ی مناطق عملیاتی رزمندگان. ۳. میزان جمعیت شهرها. ۴. تعداد حملات دشمن به شهرها. ۵. شهرهای بزرگی که در مجاورت آن‌ها تأسیسات صنعتی قرار دارند. ۶. شهرهایی که مورد تهدید عراق واقع می‌شوند. ۷. موارد خاصی که با نظر استاندار تعیین می‌گردد.^{۱۱۶}

همچنین کلیه‌ی وزارتخانه‌ها، بنیاد شهید و سازمان تربیت بدنی موظف شدند نسبت به مهیا کردن مکان‌های مناسب به عنوان نقاتگاه و محل نگهداری و مراقبت از مصدومین شیمیایی اقدام کرده و این مکان‌ها را با کمک هلال احمر تجهیز کنند.^{۱۱۷}

ستاد تبلیغات جنگ شورای عالی دفاع هم

معاونت نخست‌وزیر در امور دفاعی نیز در بخشنامه‌ای مواردی را برای مقابله‌ی به موقع و مؤثر با حملات شیمیایی عراق به استانداران استان‌های در معرض حمله ابلاغ کرد. در بندهای این ابلاغیه، اعلام آماده باش به همه‌ی نیروها و تیم‌های شیمیایی، ایجاد خط ویژه‌ی ارتباطی بین ستاد کنترل حوادث و رویدادهای شیمیایی و شبکه‌های رادیو تلویزیون استانی، توزیع تجهیزات انفرادی مانند ماسک، لباس شیمیایی و ... بین نیروهای امدادی، فعالیت حمام‌های عمومی شهرها در زمان حملات شیمیایی و انتقال سریع مردم به مناطق غیرآلوده با استفاده از خودروهای دولتی و عمومی مورد تأکید قرار گرفته است. در این بخشنامه همچنین به تعیین آژیر سبز به عنوان هشدار حمله‌ی شیمیایی، جلوگیری از ورود افراد شخصی و امدادی بدون تجهیزات حفاظتی به مناطق آلوده، کنترل مجدد نقاتگاه‌ها و بیمارستان‌ها و نهایتاً نصب تصاویر و جزوات آموزشی مربوط به اقدامات خودی برای مقابله با حوادث شیمیایی اشاره شده است.^{۱۱۱}

شورای امنیت کشور هم در ابلاغیه‌ای به تعیین استانداران و فرمانداران به عنوان مسئولین هدایت و فرماندهی ستاد حوادث و رویدادهای ش.م.ر در استان‌ها و شهرها، ضرورت اجرای چند مانور مقابله با حملات شیمیایی به منظور کسب آمادگی، تأکید بر راهاندازی خط ویژه‌ی ارتباطی بین استانداری و صدا و سیمای مرکز استان و حفظ ارتباط مستقیم تا پایان حمله‌ی شیمیایی از سوی شورای امنیت کشور پرداخت.^{۱۱۲} با ابلاغ سیاست‌های اجرایی و تعیین دستورالعمل‌های مربوط، جلسات متعددی در سطح کشور، استان‌ها و شهرستان‌ها برای ایجاد آمادگی در صورت حمله‌ی شیمیایی عراق برگزار شد.

همچنین در جلسه‌ی نمایندگان سپاه، نیروی هوایی ارتش، وزارت دفاع، استانداری تهران، ستاد مشترک ارتش، وزارت کشور، کمیته‌ی انقلاب اسلامی، شهربانی و ژاندارمری در محل نخست‌وزیری در دهم

شورای امنیت در تاریخ ۲۴ اسفند ۱۳۶۶ جلسه محرمانه تشکیل داد اما نتوانست به راه حلی فوری برای خاتمه جنگ شهرها دست پیدا کند

شیوه‌نامه‌ی مربوط به فعالیت رسانه‌ای در هنگام حمله‌ی شیمیایی دشمن را برای توجیه مراکز صدا و سیما در استان‌های در معرض تهدید، ابلاغ کرد.

تهیه و پخش برنامه‌های آموزشی ساده و ابتدایی پدافند شیمیایی، تعیین آژیر حملات شیمیایی، احداث



هوایی مؤثری را علیه ایران در پیش گرفته و ۲۷ شهر ایران را مورد حمله قرار داده است.^{۱۲۰}

از سوی دیگر شوروی با ترکیبی از رفتارهای سیاسی و تعاملات تسلیحاتی و حفظ تعادل در روابط بین عراق و ایران و همچنین با کشورهای عربی حاشیه‌ی خلیج فارس، سعی در تحقق منافع خود در منطقه‌ی مهم خلیج فارس داشت. شوروی در حالی که موضوع تشکیل جلسه‌ی اضطراری شورای امنیت را برای پایان دادن به جنگ شهرها طرح کرده بود اما به نظر می‌رسید در صدد کُند کردن روند تلاش‌های صلح است. شوروی اعلام کرد که ابتدا باید جنگ شهرها متوقف شود و سپس کشورهای عضو شورای امنیت به بررسی راه‌های اجرایی قطع‌نامه‌ی ۵۹۸ از جمله تحریم تسلیحاتی ایران بپردازند.^{۱۲۱}

یکی از دلایل اتخاذ چنین روشی از سوی مسکو مشکلات شوروی در افغانستان بود.

در این دوره‌ی مذاکرات امریکا و شوروی در ژنو سوئیس درباره‌ی نحوه‌ی خروج ارتش شوروی از افغانستان در جریان بود. شوروی برای خروج کم در دسر از افغانستان به همکاری ایران که دارای نفوذ زیادی در بین گروه‌های جهادی افغانستان بود، نیازمند بود. لذا سعی می‌کرد از یک سو با استفاده از نفوذ خود در جنگ ایران و عراق رابطه‌ی خود با جمهوری اسلامی را حفظ نموده و از طرف دیگر از توانمندی‌های خود در جنگ ایران و عراق به عنوان اهرمی در مذاکرات ژنو در برابر امریکا بهره‌برداری نماید.^{۱۲۲}

«پتروویچ کولینف»، معاون وزیر خارجه‌ی شوروی، در پایان اجلاس وزرای پیمان ورشو در بلغارستان درباره‌ی تأثیر مذاکرات ژنو بر جنگ ایران و عراق گفت: «مسائل بین‌المللی همگی به هم مربوط می‌باشند، ولی باید صراحتاً بگویم حل مشکل افغانستان تأثیر مطلوبی در پایان جنگ ایران و عراق دارد. در واقع مخالفت کردن شوروی با راه حل‌های

هر چند امریکا، شوروی و سایر اعضای شورای امنیت، در اعلام مواضع علنی و رسانه‌ای درباره‌ی جنگ شهرها ابراز ناخرسندی کرده و بر لزوم پایان هر چه سریعتر آن تأکید می‌کردند، اما هر کدام از منظر متفاوتی از ادامه یافتن آن چندان ناخشنود نبودند. به تعبیر صدام در مصاحبه با روزنامه‌ی مصری الاهرام: «امریکا و شوروی در قبال جنگ ایران و عراق در چهارچوب منافع ملی خود و معادلات بین‌المللی عمل می‌کنند. قدرت‌های بزرگ برای حمایت از منافع ملی خود در منطقه‌ی خلیج فارس حضور پیدا کرده‌اند، نه پایان دادن به جنگ.»^{۱۱۹}

امریکایی‌ها ادامه‌ی جنگ شهرها را تضعیف زیر ساخت‌های اقتصادی ایران و در عین حال پایین آمدن توان و روحیه رزمی ایران می‌دانستند که نهایتاً جمهوری اسلامی را وادار به پذیرش قطع‌نامه‌ی ۵۹۸ خواهد کرد. این همان هدفی بود که امریکا از طریق مطرح کردن طرح تصویب قطع‌نامه و تحریم تسلیحاتی ایران در شورای امنیت در پی تحقق آن بود. امریکایی‌ها معتقد بودند راه حل مؤثر برای وادار کردن ایران به پذیرش قطع‌نامه‌ی ۵۹۸ تحریم تسلیحاتی ایران است. لذا بایستی از ارائه هر پیشنهادی که باعث به حاشیه راندن این موضوع می‌شود خودداری کرد. امریکایی‌ها همچنین معتقد بودند طرح شوروی برای صدور قطع‌نامه‌ای از سوی شورای امنیت برای توقف جنگ شهرها، بازی شوروی برای ایجاد تأخیر در اجرای قطع‌نامه‌ی ۵۹۸ است، بنابراین با آن مخالفت می‌کردند.

«جورج کریست» فرمانده نظامی نیروی‌های امریکا در منطقه‌ی خلیج فارس، در جلسه‌ای خطاب به اعضای کمیسیون نیروهای مسلح سنای امریکا حملات موشکی و هوایی عراق به شهرهای ایران را مورد تحسین قرار داده و گفت: «بر اثر حملات هوایی عراق زیر بنای اقتصادی ایران شدیداً ضعیف شده است و عراق علاوه بر حملات موشکی عملیات

کشورها از تهران خارج شدند و به حومه‌ی پایتخت یا به شهرهای شمالی ایرانی رفتند. افزایش حملات باعث شد تا تعدادی از سفارتخانه‌ها نیز با تقلیل کارکنان خود فعالیت‌شان را نیز محدود کنند.

طولانی شدن دوره‌ی حملات موشکی و هوایی عراق به مراکز جمعیتی ایران و تقارن آن با نوروز و فرا رسیدن تعطیلات سال جدید شرایط را برای تعطیلی زودرس ادارات از جمله سفارتخانه‌ها فراهم

کرد و دوره‌ی تعطیلات نسبت به سال‌های قبل طولانی‌تر شد. در این شرایط تعدادی از کاکنان و خانواده‌های برخی سفارتخانه‌ها از جمله سوئد، نروژ، دانمارک، فنلاند، هلند، آلمان غربی و سوریه روز ۱۸ اسفند از طریق مرز زمینی به ترکیه رفتند.^{۱۲۷} چند کشور نیز با پروازهای اختصاصی تعدادی از خانواده‌های کارکنان خود را به کشورشان باز گردانند.^{۱۲۸}

خروج اتباع بسیاری از کشورها و به ویژه کارکنان و کارگران شرکت‌های خارجی از بغداد نیز نتیجه ادامه یافتن جنگ شهرها و اصابت چند موشک به برخی مراکز اقتصادی در

در جلسه‌ی نمایندگان سپاه، نیروی هوایی ارتش، وزارت دفاع، استانداری تهران، ستاد مشترک ارتش، وزارت کشور، کمیته‌ی انقلاب اسلامی، شهربانی و ژاندارمری در محل نخست‌وزیری در دهم فروردین ۱۳۶۷، هماهنگی امکان حمله شیمیایی عراق به تهران و نحوه رفع آلودگی بررسی شد

شهرهای عراق بود.^{۱۲۹}

در طول جنگ شهرها تمامی سفارتخانه‌ها در تهران باز بود، اما امور اداری و کنسولی آنان روال عادی نداشتند. با گذشت بالغ بر یک‌ماه از شروع چهارمین دوره‌ی جنگ شهرها، وضعیت سفارتخانه‌های خارجی در تهران براساس گزارش وزارت اطلاعات در روز ۲۱ فروردین ۱۳۶۷ به این ترتیب بود:

۱. سفارت سوئیس باز بوده و ساعت کار خود را ۳/۵ ساعت کم کرده است و

امریکا برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق قبل از حل مسأله افغانستان و گره زدن این دو موضوع به یکدیگر نشان می‌دهد که دو ابرقدرت در عین این که برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق بدون غلبه یکی بر دیگری به نتیجه‌ی مشترک رسیده‌اند^{۱۳۳} و هر یک سیاست منطقه‌ای خود را براساس منافع ملی خود و معادلات بین‌المللی تنظیم کرده‌اند.^{۱۳۴} اما برای شکل اجرای آن از جمله در موضوع

چگونگی اتمام جنگ شهرها از تاکتیک‌ها و راه‌های متفاوتی استفاده می‌کنند.^{۵۲۱}

راه‌هایی که تنها منافع آنان را تضمین کند و در این میان هدف قرار گرفتن مراکز جمعیتی و وارد آمدن تلفات انسانی و خسارت مادی فراوان در درجه‌ی اهمیت پایین‌تری قرار دارد.

جنگ شهرها و سفارتخانه‌های خارجی:

جنگ شهرها علاوه بر وارد کردن خسارت‌های جانی و اقتصادی فراوان، دارای ابعاد گسترده دیگری نیز بود. تأثیر این پدیده بر وضعیت

ساکنان خارجی تهران و بغداد از جمله کارکنان سفارتخانه‌های خارجی و نمایندگان سایر کشورها در این دو شهر مشهودتر بود. پس از آنکه تهران هدف اولین موشک‌های رژیم عراق قرار گرفت، موضوع چگونگی ادامه‌ی فعالیت سفارتخانه‌های خارجی مطرح شد. بسیاری از دولت‌ها به اتباع خود توصیه کردند که از پایتخت‌ها خارج شوند.^{۱۳۶} با ادامه یافتن جنگ شهرها تعدادی از اتباع خارجی و خانواده‌های آنان و همچنین تعدادی از کارکنان نمایندگی‌های سایر

تنها یک نفر از جمع هفت نفری دیپلمات‌ها کشور را ترک کرده‌اند.

۲. دفتر حافظ منافع آمریکا باز بوده و ۳/۵ ساعت در ساعات کاری خود تقلیل داده و دو نفر از جمع سه نفر دیپلمات سوئسی آن، ایران را ترک کرده‌اند.

۳. سفارت یونان باز است و به سفیر یونان که همراه با دکتر ولایتی به آن کشور عزیمت نموده بود، هفته‌ی آینده به ایران باز خواهد گشت.

۴. سفارت فرانسه باز است و دیپلمات‌های آن نیز در تهران حضور دارند.

۵. سفارت ایتالیا باز بوده و کار عادی روزانه را ادامه می‌دهد و اکثر دیپلمات‌های آن کشور در تهران به سر می‌برند.

۶. سفارت استرالیا تا آخر هفته‌ی جاری تعطیل بوده و رسیدگی به امور جاری سفارت در منزل سفیر صورت می‌گیرد و در

ضمن سه نفر از هشت دیپلمات استرالیایی در ایران هستند.

۷. سفارت سوئد در روز تنها دو ساعت باز می‌باشد و ۵ نفر از جمع ۹ نفری دیپلمات‌های سوئدی در تهران هستند.

۸. سفارت زلاندنو تا اطلاع ثانوی تعطیل می‌باشد، اما سفیر و رایزن سفارت در ایران به سر می‌برند.

۹. سفارت ایرلند در طول حملات موشکی باز بوده و در غیاب کاردار این سفارت، کارمندان محلی در سرکار خود

حاضر می‌شوند و کاردار سفارت برای مدت دو هفته به ایرلند سفر کرده است.

۱۰. سفارت آرژانتین تعطیل بوده و سفیر و وابسته‌ی بازرگانی جهت مرخصی ۴۵ روزه، ایران را ترک کرده‌اند و کاردار آن کشور نیز قصد عزیمت به ترکیه را دارد.

۱۱. سفارت ونزوئلا باز بوده و سفیر در مسافرت خارج از کشور به سر می‌برد و کاردار نیز شب‌ها را در کرج به سر می‌برد و استثنائاً پنجشنبه را به علت حملات موشکی تعطیل کرده‌اند.

۱۲. سفارت برزیل باز بوده و سفیر آن کشور نیز در ایران به سر می‌برد و معمولاً شب‌ها در شمشک می‌باشد.

۱۳. سفارت‌خانه‌های دانمارک و بنخس حافظ منافع کانادا در تهران تا اطلاع ثانوی تعطیل می‌باشند.

۱۴. سفارت اسپانیا باز بوده و سفیر آن کشور که فعلاً در اسپانیا به سر می‌برد قصد دارد در هفته آینده به تهران باز گردد.

۱۵. سفارت بلژیک باز می‌باشد و دبیر بازرگانی و وابسته‌ی اداری آن، ایران را ترک کرده‌اند، اما سفیر و دبیر اول در تهران به سر می‌برند.

۱۶. سفارت انگلستان به کارمندان محلی ابلاغ نموده است که تا اطلاع ثانوی سفارت تعطیل می‌باشد و مسئول حافظ منافع در محل سکونت خود در قلهک به سر می‌برد.

هر چند امریکا، شوروی و سایر اعضای شورای امنیت، در اعلام مواضع علنی و رسانه‌ای درباره‌ی جنگ شهرها ابراز ناخرسندی کرده و بر لزوم پایان هر چه سریعتر آن تأکید می‌کردند، اما هر کدام از منظر متفاوتی از ادامه یافتن آن چندان ناخشنود نبودند

۱۰۶

منابع:

۱. خ.ج.ا. بولتن ۳۵۵ (۱۳۶۶/۱۲/۱۹)، اصفهان، ۱۳۶۶/۱۲/۱۸ و خ.ج.ا. بولتن ۱۳۶۶/۱۲/۱۳، ص ۹، رادیو بی.بی.سی، ۱۳۶۶/۱۲/۱۲.
۲. بولتن گزیده اخبار، روابط عمومی سپاه پاسداران، ش ۲۲ (۱۳۶۶/۱۲/۲۵)، صص ۱۰-۱۲ و خ.ج.ا. نشریه ویژه، ش ۳۶۰ (۱۳۶۶/۱۲/۲۴)، بغداد، صص ۱۱-۱۰.
۳. خ.ج.ا. نشریه ویژه، ش ۳۴۹ (۱۳۶۶/۱۲/۱۳)، ص ۹، رادیو بی.بی.سی، ۱۳۶۶/۱۲/۱۲ و خ.ج.ا. نشریه ویژه، ش ۳۵۲ (۱۳۶۶/۱۲/۱۶)، ص ۴۲، منامه، خبرگزاری فرانسه، ۱۳۶۶/۱۲/۱۵.
۴. خ.ج.ا. نشریه ویژه، ش ۳۵۷ (۱۳۶۶/۱۲/۲۱)، صص ۱۳-۱۲، تهران، ۱۳۶۶/۱۲/۲۰ و - خ.ج.ا. نشریه ویژه، ش ۳۵۸ (۱۳۶۶/۱۲/۲۲)، ص ۲۰، سازمان ملل، آسوشیتدپرس، ۱۳۶۶/۱۲/۲۱.
۵. خ.ج.ا. نشریه ویژه، ش ۳۵۸ (۱۳۶۶/۱۲/۲۲)، بخش فارسی رادیو بی.بی.سی، ۱۳۶۶/۱۲/۲۱.
۶. خ.ج.ا. نشریه ویژه، ش ۳۵۸ (۱۳۶۶/۱۲/۲۲)، ص ۳۹، نیکوزیا، خبرگزاری رویتر، ۱۳۶۶/۱۲/۲۱.
۷. خ.ج.ا. نشریه ویژه، ش ۳۵۸ (۱۳۶۶/۱۲/۲۲)، صص ۲۶-۲۵، تهران، ۱۳۶۶/۱۲/۲۱.
۸. خ.ج.ا. نشریه ویژه، ش ۳۵۸ (۱۳۶۶/۱۲/۲۲)، پاریس، خبرگزاری فرانسه، ۱۳۶۶/۱۲/۲۱.
۹. خ.ج.ا. نشریه ویژه، ش ۳۵۸ (۱۳۶۶/۱۲/۲۲)، ص ۲۴، نیویورک، خبرگزاری فرانسه، ۱۳۶۶/۱۲/۲۱.
۱۰. خ.ج.ا. نشریه ویژه، ش ۳۵۸ (۱۳۶۶/۱۲/۲۲)، تهران، ۱۳۶۶/۱۲/۲۳.
۱۱. خ.ج.ا. نشریه ویژه، ش ۳۵۸ (۱۳۶۶/۱۲/۲۲)، ص ۲۵، تهران، ۱۳۶۶/۱۲/۲۱.
۱۲. خ.ج.ا. نشریه ویژه، ش ۳۵۸ (۱۳۶۶/۱۲/۲۲)، ص ۵۴، تهران، ۱۳۶۶/۱۲/۲۱.
۱۳. خ.ج.ا. نشریه ویژه، ش ۳۵۸ (۱۳۶۶/۱۲/۲۲)، ص ۲۲، آنکارا، ۱۳۶۶/۱۲/۲۰.
۱۴. خ.ج.ا. گزارش‌های ویژه، ش ۳۶۰ (۱۳۶۶/۱۲/۲۴)، ص ۶ و خ.ج.ا. گزارش‌های ویژه، ش ۳۶۱ (۱۳۶۶/۱۲/۲۵)، صص ۱۳-۱۲ و س.ش. ۸۶۴۳۲، م.ا. به ف سپاه منطقه یک ثارالله ص؟ و س.ش. ۱۳۵۱۷۳، م.ا. گزارش روزانه، ش ۳۶۲ (۱۳۶۶/۱۲/۲۵)، ص ۴.
۱۵. خ.ج.ا. گزارش‌های ویژه، ش ۱۲ (۱۳۶۶/۱۲/۱۲)، ص ۶، بغداد، خبرگزاری عراق، ۱۳۶۶/۱۲/۱۱.
۱۶. خ.ج.ا. گزارش ویژه، ش ۱۲ (۱۳۶۶/۱۲/۱۲)، ص ۶، آنکارا، آسوشیتدپرس، ۱۳۶۶/۱۲/۱۱.
۱۷. خ.ج.ا. گزارش‌های ویژه، ش ۱۳ (۱۳۶۶/۱۲/۱۳)، ص ۳۶، رادیو آنکارا، ۱۳۶۶/۱۲/۱۲ و - س.ش. ۱۲۱۲۰۳، از گردان فنی الکترونیک تی ۱۶ امام حسن عسکری به ف قرارگاه مقدم نیروی زمینی کربلا، گزارش رادیویی، ۱۳۶۶/۱۲/۱۲، ص ۴.

۱۸. واحد مرکز خبر صدا و سیما جمهوری اسلامی، بولتن رادیوهای بیگانه، ۱۳۶۷/۱/۲۱، ص ۲.
۱۹. خ.ج.ا. نشریه ویژه، ش ۲۲ (۱۳۶۷/۱/۲۲)، ص ۳، منامه، خبرگزاری فرانسه، ۱۳۶۷/۱/۲۱.
۲۰. س.ش. ۷۷۷۱۴، از دفتر فرماندهی منطقه یک ثارالله به فرماندهی کل سپاه، ۱۳۶۷/۱/۲۲، ص ۲ و - س.ش. ۳۷۰۳۶، از دفتر فرماندهی منطقه یک ثارالله به مسئول دفتر فرماندهی کل سپاه، ۱۳۶۷/۱/۲۷، ص ۳.
۲۱. خ.ج.ا. نشریه ویژه، ش ۳۲ (۱۳۶۷/۲/۱)، ص ۳، رادیو صوت الجماهير، ۱۳۶۷/۱/۳۱.
۲۲. خ.ج.ا. نشریه ویژه، ش ۳۴۸ (۱۳۶۷/۱۲/۱۲)، ص ۴۷، نیکوزیا، خبرگزاری رویتر، ۱۳۶۶/۱۲/۱۱.
۲۳. خ.ج.ا. نشریه ویژه، ش ۳۵۳ (۱۳۶۶/۱۲/۱۷)، ص ۴۳، تهران، ۱۳۶۶/۱۲/۱۶.
۲۴. خ.ج.ا. نشریه ویژه، ش ۳۵۴ (۱۳۶۶/۱۲/۱۸)، ص ۳۹، ۱۳۶۶/۱۲/۱۷.
۲۵. خ.ج.ا. نشریه ویژه، ش ۳۵۶ (۱۳۶۶/۱۲/۲۰)، ص ۳۳، تهران، ۱۳۶۶/۱۲/۱۹.
۲۶. خ.ج.ا. نشریه ویژه، ش ۳۵۷ (۱۳۶۶/۱۲/۲۱)، صص ۲۷-۲۶، ۱۳۶۶/۱۲/۲۰.
۲۷. خ.ج.ا. نشریه ویژه، ش ۳۵۶ (۱۳۶۶/۱۲/۲۰)، صص ۴۰-۳۹، مسکو، خبرگزاری رویتر، ۱۳۶۶/۱۲/۱۹ و - خ.ج.ا. نشریه ویژه، ش ۳۵۷ (۱۳۶۶/۱۲/۲۱)، ص ۴۰-لندن ۱۳۶۶/۱۲/۲۰.
۲۸. خ.ج.ا. نشریه ویژه، ش ۳۵۵ (۱۳۶۶/۱۲/۱۹)، ص ۳۰.
۲۹. واحد مرکزی خبر صدا و سیما جمهوری اسلامی، بولتن رادیوهای بیگانه ۱۳۶۶/۱۲/۲۱، ص ۷ از رادیو بی.بی.سی.
۳۰. خ.ج.ا. گزارش‌های ویژه، ش ۱۷ (۱۳۶۶/۱/۱۷)، صص ۱۴-۱۳، ابوظبی ۶۷/۱/۱۶.
۳۱. بولتن خبرها و نظرها، وزارت اطلاعات، ش ۷۰۶، ۱۳۶۷/۱/۱۰، ص ۲.
۳۲. خ.ج.ا. نشریه ویژه، ش ۱ (۱۳۶۷/۱/۱)، صص ۲۲-۲۰، تهران، ۱۳۶۶/۱۲/۲۹.
۳۳. خ.ج.ا. نشریه ویژه، ش ۳۴۷ (۱۳۶۷/۱۲/۱۱)، ص ۷ و خ.ج.ا. نشریه ویژه، ش ۳۴۸ (۱۳۶۷/۱۲/۱۲)، ص ۳۲.
۳۴. خ.ج.ا. نشریه ویژه، ش ۳۴۸ (۱۳۶۷/۱۲/۱۲)، ص ۴۳.
۳۵. خ.ج.ا. نشریه ویژه، ش ۳۴۸ (۱۳۶۶/۱۲/۱۲)، ص ۳۵.
۳۶. خ.ج.ا. نشریه ویژه، ش ۳۴۹ (۱۳۶۶/۱۲/۱۳)، ص ۲۶، رم.
۳۷. خ.ج.ا. نشریه ویژه، ش ۳۴۹ (۱۳۶۶/۱۲/۱۳)، صص ۶۵-۶۴، رادیو آمریکا، ۱۳۶۶/۱۲/۱۲.
۳۸. خ.ج.ا. نشریه ویژه، ش ۳۵۱ (۱۳۶۶/۱۲/۱۵)، صص ۳۳-۳۲.

[illegible]

۱. واشنگتن ۱۳۶۶/۱۲/۱۴.
 ۲. خ.ج.ا. نشریه ویژه؛ ش ۳۴۹ (۱۳۶۶/۱۲/۱۳)، ص ۸، بغداد -
 خیرگزاری عراق ۱۳۶۶/۱۲/۱۲.
 ۳. خ.ج.ا. نشری ویژه؛ ش ۳۵۳ (۱۳۶۶/۱۲/۱۷)، صص ۱۱-۱۰،
 بغداد - خیرگزاری آلمان ۱۳۶۶/۱۲/۱۶.
 ۴. خ.ج.ا. نشریه ویژه؛ ش ۳۶۳ (۱۳۶۶/۱۲/۲۷)، بخش فارسی رادیو
 بی.بی.سی، ص ۱۵.
 ۵. خ.ج.ا. نشریه ویژه؛ ش ۳۵۴ (۱۳۶۶/۱۲/۱۸)، ص ۱۱، طرابلس
 ۱۳۶۶/۱۲/۱۷.
 ۶. خ.ج.ا. گزارش‌های ویژه ۳۶۱ (۱۳۶۶/۱۲/۲۵)، رادیو آمریکا،
 صص ۲۸-۲۷.
 ۷. خ.ج.ا. نشریه ویژه؛ ش ۳۶۱ (۱۳۶۶/۱۲/۲۵)، تهران صص ۲۴-
 ۲۳.
 ۸. خ.ج.ا. نشریه ویژه، نشریه ۵ (۱۳۶۷/۱/۵)، ص ۳۱، بغداد،
 آسوشیتدپرس، ۱۳۶۷/۱/۴ (۳۸/۲۶۶).
 ۹. خ.ج.ا. نشریه ویژه ش ۱۲ (۱۳۶۶/۱۲/۱۲)، ص ۹، بغداد
 خیرگزاری خلیج، ۱۳۶۶/۱۲/۱۱.
 ۱۰. خ.ج.ا. نشریه ویژه ش ۳۵۶ (۱۳۶۶/۱۲/۲۰)، ص ۵۱، رادیو
 آمریکا، ۱۳۶۶/۱۲/۱۹.
 ۱۱. خ.ج.ا. نشریه ویژه ش ۳۵۶ (۱۳۶۶/۱۲/۲۰)، ص ۱۲ (۱۳۶۶/۱۲/۲۰)
 ۱۲. خ.ج.ا. نشریه ویژه ش ۳۵۵ (۱۳۶۶/۱۲/۱۹)، ص ۲۰،
 ۱۳۶۶/۱۲/۱۸.
 ۱۳. خ.ج.ا. نشریه ویژه ش ۳۵۵ (۱۳۶۶/۱۲/۱۹)، ص ۹، تهران
 ۱۳۶۶/۱۲/۲۹، صص ۵۱-۵۰.
 ۱۴. خ.ج.ا. گزارش‌های ویژه، ش ۳۶۶ (۱۳۶۶/۱۲/۳۰)، تهران،
 ۱۳۶۶/۱۲/۲۹، صص ۲۲-۲۰.
 ۱۵. خ.ج.ا. نشریه ویژه شماره ۳۵۶ (۱۳۶۶/۱۲/۲۰)، ص؟
 ۱۶. خ.ج.ا. نشریه ویژه ش ۳۶۲ (۱۳۶۶/۱۲/۲۶)، خ کویت، ص ۳۵-
 ۳۴.
 ۱۷. واحد مرکزی خبر صدا و سیما ج.ا.ا. بولتن رادیوهای بیگانه،
 ۱۳۶۶/۱۲/۲۱، ص ۵.
 ۱۸. خ.ج.ا. گزارش‌های ویژه، ش ۳۶۲ (۶۶/۱۲/۹)، تهران،
 صص ۲۹-۲۶.
 ۱۹. خ.ج.ا. نشریه ویژه، ش ۳۵۶ (۱۳۶۶/۱۲/۲۰)، ص ۱۸، تاینوک،
 خیرگزاری یوگسلاوی، ۱۳۶۶/۱۲/۱۹
 ۲۰. وزارت امور خارجه، بولتن روزانه سیاسی، ش ۶/۷۵ (۱۳۶۷/۱/۱۶)،
 صص ۴-۲.
 ۲۱. خ.ج.ا. نشریه ویژه، ش ۳۵۶ (۱۳۶۶/۱۲/۲۰)، صص ۱۹-۱۸،
 ۱۳۶۶/۱۲/۱۹.
 ۲۲. خ.ج.ا. نشریه ویژه، ش ۳۵۷ (۱۳۶۶/۷/۲۱)، ص ۴۳، رادیو
 بی.بی.سی، ۱۳۶۶/۱۲/۲۰.
 ۲۳. خ.ج.ا. نشریه ویژه، ش ۳۵۵ (۱۳۶۶/۱۲/۱۹)، ص ۱۵، تهران،
 ۱۳۶۶/۱۲/۱۸.
 ۲۴. خ.ج.ا. نشریه ویژه؛ ش ۳۵۰ (۱۳۶۶/۱۲/۱۴)، ص ۲۲، منامه -
 خیرگزاری فرانسه ۱۳۶۶/۱۲/۱۳.
 ۲۵. خ.ج.ا. نشریه ویژه؛ ش ۳۵۰ (۱۳۶۶/۱۲/۱۴)، ص ۴۷، رادیو
 آمریکا، ۱۳۶۶/۱۲/۱۳.
 ۲۶. خ.ج.ا. نشریه ویژه؛ ش ۳۶۶ (۱۳۶۶/۱۲/۳۰)، تهران، صص ۵۱-
 ۵۰.
 ۲۷. خ.ج.ا. نشریه ویژه شماره ۳۴۸ (۱۳۶۶/۱۲/۱۲)، صص ۳۱-۳۰.
 ۲۸. خ.ج.ا. نشریه ویژه- ش ۳۴۸ (۱۳۶۶/۱۲/۱۲)، صص؟
 ۲۹. خ.ج.ا. نشریه ویژه ش. ۳۴۸ (۱۳۶۶/۱۲/۱۲) ص ۴۳، منامه
 خیرگزاری فرانسه ۱۳۶۶/۱۲/۱۱
 ۳۰. خ.ج.ا. نشریه ویژه؛ ش ۳۵۰ (۱۳۶۶/۱۲/۱۴)، ص ۴۶، منامه
 یونایتد پرس، ۱۳۶۶/۱۲/۱۳.
 ۳۱. خ.ج.ا. گزارش‌های ویژه، ش ۳۴۹ (۱۳۶۶/۱۲/۱۳) ص ۹،
 الجزیره، ۱۳۶۶/۱۳/۱۲.
 ۳۲. خ.ج.ا. نشریه ویژه ش ۳۵۲ (۱۳۶۶/۱۲/۱۶) صص ۲۷-۲۶،
 رادیو بی.بی.سی، ۱۳۶۶/۱۲/۱۴.
 ۳۳. واحد مرکزی خبر صدا و سیما جمهوری اسلامی بولتن
 رادیوهای بیگانه، ۱۳۶۷/۱/۹، صص ۹-۶.
 ۳۴. دفتر سیاسی نمایندگی امام در سپاه، نشریه رویدادها، ش. ۱۹۵،
 ص ۴۵، ۱۳۶۷/۲/۲۴.
 ۳۵. خ.ج.ا. نشریه ویژه؛ ش ۳۴۷ (۱۳۶۶/۱۲/۱۱)، صص ۱۲-
 ۱۱، رادیو آمریکا؛ اخبار ساعت ۲۰:۳۰، ۱۳۶۶/۱۲/۱۰ و خ.ج.ا.
 نشریه ویژه؛ ش ۳۴۸ (۱۳۶۶/۱۲/۱۲)، ص ۵۲۰، رادیو بی.بی.سی
 ۱۳۶۶/۱۲/۱۱.
 ۳۶. خ.ج.ا. نشریه ویژه؛ ش ۳۵۰ (۱۳۶۶/۱۲/۱۴)، ص ۱۶، سازمان
 ملل - خیرگزاری فرانسه ۱۳۶۶/۱۲/۱۲.
 ۳۷. خ.ج.ا. نشریه ویژه؛ ش ۳۵۶ (۱۳۶۶/۱۲/۲۰)، ص ۶۲،
 ۱۳۶۶/۱۲/۱۹.
 ۳۸. خ.ج.ا. نشریه ویژه؛ ش ۳۵۱ (۱۳۶۶/۱۲/۱۵)، تهران ۱۳۶۶/۱۲/۱۴.
 ۳۹. خ.ج.ا. نشریه ویژه، ش ۳۵۷ (۱۳۶۶/۱۲/۲۱)، ص ۳۷،
 ۱۳۶۶/۱۲/۲۰
 ۴۰. خ.ج.ا. نشریه ویژه؛ ش ۳۵۰ (۱۳۶۶/۱۲/۱۴)، ص ۱۵، بخش
 فارسی رادیو آمریکا ۱۳۶۶/۱۲/۱۳.
 ۴۱. خ.ج.ا. نشریه ویژه؛ ش ۳۵۲ (۱۳۶۶/۱۲/۱۶)، ص ۴، بغداد
 خیرگزاری عراق، ۱۳۶۶/۱۲/۱۵.
 ۴۲. خ.ج.ا. نشریه ویژه؛ ش ۳۵۶ (۱۳۶۶/۱۲/۲۰)، ص ۶، بغداد -
 خیرگزاری عراق ۱۳۶۶/۱۲/۱۹.
 ۴۳. خ.ج.ا. نشریه ویژه؛ ش ۳۵۰ (۱۳۶۶/۱۲/۱۴)، ص ۴، بغداد -
 صوت الجماهير، ۱۳۶۶/۱۲/۱۳.
 ۴۴. خ.ج.ا. نشریه ویژه؛ ش ۳۵۵ (۱۳۶۶/۱۲/۱۹)، ص ۶، رادیو آمریکا
 ۱۳۶۶/۱۲/۱۸.

- ۱۳۶۶/۱۲/۱۸. خ.ج.ا. نشریه ویژه، ش ۳۵۰ (۱۳۶۶/۱۲/۱۴)، لندن، ۱۳۶۶/۱۲/۱۳.
۸۴. خ.ج.ا. نشریه ویژه، ش ۳۴۹ (۱۳۶۶/۱۲/۱۳)، ۱۳۶۶/۱۲/۱۲.
۸۵. خ.ج.ا. نشریه ویژه، ش ۳۵۵ (۱۳۶۶/۱۲/۱۹)، صص ۵۱-۵۰، ۱۳۶۶/۱۲/۱۸. خ.ج.ا. نشریه ویژه، ش ۳۵۶ (۱۳۶۶/۱۲/۲۰)، ص ۲۰، کویت، ۱۳۶۶/۱۲/۱۹. خ.ج.ا. نشریه ویژه، ش ۳۴۹ (۱۳۶۶/۱۲/۱۳)، ص ۷۱، کویت، خبرگزاری کویت، ۱۳۶۶/۱۲/۱۲. خ.ج.ا. نشریه ویژه، ش ۳۵۰ (۱۳۶۶/۱۲/۱۴)، ص ۱۷، ۱۳۶۶/۱۲/۱۳.
۸۶. خ.ج.ا. نشریه ویژه، ش ۳۵۸ (۱۳۶۶/۱۲/۲۲)، ص ۳۹، بحرین، یونایتدپرس، ۱۳۶۶/۱۲/۲۱.
۸۷. خ.ج.ا. نشریه ویژه، ش ۱۰ (۱۳۶۶/۱/۱۰)، ص ۲۶، کویت، ۱۳۶۶/۱/۹.
۸۸. خ.ج.ا. نشریه ویژه، ش ۳۶۴ (۱۳۶۶/۱۲/۲۸)، کویت، خبرگزاری فرانسه، ۱۳۶۶/۱۲/۲۷، صص ۲۷-۲۶.
۸۹. خ.ج.ا. نشریه ویژه، ش ۳۶۵ (۱۳۶۶/۱۲/۲۹)، ص ۹، بغداد، خبرگزاری عراق، ۱۳۶۶/۱۲/۲۸.
۹۰. خ.ج.ا. گزارش‌های ویژه، ش ۱ (۱۳۶۶/۱/۱)، صص ۵-۴، کویت، ۱۳۶۶/۱۲/۳۰.
۹۱. خ.ج.ا. نشریه ویژه، نشریه ۵ (۱۳۶۶/۱/۵)، صص ۷-۶، کویت، ۱۳۶۶/۱/۴.
۹۲. خ.ج.ا. نشریه ویژه، ش ۱۰ (۱۳۶۶/۱/۱۰)، ص ۷، نیکوزیا آسوشیتدپرس، ۱۳۶۶/۱/۹. خ.ج.ا. نشریه ویژه، ش ۹ (۱۳۶۶/۱/۹)، ص ۱۳، کویت، ۱۳۶۶/۱/۸.
۹۳. خ.ج.ا. نشریه ویژه، ش ۱۷ (۱۳۶۶/۱/۱۷)، ص ۴، کویت، ۱۳۶۶/۱/۱۶.
۹۴. خ.ج.ا. گزارش‌های ویژه، ش ۲۶ (۱۳۶۶/۱/۲۶)، ص ۱۵، تهران، ۱۳۶۶/۱/۲۵.
۹۵. خ.ج.ا. نشریه ویژه، ش ۳۴۸ (۱۳۶۶/۱۲/۱۲)، صص ۶۷-۶۶، تهران، ۱۳۶۶/۱۲/۱۱.
۹۶. خ.ج.ا. ش ۳۵۰ (۱۳۶۶/۱۲/۱۴)، صص ۸۰-۷۹، ساری، ۱۳۶۶/۱۲/۱۳. خ.ج.ا. ش ۳۵۷ (۱۳۶۶/۱۲/۲۱)، صص ۶۲-۶۱، ساری، ۱۳۶۶/۱۲/۲۰.
۹۷. خ.ج.ا. ش ۳۴۸ (۱۳۶۶/۱۲/۱۲)، ص ۶۷، تهران، ۱۳۶۶/۱۲/۱۱.
۹۸. خ.ج.ا. نشریه ویژه، ش ۳۵۲ (۱۳۶۶/۱۲/۱۶)، ص ۵۸، تهران، ۱۳۶۶/۱۲/۱۵.
۹۹. خ.ج.ا. نشریه ویژه، ش ۳۵۲ (۱۳۶۶/۱۲/۱۶)، ص ۳۹، نیکوزیا، خبرگزاری رویتر، ۱۳۶۶/۱۲/۱۵.
۱۰۰. خ.ج.ا. نشریه ویژه، ش ۳۵۶ (۱۳۶۶/۱۲/۲۰)، ص ۶۵، اصفهان، ۱۳۶۶/۱۲/۱۹. خ.ج.ا. نشریه ویژه، ش ۳۵۶ (۱۳۶۶/۱۲/۲۰)، صص ۶۶-۶۵، قم، ۱۳۶۶/۱۲/۱۸.
۱۰۱. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۶/۱/۱۰، ص ۱ و روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۶/۱/۱۶، روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۶/۱/۱۶، ص ۲ و خ.ج.ا. نشریه ویژه، ش ۲۱ (۱۳۶۶/۱/۲۱)، ص ۴۳، تهران، ۱۳۶۶/۱/۲۰.
۱۰۲. هاشمی رفسنجانی، پایان دفاع، آغاز بازسازی، کارنامه و خاطرات ۱۳۶۷، تهران: دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۹۰، ص ۵۱.
۱۰۳. گزارش روزانه وزارت اطلاعات، ض ۷۹۶، ۱۳۶۶/۲۰، ص ۲ و بولتن رویدادها، دفتر سیاسی، ش ۱۹۱، ۱۳۶۶/۱/۲۵، صص ۳-۲.
۱۰۴. س.ش. ۸۶۵۳۴، از نخست‌وزیری به گیرندگان، ۱۳۶۶/۱۲/۲۸، سند تک برگ (۵/۳۶۳).
۱۰۵. س.ش. ۲۸۰۵۷۶، از نخست‌وزیری به استان‌های در معرض حمله، ۱۳۶۶/۱/۲۳، سند تک برگ و س.ش. ۲۸۰۵۶۹، از ستاد هماهنگی و اجرایی مناطق بمباران شده به مدیر عامل سازمان عمران کیش، ۱۳۶۶/۱/۲۳، صص ۲-۱.
۱۰۶. س.ش. ۳۰۷۲۹۲، از ستاد پشتیبانی و هماهنگی امور اجرایی مناطق بمباران شده به استاندار فارس، ۱۳۶۶/۱/۲۵، ص ۲.
۱۰۷. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۶/۱/۲۷، ص ۱۳، روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۶/۱/۲۸، صص ۲ و ۱۳، روزنامه اطلاعات ۱۳۶۶/۱/۲۹، روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۶/۱/۲۸، ص ۲ و س.ش. ۳۰۷۴۸۵، استانداری فارس، ۱۳۶۶/۱/۱۵، ص ۱.
۱۰۸. س.ش. ۸۶۴۴۸، از سماجا ۲، مرکز فرماندهی به نازجا، معاونت عملیات، ۱۳۶۶/۱۲/۲۵.
۱۰۹. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۶/۱/۲۲، ص ۴.
۱۱۰. س.ش. ۴۲۷۶۷۶، از معاونت اطلاعات ستاد کل به فرماندهی کل سپاه پاسداران، ۱۳۶۶/۱/۲۴، ص ۲.
۱۱۱. س.ش. ۳۰۵۶۲۴، از قائم مقام معاونت امور دفاعی نخست‌وزیر به استانداران ۱۶ استان کشور، ۱۳۶۶/۱/۱۰، صص ۳-۱ (۵/۱۰۳۳).
۱۱۲. س.ش. ۳۰۵۶۱۹، از دبیرخانه شورای امنیت کشور به استانداران، ۱۳۶۶/۱/۱۰، صص ۳-۱ (۵/۷۴۳).
۱۱۳. س.ش. ۸۶۱۳۶، از نخست‌وزیری به دکتر ثقفی (سپاه) - حاجی‌زاده (ستاده کل سپاه) - خوانساری (کشاورزی) - پنها (فرماندهی) - سرهنگ نخعی (دفاع) - طاهری (استاندار تهران) - سرهنگ رمزگویان (سماجا) - هوشیار (کشور) - میرلوحی (کمیته) - ستوان یکم درویش (شهربانی) و سروان سلطان محمدی (ژاجا) (۵/۱۰۴۱).
۱۱۴. س.ش. ۸۶۱۴۱، از ستاد مرکز سپاه کشوری - واحد بهداری به ستاد سپاه منطقه دوم سیدالشهدا، ۱۳۶۶/۱/۱۰، ص ۱ (۵/۱۰۴۴).
۱۱۵. س.ش. ۳۳۳۶۱۲، از فرماندار شهرستان الیگودرز به مسئول اداره/ نهاد اعضا ستاد ش.م.ر، ۱۳۶۶/۱/۱۰، صص ۳-۲ (۵/۱۰۲۲).
۱۱۶. س.ش. ۳۰۵۶۱۵، از نخست‌وزیری به استانداران، ۱۳۶۶/۱/۱۳، سند تک برگ.
۱۱۷. س.ش. ۴۳۸۷۴۶، از نخست‌وزیر به کلیه وزارتخانه‌ها، بنیاد شهید و مستضعفان، سازمان تربیت بدنی، ۱۳۶۶/۱/۲۵، ص ۲.

جنگ شہرہا

١٢٦. ٣٥٦، ص ٤١



جنگ شیمیایی عراق در کربلای ۵

محمد باقر نیکخواه بهرامی

چکیده		

تحولات صحنه نبرد ایران و عراق، که پس از پیروزی فاو موازنه جنگ را به نفع ایران تغییر داد سبب شد ارتش عراق علاوه بر تشدید حملات خود به مناطق مسکونی و مراکز صنعتی، حجم استفاده از سلاح‌های شیمیایی به عنوان عامل بازدارنده در پیشروی حملات زمینی ایران، بیفزاید. به عبارت دیگر تصمیم‌گیرندگان عراقی با درک توان جمهوری اسلامی مبنی بر پیشروی در شرق بصره و انهدام متوالی قوای دشمن در صدد برآمدند تا با مقابله تمام عیار و به طور مشخص با کاربرد گسترده و وسیع سلاح‌های شیمیایی در عملیات کربلای ۵ مسئولان نظامی و مسئولان سیاسی جمهوری اسلامی ایران را از ادامه پیشروی در منطقه شرق بصره مأیوس کنند. پژوهش حاضر کاربرد تسلیحات شیمیایی در عملیات کربلای ۵ را به همراه تلاش‌ها و اقدامات سیاسی ایران و واکنش‌های بین‌الملل را با توصیف رویدادهای صحنه نبرد تبیین و تشریح نموده است

-دژهای مرزی- آبگرفتگی - غرب و شرق نهر جاسم، شهر دوعیجی، جزایر ام‌لبابی، ماهی، ام‌الطویل، ام‌الرصاص، شلمچه، پاسگاه‌های حدود، مومنی نهر خین، بوبیان، کوت سواری، پل نو و نهر عرایض، گمرک، خزعلیه، شهرک امام مهدی^(ع) شهرک پیش ساخته شد، سواحل شمالی اروند، خرمشهر، آبادان، جزیره مینو و شهرک‌های حد فاصل خرمشهر تا آبادان، جاده‌های مواصلاتی امام رضا^(ع)، شلمچه، شهید امانی، شهید دزفولی، شهید ذوالفقار، شهید صفوی، شهید شرکت، جاده خرمشهر و اهواز، کلیه مقرهای نیروها، بندرهای تدارکاتی، مواضع توپخانه، پدافند هوایی، مهندسی رزمی، ادوات، ش.م.ر، بهداشت، تدارکات، قرارگاه‌های امام علی، کربلا، قدس، نجف، نوح، رعد، صاعقه، بیمارستان‌های صحرائی و اورژانس‌های شیمیایی و امام حسین، امام علی^(ع)، رمضان، بیمارستان طالقانی

دشمن بعثی حاکم بر عراق برای اولین بار در طول حملات شیمیایی خود بر علیه ایران بلافاصله و هم‌زمان با آغاز عملیات بزرگ و سرنوشت‌ساز کربلای ۵ در ۱۹ دی ۱۳۶۵ و به موازات پاتک‌های بی‌امان و سنگین، مبادرت به بمباران و گلوله‌باران شیمیایی کل مناطق عملیاتی اعم از خطوط مقدم تا عقبه فاو مقرهای پشتیبانی تا عمق ۸۹ کیلومتری از شلمچه تا پادگان حمید نمود

در موج جدید و چهارم جنگ گسترده و خارق‌العاده شیمیایی*، با ۳۳ فروند از انواع ۱۳ هواپیماهای بمب‌افکن سنگین و بیش از ۸۰ قبضه توپخانه و دهها قبضه خمپاره ۱۲۰ و ۸۲ م.م. اقدام به بمباران مواضع یگان‌های ۷، ۸، ۱۰، ۱۴، ۱۹، ۲۱، ۲۳ و... در محورهای پنج ضلعی (موسوم به پنتاگون)

* پس از حملات خیبر و بدر و والفجر ۸



— پاکسازی مناطق شیمیایی در شلمچه توسط رزمندگان لشکر ۱۴ امام حسین(ع)؛ شلمچه؛ ۱۳۶۵/۱۱/۱۹

سیانوزن) ترکیبات سیانور، خردل، ناتوان کننده‌ها و عوامل فسفوری و آتش‌زا(ناسالم) بنا بر اسناد به دست آمده و مصاحبه با اسرای این عملیات، رژیم بغداد قصد داشت هر رزمنده ایرانی را که از آتش جنگ‌افزارهای متعارف جان سالم بدر برد با سلاح‌های شیمیایی نابود کند اما با عنایات و امدادهای الهی و اتخاذ تدابیر پدافندی، آمادگی قبلی و خنثی‌سازی و رفع آلودگی فشرده و سریع عوامل، دامنه تلفات تا حد ممکن کنترل و به حداقل رسید(گرچه مصدومیت و شهادت یک نفر رزمنده نیز از نظر ما مقبول نمی‌باشد) علل جلوگیری از وقوع یک فاجعه انسانی آن‌گونه که دشمن پیش‌بینی نموده بود به شرح ذیل می‌باشد:

۱. حضور ۴ تیپ مستقل پدافند شیمیایی ۱۱ والعیات، ۲۴ امام سجاد(ع)، ۲۳، ۱۱۴ حجرین عدی، گردان مستقل ش.م.ر. جهادسازی و واحدهای پدافندی شیمیایی لشکرها و تیپ‌های عمل‌کننده در منطقه.

۲. حضور نیروهای مجرب و آموزشی دیده و مجهز به تجهیزات عمومی و تخصصی، خنثی‌سازی و رفع آلودگی، هشدار و کشف

آبادان، کانال‌های شهید ادب و شیردم و سایر عقبه‌ها را با توجه به محدود بودن منطقه و گسترش و فشرده‌گی نیروها نمود و آماج حملات وحشیانه و مستمر خویش قرار داد حتی کمپ اسرا هم از گزند بمباران ما در امان نماند به گونه‌ای در موج جدید جنگ شیمیایی و ارتکاب جنایت جنگی و زیرپا نهادن پروتکل‌ها و کنوانسیون‌های منع استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی و ممنوعه بیش از ۴۰۰۰ نفر مصدوم و ۴۰۰ تن شهید شدند(در یک مورد با بمباران گردان فجر بهبهان فقط ۹۰ نفر در جا به شهادت رسید و کل گردان مصدوم و شیمیایی شدند) و در روز ۲۰ دی که اوج حملات بود ۱۰۰۰ نفر مصدوم و ۳۳۰ نفر به شهادت رسیدند و این در حالی بود که از طریق قرارگاه خاتم‌النبیاء(ص) واقع در موقعیت امام علی(ع) در شامگاه ۱۷ دی آماده باش صد در صد به یگان‌ها اعلام شده بود. گازها و عوامل شیمیایی به کارگرفته شده عبارت بودند از:

تاول‌زاهای شدید به ویژه خردل سولفور، اعصاب سری تابون، سارین و VX، خفه‌کننده فسژن، عوامل مؤثر بر خون سیانید هیدروژن(هیدروژن

مستمرآ ادامه یافت و پس از وقفه یک هفته‌ای مجدداً در روز پنج‌شنبه ۲۳ بهمن از سر گرفته شد.

روزهای ۲۳ و ۲۵ اسفند ۱۳۶۵ را باید روز وقوع فجایع انسانی در جنگ نامید. زیرا سردمداران نگون‌بخت بعثی و فرماندهان مفلوک ارتش حاکم بر عراق با هدف انتقام از ایران در اثر شکست‌های مفتضحانه و تحمل تلفات سنگین انسانی و انهدام ماشین جنگی خود دیوانه‌وار تمامی مناطق عملیاتی جنوب از ابتدا جنگ تحمیلی تا کنون را در یک جنگ تمام عیار کلاسیک و جنگ نوین (با سلاح‌های متعارف و غیر متعارف و ممنوعه شیمیایی) و با ۴۴

فروند هواپیمای بمب‌افکن سنگین مجهز به بمب‌ها و راکت‌های شیمیایی و همچنین با به کارگیری ضد اراده توپ سنگین و با برد بلند آماج حملات کم سابقه قرار داد و با انجام ۱۵ نوبت حملات شدید و پرتاپ حدود ۹۰۰ بمب افکن و راکت و ۳۵۰۰ گلوله توپ علیه مواضع ایران اعم از محورهای خطوط مقدم و عقبه‌ها و جاده‌های مواصلاتی و کلیه مقرهای پشتیبانی، صدمات انسانی جبران‌ناپذیری را به بار آورد

به نحوی که تنها در روز ۲۳ اسفند ۲۱۱۵ نفر مصدوم ۳۴۵ شهید شدند و از ۲۵ اسفند ۱۳۶۵، ۱۵۲۰ مصدوم و ۲۱۰ شهید بر جای گذاشت. حملات عراق تا پایان سال ۱۳۶۵ همچنان ادامه یافت و آخرین گلوله توپ شیمیایی در جنوب عملیات کربلای ۵ در ۲۹ اسفند ۱۳۶۵ در شهرک ولی عصر (عج) خرمشهر بر زمین نشست که ۴ نفر در اثر آن مصدوم شدند.

یگان‌ها و واحدهای پدافند شیمیایی.

۳. تجهیز تقریباً همه نیروهای موجود در منطقه به تجهیزات و وسایل انفرادی حفاظت در قبال عوامل شیمیایی.

۴. آموزش‌های مؤثر نیروهای رزمنده.

۵. آمادگی قبلی و آماده باش صد در صد در منطقه.

۶. آمادگی و سرعت عمل واحدهای بهداری رزمی، امداد ویژه، اورژانس‌ها و بیمارستان‌های صحرائی.

۷. مهم‌تر از همه امدادهای الهی نظیر ورزش بادهای شدید و تغییر جهت باد به سمت دشمن و...

هم‌زمان با بمب‌باران و گلوله‌باران تمامی محورها و منطقه عمومی عملیات کربلای ۵ و خرمشهر و همچنین انجام عملیات کربلای ۶ در منطقه سومار توسط ارتش جمهوری اسلامی ایران، متجاوزین خیره سر حاکم بر عراق در ادامه ارتکاب جنایات جنگی و نقض حقوق انسان‌ها (جنایات علیه بشریت) مواضع ارتش اعم از خطوط مقدم و عقبه‌ها را تا سه راهی اسلام‌آباد، سومار و ایلام آماج حملات دد منشاخه خویش در روزهای ۱۰، ۱۷، ۲۲ و ۲۸ دی ۱۳۶۵ قرار دادند حتی بیمارستان صحرائی ۵۰۲ ارتش و دو شهرک مهاجرین جنگی سومار و گیلان‌غرب نیز از گزند حملات مصون نماندند که در اثر آن جمعاً ۳۵۰۰ نفر از نظامیان، مهاجران و شهرک‌های جنگ‌زده مصدوم و ۳۰۰ تن نیز به شهادت رسیدند از جمله شهدا ۸ تن از پزشکان ارتش و دکتر هجرتی متخصص پوست بیمارستان سینا بود.

عراق در ۲۶ دی‌ماه محور عین‌خوش و در ۳۰ دی‌ماه مواضع رزمندگان سرپل ذهاب در محور قره بلاغ را هم بمب‌باران و مقداری را مصدوم نموده و به شهادت رساندند.

حملات در محورهای کربلای ۵ تا ۱۷ بهمن

حملات دد منشاخه ارتش عراق در روزهای ۱۰، ۱۷، ۲۲ و ۲۸ دی ۱۳۶۵ حتی بیمارستان صحرائی ۵۰۲ ارتش و شهرک‌های مهاجرین جنگی سومار و گیلان‌غرب نیز از گزند حملات مصون نماندند که در اثر آن جمعاً ۳۵۰۰ نفر از نظامیان، مهاجران و شهرک‌های جنگ‌زده مصدوم و ۳۰۰ تن به شهادت رسیدند



— خنثی سازی منطقه عملیاتی کربلای ۵؛ ۱۳۶۵/۱۱/۲۰

دز آلودگی (تراکم و غلظت عوامل و گازهای شیمیایی) در منطقه به دلیل وسعت محدود و حجم زیاد عوامل بسیار بالا، خطرناک و کشنده بود به خصوص در پنج ضلعی که همانند یک لوزی نشان و هدف مناسبی برای هواپیماهای دشمن به شمار می‌رفت.

ناگفته نماند که نظامیان عراق نیز از صدمات دامنه جنگ شیمیایی خود بی‌نصیب نماندند

و در چند مورد با تغییر سمت وزش باد به سوی مواضع عراق و انتشار گازهای شیمیایی صدها نفر از آنان مصدوم و ده‌ها نفر نیز کشته شدند.

همچنین در دو نوبت هوای مه‌آلود هواپیماهای دشمن به اشتباه مواضع خود را بمباران و صدماتی را به نیروهای خود وارد آوردند.

تلاش‌ها و اقدامات سیاسی ایران و واکنش‌های بین‌المللی:

اولین نامه وزیر خارجه ایران در ۴ دی ۱۳۶۵ پس از حملات سری جدید حملات شیمیایی و جنگ شهرها و دومین نامه در ۸ دی ۱۳۶۵ توسط سفیر دایم ایران در سازمان ملل تحویل دبیر کل گردید و متعاقباً تا ۲ اردیبهشت ۱۳۶۶، ۲۶ نامه پیرامون حملات شیمیایی عراق به مناطق عملیات کربلای ۴، کربلای ۵، کربلای ۶ و کربلای ۸ و همچنین حمله شیمیایی به

۱۲ عضو اتحادیه اروپا در بیانیه‌ای مشترک استفاده از تسلیحات شیمیایی را بدون قید و شرط محکوم و خواستار اجرای دقیق مفاد پروتکل ۱۹۲۵ ژنو گردیدند و عملاً هیچ اقدام عملی و بازدارنده از سوی سازمان ملل (شورای امنیت) و اتحاد اروپا انجام نگرفت

زیرا در غروب روز ۱۸ دی ماه و ساعتی قبل از آغاز عملیات کربلای ۵ با بمباران و گلوله‌باران انبار مهمات شیمیایی عراق در غرب جزیره ام‌الرصاص پالایشگاه پتروشیمی بصره مناطق وسیعی در جنوب شرق بصره و غرب و جنوب اروند رود و پتروشیمی بصره با انتشار گازهای شیمیایی آلوده گشته و موجب مصدوم شدن صدها نفر از نظامیان عراق گشت

بیانیه‌ای مشترکی استفاده از تسلیحات شیمیایی را بدون قید و شرط محکوم و خواستار اجرای دقیق مفاد پروتکل ۱۹۲۵ ژنو گردیدند و عملاً هیچ اقدام عملی و بازدارنده از سوی سازمان ملل (شورای امنیت) و اتحاد اروپا انجام نگرفت.

البته واکنش خنثی و بی‌اثری از سوی دولت شوروی و بیانیه‌های حمایت‌آمیز ریگان و اتحادیه عرب از عراق نیز صادر گردید که نه تنها مانع عراق از ادامه جنایاتش نگردید بلکه تشویق و ترغیب به استمرار حملات با شدت بیشتر شد.

در ادامه اقدامات دیپلماتیک و رسانه‌ای ایران در افشای جنایات دشمن و فراخواندن وجدان و افکار عمومی جهانیان به عکس العمل بازدارنده در قبال جنایات صدام، مبادرت به اعزام تعدادی از مصدومان با درصدهای بالای مصدومیت به پایتخت کشورهای اروپای غربی نمود و همچنین اعلام اسامی ۱۴ تن از آن مصدومان که در بیمارستان‌های آلمان و فرانسه به شهادت رسیدند نیز باعث نگردید تا از سوی سازمان‌های مسئول به ویژه شورای امنیت اقدام مثبتی صورت پذیرد و همچنان به سکوت و بی‌تفاوتی خود ادامه دادند و در یک اقدام غیر منتظره

روستاهای کردستان و کرمانشاه به همراه اسناد و دلایل آن‌ها نگاشته و تحویل دبیر کل گردید. در این نامه ضمن بیان چگونگی حملات، تاریخ، مکان و تعداد شهدا و مجروحین و جزئیات محلات تشریح و اسناد و فیلم و عکس نیز ضمیمه گردید. و مکرراً محکومیت عراق و تنیه متجاوز و باز داشتن عراق از ادامه حملات و منع صدور تجهیزات فنی و مواد اولیه تولید سلاح شیمیایی به عراق درخواست و بر اعزام گروه کارشناسان سلاح‌های شیمیایی جهت مشاهده آثار و بقایای حملات دشمن تأکید گردید که پس از چهار ماه بی‌تفاوتی و عدم توجه به خواسته‌های به حق ایران سرانجام گروه متخصصان سلاح‌های شیمیایی در ۲ اردیبهشت ۱۳۶۶ وارد ایران شدند.

دبیر کل در این مدت چهار ماه صرفاً به صدور بیانیه ۱۶ دی ۱۳۶۵ (۶ ژانویه ۱۹۸۷) بسنده نمود. که در آن از سرگیری استفاده از سلاح شیمیایی محکوم شده بود و شورای امنیت با صدور بیانیه S/۱۸۶۱۰ مورخ ۲۶ دی ۱۳۶۵ (۱۶ ژانویه ۱۹۸۷) از شدت گرفتن مخاصمات میان دو کشور عمیقاً اظهار نگرانی کردند و بس؟!

همچنین در این مدت ۱۲ عضو اتحادیه اروپا در



خنثی‌سازی بمب شیمیایی در منطقه عملیات کربلای ۵ توسط رزمندگان لشکر ۱۴ امام حسین (ع)؛ شلمچه؛ ۱۳۶۵/۱۰/۳۰

در عملیات‌های خیبر، بدر و والفجر، ۲ تا ۳ روز پس از آغاز حملات گسترده ایران، آمادگی تهاجم شیمیایی را کسب و اقدام می‌نمود و این همزمانی در سایه تجارب کسب شده در گذشته بود که توانست قدرت بازدارندگی توان نظامی و حمله سریع ایران در رسیدن به اهداف را کند و در مواردی زمین‌گیر نماید.

از تجارب دیگر عراق پیچیده‌تر نمودن تشخیص و درمان عوامل و گازهای شیمیایی است در اثر ترکیب عوامل مختلف با یکدیگر و غلظت آن‌ها می‌باشد که در جای خود قابل تأمل بیشتر است. زیرا در این حالت تشخیص دقیق عامل به کارگیری رفته سخت‌تر و درمان مهم به تبع آن پیچیده‌تر می‌باشد و در مواردی تجویز درمان یک عامل باعث تشدید عوارض عامل دیگر می‌گردید. ویژگی دیگر این سری حملات، پوشش تقریباً ۹۰ درصدی مناطق عملیاتی اعم از خطوط مقدم تا عقبه‌ها بود که به دلیل وسعت کم منطقه عملیات و تعداد زیاد یگان‌ها بود.

از تفاوت‌های دیگر این سری حملات، حمله سراسری تقریباً به بیش از $\frac{۲}{۳}$ مناطق عملیاتی در خوزستان در ۲۳ و ۲۵ اسفند ۱۳۶۵ بود که با حجم بالایی توانست مناطق عملیات‌های بدر و خیبر(والفجر ۸) بیت‌المقدس، رمضان و محدوده‌ای از فتح‌المبین و محرم را به موازات عملیات کربلای ۵ با بمب‌باران‌ها و گلوله‌باران‌ها شیمیایی و آلوده نماید که این نیز یکی از تجارب عراق و توانمندی آن در توسعه دامنه و وسعت حملات می‌باشد.

از طرفی ایران نیز تجارب ارزنده و مفید پدافندی، آموزشی(عمومی، تخصصی) و درمانی کسب نموده بود که در کنار تدابیر کشف و هشدار و نیز اعلام آماده‌باش‌ها و کشف رمز حملات شیمیایی دشمن و سایر اقدامات توانست به لطف و عنایت ویژه الهی دامنه تلفات و ضایعات را تا آنجا که مقدور

کشورهای اروپای از اعلام بستری شدن و شهادت مصدومان و مصاحبه با پزشکان معالج نیز ممانعت به عمل آوردند.

بدین سان تقریباً تمامی سازمان‌های بین‌المللی، کشورها، رسانه‌های جهان، اتحادیه‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای و جهان به صورت مستقیم و غیر مستقیم در خدمت ماشین جنگی صدام در آمدند. حتی بیانیه کشورهای اتحادیه اروپا در محکومیت استفاده از سلاح‌های شیمیایی نیز در وهله‌ی اول به قصد تبرئه کشورهای اروپایی از حمایت و مشارکت در این جنایت صادر گردید.

در این جهت صرفاً به مباحث مربوط به عملیات کربلای ۵ اشاره و تصریح گردید و حضور هیئت کارشناسی سازمان ملل در ایران در ۲ تا ۹ اردیبهشت ۱۳۶۶ (۲۲ تا ۲۹ آوریل ۱۹۷۸) که عمدتاً مربوط به عملیات کربلای ۸ و همچنین حمله به مناطق مسکونی استان‌های کرمانشاه، گردستان و همچنین بیش از ۴۰ روستای گردستان عراق می‌باشد در این مقاله به آن پرداخته نشده است که خود بحث جداگانه‌ی را می‌طلبد.

ارزیابی حملات شیمیایی عراق در کربلای ۵

عراق بررسی و ارزیابی حملات خود در گذشته در میادین نبود و همچنین جمع‌آوری اطلاعات و بازخوردهای آن که توسط سازمان ملل و رسانه‌های جمعی جهان و از سایر کانال‌های ممکنه کسب کرده بود و حتی دریافت اثرات گازها و عوامل به کار برده بر روی مصدومینی که توسط ایران به کشورهای اروپایی اعزام شده بودند از منابع پزشکی و رسانه‌ای خود، نقاط ضعف حملات را ترمیم و بر نقاط قوت آن افزوده و با تجربه‌ای بیشتر در عملیات کربلای ۵ جنگ شیمیایی را آغاز نمود.

از تجارب و مهارت‌های عراق این‌که برای اولین بار هم‌زمان با آغاز عملیات، مبادرت به حملات شیمیایی در همان صبح روز ۱۹ دی نمود در حالی‌که

عملیات کربلای ۵ به اسارت در آمد در گفت‌وگو با اینجانب در ۱۶ بهمن ۱۳۶۵ تصریح نمود، پیش‌بینی نموده بودیم که حداقل ۵۰ هزار نفر از ایرانیان را با بمب‌باران‌ها و گلوله باران‌ها شدید شیمیایی از پا در می‌آوریم....

در مجموع حاصل جنگ شیمیایی عراق در عملیات کربلای ۵ از تاریخ ۱۹ دی ۱۳۶۵ تا پایان سال (۷۰روز) حدود ۲۰۰۰ شهید و ۸۰۰۰ مصدوم بود.

و ممکن بود محدود و تعدیل نماید و این همه در سایه ایمان راسخ و استقامت عاشوایی رزمندگان و اهتمام ویژه فرماندهان و مسئولان حاضر گردید و گرنه فاجعه انسانی غیر قابل پیش‌بینی و غیرقابل جبرانی در انتظار بود.

زیرا بنا به پیش‌بینی کارشناسان و مشاوران جنگ‌های نوین عراقی از جمله سروان کاظمی دو غیر افسر متخصص سلاح‌های شیمیایی عراق که در



جنگ ایران و عراق؛ نبردی فرسایشی و طولانی*

نویسندگان: محمدعلی شهریار شیرخانی و کنستانتین دانوپولس**

مترجم: عبدالمجید حیدری***

چکیده		

قرن‌ها رقابت تاریخی و به‌ویژه رقابت‌های قومی و نژادی در کنار اختلافات مذهبی و عقیدتی و مناقشات مرزی از جمله محرکه‌های اصلی بوده‌اند که زمینه را برای وقوع جنگی طولانی بین ایران و همسایه‌های غربی‌اش [امپراتوری عثمانی و عراق] فراهم نموده‌اند؛ ابتدا با امپراتوری عثمانی تا سال ۱۵۱۷م [۸۹۶ش] و سپس با عراق از سال ۱۹۲۰م [۱۲۹۹ش] به بعد. معمولاً یک یا چند مورد از عوامل مزبور سبب بروز درگیری‌های نظامی و جنگ‌هایی تمام عیار بین دو طرف گردیده و در واقع، جنگ ایران و عراق (۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷ش) نیز مرحله‌ی جدیدی از همین تخاصم‌های قدیمی به شمار می‌آید. جنگ‌های گذشته‌ی ایران با این همسایگانش گرچه در برخی موارد جنگ‌های خونینی بوده ولی هیچ یک از آن‌ها از نظر مدت و شدت درگیری با این جنگ قابل مقایسه نبوده است. اگرچه قرن‌ها رقابت بین دو کشور زمینه‌ی روانی بالقوه‌ای برای این جنگ فراهم نموده، اما انقلاب [اسلامی] ایرانیان و خطر آن برای منافع دو ابرقدرت آن زمان (آمریکا و شوروی) و برای برخی کشورهای خاورمیانه عامل اصلی به درازا کشیده شدن این جنگ به شمار می‌آید. در این مقاله به عواملی که بر طولانی شدن جنگ ایران و عراق تأثیر داشته‌اند می‌پردازیم.

زمینه‌ی تاریخی

فلات قاره‌ی ایران که مهد تمدن پارسی‌ها به شمار می‌آید در قرن هفتم میلادی توسط اعراب مسلمان تسخیر شد و از آن پس زمینه برای رقابتی طولانی بین ایرانیان و اعراب به‌وجود آمد. امپراتوری عثمانی که از نظر سیاسی و اقتصادی تحت تسلط ترک‌های اهل تسنن بود در اوایل قرن شانزدهم سرزمین بین‌النهرین (عراق فعلی) را ضمیمه‌ی خاک خود کرد. در آن زمان، شاه اسماعیل بنیان‌گذار سلسله‌ی صفوی (۸۸۰ش تا ۱۱۰۱ش) تشیع را مذهب رسمی ایران اعلام کرده بود. از این

رو، دولت‌های حاکم بر دو کشور در جنگ‌هایی که در سال‌های ۹۳۴ش، ۹۴۷ش، ۹۶۹ش، ۹۹۲ش، و ۹۹۷ش بین آن‌ها رخ داد برای بسیج مردم و جلب حمایت آن‌ها از اختلافات موجود بین مذاهب شیعه و سنی علیه یکدیگر بهره‌برداری می‌کردند. اما سرانجام در سال ۱۶۳۶م [۱۰۱۵ش] برای اولین بار پیمان صلحی میان دو امپراتوری شکل گرفت که در آن مرزهای دو کشور به شکل مبهمی تعیین شده بود.^(۱) این پیمان زمینه‌ی صلح و آشتی ۲۰۰ ساله‌ای را بین دو طرف برقرار کرد و پیمان‌های صلح بعدی نیز بر همین پیمان بنا گردید.

* The Iran-Iraq War: Protracted Conflict, Prolonged War

این مقاله ترجمه‌ی فصل اول کتاب "Prolonged Wars: The Post-Nuclear Challenge" می‌باشد.

** M. A. Shahriar Shirkhani & Constantine P. Danopoulos

*** پژوهشگر مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

معاهده‌های قسطنطنیه (Constantinople accords) در سال ۱۹۱۳م [۱۲۹۲ش] و متمم‌های آن‌ها که در سال ۱۹۳۷م [۱۳۱۶ش] منعقد شدند، بر حق دریانوردی ایران در تمامی آب‌راه تصریح گردید. با این حال، این پیمان‌ها درخواست‌های ایران را به‌طور کامل برآورده نکرد؛ زیرا در آن‌ها مرز آبی میان دو کشور عمدتاً در آب‌های کم‌عمق و در ساحل ایرانی آب‌راه تعیین شده بود.

پس از درگیر شدن دو کشور در مسائل داخلی‌شان، مناقشه‌ی آب‌راه شط‌العرب [اروندرو] قدری فروکش کرد ولی به مثابه یک آتش زیر خاکستر باقی ماند. در آن زمان، ایران با بحران اقتصادی مواجه بود که از هرج و مرج سیاسی ناشی از اشغال خاک این کشور توسط نیروهای متفقین در جنگ جهانی دوم و کناره‌گیری اجباری رضا خان شاه مستبد ایران ناشی می‌شد. این کناره‌گیری خلأ قدرتی به‌وجود آورده بود که جانشین جوان او آمادگی لازم را برای پر کردن آن نداشت. عراق هم که پس از تجزیه‌ی امپراتوری عثمانی با هویت سیاسی جدیدی در صحنه ظاهر شده بود درگیر مراحل اولیه‌ی ایجاد کشوری مستقل بود. طبقه‌ی سنی مذهب حاکم در بغداد نیز پس از خارج شدن عراق از زیر قیمومیت انگلیس تلاش می‌کردند هویت مستقل و یک‌پارچه‌ای برای کشورشان ایجاد کنند و دولت مرکزی این کشور را با همه‌ی تنوع قومی و مذهبی که داشت برپا کنند. گُردها و شیعیان عراق که به ترتیب در شمال و جنوب این کشور متمرکز بودند از به قدرت رسیدن اعراب سنی که در اقلیت هم بودند احساس نارضایتی می‌کردند. نبود قدرت مرکزی در سال‌های ۱۹۲۱ تا ۱۹۵۸م [۱۳۰۰ تا ۱۳۳۸ش] در دوران حکومت‌های پادشاهی عراق، بی‌ثباتی‌های سیاسی متناوب پس از کودتای ۱۹۵۸م [۱۳۳۷ش] و تأسیس حکومت جمهوری در عراق از جمله مسائلی بود که مسئله‌ی آب‌راه

در سال ۱۷۲۲م [۱۱۰۱ش] هم که دشمنی‌ها بار دیگر میان دو کشور از سر گرفته شد، به‌رغم پنج جنگ گذشته و توافقات متعددی که در گذشته بین آن‌ها صورت گرفته بود، دو طرف باز هم عمدتاً بر اساس مفاد پیمان ۱۶۳۶م [۱۰۱۵ش] با هم به توافق رسیدند. اما جنگی که در دور بعدی تخصیصات در سال ۱۸۲۱م [۱۲۰۰ش] بین آن‌ها رخ داد دو سال بعد با عهدنامه‌ی اول ارزروم (First Treaty of Erzurum) پایان یافت که باز هم تاحدزیدی بر پیمان‌های سابق استوار بود. عهدنامه‌ی دوم ارزروم (First Treaty of Erzurum)

در سال ۱۸۴۷م [۱۲۲۶ش] با میانجی‌گری انگلستان و روسیه منعقد شد و ضمن تأیید مفاد عهدنامه‌ی اول برخی اختلافات جدید را هم رفع کرد. ایران از ادعاهایش در مورد منطقه‌ی سلیمانیه (یکی از استان‌های فعلی عراق) دست کشید و آن را به عثمانی‌ها واگذار کرد. در مقابل، دولت عثمانی هم مالکیت نامحدود دولت ایران بر ساحل سمت چپ شط‌العرب [اروندرو] را به رسمیت شناخت و حق دریانوردی آزادانه‌ی شناورهای ایرانی در این

آب‌راه را هم قبول کرد.^(۳) کشف نفت در خوزستان در سال ۱۹۰۸م [۱۲۸۷ش] اهمیت اقتصادی بنادر ایران را هم برای دولت وقت این کشور و هم برای دولت انگلیس که طرف قرارداد نفتی‌اش بود افزایش داد. ایران برای تثبیت دریانوردی آزادانه‌ی نفتکش‌هایش خواستار تعیین مرز دقیق دو کشور در آب‌راه شط‌العرب [اروندرو] شد. از این رو، در

صدام که معاون رئیس‌جمهور عراق و از ناسیونالیست‌های قهار جهان عرب و از پیروان جمال عبدالناصر بود از این که مجبور شده بود میدان را برای دشمن مصممی (هم‌چون ایران) خالی کند و مالکیت مشترک آب‌راه شط‌العرب [اروندرو] را که از نظر او آب‌راهی عربی بود بپذیرد احساس حقارت می‌کرد

بود میدان را برای دشمن مصممی (همچون ایران) خالی کند و مالکیت مشترک آبراه شطالعرب [اروندرو] را که از نظر او آبراه‌های عربی بود بپذیرد احساس حقارت می‌کرد.^(۳) این عامل روانی نقش مهمی در تصمیم بعدی صدام برای حمله به ایران (در سال ۱۳۵۹ش) و لغو قرارداد الجزایر داشت؛ قراردادی که خود آن را امضا کرده بود.

ریشه‌های درگیری

انقلاب اسلامی [ایران] و نابسامانی‌های پس از آن فرصت مناسبی برای عراق ایجاد کرد که تلاش کند در رقابت با ایران به جایگاه بالاتری دست یابد. گرایش مذهبی حاکم بر انقلاب [ایران] زنگ خطر را برای سران حزب سوسیالیستی - ناسیونالیستی بعث در عراق به صدا درآورد و مشروعیت رژیم‌های سکولار مدرن و پادشاهی‌های سنتی منطقه را زیر سؤال برد. جمهوری اسلامی [ایران] با وارد

آوردن فشار بر دیگر کشورهای اسلامی برای قطع روابط سیاسی و اقتصادی‌شان با آمریکا، کشورهای اروپای غربی و اتحاد شوروی عملاً منافع این قدرت‌ها را هم به خطر انداخت. جمهوری اسلامی همچنین از سایر کشورها می‌خواست نظارت بیش‌تری بر چگونگی منابع ملی‌شان و از جمله نفت داشته باشند و در این میان، سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) را هم به چالش می‌کشید، با این هدف که با بالا بردن قیمت نفت بتواند درآمد حاصل از فروش نفت خود را افزایش دهد.^{**}

^{**} جمهوری اسلامی از بدو تأسیس هیچ کشوری را برای قطع

شطالعرب [اروندرو] را برای رهبران این کشور به یک مسئله‌ی ثانویه تبدیل کرده بود.

اما با فرا رسیدن سال‌های اواسط دهه‌ی ۱۹۶۰م [دهه‌ی ۱۳۴۰ش] دو عامل جدید سبب احیای مجدد مناقشه‌های گذشته شد. اول، حمایت فزاینده‌ی جنبش ناسیونالیستی مصر به رهبری جمال عبدالناصر از ناسیونالیسم عربی در عراق؛ پدیده‌ای که پان عربیسم را به دنبال داشت و زمینه را برای توسعه‌ی سرزمینی مجدد بغداد آماده کرد تا پس از به قدرت رسیدن حزب ناسیونالیستی-سوسیالیستی بعث در سال ۱۹۶۸م [۱۳۴۷ش] ادعای خود را مبنی بر مالکیت کل شطالعرب [اروندرو] هرچه بیش‌تر تقویت کند. از این رو، دشمنی بغداد با تهران افزایش یافت و امکان یافتن راه‌حل‌های مبتنی بر منافع متقابل دو کشور هرچه بیش‌تر تضعیف شد. دوم، روند نوسازی (مدرنیزاسیون) دو کشور بر اهمیت راهبردی آبراه شطالعرب [اروندرو] و بندرهای واقع در سواحل شرقی و غربی آن افزود. ایران با استناد به حقوق بین‌الملل خواستار تعیین مرز آبی دو کشور در امتداد خط تالوگ (thalweg)* در این آبراه بود. عراق با این درخواست مخالف بود و بر اساس مفاد پیمان‌های گذشته مالکیت کل آبراه را می‌خواست. سرانجام، در سال ۱۹۷۵م [۱۳۵۴ش] پس از آن‌که ایران به جایگاه قدرت برتر منطقه‌ی خلیج فارس دست یافت، بغداد مجبور شد قرارداد الجزایر را امضا کند؛ قراردادی که در آن اصل خط تالوگ را پذیرفته و به مالکیت مشترک آبراه‌تن داده‌بود.

رویدادهای بعدی نشان داد که قرارداد الجزایر نمی‌تواند به رقابت طولانی و ریشه‌دار ایران و عراق پایان دهد. در آن زمان، صدام که معاون رئیس‌جمهور عراق و از ناسیونالیست‌های قهار جهان عرب و از پیروان جمال عبدالناصر بود از این‌که مجبور شده

* خط‌القعر یا خط فرضی که رودخانه‌ها را از وسط نصف می‌کند.

گرایش مذهبی حاکم بر انقلاب
[ایران] زنگ خطر را برای
سران حزب سوسیالیستی -
ناسیونالیستی بعث در عراق
به صدا درآورد و مشروعیت
رژیم‌های سکولار مدرن و
پادشاهی‌های سنتی منطقه را
زیر سؤال برد

تحقیقاتی که در این زمینه انجام داد بغداد را آغازگر جنگ معرفی کرد.

صدام نیز مانند سران دیگر کشورهای جنگ طلب می‌دانست که اگر بخواهد جنگ را آغاز کند باید همه‌ی منابع نظامی و غیر نظامی کشورش را به جنگ اختصاص دهد و چون فکر می‌کرد نیروهایش با توجه به مشکلات ایران می‌توانند به پیروزی سریع و قاطعی بر ایرانیان دست یابند احساس نگرانی نمی‌کرد. اما به‌رغم برآوردهای خوش‌بینانه‌ی این مرد مستبد، جنگ ایران و عراق هشت سال به درازا کشید و عنوان تأمل‌برانگیز «طولانی‌ترین جنگ متعارف قرن بیستم» را به خود اختصاص داد. بیش از یک میلیون نفر در این جنگ جانشان را از دست دادند و هزینه‌ی مستقیم و غیر مستقیم آن به رقم شگفت‌انگیز «۱۱۹۰ میلیارد دلار» رسید.

اگرچه انقلاب اسلامی ایران و خطر آن برای ناسیونالیسم عربی مسلماً عامل اصلی آغاز جنگ به شمار می‌آمد ولی طولانی شدن آن با عوامل دیگری مرتبط بود؛ عواملی نظیر پیامدهای مؤثر و ناخواسته‌ی جنگ برای انسجام بیش‌تر نظام‌های حاکم در هر دو کشور درگیر، تلاش دو طرف برای دست‌یابی به رهبری منطقه‌ای، و دخالت‌های بین‌المللی. در ادامه‌ی این مقاله به تجزیه و تحلیل دقیق نقش هر یک از این عوامل در به درازا کشیدن و خونین شدن هرچه بیش‌تر این جنگ می‌پردازیم.

انقلاب [اسلامی] ایران

مؤثرترین عوامل به درازا کشیدن جنگ، ماهیت اسلامی انقلاب ایران، ویژگی‌های روان‌شناختی دینی آن و همچنین تفکر مذهبی رهبران این انقلاب و پیروان آن بود. این عوامل محیطی را فراهم آورده بود که در آن رفتار و گفتار رهبران ایران به جای در نظر گرفتن تحلیل‌های ریاضی «هزینه-فایده» صرفاً بر آموزه‌های اسلامی استوار بود. اسلام نیز

پیامدهای محاسبه نشده‌ی این سیاست‌ها سبب تیره شدن روابط ایران با همسایگانش شد و جمهوری اسلامی را در جامعه‌ی جهانی منزوی ساخت. در چنین شرایطی، رویکرد جامعه‌ی جهانی این بود که اصول‌گرایی اسلامی را در داخل مرزهای ایران مهار کند و نظام دینی تهران را با دولتی سکولار و میانه‌رو جای‌گزین نماید.

سیاست‌مداران عراقی نیز که زنگ خطر اصول‌گرایی [امام] خمینی برای دولت بغداد را شنیده بودند، احساس کردند که قدرت نظامی لازم برای سرنگون کردن حکومت ایران را در اختیار دارند. علاوه بر رقابت تاریخی عراق با ایران و جاه‌طلبی شخص صدام، علت دیگری که سبب ترس مردم مقتدر عراق شده بود، احتمال تأثیرپذیری شیعیان و کردهای عراق از برادران ایرانی‌شان بود. از طرفی، تهران از نظر سیاسی منزوی

بود، ارتش این کشور گرفتار بی‌نظمی و هرج و مرج بود، و تفرق سیاسی شدیدی بر جامعه‌ی ایران حاکم بود. افزون بر این، ماجرای گروگان‌گیری سفارت آمریکا در تهران سبب شده بود که ایران از کمک‌های بزرگترین تأمین‌کننده‌ی نظامی [پیش از انقلاب] یعنی آمریکا نیز محروم شود. همه‌ی این عوامل دست به دست هم داد و فرصتی طلایی برای صدام فراهم نمود تا به ایران حمله کند و در عین حال ایرانیان را آغازگر جنگ قلمداد نماید. البته بعدها به‌رغم این ادعای صدام، سازمان ملل در

روابط با دیگر کشورهای جهان تحت فشار قرار نداده است و چنین کاری را اصولاً دخالت در امور داخلی دیگران دانسته، به‌شدت از آن دوری کرده است.

سیاست‌مداران عراقی که زنگ خطر اصول‌گرایی [امام] خمینی برای دولت بغداد را شنیده بودند، احساس کردند که قدرت نظامی لازم برای سرنگون کردن حکومت ایران را در اختیار دارند

موضع امام در خصوص ادامه‌ی جنگ بسیار محکم بود. امتناع شدید او از مذاکره با صدام دست کم در سال‌های اولیه‌ی جنگ از حمایت افکار عمومی ایرانیان برخوردار بود.

موفقیت‌های اولیه‌ی عراق، اشغال خاک ایران، تلفات جنگ و خسارت‌های واردشده به ایران از جمله عواملی بود که مواضع [امام] خمینی در مورد جنگ را با اقبال عمومی مردم روبه‌رو می‌ساخت. تا آن‌جا که به جز چند سازمان تندروی سکولار نظیر

صدام‌مانندسران دیگر کشورهای جنگ طلب می‌دانست که اگر بخواهد جنگ را آغاز کند باید همه‌ی منابع نظامی و غیر نظامی کشورش را به جنگ اختصاص دهد و چون فکر می‌کرد نیروهایش با توجه به مشکلات ایران می‌توانند به پیروزی سریع و قاطعی بر ایرانیان دست یابند احساس نگرانی نمی‌کرد

پیکار، فدائیان خلق و سازمان وحدت کمونیستی، بسیاری از گروه‌های مارکسیستی و رقیب [جمهوری اسلامی] هم به‌رغم اختلافات ایدئولوژیکی‌شان با روحانیان ایران از اقدامات دفاعی جمهوری اسلامی حمایت می‌کردند. جنگ تمام عیار عراق [علیه ایران]، اقدامات سبعانه‌اش علیه غیر نظامیان، تبلیغات کینه‌توزانه‌ی ضد ایرانی بعثی‌ها، و ضرورت حفظ تمامیت ارضی ایران زمینه‌ی لازم را برای حمایت اقشار مختلف مردم از [حکم]

جهاد [امام] خمینی فراهم می‌نمود.

افزون بر این، جامعه‌ی ایران تحت تأثیر شور و هیجان انقلابی به جامعه‌ای کاملاً سیاسی تبدیل شده بود؛ جامعه‌ای که برای جانبازی و شرکت در هر گونه مشارکت اجتماعی آمادگی داشت و این‌ها از جمله عوامل بسیار ضروری برای پیشبرد هر جنگ طولانی به شمار می‌آیند.^(۷) جنگ [ایران و عراق] از این نظر به رقابتی طولانی بین اراده‌ی ملی مردم ایران برای حفظ استقلال و وحدت سیاسی‌شان از

مانند مسیحیت بین جنگ عادلانه و ناعادلانه تمایز قائل شده و دفاع از خاک سرزمین اسلامی را بر مردان واجب کرده است. جنگ مقدس (جهاد در راه خدا) که معمولاً «جهاد» خوانده می‌شود تنها نوع جنگ مشروعی است که در آموزه‌های اسلامی تجویز شده است.^(۵) آیت‌الله خمینی که فقیه و رهبر بلامنازع انقلاب اسلامی و مورد اقبال مردم ایران بود صدام را دشمن اسلام خطاب می‌کرد و جنگ را جهادی برای دفع تجاوز او می‌دانست. او معتقد بود که نتیجه‌ی جنگ هر چه باشد، در هر صورت ایران پیروز واقعی آن است؛ زیرا برای اسلام می‌جنگد. افزون بر این، آیت‌الله خمینی به این علت از هرگونه مذاکره با صدام امتناع می‌کرد که او را کافر و عامل اجرای دسیسه‌ی شرق و غرب علیه اسلام می‌دانست و حرف زدن او از صلح و آشتی را هم نوعی سخن کفرآمیز و ضدانقلابی می‌دید.^(۶)

البته اقدامات صدام درستی باورهای [امام] خمینی را درباره‌ی او به اثبات رساند. اعدام آیت‌الله محمد باقر صدر از رهبران برجسته‌ی شیعیان عراق و خواهرش فاطمه بنت‌الهدی و رفتار سبعانه‌ی او با خانواده‌ی مرحوم آیت‌الله العظمی حکیم از جمله اقدامات صدام بود که از نظر [امام] خمینی و علمای اسلام جز دشمنی ریشه‌دار و دیرینه‌ی این رهبر بعثی با اسلام چیز دیگری نبود. از طرفی، محدودیت‌هایی که بر شیعیان عراق اعمال می‌شد نیز از نظر تهران تلاشی بود که بغداد برای سرکوب تمایل شیعیان به تأسیس حکومت اسلامی در کشوری با اکثریت شیعه انجام می‌داد. پیروان پرشور و مصمم [امام] خمینی که با عنوان حزب‌اللهی شناخته می‌شدند [در طول جنگ] احساس می‌کردند که برقراری آتش‌بس آمال و آرزوهای آن‌ها را برای دیدن استقرار دولت اسلامی در عراق بی‌اثر می‌کند. در چنین شرایطی، توقف دشمنی‌ها نوعی شانه خالی کردن از وظایف دینی به شمار می‌آمد.

یک سو و رژیم عراق از سوی دیگر تبدیل شده بود؛ رژیمی کاملاً مجهز و حمایت شده که از ظهور و پیروزی احتمالی اسلام احیا شده [در ایران] احساس خطر می‌کرد.

از سال ۱۹۸۲م [۱۳۶۱ش] به این سو، نتیجه‌ی عملیات‌های نظامی به سود تهران تغییر کرد و این مسئله عزم [امام] خمینی را برای ادامه‌ی جنگ [تا پیروزی] تقویت کرد. واحدهای نظامی ایران پایگاه‌های ارتش عراق را درهم کوبیدند، به خاک عراق نفوذ کردند و جزایر مجنون، شبه‌جزیره‌ی فاو و نواریهایی از بخش شمالی

مناطق مرزی را تسخیر کردند.

این پیروزی‌ها در حالی برای ایران محقق شد که عراق از پشتیبانی نظامی و اطلاعات ماهواره‌ای اتحاد شوروی و آمریکا بهره‌مند بود. [ایرانیان] در فضای ته‌یج‌شده‌ی مذهبی‌شان این پیشروی‌ها را

اراده‌ی خداوند می‌دانستند. در این میان، رهبران انقلابی ایران نیز به طور فزاینده‌ای این باور را [در مردم] تقویت می‌کردند که پیروزی نهایی بر عراق دست‌یافتنی می‌باشد. از این رو، توجیه مذاکره با صدام که از نظر [ایرانیان] مجری اوامر شیطان بود به تدریج مشکل‌تر می‌شد.

در چنین شرایطی، چندین پیشنهاد صلح توسط طرف‌های ثالث از جمله پاکستان، ترکیه، سوئد، سازمان آزادی‌بخش فلسطین و سازمان کنفرانس اسلامی دنبال می‌شد ولی هیچ یک از آن‌ها نتوانستند طرف‌های درگیر را برای آغاز مذاکرات صلح متقاعد کنند.^(۸) این تلاش‌ها بیش‌تر به این علت شکست خورد که ایران درباره‌ی [حسن] نیت طرف‌های میانجی تردید داشت و هیچ یک از دو طرف درگیر مایل نبودند با شرایط پیشنهادی آن‌ها موافقت کنند.

شورای هم‌کاری خلیج [فارس] در سال ۱۹۸۲م [۱۳۶۱ش] پیشنهاد پرداخت ۱۰ تا ۲۵ میلیارد دلار غرامت جنگی به ایران داد تا موافقت [امام] خمینی را برای برقراری آتش‌بس جلب کند ولی این پیشنهاد برای آیت‌الله [خمینی] جذابیتی نداشت.^(۹) او این پیشنهاد را نه تلاشی واقعی برای صلح، بلکه اقدامی برای حفظ رژیم بعث می‌دانست. تهران معتقد بود که صدام از این فرصت برای سازمان‌دهی مجدد نیروهایش استفاده خواهد کرد تا در زمان مناسب بار دیگر به ایران حمله کند.

نگاه [رهبر] ایران به پیروزی تدریجی در این جنگ طولانی نگاهی ماثویی نبود که بخواهد همانند او بنا را بر این بگذارد که در زمان نامشخصی در آینده پیروز شود. ایران منابع مادی و انسانی‌اش را برای یک جنگ متعارف و همه‌جانبه طرح‌ریزی می‌کرد و بر این اساس، [هر سال] هنگامی که نیروهای ایران به خطوط دفاعی عراق یورش برده و به خاک دشمن نفوذ می‌کردند، تهران [عملیات نیروهایش] در آن سال را عملیات «نهایی» اعلام می‌کرد و این کار در پنج تا شش سال از [هشت سال] جنگ و در آغاز هر سال تکرار می‌شد. بنابراین، تهران هر بار عملیات سالیانه‌اش را عملیات پایانی جنگ می‌دانست. البته ناتوانی ایران در دستیابی به یک پیروزی قاطع تا حدودی از این واقعیت ناشی می‌شد که نظر رهبری مذهبی [ایران] از عزم جامعه‌ی بین‌الملل برای مهار اصول‌گرایی اسلامی در داخل ایران اشتباه بود. در ادامه، این مسئله را بیش‌تر توضیح خواهیم داد.

جنگ و یک‌پارچگی مردم و نظام ایران

جنگ ناخواسته فرصت مناسبی برای تحکیم قدرت حکومت‌های حاکم بر دو کشور فراهم نمود. صدام که بر کشوری با تنوع قومی گسترده و بدون فرهنگ سیاسی مشترک حکومت می‌کرد با استفاده

بیش از یک میلیون نفر در این جنگ جانشان را از دست دادند و هزینه‌ی مستقیم و غیر مستقیم آن به رقم شگفت‌انگیز «۱۹۰ میلیارد دلار» رسید

و سرنوشت خود را به دست گیرند. آیت‌الله خمینی هم پیوسته از مردم عراق می‌خواست رژیم صدام را سرنگون کند و به ارتش عراق هم توصیه می‌کرد از دستورات حاکم عراق سرپیچی کنند. او صدام و یارانش را دشمنان اسلام می‌دانست.^(۱۱) همچنین شهر نجف نیز که پایگاه مستحکم روحانیت شیعه و مدفن امام اول شیعیان است برای آن‌ها شهر مقدسی بود. مرقد شریف [امام] حسین امام سوم شیعیان که او را سیدالشهدا می‌خوانند نیز در کربلا یکی دیگر از شهرهای مهم عراق قرار دارد. صدام از این بیم داشت که اصول‌گرایان شیعه‌ی ایران دست به دست‌شبه‌نظامیان شیعه‌ی حزب‌الدعوه بدهند و در این شهرهای مهم [شیعه‌نشین] یک دولت اسلامی خودمختار تشکیل دهند. این ترس او را متقاعد کرد که رژیم سوسیالیستی-ناسیونالیستی او هدف عمده‌ی ایران اسلامی به‌شمار می‌آید.

صدام احساس می‌کرد آرمان آیت‌الله خمینی در دفاع از مظلومان [عالم] و به طور خاص توده‌ی خاموش شیعه که اکثریت جمعیت عراق را تشکیل می‌دادند و انتقال ارزش‌های انقلاب [اسلامی] به آن‌ها تهدیدی اساسی برای حکومت او و آمال و آرزوهایش برای ایجاد یک فرهنگ سیاسی سکولار یک‌دست و وفادار به ناسیونالیسم عرب به شمار می‌آید. نیویورک تایمز در این باره می‌نویسد: «در طول تاریخ ۱۲ ساله‌ی حاکمیت حزب بعث در عراق تا پیش از به قدرت رسیدن [امام] خمینی هیچ گاه حکومت صدام با چنین خطری مواجه نشده بود.»^(۱۲) بنابراین، صدام طبیعتاً برای حفظ قدرت خود باید به ایران حمله کرده و نظام اسلامی این کشور را سرنگون می‌کرد. یکی از بعثی‌های عراقی در تبعید نیز در تأیید این ادعا می‌گوید که تنها هدف صدام از حمله به ایران سرنگونی حکومت [امام] خمینی بود.^(۱۳)

از شرایط پیش آمده ابتدا عراقی‌های ایرانی‌تبار را اخراج کرد و سپس کردها و دیگر اقلیت‌های قومی را از مناطق کوهستانی شمال عراق به مناطق صحرایی جنوب که عمدتاً عرب‌نشین بودند انتقال داد. هدف [رژیم عراق] از این تغییر بافت جمعیتی این بود که انسجام کردها را از بین ببرد و آن‌ها را میان اکثریت عرب پخش کند تا یک‌پارچگی و تمایل به خودمختاری منطقه‌ای‌شان را از دست بدهند. محل‌های استقرار جدید [کردها] در مناطق بیابانی خشک و غیر قابل کشاورزی قرار داشت که از مراکز شهری بسیار دور بودند. هدف رژیم عراق از انتقال کردها این بود که آن‌ها در مقابل شیعه‌های بومی قرار دهد. از نظر بغداد، درگیری و کشمکش بین کردهای سنی و عرب‌های شیعه که اکثریت مردم عراق را تشکیل می‌دادند در کوتاه مدت می‌توانست توجه آن‌ها را از سرخوردگی ناشی از بی‌عدالتی سیاسی طبقه‌ی سنی عرب حاکم بر عراق در حق آن‌ها منحرف کند. هدف کلی‌تر [رژیم عراق] از این راهبرد آن بود که از اختلافات قومی و مذهبی عرب‌های شیعه و کردهای سنی به نفع اقلیت سنی عراق که زمام امور سیاسی را در این کشور به دست داشتند استفاده نماید. حزب بعث عراق در نظر داشت با استفاده از ناسیونالیسم عربی بر اختلافات مذهبی فائق آید و در دراز مدت نیز فرهنگ مشترکی را بر کشور حاکم کند. در نهایت، عراقی کردن مردم عرب اعم از سنی و شیعه از اهداف عمده‌ای بود که حزب بعث حاکم بر عراق در روند توسعه‌ی کشور دنبال می‌کرد.

حزب‌الدعوه [که متمایل به ایران بود] نماد اصول‌گرایی اسلامی در عراق به شمار می‌آمد و تهران پس از پیروزی انقلاب [اسلامی] همواره از شیعیان مظلوم عراق که توسط اقلیت سنی حاکم بر این کشور از همه‌ی مراکز اقتصادی و سیاسی عراق کنار گذاشته شده بودند می‌خواست قیام کنند

ترس و ارعاب استوار بود و بقای آن به وجود شخص صدام وابسته بود. در چنین شرایطی، اجرای هر نوع کودتای سیاسی یا نظامی برای سرنگونی صدام عملاً غیرممکن بود، زیرا طبقه‌ی حاکم عراق می‌دانست که سرنگونی او ممکن است به صلح [با ایران] بینجامد ولی پایان برتری سیاسی آن‌ها را هم در عراق رقم می‌زند. از این رو، پیروزی ایران تنها راه پایان دادن به حکومت صدام بود. افزون بر این، سخنان [امام] خمینی مبنی بر این که تهران تنها به حذف صدام نمی‌اندیشد بلکه فروپاشی کامل ساختار حزب بعث را هم دنبال می‌کند نیز سبب می‌شد که اقلیت سیاسی و نظامی حاکم بر عراق رهبرشان را رها نکنند و دلیل خوبی برای حمایت از اقدامات جنگی او داشته باشند.

ممکن است موضوع انسجام قدرت از پیامدهای ناخواسته‌ی جنگ عراق با ایران بوده باشد ولی به هر حال عامل مؤثری بود و سبب طولانی شدن جنگ گردید. ایرانیان هم از جنگ برای یکپارچگی حکومت خود استفاده کردند. در آغاز انقلاب، مقبولیت و جذبه‌ی مردمی آیت‌الله خمینی سبب شد که حتی گروه‌های سکولار افراطی هم از حمله‌ی آشکار به قشر روحانی در ایران خودداری کنند. اما تا پایان تابستان ۱۹۷۹م [۱۳۵۸ش] یعنی کم‌تر از شش ماه پس از استقرار نظام مبتنی بر انقلاب اسلامی، میزان حمایت‌های مردمی از آن بر اثر عوامل مختلف سیر نزولی پیدا کرد؛ عواملی نظیر ماهیت سازش‌ناپذیر نظام سیاسی جدید، درخواست خودمختاری [گروهک‌ها] در کردستان، ترکمن صحرا، بلوچستان، و خوزستان و بحران اقتصادی که دو میلیون بی‌کار به بار آورده بود.^(۱۴) تأکید شدید نظام جدید ایران بر اسلام سبب شد بسیاری از گروه‌های اجتماعی و سیاسی که تاب تحمل اصول‌گرایی اسلامی را نداشتند و همچنین کسانی که از تجارت اقتصادی با غرب منتفع می‌شدند صف خود را از آن جدا کنند.

جنگ نشان داد که تهدید خارجی می‌تواند بر علقه‌های مذهبی فائق آید و حزب بعث نیز از همین طریق توانست اکثریت شیعه‌ی عراق را در جنگ علیه جمهوری اسلامی بسیج کند. شیعیان عراق آن گونه که انتظار می‌رفت از برادران ایرانی‌شان در جنگ جانب‌داری و حمایت نکردند ولی جالب این بود که در بحران اخیر [جنگ اول] خلیج فارس مسیر معکوسی را طی کردند. جنگ پرهزینه‌ی عراق با ایران چنان توان مالی صدام را تحلیل برده بود که دیگر نمی‌توانست با اعطای مزایای مالی گسترده به شیعیان تحت حکومتش آن‌ها را مانند سابق تطمیع کند. از این رو، شکست عراق از نیروهای ائتلاف [به رهبری آمریکا] و تجزیه‌ی نسبی دولت مرکزی این کشور فرصتی برای شیعیان سیاسی عراق فراهم نمود تا به دنبال کسب برخی امتیازهای سیاسی از بغداد برآیند.

یکی از شرایط تهران برای آتش‌بس، سرنگونی صدام بود و چنین خواسته‌ای عملاً با روش‌های مسالمت‌آمیز محقق نمی‌شد. از دهه‌ی ۱۹۶۰م [دهه‌ی ۱۳۴۰ش] به بعد، صدام رهبر اصلی حزب بعث عراق بود و سکان سیاست این کشور را در دست داشت. تا آن زمان، او ۱۲ سال با اقتدار و البته با خشونت کامل بر عراق حکومت کرده بود. خویشاوندان و هم‌شهری‌های صدام (تکریتی‌ها) ابزار تسلط صدام بر حزب بعث، نیروهای نظامی و نهادهای دولتی عراق به شمار می‌آمدند. نظام حکومتی مستبدانه، سلطانی و شبه‌فاشیستی بغداد تا حد زیادی بر ایجاد

حزب‌الدعوه [که متمایل به ایران بود] نماد اصول‌گرایی اسلامی در عراق به شمار می‌آمد و تهران پس از پیروزی انقلاب [اسلامی] همواره از شیعیان مظلوم عراق که توسط اقلیت سنی حاکم بر این کشور از همه‌ی مراکز اقتصادی و سیاسی عراق کنار گذاشته شده بودند می‌خواست قیام کنند و سرنوشت خود را به دست گیرند



سرانجام تلاش اصول‌گرایان به ثمر نشست و آن‌ها با جلب حمایت توده‌های مردم توانستند رویکردهای دفاعی و سیاست خارجی نظام را که بر شعار: نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی^(۱۶) استوار بود پیش ببرند. عجیب این‌که حمله‌ی صدام به ایران وضعیت موجود را تا حد زیادی به سود روحانیان اصول‌گرای ایران تغییر داد.^(۱۷) با تغییر شرایط سیاسی، جنگ در رأس امور قرار گرفت و توازن قدرت هم به شکل چشم‌گیری به سود روحانیان اصول‌گرا تغییر کرد. وضعیت جدید زمینه‌ی اعمال قدرت و یک‌پارچگی بیش‌تر هواداران آیت‌الله

خمینی را فراهم نمود و اصول‌گرایان مذهبی بر سایر نیروهای نامتجانس و متفرق انقلاب پیشی گرفتند و به گروه سیاسی مطلق کشور تبدیل شدند.

به این ترتیب اصول‌گرایان حزب جمهوری اسلامی در انتخابات اولین دوره‌ی

در این میان، تسخیر سفارت آمریکا در تهران نیز احتمال حمله‌ی نظامی آمریکا به ایران را مطرح کرد و به بسیج مردمی در حمایت از آیت‌الله خمینی کمک کرد. حامیان روحانیت با استفاده‌ی ماهرانه از اسناد به دست آمده از سفارت آمریکا تلاش کردند مخالفان حکومت اسلامی ولایت فقیه را به چالش بکشند و آن‌ها را نوکر و پادوی امپریالیسم آمریکا معرفی کنند. لیبرال‌ها [ملی مذهبی‌ها] بیش‌تر از بقیه‌ی گروه‌ها هدف قرار گرفتند و مهندس مهدی بازرگان نخست‌وزیر وقت استعفا داد، عباس امیر انتظام معاون نخست‌وزیر و مقدم مراغه‌ای از مؤسسان حزب جمهوری خلق مسلمان نیز بازداشت شدند. بحران گروگان‌گیری به اصول‌گرایان کمک کرد تا مواضعشان را در برابر جناح‌های چپ و لیبرال تقویت کنند.

به‌رغم این تحولات، نامزد حزب جمهوری اسلامی در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۵ ژانویه‌ی ۱۹۸۰م [۲۵ دی ۱۳۵۸ش] کم‌تر از شش درصد آرای مردم را به خود اختصاص داد و بنی‌صدر با حمایت ضمنی [امام] خمینی* به ریاست جمهوری اسلامی انتخاب شد.^(۱۸) او ارتش ایران را سازمان‌دهی کرد ولی نتوانست نیروهای عراق را از خاک کشورش بیرون براند. اما حزب جمهوری اسلامی با روش‌های کاملاً سازمان‌یافته توانست نیروهای مردمی را علیه عراق بسیج کند و سازمان نظامی جدیدی از نیروهای داوطلب بسیجی ایجاد نماید. اصول‌گرایان اسلام را نیرو محرکه‌ی انقلاب ایران می‌دانستند و جنگ را فرصتی استثنایی برای آشنایی مردم با ارزش‌های انقلابی می‌دیدند؛ ارزش‌هایی نظیر شهادت، استقلال سیاسی، و غرب ستیزی

* امام راحل در انتخابات ریاست‌جمهوری از بنی‌صدر حمایت نکرده بود، بلکه بعدها به صراحت اعلام کرد که از ابتدا با ریاست‌جمهوری او مخالف بوده است.

تسخیر سفارت آمریکا در
تهران احتمال حمله‌ی نظامی
آمریکا به ایران را مطرح کرد
و به بسیج مردمی در حمایت
از آیت‌الله خمینی کمک کرد

مجلس [شورای اسلامی] که در ۱۴ مارس ۱۹۸۰م [۲۴ اسفند ۱۳۵۸ش] برگزار شد اکثریت کرسی‌های مجلس را به خود اختصاص دادند و با استفاده از قدرتی که در مجلس به دست آوردند نخست‌وزیری [شهید] محمدعلی رجایی را تصویب کردند و بنی‌صدر رئیس‌جمهور وقت نیز مجبور شد این مصوبه را بپذیرد. در این میان، جنگ قدرت بین بنی‌صدر و اصول‌گرایان حزب جمهوری اسلامی بر سیاست داخلی ایران سایه افکند و سرانجام بنی‌صدر خواستار برگزاری همه‌پرسی برای تعیین وضعیت آینده‌ی کشور شد و در واقع به طور مستقیم با شخص آیت‌الله خمینی درگیر شد. [امام] خمینی در حمایت از اصول‌گرایان وارد عمل شد

احساسات ضد جنگ فرو بنشانند. روی هم رفته جنگ سبب پایداری و ثبات نظام اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه در ایران شد ولی رویکرد برخی اصول‌گرایان آن را به درازا کشاند.

ملاحظات رهبری و منطقه‌ای

خط‌مشی سکولار و ناسیونالیستی رژیم بغداد و جاه‌طلبی‌های رهبر این رژیم عامل اصلی آغاز جنگ با نظام اسلامی تهران بود. رابرت جی. نیومن (Robert G. Neumann) سفیر سابق آمریکا در مراکش، افغانستان و عربستان سعودی به این نکته اشاره می‌کند که سوای ریشه‌های تاریخی این جنگ، بلندپروازی صدام برای دستیابی به رهبری منطقه‌ای عامل اصلی جنگ با ایران بود.^(۱۸) هم‌زمان، جمهوری اسلامی هم آیت‌الله خمینی را رهبر جهان اسلام می‌دانست که جهان عرب نیز جزئی از آن بود. [امام] خمینی و دیگر انقلابیون ایران در واقع اسلام را نیرو محرکه‌ی جنبش‌های سیاسی منطقه می‌دانستند و معتقد بودند که تنها اسلام می‌تواند وحدت، عظمت و استقلال واقعی کشورهای اسلامی را تأمین کند. مسلمانان سنتی عامل ناسیونالیسم را نیرویی منفی می‌دانستند که سبب تفرقه و جدایی جوامع اسلامی در امتداد خطوط نژادی و زبانی می‌شود. تهران هم به همین علت ناسیونالیسم بعثی را محکوم می‌کرد و خواهان سرنگونی رژیم بعثی عراق بود.

در مقابل، بعثی‌ها ناسیونالیسم را نیرو محرکه‌ی جنبش‌های سیاسی منطقه می‌دانستند و تلاش می‌کردند هویت سیاسی واحدی تشکیل دهند و همه‌ی کشورهای عرب را زیر چتر آن قرار دهند. آن‌ها ناسیونالیسم عربی را وسیله‌ای برای احیای شکوه و عظمت گذشته‌ی حکومت‌های بنی‌امیه و بنی‌عباس و خلفای راشدین می‌دیدند که زمانی بیش‌تر خاورمیانه را تحت تسلط خود داشتند. صدام از پیروان علاقه‌مند به جمال عبدالناصر مصری

و بنی‌صدر را از فرماندهی کل نیروهای مسلح خلع کرد. نمایندگان مجلس هم با رأی به برکناری بنی‌صدر از ریاست‌جمهوری [بی‌کفایتی سیاسی] زمینه را برای برکناری او به دست آیت‌الله خمینی در ۱۹ ژوئن ۱۹۸۱م [۲۹ خرداد ۱۳۶۰ش] هموار نمودند.^(۱۷) وضعیت جدید از این خبر می‌داد که اصول‌گرایان اکنون قدرت را در ایران پس از انقلاب به دست گرفته‌اند. مقبولیت مردمی [امام] خمینی و پشتوانه‌ی ملی‌اش و قابلیت‌های بازدارنده‌ای که از رژیم سابق باقی مانده بود از جمله عواملی بود که به یک پارچگی قدرت در ایران کمک کرد. البته پس از انقلاب برخی نهادهای دیگر

هم برای رصد اقدامات و توطئه‌های ضد نظام و صیانت از آن تأسیس شد. در چنین شرایطی هیچ یک از گروه‌های مخالف جایگاه مستحکمی در میان مردم نداشتند که بتوانند حزب جمهوری اسلامی را به چالش بکشند و انفعال آن‌ها سبب تقویت کسانی می‌شد که از ادامه‌ی جنگ حمایت می‌کردند.

برای نمونه، زمانی که عراق درخواست کنفرانس اسلامی برای برقراری آتش‌بس و بازگشت به مرزهای شناخته شده‌ی بین‌المللی را پذیرفت، تهران به راحتی آن را رد کرد. اگرچه تقریباً همه‌ی سازمان‌های افراطی، سکولار و لیبرال [مخالف نظام] مواضع ضد جنگشان را آشکارا ابراز می‌داشتند ولی چنان ضعیف و متفرق بودند که نمی‌توانستند از پایان‌زود هنگام جنگ حرفی بزنند.

نظام اسلامی با به کارگیری گزینشی افراد بی‌کار هم‌زمان تلاش می‌کرد پیامدهای منفی جنگ را جبران کند و هر زمینه‌ی بالقوه‌ای را برای ابراز

تقریباً همه‌ی سازمان‌های افراطی، سکولار و لیبرال [مخالف نظام] مواضع ضد جنگشان را آشکارا ابراز می‌داشتند ولی چنان ضعیف و متفرق بودند که نمی‌توانستند از پایان زود هنگام جنگ حرفی بزنند

سریع می‌تواند بر جزایر سه‌گانه‌ی خلیج فارس نیز تسلط یابد؛ جزایری که در سال ۱۹۷۱م [۱۳۵۰ش] و یک روز پیش از خروج انگلیس از آن‌ها [به زعم صدام] به اشغال ایران درآمده بود. عراق با اشغال این جزایر می‌توانست بر تنگه‌ی هرمز تسلط یافته و به قدرت برتر منطقه‌ی خلیج فارس تبدیل شود. و سرانجام این‌که صدام فکر می‌کرد از این طریق عراق را در موضعی قرار می‌دهد که بتواند برای اقلیت‌های عرب ساکن در استان خوزستان نوعی خودمختاری مطالبه کند و در نتیجه خود را مدافع حقوق اعراب جلوه دهد. در این میان، او تا آن‌جا پیش رفت

عراق با اشغال این جزایر می‌توانست بر تنگه‌ی هرمز تسلط یافته و به قدرت برتر منطقه‌ی خلیج فارس تبدیل شود. و سرانجام این‌که صدام فکر می‌کرد از این طریق عراق را در موضعی قرار می‌دهد که بتواند برای اقلیت‌های عرب ساکن در استان خوزستان نوعی خودمختاری مطالبه کند و در نتیجه خود را مدافع حقوق اعراب جلوه دهد

که نام استان خوزستان را هم پیشاپیش به «عربستان» تغییر داد.^(۲۰) صدام و یارانش امیدوار بودند که پیروزی سریع آن‌ها در میدان جنگ و نیز حمایت فزاینده‌شان از نیروهای مخالف [امام] خمینی در داخل ایران هرچه بیش‌تر نظام این کشور را تضعیف کند و دولت ایران در نهایت مجبور شود مطالبات عراق را بپذیرد. سقوط محمدرضا پهلوی و آشوب پس از آن ایران را که قدرت برتر منطقه بود تحت تأثیر قرار داد و بر

همین اساس صدام گمان کرد زمان آن فرا رسیده که به بلندپروازی‌هایش جامه‌ی عمل بپوشاند و عراق را به قدرت اصلی و محافظ همسایگان [عربش] تبدیل کند تا از این طریق خلأ قدرت ناشی از ضعف ایران را در منطقه پر نماید.^(۲۲) صدام با حمله به ایران نشان داد که مخاطره‌ی جنگ تمام عیار با این ایران اسلامی را بر هم‌زیستی مسالمت‌آمیز با این

بود که در دهه‌های ۱۹۵۰م و ۱۹۶۰م [۱۳۳۰ش و ۱۳۴۰ش] رهبر بلامنازع ناسیونالیست‌های عرب بود. حزب ناسیونالیستی-سوسیالیستی بعث در عراق و سوریه از ناسیونالیسم سکولار مورد نظر ناصر پیروی می‌کرد و رژیم‌های عوام‌گرای خود کامه‌ای را در این کشورها به قدرت رساند. انور سادات که پس از مرگ ناصر در سال ۱۹۷۰م [۱۳۴۹ش] رئیس‌جمهور مصر شد از شعارهای پان‌عربیسم ناصر فاصله گرفت و در سال ۱۹۷۹م [۱۳۵۸ش] پیمان صلح کمپ دیوید را با رژیم صهیونیستی امضا کرد؛ اقدامی که انزوای مصر را در جهان عرب در پی داشت، نقش تاریخی قاهره را در جایگاه رهبر جنبش ناسیونالیستی عربی تضعیف کرد و نوعی خلأ قدرت در سیاست منطقه‌ای ایجاد کرد.

صدام که خود را وارث سیاسی مشروع ناصر می‌دانست تلاش می‌کرد با پرکردن خلأ قدرت ناشی از نبود ناصر، راه او را ادامه دهد و برای دست یافتن به کرسی رهبری جهان عرب باید یک رشته رویدادها را چنان به هم جفت و جور می‌کرد که بتواند خود را به مثابه سخن‌گوی عالی جهان عرب جا بیندازد.^(۱۹) از این رو، رادیو دولتی بغداد معمولاً یهودیان و ایرانی‌ها را دشمنان تاریخی اعراب معرفی می‌کرد ولی قدرت نظامی رژیم صهیونیستی و بُعد جغرافیایی‌اش از عراق سبب می‌شد که ایران هدف نخست تهاجم عراق باشد. صدام فکر می‌کرد که با دست یافتن به پیروزی نظامی سریعی بر ایران هم حاکمیت کامل عراق بر شط‌العرب [اروندرو] را تضمین می‌کند و هم کرسی رهبری جهان عرب را به خود اختصاص می‌دهد. اگرچه خود صدام [از طرف عراق] قرارداد ۱۹۷۵م الجزایر را امضا کرده و [حق حاکمیت مشترک دو کشور بر آب‌راه] را پذیرفته بود ولی حق حاکمیت عراق بر کل آب‌راه همچنان برای صدام اهمیت ویژه‌ای داشت. همچنین صدام گمان می‌کرد با یک پیروزی نظامی

در نقاط مختلف خاورمیانه صرفاً حرکتی مربوط به اقلیت‌ها بود که تأثیرات اجتماعی و سیاسی چندانی نداشت ولی قیام مردمی در ایران این حرکت را تشدید کرد. در دو قرن پیش از آن، دولت‌های اسلامی اصلاح‌طلب و ناسیونالیسم سکولار تنها پدیده‌های ایدئولوژیک غالب منطقه به شمار می‌آمدند. اما درگیری‌های میان کشورهای عرب و ناتوانی آن‌ها در تأمین امنیت فلسطینی‌ها ضربه‌ی سختی به پدیده‌ی ناسیونالیسم-سوسیالیسم عربی و رؤیای وحدت اعراب وارد آورد. اکنون نسل جدید عرب‌ها هم که از ناسیونالیسم عربی سرخورده شده بود تنها راه تحقق آرمان‌های عربی را در اسلام می‌دید.

به این ترتیب، پان‌اسلامیسم جای پان‌عربیسم را گرفت و جمهوری اسلامی ایران امیدوار بود با طرح امت واحده‌ی اسلامی بتواند بر احساسات [ملت‌های اسلامی] سرمایه‌گذاری کند.

روحانیان ایران معتقد بودند که انقلاب‌شان منبعث از نگرش جهان‌شمول اسلامی بوده و تغییر و تحولات ایران را صرفاً گام اول احیای قلمرو اسلامی قرن هفتم می‌دانستند.^(۲۳) تهران می‌خواست ساختار سیاسی منطقه را بر اساس الگوی اسلامی مورد نظرش به طور کلی تغییر دهد و [امام] خمینی و یارانش در پی آن بودند که با صدور انقلاب و برپاکردن قیام‌های مردمی [در منطقه] زمینه را برای تحقق تغییراتی اساسی فراهم نمایند. آیت‌الله خمینی با استفاده از اختیارات فقهی‌اش فتوایی صادر و بر شیعیان واجب کرد از هر گونه تنش فرقه‌ای اجتناب کنند. او از پیروانش خواست در جهت ایجاد وحدت با اهل تسنن فعالیت کنند. بر همین اساس، تهران هفته‌ای را با نام «هفته‌ی وحدت اسلامی» اعلام کرد، تمبرهای یادبودی به این مناسبت چاپ نمود، و برنامه‌های فرهنگی به راه انداخت تا اهل تسنن را متقاعد کند که انقلاب [اسلامی] ایران مسئله‌ای

کشور ترجیح می‌دهد. رهبری جهان عرب و تبدیل شدن به قدرتی منطقه‌ای و نیز امتیازهای حاصل از پیروزی بر قوم [به اصطلاح] عجم (غیر عرب) انگیزه‌های نیرومندی برای صدام به شمار می‌آمدند. برخی رویدادهای سیاسی، جاه‌طلبی‌های صدام، چارچوب فکری و روانی او و مشکلات ایران همه از جمله عواملی بود که دست به دست هم دادند و زمینه‌ی جنگ را فراهم آوردند ولی هیچ یک از این عوامل به معنای آن نبود که صدام لزوماً خواهان طولانی شدن جنگ است. او به‌رغم جاه‌طلبی‌های شخصی‌اش که در واقع علت اصلی آغاز جنگ به شمار می‌آمد وقتی فهمید

دستیابی به یک پیروزی همه‌جانبه امکان‌پذیر نیست خواهان برقراری آتش‌بس و سپس مذاکره برای صلح شد. البته آتش‌بس [در آن مقطع از جنگ] صدام را راضی می‌کرد، زیرا می‌توانست آن را برای عراقی‌ها یک پیروزی جلوه دهد و ادعا کند که جلوی توسعه‌طلبی ایرانیان را گرفته و طرح‌های متجاوزانه‌ی تهران را متوقف کرده است. در این میان، عربستان سعودی و دیگر

کشورهای نفت‌خیز عرب میانه‌رو نیز نگران بودند و از رویکرد اصول‌گرایانه و لحن قاطع [امام] خمینی احساس ترس می‌کردند. دولت‌های حاکم بر کشورهای حوزه‌ی خلیج [فارس] که انقلاب ایران را انقلابی شیعی می‌نامیدند امیدوار بودند که این حرکت [به زعم آن‌ها] فرقه‌ای در مردم آن‌ها رسوخ نکند.

تا سال ۱۹۷۹م [۱۳۵۸ش] اصول‌گرایی اسلامی

[امام] خمینی معتقد بود که اظهار انزجار عمومی علیه موضع جانب‌دارانه‌ی آمریکا از رژیم صهیونیستی و [ابراز نارضایتی از] ناتوانی کشورهای عرب میانه‌رو [سازش‌کار] در تأمین وحدت مسلمین چنان قوی می‌شود که هر گونه تفرق بین شیعه و سنی را در منطقه از بین می‌برد

که نوهی پیامبر اسلام است با یزید خلیفه‌ی اموی که نماد ظلم و ستم بود بیعت نکرد و این شعار را سرداد که مرگ بهتر از زندگی زیر بار ظلم است. به همین علت امام و همه‌ی یارانش به دست یزید به شهادت رسیدند و از آن زمان به بعد مسئله‌ی «شهادت» به یکی از جنبه‌های مهم فرهنگ سیاسی شیعه تبدیل شد. [امام] خمینی نیز دلیل خود را برای نپذیرفتن آتش‌بس پیشنهادی صدام این گونه بیان کرد: «ما نمی‌توانیم با صدام که شخص فاسقی است سازش کنیم ما بر اساس آموزه‌های دینی‌مان موظفیم تا به آخر مقاومت کنیم.»^(۲۵) این سخنان [امام] تهران را

[امام] خمینی دلیل خود را برای نپذیرفتن آتش‌بس پیشنهادی صدام این گونه بیان کرد: «ما نمی‌توانیم با صدام که شخص فاسقی است سازش کنیم ما بر اساس آموزه‌های دینی‌مان موظفیم تا به آخر مقاومت کنیم.»

بر آن داشت که جنگ ایران و عراق را نبرد بین اسلام و شیطان اعلام کند. مرگ در راه دفاع از اسلام، شهادتی افتخارآمیز به شمار می‌آید و برای حزب‌الله بالاترین افتخار و کلید بهشت است. شهادت [در فرهنگ اسلام] با هیچ ثروت مادی و دنیوی قابل قیاس نیست و در طول جنگ نیز نیروی محرکه‌ای برای میلیون‌ها نیروی حزب‌اللهی ایرانی بود که عمود خیمه‌ی حمایت از نظام اسلامی را تشکیل می‌دادند.

وابستگی صدام به غرب و شرق مزایای متعددی [برای ایران] داشت. نخست، دلیل مشروعی برای اصول‌گرایان اسلامی بود که با توسل به آن به جنگ ادامه دهند؛ جنگی که از آن با عنوان جنگ بین اسلام و «شیطان بزرگ» یاد می‌کردند. دوم، این وابستگی صدام نیروی محرکه‌ای بود که انگیزه‌ی مقاومت مردم مسلمان ایران علیه ملحدان غربی را بیش از پیش تقویت می‌کرد. سوم، ارتش و سپاه ایران این مسئله را دلیل پیروز نشدنشان بر عراق که

نیست که تنها به شیعیان مربوط باشد. [امام] خمینی معتقد بود که اظهار انزجار عمومی علیه موضع جانب‌دارانه‌ی آمریکا از رژیم صهیونیستی و [ابراز ناراضی از] ناتوانی کشورهای عرب میانه‌رو [سازش‌کار] در تأمین وحدت مسلمین چنان قوی می‌شود که هر گونه تفرق بین شیعه و سنی را در منطقه از بین می‌برد.

انقلاب اسلامی [ایران] تغییرات اساسی و عمیقی در خاورمیانه ایجاد کرد و با جای‌گزینی رژیم موروثی، سکولار و غرب‌گرای پهلوی با جمهوری اسلامی، روند نفوذ ارزش‌های غربی در فرهنگ ایران و دیگر کشورهای اسلامی را معکوس کرد. رهبران انقلاب [ایران] ارزش‌های اسلامی انقلاب را در تضاد آشکار با ارزش‌های نظام‌های کمونیستی و غربی می‌دیدند. [امام] خمینی و یارانش سکولاریسم را پدیده‌ای شیطانی و مغایر با اصول اسلام می‌دانستند و آمریکا، شوروی، انگلیس، و فرانسه را شیطان بزرگ خطاب می‌کردند.^{*} بر همین اساس، رهبران ایران احساس می‌کردند توطئه‌ی مشترکی میان شرق و غرب برای تضعیف و تخریب انقلاب اسلامی در جریان است و پس از تجاوز صدام به خاک جمهوری اسلامی، او را مهره‌ی دست‌نشانده‌ای برای اجرای دستورات شیطانی بیگانگان توصیف می‌کردند.

رهبران انقلابی [ایران] با تکیه بر این باورها به توسعه و نشر ارزش‌ها و نگرش‌هایی پرداختند که رفتار سیاسی نخبگان جامعه و پیروانشان بر آن‌ها استوار شد و به نوعی سبب طولانی شدن جنگ ایران و عراق گردید. اساس جهت‌گیری رهبران انقلابی [ایران] و پیروان آن‌ها در مفهوم حزب‌الله خلاصه می‌شود؛ مفهومی که از زمان امام سوم شیعیان برایشان به یادگار مانده است. امام حسین^(ع)

* شیطان بزرگ عنوانی است که امام راحل صرفاً برای آمریکا به کار برده است.

جوینر (Christopher C. Joyner) در این مورد می‌گوید:

در دوران جنگ، به جز سوریه، لیبی و یمن جنوبی (سابق) سایر کشورهای عربی اگر نگوئیم از نظر تجهیزاتی و نظامی ولی همه از نظر سیاسی و تبلیغاتی از عراق حمایت می‌کردند و این گرایش جانب‌دارانه از عراق تا حد زیادی از نگرانی‌های آن‌ها از جریان اصول‌گرایی اسلامی حاکم بر ایران ناشی می‌شد؛ زیرا می‌ترسیدند که این جریان به سرتاسر منطقه کشیده شود و کشورهای همسایه‌ی ایران را دستخوش ناآرامی‌های داخلی نماید.^(۲۷)

صدام تلاش کرده و توانسته بود حمایت اکثر کشورهای عربی و از جمله کشورهای نفت‌خیز حوزه‌ی خلیج فارس و عربستان سعودی را جلب نماید. اما این کشورها به‌رغم نگرانی‌شان از رویکرد اصول‌گرایانه‌ی [امام] خمینی عمدتاً از شعار پان‌عرب‌یسم بغداد و جاه‌طلبی‌های شخص صدام نیز بسیار نگران بودند. با این حال، همه‌ی کشورهای عرب به جز سوریه و لیبی از صدام جانب‌داری کردند و با تأمین منابع مالی و حمایت سیاسی تلاش کردند از پیروزی ایران جلوگیری کنند. اما حمایت آن‌ها از حاکم مستبد عراق برای وارد آوردن شکستی قاطع بر نیروهای [امام] خمینی کافی نبود. رهبران عرب در واقع نمی‌خواستند هیچ یک از دو طرف درگیر در این جنگ پیروز شود و فکر می‌کردند که طولانی شدن جنگ می‌تواند هم‌زمان [امام] خمینی و صدام را تضعیف و آن‌ها را وادار نماید از طرح‌های توسعه‌طلبانه و سلطه‌جویانه‌شان دست بردارند. بنابراین، تا جایی که به رژیم‌های عربی منطقه مربوط می‌شد، آن‌ها ایجاد بن‌بست و ادامه‌ی خون‌ریزی را بر پیروزی قاطع هر یک از طرفین جنگ ترجیح

در مقایسه با ایران کوچک‌تر هم بود می‌دانستند و این از بار فشار [افکار عمومی] بر آن‌ها می‌کاست. بالاتر از همه این‌که تهران خود را رهبری منطقه‌ای می‌دانست که تلاش می‌کند منطقه‌ی خود را از تسلط بیگانگان برهاند و «جهان اسلام» را در برابر کفار و مشرکان متحد نماید.

تبلیغات شدید و تلاش‌های ایران برای صدور ارزش‌های انقلاب اسلامی زمینه‌ی نگرانی بسیاری از حکومت‌های عرب میانه‌رو [سازش‌کار] را فراهم آورد. آیت‌الله خمینی اعلام کرد که آزادی کربلا و نجف (شهرهای مقدس شیعیان در عراق) زمینه

را برای آزادی بیت‌المقدس فراهم می‌آورد ولی این اقدام هم تأثیر چندانی در کاهش تأثیرات منفی مرتبط با مقاصد تهران نداشت. جمهوری اسلامی همچنین اعلام کرد که نظام این کشور نماد «اسلام ناب محمدی» می‌باشد و سایر رژیم‌های اسلامی منطقه عملاً دشمنان اسلام و عوامل غرب

به شمار می‌آیند و نماد «اسلام آمریکایی» هستند. استفان آر. گرومن (Stephen R. Grummon) در سال ۱۹۸۲م [۱۳۶۱ش] می‌نویسد: «حکومت [امام] خمینی در ایران با ایدئولوژی خاصی که دارد مشروعیت اکثر حکومت‌های موجود در جهان اسلام را قبول ندارد.»^(۲۸)

تلاش برخی از رهبران میانه‌روی ایران مانند علی اکبر هاشمی رفسنجانی برای دادن اطمینان به کشورهای همسایه‌ی ایران نیز تأثیری در این زمینه نداشت. هاشمی که در آن زمان ریاست مجلس را بر عهده داشت گفته بود که اظهارات رهبران ایران برای اقناع افکار عمومی داخلی و جلب حمایت آن‌ها می‌باشد. کریستوفر سی.

همه‌ی کشورهای عرب به جز سوریه و لیبی از صدام جانب‌داری کردند و با تأمین منابع مالی و حمایت سیاسی تلاش کردند از پیروزی ایران جلوگیری کنند

گروگان‌گیری طولانی پس از آن سبب تعلیق روابط دو کشور گردید. در این میان، ایران به طور فزاینده‌ای منزوی و ضد آمریکایی می‌شد و آمریکا هم که به نوعی ابهام و سردرگمی دچار شده بود از این می‌ترسید که تهران بر رژیم‌های طرفدار غرب در منطقه‌ی خاورمیانه مسلط شود؛ منطقه‌ای که بیش از نیمی از ذخایر شناخته شده‌ی جهان را در خود جای داده بود. پیامد تسلط ایران بر منطقه می‌توانست «فاجعه‌ی بی‌سابقه‌ای» را به دنبال داشته باشد؛ فاجعه‌ای که واشنگتن نمی‌توانست شاهد وقوع آن باشد. از این رو، دولت ریگان از سال

می‌دادند. به این ترتیب، سیاست‌های تهران سبب قطع دسترسی ایران به منابع مالی و سیاسی مورد نیاز برای شکستن بن‌بست جنگ گردید.

عوامل بین‌المللی

اگر مداخله‌ی خارجی قاعده‌ی بازی مورد انتظار دو طرف درگیر را تغییر نداده بود، جنگ ایران و عراق تا پیروزی قاطع یکی از طرفین یا فروپاشی هر دو طرف ادامه می‌یافت. دو ابرقدرت آن زمان (آمریکا و شوروی)، فرانسه و به میزان کم تری انگلیس نقش عمده‌ای در جلوگیری از ادامه‌ی جنگ داشتند. البته منطقه‌ی تر این است که بگوییم اگر پس از سال ۱۹۸۲م [۱۳۶۱ش] عراق آن همه کمک‌های سخاوتمندانه‌ی مالی، نظامی و سیاسی دریافت نمی‌کرد و ایران نیز دچار محاصره‌ی اقتصادی و انزوای سیاسی نمی‌شد و کشورهای تولیدکننده‌ی جنگ‌افزار امکان دسترسی آزادانه‌ی ایران به جنگ‌افزارهایشان را فراهم می‌نمودند، ایران به پیروزی قاطعی در جنگ دست می‌یافت و جنگ زودتر به پایان می‌رسید. از سوی دیگر، وجود عوامل خارجی به نوعی سبب ایجاد بن‌بست در جنگ و به درازا کشیده شدن آن شد.

اصول‌گرایی اسلامی از نظر غربی‌ها واکنشی به پدیده‌ی تجدید (مدرنیته) بود. سیاست‌مداران اروپایی و آمریکایی جریان احیای اسلام را کاملاً مغایر با علم و منطق می‌دیدند و از نظر آن‌ها حکومت دینی در ایران به لحاظ سیاسی یک نظام اقتدارگرایی ایدئولوژیکی به شمار می‌آمد؛ نظامی که بر نوعی تلقین فکری استوار بود، با تکرارگرایی (پولاریسم) در تضاد بود، و گفتمان عقلایی و سیاست‌های مبتنی بر انتخابات را بر نمی‌تابید. انقلاب ایران زمینه‌ی نفوذ آمریکا در امور داخلی ایران را که زمانی بسیار شدید بود تا حد زیادی تضعیف کرد. تسخیر سفارت آمریکا در تهران توسط هواداران [امام] خمینی [دانش‌جویان پیرو خط امام] و

اصول‌گرایی اسلامی در کنار ناسیونالیسم عربی نوعی تضاد منافع [بین ایران و عراق] ایجاد کرد که ناشکیبایی دو طرف و در نهایت جنگ میان آن‌ها را به همراه داشت

به منافع آمریکا می‌دید و دولت ریگان به‌رغم اعتراض‌های موجود به اجرای طرح‌هایی برای حمایت مادی و معنوی آشکار از عراق پرداخت.^(۲۸) به نظر می‌رسید مواضع واشنگتن و کشورهای عربی در این زمینه بر ملاحظات مشابهی استوار بود. صدام با کمک اطلاعات جاسوسی و منابع کافی که دریافت می‌کرد در اوت ۱۹۸۸م [مرداد ۱۳۶۷ش] توانست [امام] خمینی را برای پذیرش آتش‌بس زیر فشار قرار دهد ولی از دستیابی به یک پیروزی کامل بازماند. در این میان، دولت ریگان با اتخاذ موضعی دوپهلوی از یک سو خواهان شکست [امام] خمینی بود و از سوی دیگر نمی‌خواست صدام پیروز آشکار این جنگ باشد. افزون بر این، سرنوشت

فضای ضدآمریکایی و به میزان کم‌تر ضداروپایی در ایران ابتدا ظاهراً به سود اتحاد شوروی بود که از مدت‌ها پیش تلاش می‌کرد نقشی در تحولات سیاسی ایران داشته باشد و انقلاب اسلامی هم زنجیره‌ی کشورهای ضد شوروی را [که در منطقه] در اطراف اتحاد شوروی حلقه زده بودند از هم گسسته بود. اما تلاش‌های مسکو برای ایفای نقش یک داور بی‌طرف با موفقیت چندانی همراه نبود و کرملین هم در طول جنگ موضع جانب‌دارانه‌ای از عراق داشت.

عوامل متعددی در ایجاد وضعیت جدید مؤثر بودند. نخست، احتمال رسیدن امواج احیای اسلام به جمهوری‌های جنوب اتحاد شوروی هم وجود داشت که در این صورت زمینه‌ی بروز درگیری‌های طایفه‌ای در این جمهوری‌ها فراهم می‌شد. کرملین از این می‌ترسید که رهبران ایران زمینه‌ی خودآگاهی اقلیت ۴۰ میلیونی مسلمانان شوروی را فراهم نمایند. دوم، ایران موضع انعطاف ناپذیری در خصوص مداخله‌ی شوروی در افغانستان گرفته بود و از مجاهدان افغان در برابر دولت کابل که تحت حمایت شوروی بود پشتیبانی می‌کرد. سوم، مسکو در سال ۱۹۷۲م [۱۳۵۱ش] پیمان مودت و همکاری با بغداد امضا کرده بود که بر اساس آن کرملین تعهد کرده بود امنیت عراق را حفظ کند. تأمین تجهیزات نظامی عراق توسط شوروی نقش مهمی در توان بغداد برای به درازا کشاندن جنگ داشت. و آخر این که اشتراکات سوسیالیزم عربی حزب حاکم بعث عراق با ایدئولوژی رسمی شوروی بسیار بیش‌تر از اشتراکاتش با اصول‌گرایی اسلامی بود. در چنین شرایطی، کرملین هم‌امیدش را برای توسعه‌ی روابط با ایران از دست داد و به این نتیجه رسید که سقوط رژیم بعثی عراق شکست راهبردی سنگینی است که هیچ چیز آن را جبران نمی‌کند.

گروگان‌های غربی (و از جمله آمریکایی‌هایی) که در اختیار حزب‌الله لبنان بودند دولت ریگان را بر آن داشت که مخفیانه به تهران جنگ‌افزار بدهد با این امید که حکومت [امام] خمینی با استفاده از اهرم‌های فشارش [در لبنان] به آزادی گروگان‌ها کمک کند. اما اطلاعات این معامله‌ی پنهانی درز کرد و به جز شرمساری دولت ریگان، هیچ کمکی برای پایان دادن به جنگ نکرد.

دولت‌های اروپای غربی در واکنشی مشابه [آمریکا] به حمایت از عراق و سرمایه‌گذاری‌های سنگین در اقتصاد این کشور پرداختند و پاریس در این میان گوی سبقت را از دیگران ربود. فرانسه

تا سال ۱۹۸۳م [۱۳۶۲ش] از نظر نظامی و مالی به حامی بسیار مهمی برای عراق در جنگ طولانی [با ایران] تبدیل شد و در حالی که دولت میتران (Mitterrand) با تمام توان از صدام پشتیبانی می‌کرد، پیمان‌کاران دفاعی فرانسه و دیگر کشورهای اروپایی مخفیانه مقادیر قابل توجهی مهمات و تجهیزات جنگی نیز در اختیار تهران قرار می‌دادند.^(۲۹) پرواضح است که این رفتار [غربی‌ها] از یک سو این امکان را

برای حکومت [امام] خمینی فراهم نمود که بتواند احتیاجات جنگی‌اش را تأمین کند و از سوی دیگر تا حد زیادی در طولانی شدن جنگ مؤثر بود.*

* برخلاف نظر نویسنده، هیچ یک از قدرت‌های غربی در طول جنگ به ایران جنگ‌افزار و تجهیزات نمی‌دادند و جمهوری اسلامی مجبور بود بسیاری از اقلام مورد نیازش را از بازار سیاه و با چند برابر قیمت تهیه کند.

مداخله‌ی بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی هم عامل دیگری بود که به طولانی شدن جنگ کمک کرد. اگرچه اکثر کشورهای خاورمیانه و اروپا و دو ابرقدرت آن زمان پشت سر عراق صف کشیدند، حمایت آن‌ها تنها توانست جنگ را به بن‌بست بکشانند و در نهایت اوضاع را اندکی به سود عراق تغییر دهد

خلاصه و نتیجه گیری

آمیزه‌ای از عوامل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی دست به دست هم داد و زمینه‌ی رشد اصول‌گرایی اسلامی در ایران و خطر ناشی از آن را برای رژیم‌های خاورمیانه و جامعه‌ی جهانی فراهم کرد. اصول‌گرایی اسلامی در کنار ناسیونالیسم عربی نوعی تضاد منافع [بین ایران و عراق] ایجاد کرد که ناشکیبایی دو طرف و در نهایت جنگ میان آن‌ها را به همراه داشت. سپس مواضع انعطاف‌ناپذیر رهبران دو کشور زمینه‌ی طولانی شدن جنگ را فراهم نمود. اگرچه جاه‌طلبی‌های شخصی صدام عامل اصلی آغاز جنگ بود ولی خط فکری اصول‌گرایانه‌ی رهبران انقلابی ایران و مخالفت آن‌ها با حل و فصل مناقشه از طریق مذاکره سبب شد که جنگ به مدت هشت سال طول بکشد.^{*} البته جنگ برخی تأثیرات ناخواسته و در عین حال مثبت هم برای دو طرف به همراه داشت. جنگ برای صدام و به‌ویژه برای روحانیان حاکم بر ایران فرصتی فراهم نمود تا حوزه‌ی نفوذشان را در جوامع خود گسترش دهند و قدرت خود را یک‌پارچه‌کنند.

مداخله‌ی بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی هم عامل دیگری بود که به طولانی شدن جنگ کمک کرد. اگرچه اکثر کشورهای خاورمیانه و اروپا و دو ابرقدرت آن زمان پشت سر عراق صف کشیدند، حمایت آن‌ها تنها توانست جنگ را به بن‌بست بکشاند و در نهایت اوضاع را اندکی به سود عراق تغییر دهد ولی حاکم مستبد عراق با این حمایت‌ها نتوانست به پیروزی قاطع در جنگ دست یابد. از سوی دیگر، ایران با جمعیتی سه برابر عراق به

* جمهوری اسلامی با اصل مذاکره برای برقراری صلح مخالف نبود ولی برای این کار شرایطی را مد نظر داشت که تا پیش از قطع‌نامه‌ی ۵۹۸ در هیچ یک از پیشنهادها صلح و قطع‌نامه‌های سازمان ملل محقق نشده بود.

صورت مخفیانه و از هر راهی که می‌توانست به تجهیزات جنگی شرکت‌های کروی شمالی، چین، فرانسه، آلمان و اتریش و کالاهای غربی دست می‌یافت تا بتواند انزوای خود را جبران کند و به مقاومت در برابر دشمنی که کاملاً حمایت و تجهیز می‌شد ادامه دهد. همچنین باید به این نکته اشاره کرد که هیچ یک از دو ابرقدرت علاقه‌ی خاصی به توقف جنگ نداشتند. در هیچ مقطعی از جنگ ایران و عراق احتمال بروز درگیری مستقیم بین دو ابرقدرت فراهم نشد و هر دو ابرقدرت در واقع به نوعی از این جنگ سود می‌بردند. ایران و عراق هر دو به بازارهای نظامی بین‌المللی

وابسته بودند و درآمدهای نفتی لازم برای تأمین مالی جنگ را در اختیار داشتند. هر دو ابرقدرت از جمله تأمین کنندگان سخت‌افزار پیشرفته‌ی نظامی کشورهای جهان سوم بودند. سرانجام جنگ زمانی پایان یافت که ایران کاملاً

تضعیف شده بود و احساس می‌کرد آمریکا آماده می‌شود در حمایت از بغداد به طور مستقیم در جنگ مداخله نماید. ساقط کردن هواپیمای مسافربری ایرباس ایرانی در ۳ جولای ۱۹۸۸م [۱۲ تیر ۱۳۶۷ش] سبب شد که [امام] خمینی به این نتیجه برسد که ادامه‌ی جنگ به شکست ایران و فروپاشی انقلاب می‌انجامد و بر همین اساس قطع‌نامه‌ی ۵۹۸ سازمان ملل را بپذیرد. اندکی پس از پذیرش قطع‌نامه توسط ایران، آتش‌بس برقرار شد و طولانی‌ترین جنگ متعارف قرن بیستم به پایان رسید بدون آن‌که هیچ یک از علل ایجاد آن از بین برود.

پس از پذیرش قطع‌نامه توسط ایران، آتش‌بس برقرار شد و طولانی‌ترین جنگ متعارف قرن بیستم به پایان رسید بدون آن‌که هیچ یک از علل ایجاد آن از بین برود



رونمایی از کتاب‌های

«گزارش روزانه‌ی صحنه‌ی نبرد، لشکر علی ابن ابی طالب (ع)»

در عملیات بدر» «راویان صحنه‌ی جنگ، شهید محمدرضا ملکی»

مقدمه

الله‌داد و نخستین جلد از کتاب «راویان صحنه‌ی جنگ، شهید محمدرضا ملکی» نوشته مجید سان‌کهن که در گروه بررسی‌های جامعه محور مرکز تدوین شده بود، با حضور سردار عراقی، جانشین نیروی زمینی سپاه، جناب آقای دکتر اردستانی، رئیس مرکز و پژوهش‌گران، نویسندگان، صاحب‌نظران و خبرنگاران برگزار شد. در این مراسم آقای دکتر اردستانی، رئیس مرکز، آقای یحیی نیازی، مدیر گروه بررسی‌های جامعه محور و سردار سرتیپ عراقی، جانشین محترم نیروی زمینی سپاه به ایراد صحبت پرداختند که در ادامه به نظر شما خواننده‌ی گرانقدر خواهد رسید. در پایان مراسم نیز با حضور مسئولان مورد اشاره از دو کتاب یاد شده رونمایی شد.

راوی‌گری در جنگ؛ کار بسیار سخت

در ابتدای مراسم آقای دکتر حسین اردستانی با بیان این مطلب که راوی‌گری در جنگ کار بسیار سختی بود، گفت: «راوی‌گری کار سختی بود ولی با نگاه نتیجه باید بگویم که بهترین کار بوده است چون جنگ تمام شده است و این مطالب است که

یکی از موضوعات مورد نظر مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس پرداختن به راویان دفاع مقدس و آثار آنها، خصوصاً شهیدان راوی که مغفول مانده‌اند، می‌باشد. در کار راویان در دفاع مقدس حال که چندین سال از آن دوران می‌گذرد و تعداد بسیار زیادی نوار ضبط شده، دفترچه، گزارش و ... از راویان جنگ به جا مانده است که اسناد بسیار ارزشمندی برای تاریخ‌نگاری و مستندنویسی دفاع مقدس هستند، به ارزش و اهمیت والای کار آنها پی می‌بریم.

در همین راستا در آثاری که مرکز اسناد در آینده به جامعه ارائه خواهد داد به سراغ منابع دست اول می‌رود و آنها را منتشر خواهد کرد. منابعی که در همان تاریخ راوی جمع کرده و ضبط کرده است، آنها را به صورت پیاده شده بیرون داده و یا مطالبی که در دفاتر راوی نوشته شده است را منتشر خواهد کرد.

از این جهت آئین رونمایی از دو کتاب «گزارش روزانه‌ی صحنه‌ی نبرد؛ لشکر ۱۷ علی ابن ابی طالب (ع) در عملیات بدر» به روای گری حسین

خواهد شد و گزارش عملیات‌ها هم چاپ خواهد شد و به خود راوی‌ها هم پرداخته خواهد شد. به علاوه ما به شهید محمدرضا ملکی هم در یک کتاب پرداخته‌ایم.

به طور کلی ما در آثاری که از این پس به جامعه ارائه خواهیم کرد، هدفمان این است که نشان بدهیم روش مرکز و ماهیت آثار او را، و می‌آییم منابع دست اول را منتشر می‌کنیم. منابعی که در همان تاریخ راوی جمع کرده است و ضبط کرده است و ما آنها را پیاده می‌کنیم و بیرون خواهیم داد و یا مطالبی که در دفاتر راوی نوشته شده است.

از نظر ما دفاتر راوی در مرکز سری‌ترین اسناد مرکز است. به این معنا که فرماندهان خود سانسوری نداشته‌اند و حساسیت نشان نمی‌دادند که کسی در کنارشان است و این‌ها را ضبط و ثبت می‌کند و همین‌طور فرمان می‌دادند و دستور می‌دادند. جایی تند می‌شوند و در جای دیگری کند می‌شوند و همه‌ی این موارد ثبت شده است. ما در جاهایی که بازتاب مناسبی ندارد، جملات این‌ها را حذف می‌کنیم و البته بعضی دفاتر ما هستند که اصلاً قابل انتشار نیست. یعنی کل دفترچه از ۱۷۰ صفحه نوشته‌ی راوی اکثراً مسائل سری و محرمانه است و نمی‌شود که منتشر بشود.

اما در این دفتر حذف، بسیار کم بوده است و هر چه قدر در یگان‌ها می‌آییم دفاتر ما حساسیتش کم‌تر می‌شود و هر چه قدر بالاتر می‌رویم حساسیت بیش‌تری پیدا می‌کند. این دفتر راوی در مورد عملیات بدر است و لشکر ۱۷ علی‌ابن ابی‌طالب^ع در منطقه‌ی عملیاتی هورالهوریزه است و از ۲۰ اسفند ۱۳۶۳ تا ۲۵ فروردین ۱۳۶۴ جمع‌آوری شده است.»

راویان شهید؛ اولویت مرکز

پس از دکتر اردستانی، برادر یحیی نیازی، مدیر گروه بررسی‌های جامعه محور، صحبت کرد که در

می‌ماند.» ایشان در ادامه افزود: «دفاع مقدس هم باز تولید عصری عاشورا و صدر اسلام است و هم به ایران هویت جدید بخشیده است. در واقع هم اسلام و هم ایران وام‌دار دفاع مقدس هستند. دفاع مقدس پدیده‌ای است که به جز خاطرات، در اذهان نخبگان، تصمیم‌گیرندگان، فرهنگیان و ... در حاشیه است.

در واقع اسناد گران‌سنگ جنگ تنها در مرکز مطالعات و تحقیقات دفاع مقدس است. راویان ۲۹ هزار نوار ضبط کرده‌اند. همچنین راویان ۱۲۰۰ هزار دفترچه نوشته‌اند. ۷۰۰ گزارش مکتوب کرده‌اند و البته صدها گزارش دیگر هم می‌توان نوشت. هم چنین نوارها را می‌توان به صورت موضوعی پیاده کرد و از این طریق کار بزرگی برای تاریخ معاصر ایران می‌تواند انجام بشود در واقع راوی‌ها در آن زمان به این اسم نبودند و بعدها این نام را به خود گرفتند. در آن زمان می‌گفتند دفتر سیاسی‌ها آمدند و راویان، تاریخ‌نگاران جنگ بوده‌اند.

راویان مرکز در قرارگاه‌های خاتم به اندازه‌ی فرماندهان اطلاعات داشتند و حتی بعضی جاها بیش‌تر و این به خاطر این است که به مانند یک فرمانده در کنار آنها بوده‌اند و یکی از ماحصل کار راویان، دفاتر راویان است.

آقای الله‌داد راوی یگانی ما است و دلیل این که ما تصمیم گرفتیم که این دفتر راوی به عنوان اولین دفتر راوی چاپ بشود، شهادت راوی است و دلیل خاص دیگری نداشته است و گرنه دفاتر بسیار قوی‌تر، وزین‌تر و حساس‌تر وجود دارد که چاپ خواهد شد.

مرکز و راویان ناشناخته هستند حتی در میان ستاد سپاه و ستاد کل. در واقع جز در عرصه‌ی عالی کشور، مرکز، راوی و اثرش ناشناخته است. یکی از تصمیمات ما این بود که بپردازیم به آثار آنها و در آینده‌ی نزدیک نوارهای پیاده شده منتشر

ادامه می‌خوانید:

شد که عمده‌تاً مرتبط با تاریخ اجتماعی جنگ و با بررسی وضعیت جامعه‌ی آن روز دفاع مقدس شکل گرفت و مجموعه‌های مختلفی تعریف شد که من به مجموعه‌های دیگر نمی‌پردازم ولی دو تا موضوعی که ما به آن پرداختیم و به جلسه‌ی امروز ما مرتبط است به آنها اشاره‌ای خواهم کرد. رویکرد ما در وظایف و کارکرد و اهداف گروه این بوده است که دو تا کار را به صورت قطعی دنبال کنیم؛ یکی این که از موازی کاری با سایر حوزه‌ها و مراکز فعال در حوزه‌ی دفاع مقدس پرهیز کنیم و مسأله‌ی دوم تعاملات ما با سایر گروه‌های پژوهشی مرکز است به طوری که این تعاملات در درون مرکز به صورتی باشد که بتوانیم آنچه که مربوط به حوزه‌ی اجتماعی جنگ است را از سایر گروه‌ها بگیریم و با توجه به آن نمونه‌ها و موارد بتوانیم به تولید آثار اجتماعی بپردازیم.

بر همین اساس درباره‌ی شهدا به دلیل پرهیز از رویکرد موازی کاری با سایر مراکز به آن زیاد نپرداختیم. به جز در دو مورد یکی در مورد سرداران شهید سپاه و یک مورد هم درباره‌ی راویان شهید دفاع مقدس.

«مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ و مجموعه‌ی راویان همزمان با آغازین روزهای جنگ به ابتکار مسئولین وقت شکل گرفت و کاری بسیار ارزشمند بود که شاید آن روز این ارزش و این بها خیلی دیده نمی‌شد ولی رفته رفته این جمع‌آوری‌ها و این آثار جایگاه خودش را دارد نشان می‌دهد و شاید الآن غبطه می‌خوریم که ای کاش آن روزی که این نوآوری مهم اتفاق می‌افتاد در سطوح پایین‌تر صحنه‌های نبرد هم در کنار دسته‌ها و گروهان‌ها و حتی واحدهای پشتیبانی رزمی هم این اتفاق می‌افتد و راوی کنار آنها هم گذاشته می‌شد و امروز دست ما بسیار پُرتر بود از آنچه که در حال حاضر وجود دارد.»

سپس برادر نیازی به روند و چگونگی تشکیل گروه بررسی‌های جامعه محور در مرکز اسناد پرداخته و به بررسی جایگاه پنج ساله‌ی این گروه در مرکز و در میان گروه‌های دیگر و در تعاملات با دیگر مجموعه‌ها پرداختند. ایشان در ادامه اذعان داشتند: «پس از این که گروه تشکیل شد و ساختار خودش را پیدا کرد، مجموعه‌های متعددی تعریف



سخنرانی دکتر حسین اردستانی در آیین رونمایی؛ تهران مرکز اسناد؛ ۱۳۹۲/۶



سخنرانی سردار عراقی در آیین رونمایی؛ تهران مرکز اسناد؛ ۱۳۹۲/۶

که فلان کارها را این جا می‌کرده ولی ما خیلی یادمان نمانده، چون مقطعی این جا بود و وقتی عملیات تمام شد، او هم برگشته است و آن راوی در عملیات بعد در یگان دیگری رفته است. شاید عدم ثبات راویان در یگان‌ها و در رده‌ها یکی از نکاتی باشد که باید در تجارب به آنها پرداخت.

ما سعی کرده‌ایم برای همه‌ی شهدای راوی در مرکز حداقل یک کتاب یا چند تا شهید را در یک کتاب به رشته‌ی تحریر در آوریم تا هم در اختیار خانواده‌هایشان و هم نسل جوان باشد و هم به عنوان یکی از رده‌های جنگ به آنها پرداخته شود. بر همین اساس کتابی که امروز رونمایی می‌شود مربوط است به شهید محمدرضا ملکی که جزو راویان به نام و فرهیخته‌ی مرکز بوده است. در دفاع مقدس نسبت تحصیلات راویان با رزمنده‌ها، نسب بالاتری بوده است. آنها یا عمدتاً دانشجویان بوده‌اند یا در حال تحصیل بوده و یا در شان تمام شده بوده است. فلذا کتاب شهید ملکی به عنوان اولین کتاب تدوین شد و ما بقی شهدا را که شروع کردیم دیدیم با توجه به مدت حضور آنها در جبهه که کوتاه بوده است، فعل و انفعالات و واکنش‌ها و

در باب سرداران شهید با رویکرد متفاوتی وارد شدیم و به رفتارهای مدیریتی این عزیزان پرداختیم و به زندگی‌های شخصی آنها نپرداختیم و در مورد بحث راویان هم که متولی خاصی نداشت و مربوط به خانواده‌ی مرکز بوده است، ما به این عزیزان هم پرداخته‌ایم. مرکز با توجه به جمعیتش در دفاع مقدس نسبت بسیار بالایی از شهدا را تقدیم کرده است. یعنی جمعیتی حدود ۱۶ یا ۱۷ نفر شهید را تقدیم انقلاب و نظام کرده است و البته این عزیزان در گمنامی تمام خدمتشان را در مرکز انجام داده‌اند، به خصوص راویان شهید ما. چون راوی‌ها در یک مقطعی می‌آمدند و در مقطعی دیگر می‌رفتند و شاید گاهی اوقات با بی‌مهری هم مواجه می‌شدند، چون همه فکر می‌کردند که این‌ها چند روزی هستند و بعد می‌روند و به کار آشنایی ندارند. فلذا ما برای جمع‌آوری اطلاعات از این راویان شهید دچار مشکل هستیم، مثلاً در مورد شهید الله‌داد. اگر از همکارانشان در مرکز پرسیم می‌گویند که ایشان چند روزی در مرکز بوده است و رفته است داخل یگان و اگر به سراغ دوستانشان در لشکر ۱۷ علی ابن ابی طالب^(ع) برویم می‌گویند که برادری بود

و ارزش‌های و هنجارهای آن جامعه و سرمایه‌های اجتماعی آن جامعه است.

سرمایه‌های اجتماعی اعتباری است که به واسطه‌ی یک فرد یا یک گروه در جامعه توسعه داده می‌شود و دیگران با تکیه بر این ارزش‌های اجتماعی و سرمایه‌های اجتماعی امنیت آن نظام را حفظ می‌کنند. مثلاً یک دانشمند یا یک هنرمند یا یک روحانی یا یک شهید در جامعه می‌تواند سرمایه‌ی اجتماعی باشد. یک شهید هم می‌تواند سرمایه‌ی اجتماعی باشد که با تکیه بر عملکرد این شهید روزی که حاکمیت و نظام در حفظ امنیت ملی خودش دچار مشکل است، جاکمیت می‌تواند امنیت ملی خودش را حفظ کند.

اگر ما امروز دور هم جمع شده‌ایم که از دست نوشته‌های این عزیزان راوی که در دوران دفاع مقدس رونمایی بکنیم و از آنها بهره بگیریم، در واقع این کار حفظ و احترام سرمایه‌های اجتماعی و تأمین امنیت ملی ما است و اگر امنیت در جامعه‌ای نباشد هیچ چیز نخواهد بود و شهدای ما یکی از گروه‌هایی هستند که در جامعه امنیت ملی ما را حفظ کردند. چرا که دنیا متحد شدند برای جنگ با ما و برای تجاوز و گرفتن کشور ما و اگر نبود فداکاری‌ها و ایثارگری‌های مردم و شهدا و رهنمودهای امام خمینی^(ره) امروز تمامیت ارضی ما دچار خدشه بود. چون حفظ تمامیت ارضی هم یکی از مؤلفه‌های امنیت ملی است و اگر امنیت ملی و منافع ملی و ارزش‌های جامعه اگر به خطر افتد همه باید خودشان را فدا کنند برای حفظ آن. آن موقع که امنیت ملی و تمامیت ارضی ما به خطر افتاد شهدا رفتند و فداکاری کردند و خونشان را دادند و حکومت اسلامی و ارزش‌های ما را حفظ کردند و امروز ما کار زیادی برای آنها انجام نمی‌دهیم و ما باید قدردانی از این سرمایه‌های اجتماعی کنیم و اگر این سرمایه‌ها

برجستگی‌های حضور آنها در حد یک کتاب نبوده است. به همین خاطر مطالب دسته‌بندی شده است و بعضی از شهدا، هر سه‌تاشان در یک کتاب یا هر دو تا شهید در یک کتاب، آمده است و در این کتاب‌ها سعی شده است با قلمی شیوا و روان کار شود و از صنایع ادبی و از زندگی‌نامه‌ی داستانی هم در این کتاب‌ها استفاده شده است.

در گروه بررسی‌های جامعه محور می‌خواهیم به جوانب اجتماعی جنگ بپردازیم مثل جنگ شهرها و بمباران‌های شهرها و کارهایی در این زمینه انجام شده مثل جنگ شهرها در تهران یا جنگ شهرها در دزفول یا در سردشت و یا در شهرهای دیگر.

همچنین پرداختن به موضوعات و مواردی که از تدابیر مقام معظم رهبری^(مدظله) توسط رئیس مرکز احصاء شده است و این‌ها را در حوزه‌ی کاری خودمان قرار داده‌ایم.»

شهدا، سرمایه‌های اجتماعی

همچنین در این آیین رونمایی سردار عراقی، جانشین نیروی زمینی سپاه پاسداران، به ایراد سخنرانی پرداختند که متن صحبت‌های ایشان در این مراسم به سمع و نظرتان می‌رسد:

«هر جامعه‌ای به دنبال حفظ امنیت ملی خودشان است. اگر در همه جای دنیا شما بررسی کنید از زمان افلاطون و ارسطو یکی از وظایف اصلی حاکمان جامعه حفظ امنیت ملی جامعه بوده است و در حقیقت ۲، ۳ تا وظیفه‌ی ذاتی برای حاکمان هر جامعه‌ای می‌شمارند که یکی از آنها حفظ امنیت ملی هر کشور می‌باشد و دیگری هم حل مشکلات رفاهی و معیشتی است و به سعادت رساندن آن جامعه است.

خود امنیت ملی مؤلفه‌های مختلفی دارد: امنیت ملی در دنیا به ویژه در خاور میانه ۵ الی ۶ مؤلفه دارد: یکی از آنها در هر جامعه‌ای حفظ دستاوردها

[illegible]

یا فیلمی از آنها گرفته شود و هر چه هم که اسناد و مدارک مانده است، دیگران به صورت غافلگیرانه و ناگهانی گرفته‌اند و در حالی بوده است که آنها حواسشان نبوده است و داشتند کاری می‌کردند و دیگران آمده‌اند و ازشان گرفته‌اند و این راویان افرادی نترس و شجاع و متدین و خوش اخلاق و علاقمند به این کار بودند و آن موقع کسی متوجه نبود که این‌ها چه کاری می‌کنند و حالا است که ما پی برده‌ایم که آنها چه کار ارزشمندی می‌کرده‌اند و اسناد دست اول و واقعی‌ای را این‌ها تدوین می‌کردند و ما می‌توانیم بر روی این شهدا به عنوان یکی از مؤلفه‌های امنیت ملی‌مان مانور بدهیم و در این کار صرفاً کار دولتی نکنید و کاری کنید که عمومیت داشته باشد. در پایان تشکر می‌کنم از دست‌اندرکاران برگزاری این جلسه.»

حفظ شوند امنیت ملی ما و ارزش‌های ما در جامعه حفظ خواهد شد و شهدا متعلق به همه هستند و ارزش‌های ملی هستند به ویژه این شهدایی که به عنوان راوی در جبهه‌ها بودند و امروز قرار است که رونمایی از دست‌نوشته‌های آنها بشود و این‌ها مظلوم‌ترین شهدا بودند. چون ابتدا که این‌ها به جبهه‌ها آمدند، همه می‌گفتند این‌ها از دفتر سیاسی آمده‌اند و فرمانده لشکرها و فرمانده تیپ‌ها روی این‌ها حساس بودند و می‌گفتند که یک قلم و دفتری این‌ها گرفته‌اند و آن موقع خیلی مرسوم نبود که قلم و دفتر بگیرند و بنویسند و اگر کسی می‌خواست عکس بگیرد، اصلاً اجازه نمی‌دادند و اگر می‌خواستند صدای فرمانده لشکرها را ضبط کنند، فرمانده لشکرها فرار می‌کردند و خود رزمنده‌ها و فرمانده لشکرها حاضر نبودند عکس



عملیات کربلای ۵ به روایت اسناد

حسن دری

مقدمه

از سوی دیگر، پیروزی بزرگ عملیات کربلای ۵ رارقم زد. فصلنامه نگین در راستای ارائه اسناد و مدارک دسته اول جنگ، از هزاران برگ اسناد عملیات کربلای ۵، تعدادی را به شمار آرشیوهای ۲۸۰۵۱۷، ۲۶۲۸۲۷، ۲۵۹۸۶، ۲۶۷۶۵ و ۲۶۸۲۹ جهت بهره‌برداری علاقه‌مندان حوزه پژوهش و تحقیق دفاع مقدس به چاپ رسانده است. امید است مفید واقع شود.

بی‌تردید عملیات کربلای ۵ از مهم‌ترین و موثرترین عملیات‌های هشت سال دفاع مقدس به شمار می‌رود. طراحی، سازماندهی و فرماندهی دقیق و هوشمند همراه با سرعت عمل بالای فرماندهان سپاه پاسداران از یک سو و حماسه‌های شگرف و شجاعت، دلیری و استقامت رزمندگان در عبور از موانع مستحکم و نفوذناپذیر دشمن در شرق بصره

شماره: ۱۲۴۲-۱-۱
تاریخ: ۱۸/۱۰/۶۵
پست: ...
طبقه: ...



جمهوری اسلامی ایران



نیرودی ریشی
به:
از:
موضوع:

خواهشمند است شخصاً مفتوح فرمائید

اسری

بسم الله الرحمن الرحيم

آسی

برادران، فرزندان عزیز

۲۵۴ - ۲/۲ - ۷۸۹۷۸ - ۲۶۹۷۸ - (۷) ۱۰۰۰۰۰۰۰۰

به برکت من بسم الله الرحمن الرحيم، جنت رحمت
دین معاد آن ارباب مسرود، ضرورت دارد من مذکور را
در حبس داخلی با سهیلین تحت ابر خود (فرزندان گرانمایه)،
مسئولین واحد، قرائت و مورد دقت قرار دهم.
امید است خداوند متعال توفیق و یاریت خدمت به
نقیب اسلام، لایزال بفرماید، با عطا فرماید
فرزندان یزید زینبی، علی شیح

الحمد لله

محل ثبت	شماره ثبت	تاریخ ثبت	اقدام کننده	سأله

۴



و قتر فزایدی کل

بسم الله الرحمن الرحيم

(نیم بهشت)

... وَجِدًا فِي جِهَادِ الْعَدُوِّ

و اما هشدار است:

روزنه‌ها ن غریب اسلام، مگر عسکرا، انجمنی بر چنین جوانمردان و مجاهدین فی سبیل اللہ نیست و مگر قزاقان اسلام و سبیل نبوت، مگر طوایف و پارتی
مبارکین مسلمان و عدم چشم‌گشایی در پرتو شعاع عسکرا حاصل نشده؟ پس برادران و هم‌زمان باکری، باقری و دهانی، مستطرح چه هستیم؟ دشمن
خدا و قرآن و نبوت است در حقیقت قدیمی‌ها در میدان اینها بیم عار دارد و زنده و سگواره خرمی است. لکن حیثیت لو پسید است که جنت و
ضطراب، رسوب او را گرفته است. این پهلوان کمانگیر که در مقابل قدرت اسلام و خداوند متعال با دکان قدرت نامی کشیده، در کسانهای
خدا شده می‌رود و در زمین، غارتگری می‌کند و خود را آزاد کرده تا بکند متواند با غارتگری و انزوا آتش به پا و حمله کند با یک یورش
مردانه شایسته زانو خواهد نشست (اثر امام) که: كَتَبَ اللَّهُ لَاحِقِينَ اَنَا وَرَسُولِي
لنکمره عا در سحر نیکو آموختم، نفییم چه، کشیدای لنکا لو رفته و لنکا با یکدیگریم. این درست است که فرصت کافی برای
کشت و کشتیرانی جزئیات نداشته‌ایم و اگر هم بخوانیم غارتگری را رعایت کنیم و هم با سرعت زانو بر زمین؟ جدید را عبید دشمن
لنکا گیریم، هیچ راه‌حلی نداریم که ولو بخشی عدول را باز نکنیم ضمن اینکه امروز، پنجشنبه ۱۳۹۲، سانس به تمام آتش می‌رسد و
فرستادن در محضر الهی و سرافرازی در مقام امام عزیز را دنبال دارد. برادران عزیز و همکاران، ای عی دنا، با هم‌واری بی‌طرحه
باشیم که فلما رأى الله صدقنا انزل بعد و انزل و انزل علينا النصر حتى استقر الاسلام... (اثر امام) که
خداوند متعال صدفقت ما را دید (که حاضریم در راه اسلام از هر چیز خود گذاریم) دشمن ما را ذلیل و می‌رود و راضی گرداند تا به سلام مستقر شود
.... (نیم بهشت ۵۵)

برادران عزیز، این عیبت، نه عیبت تکلیف به عمیت صدق و دشمن در محضر خداوند متعال است. اگرش لنکایم

(۱)



شماره

تاریخ ۱۷/۱۰/۷۵

پیوست

دقت فرماندهی کل

که بر اسلام و قرآن از همه چیزان حاضرم بگویم مطمئن بشوید که خداوند ما را پرورد خواهد کرد و من خوف من دارم که حتی از مال این استمن. موقوف بهون نیایم و خدای داند که چه خواهد شد و بر سر اسلام و مسلمین چه خواهد آمد و برگردد، مان چه خواهد گذشت که مرلایان علی (ع) امیرنایب در چنین شرایطی بپایان خواهد شد (و به سرشیر از زبان نامزدین) خون خواهد ریخت بر سرمان بنیاد به درگاه خداوند برویم و پرستان او سر تسلیم فرود آورده از کوفه رفاران با خداوند آمینه و در زمین عذرخواهی کنیم و خود را خاضع و قلب سحتمان را در محال او نرم سازیم مطمئن بشویم که خداوند ما را رها نخواهد کرد نسبت به ای تعادلت کوچه ما دست ما را خواهد گرفت و با نصرت خود ما را خواهد کشید و با برادری، نرمی دل میخواهد و اگر خنجره و کارشماست این امر باید در این حدیث از همه چیز خود بگذریم. به کجا برگردیم؟ به شهر؟ دران شده و مدارس فروریخته، به تشیع چنانکه کورگان زیر آوار زنده از بیداران بعثتین، به مراکز اقتصاد تخریب شده که جان پناهی در محال هواپیما این غول با دگن ندارند؟. باران غرور، شاه در عیادت کربلا دیدیم که چگونه سگوار خا از نیروار فراری علان در محلهای وجود داشت و نشاطی را که شاه در محال خنجره مقاومت دیدیم آتش؟ کشیده بود بعد بود که جایگزین کلاش و آکری جی پاشته بود و در زمین با خنجره مرد ساقط شده بود ستر از آتش آتش بر سخته به و مطمئن بشوید که اگر این سته آتش را پشت سر نگذاشته بودیم بگی به ناپت کرده و فراموش کرده. الا که نیز چنین است. این غول با دگن در آسمان بدون هواپیما و در زمین آسمان از نیروار پیاده، غول شده است باید یک پدش قهر، ستر و عاشقانه او را سرکوب کنیم. سگوارش را فروریزیم، بزمیم خاردار که سر عبور کنیم و دقتی که با او قاطی کنیم مطمئن بشویم که با سرعی فرار خواهد کرد که بگی اگشت به دکان خواهیم گرفت که ای! اما، حتی از قاطی نشن با او به از موافق فریبی و آتش دشمن بگذریم که ما را این را رانده باید از موافق خودمان عبور کنیم و حرکتی که داریم سرمایه اندازی کنیم تا دلو در چند روز از انان موافق رد شویم آن مرغ دیگر کار آسان نخواهد بود. اما کافی نیست مهم است که باید رعایت شود:

الف - منطقه را کی مطمئن. در کالک مشخص شده و به قرار ما ابله شده و در صورت حرجانی باید لشکر از این منطقه را کی مطمئن بگذراند

(۲)

بسمه تعالی



نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

۶۵۱۱۶

شماره
تاریخ
پیوست

روزنامه‌ها، راهی طریق سیدالشهدا (ع)، ستادمان درخان سیدان بزرگ.

فائز در هزار اسطره اشک.

کلمات را چون می توان بهم متصل نمود و از آنجا که چون می توان جبر خست که تراند عدالتی از
ایستادگی و دشمن شکنی شمارا تفسیر کنند، من که از انجام این مهم، عاجز هستم و الهی کسی را جبر خست ای
بزرگ یاری آن نیست و شما عزیزان نیز که بزرگ نبوده و نیستید که به وظیفه ای جز تکلیف الهی و رضایت خیرا
خشنودی حوریت حق، بسنده کنید.

ای پیشانیان فتح بفر، تا دستک سر از از شما مردم فدایا بر پیشانیان ناحق وین خود را در
این عبادت گاه کنون به اسلام و تقوی اسبی ادا نموده و در راه درختی امنیتی، در هزار اسطره اشک
برادر عظیم الشان، کلهر، میرزای، کلبه، عسکری و... و دست پر شهادت تمام را که مفتی عظیم بر من و ما دارند
تقدیم اسلام نموده اید. اسیر دارم میر خونی را که با شهادت، فتح باب کرده با عزیزی را که خنجر تافح
یکایک خنجر با شهادت بفراد بخول و قوه الهی ادا نموده و با تهور خود جستم را بر لبان مبارک حضرت امام
مستور بفرید. بسیار متان زیارتان بودم که کردم حضورم در جبهه یگانا از من سبب سعادت
کرد اسیر دارم در اولین فرصت به دیدارتان توفیق یابم.

مستور دعا. برادران علی شهنی فی الیل

۶۵۱۱۶

۸۸۶-۸۱۳-۷۸۱۶۱۸۹-۰۰۰۱۰۰۸



شماره ۷۱۲/۷
تاریخ ۷/۱۲/۹۵
پرست

ب : فرزند ہی نہیں ہے
لفظ : فرزند ہی خوار خوار کی طرح

مستخرج از دفتر حضرت زین العابدین علیه السلام
در روز شنبه بیستم ماه رجب سنه ۲۵۱۰ هجری قمری
که در آن روز حضرت زین العابدین علیه السلام فرمودند که هر کس
چهار مرتبه گفتار من را بخواند و نیت کند که این دعا را برای
کمال آرزو بگوید.

۱- ۱۴ دیکھو! شکر ملکہ در بدر - اترکت چہ جہاں
 - اترکت پات را عمل کند ازکت چہ نورالت طالعی کج و ضعیف
 شکر ملکہ است نظر از کون راست ہم طرف تپید در نور کج و ضعیف
 نورالت بدو در نیمہ بیت (۹۰) مرا خازرکت چہ
 در بدر جہاں است احدی بمن: بگفتہ افراہ از شکر
 کج دلالت کف کما در فرائد مولیٰ کہ در کج و ضعیف ہم
 دلالت کج رہے ہمہ و نفع نہ ہمہ انور کج و ضعیف رہے
 است دلالت افراہ از خط تسع خورید - اترکت کج و ضعیف
 زوایت و کج و ضعیف کج و ضعیف کج و ضعیف

شماره
تایخ
پرست



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



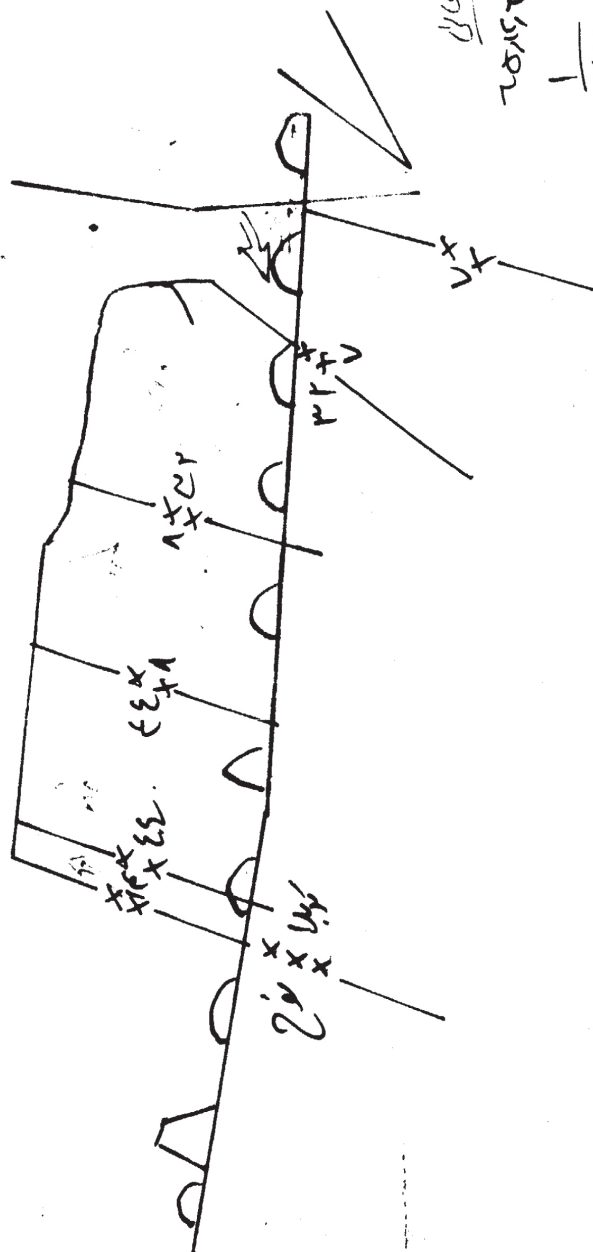
جمهوری اسلامی ایران

[illegible]

به موافق قطع خونی شد.
 رکن لغز زدن بدشته تا بحال لندام به اجار رکن و شش بر بستر کرد
 خمر خور و زدن هم امروز لندام به جنبه تا یک نذر بهانه کند به کفر
 تا یک رکن به یک ۵ که از لنگر خونی و به کعبه زدن و رسم هم است
 به موافق بقرن شده و یک به موافق خونی هم زدن شد و رسم

Handwritten signature: *W. J. ...*

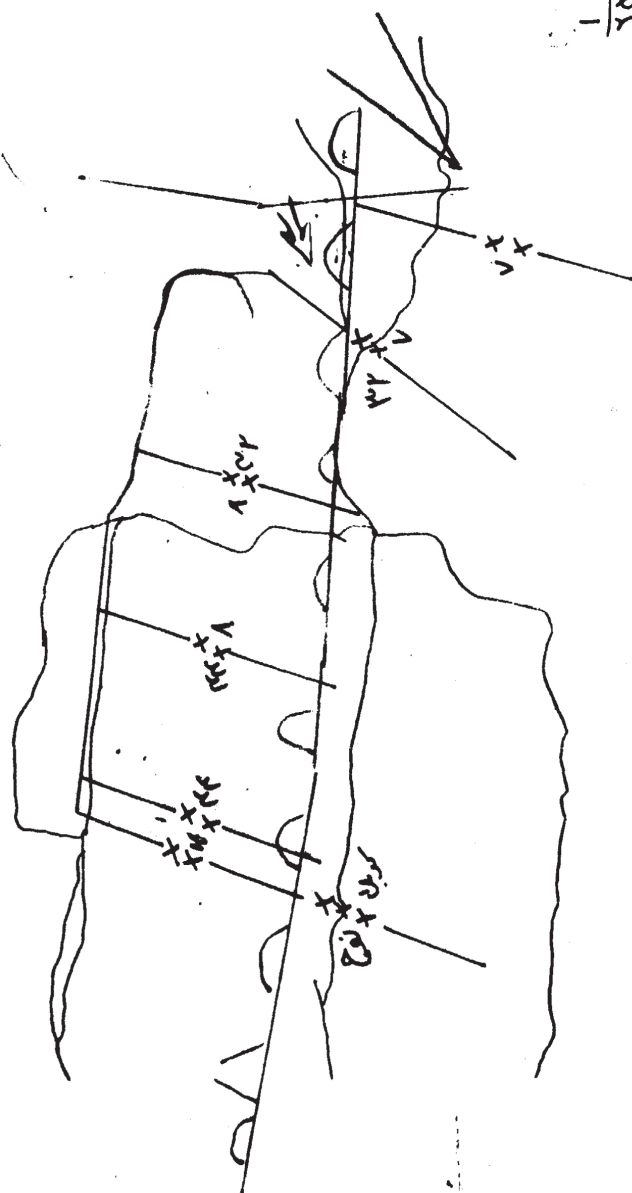
کتاب: عمیات ۶/۵۵
مقیاس: ۱/۵۰۰
تاریخ: ۱۳۵۲
ط-ع-ق-ک-م



لایک: ۶۵۰۰۰
 قیاس: ۶۵,۱۲,۸
 تاریخ: ۶۵,۱۲,۸
 نویسنده: ط-ع-ق-ک-ر

بسمه تالی

بسمه تالی



تیپ ۴۶ پیاده این تیپ با سه گردان پیاده خود در منطقه نبرد مستقر بود که مهم‌ترین آن‌ها تیپ ۸۰۵ و تیپ ۸۰۴ مستقر بود و تاج لشکر ۲۰ پیاده در دوران نبرد از حرکت بطرف بصره تیپ یک که نیزه لشکر که گسترش پیدا کرده و جای خالی این تیپ و تیپ ۸۰۵ را که تبدیل به منطقه لوام شده بود پر کرد. ارتش خود چشمن اصرار اظهار میدارند قبل از اعزام آنها تیپ ۴۶ پیاده نیز به منطقه نبرد اعزام شده بود که از جانبین این تیپ اطلاع‌دهی نداشت. تیپ ۴۶ ساعت ۱۰:۲۴ روز ۲۵ به طرف بصره حرکت کرده و ساعت ۲۰۰۰ روز ۲۴ زار وارد منطقه شده و همان شب بطرف خط مقدم منطقه عقب‌نشینی کردند و نسبت به نبرد هیچ مستقر نکردند که در پی حمله زورخانه اسلام نبرد با این تیپ متوقف شده و نبردی نیز با سارت نبرد با اسلام در میانید.

گردان کماندول ۱۵۰ این گردان قبلاً در منطقه قلعه صالح مستقر داشت و شب ۲۰ روز ۲۴ ۱۰:۲۴ به طرف بصره حرکت کرده و همان شب در نزدیکی دژیان بصره پیاده شده و با هیچ استراتژی نداشت و شب ۲۵ روز ۲۵ به طرف عقب حرکت میکرد که در روز در منطقه مستقری شوند و روز ۲۶ ۱۰:۲۴ در پی سقوط کرکاه تیپ ۲۴ این گردان با مأموریت میداد که کرکاه را از زمینگاه اسلام باز پس بگیرد که مأمورین خود در پس آنکه تعدادی کشته و زخمی شده گردان عقب‌نشینی و مأمورین میگرفتند (البته در مأموریت باز پس گیری کرکاه تیپ ۲۴ چند دستگاه تانک نیز به این گردان مأمور گردید است).

تیپ ۴۴ پیاده این تیپ که با گردان خود در خط پدافندی منطقه شریانی تحت امر لشکر ۱ مستقر بوده است بین تیپ‌های ۱۰، ۲۰ و ۴۰ کماندو پیاده لوام گسترش داشت. ارتش (تیپ کماندو پیاده چهارم به منطقه عملیاتی کرکاه و پیوسته شده) تی ۵۰ پیاده که در منطقه کرکاه و پیوسته خاست دیده و بازسازی شده جایگزین تی ۴۴ پیاده شده است (بهت سازماندهی و پیانند). تی ۴۴ پیاده در تاریخ ۲۵/۱۰/۶۵ ساعت ۱۴:۰۰ به طرف بصره حرکت کرده و از طریق جاده شماره ۱۰۰ - قروه - نشرو و جاده لشکر ۵ به منطقه عملیاتی آسوده و پنج روز بعد ساعت ۱۰:۰۰ در حوالی نشرو استقرار میابد و ساعت ۲۱:۰۰ هانروز (۲۶/۱۰/۶۵) تیپ به منطقه نبرد حاکم منتقل شده و سمت چپ پی عقب استقرار نمودند که تیپ بعد از سرور در این منطقه در نبرد و روز ۲۹/۱۰/۶۵ در پی هجوم زورخانه اسلام آنها متعاقب شد و در نبرد نیز اسیر شدند. بنا به اظهارات اسرای این تیپ مهم‌ترین تیپ ۴۴ تیپ ۴۴ پیاده و سمت راست آنها پارت نبرد حاکم تیپ ۴۱۷ پیاده مستقر بوده است. تیپ ۴۴ دقایق به منطقه آمده تیپ ۴۱ پیاده و خاست زورخانه و در نبرد با نیروی خود است.

شماره ۲

تأیید الحارث اسرای تیب ۴۵، تیب ۷۹ و ۹۶ در پی خسارت زیادی که در اثر این منطقه خارج شدند. همچنین قهای ۲۶۶ و ۲۶۷ و ۲۶۸ نیز (از منطقه خارج شده اند و نیز تیب ۱۱۱) در سرحد ۶۵، ۱۲۶، ۱۲۷ بعد از تلفات زیادی که داده بود از منطقه خارج شده است. اسناد تیب ۱۱۱ قبل از عملیات حدود ۱۰۰ نفر بوده که هرگز آن بهین (۶۰۰ نفر) را نگرفته و تیب گفته اسرا قبل از شرکت در عملیات بیش از ۱۲۰ نفر از پرسنل تیب و نفری که گفته شده و همسر از هم رفته خانه اسلم که در آن اول و سوم هر کدام حدود ۲۰ و ۲۰ نفر از پرسنل حدود ۴۰ تلفات داشته است.

تیب ۱۱۱ و ۱۱۲ این تیب قبل از عملیات در منطقه پادفندی جومبر (شرق ده) تابع لشکر ۱۱۱ بوده و تحت امر آن تیب ۵۰ کماندو (بیاد کوهستان) و تحت امر آن تیب ۱۹ بیاد گسترش داشته است. این تیب با شروع عملیات کرمانشاه به منطقه مقبوضه آمده و در حالت آماده باش به سرسبز تا اینکه در تاریخ ۶۵، ۱۲۶، ۱۲۷ ساعت ۱۱:۰۰ بنابر دستور بطرف نهر هجان حرکت کرده و در آنجا مستقر شده که بلافاصله ف تیب سرخس تحت در داخل یکی از خرابه ها نیروهای خود را تقسیم کرده و سواران و تحت بطرف خاکریز حدم تابع پشت خاکریز مستقر بوده که زیر آتش شدید نیروهای اسلام در یک حالت سرگردانی به سرسبز رانده و صبح روز بعد تعدادی اسیر شده و تعدادی نیز فراری گشته و قرارگاه این تیب در داخل یک دبیرستان در شهر بیاد شده. و قرارگاه اصلی آن در نزدیکی شهر بیاد شده.

تیب ۱۱۰ و ۱۱۱ این تیب قبل از اعزام به منطقه در خارج مستقر بوده و در تاریخ ۶۵، ۱۲۶، ۱۲۷ ساعت ۱۱:۰۰ شب بطرف سرحد حرکت کرده و در آنجا در روز ساعت ۱۵:۰۰ روز ۶۵، ۱۲۶، ۱۲۷ با عبور از حادد مقبوضه عقب و پل روی جزیره صالحیه و پل رابط ام الطویل وارد این جزیره شده و در ۵۰ متری پل روی خاکریز سبیل نهرهای اسلام گسترش می دادند. همچنین این تیب روی پل صالحیه و حادد این جزیره از طرف شرقی در کنار تیب ۱۱۷ گسترش داشته و تحت حاکمان فی الحی بیاد بوده است. اسرا این تیب الهام گشته که قبلاً نهرهای مخصوص در جزیره ام الطویل بردارند که برای آتش روزنه های اسلام و همین آتش این نهرها کاملاً منهدم شده و خارج شده. اسلامی این تیب الهام می کنند که تیب ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۸، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۵۶، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۰، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴، ۱۳۰۵، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۱۵، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۳۱۸، ۱۳۱۹، ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۲۲، ۱۳۲۳، ۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۶، ۱۳۲۷، ۱۳۲۸، ۱۳۲۹، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲، ۱۳۳۳، ۱۳۳۴، ۱۳۳۵، ۱۳۳۶، ۱۳۳۷، ۱۳۳۸، ۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱، ۱۳۴۲، ۱۳۴۳، ۱۳۴۴، ۱۳۴۵، ۱۳۴۶، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸، ۱۳۴۹، ۱۳۵۰، ۱۳۵۱، ۱۳۵۲، ۱۳۵۳، ۱۳۵۴، ۱۳۵۵، ۱۳۵۶، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸، ۱۳۵۹، ۱۳۶۰، ۱۳۶۱، ۱۳۶۲، ۱۳۶۳، ۱۳۶۴، ۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۷، ۱۳۶۸، ۱۳۶۹، ۱۳۷۰، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲، ۱۳۷۳، ۱۳۷۴، ۱۳۷۵، ۱۳۷۶، ۱۳۷۷، ۱۳۷۸، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲، ۱۳۸۳، ۱۳۸۴، ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷، ۱۳۸۸، ۱۳۸۹، ۱۳۹۰، ۱۳۹۱، ۱۳۹۲، ۱۳۹۳، ۱۳۹۴، ۱۳۹۵، ۱۳۹۶، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸، ۱۳۹۹، ۱۴۰۰، ۱۴۰۱، ۱۴۰۲، ۱۴۰۳، ۱۴۰۴، ۱۴۰۵، ۱۴۰۶، ۱۴۰۷، ۱۴۰۸، ۱۴۰۹، ۱۴۱۰، ۱۴۱

- قی ۴۱۷ پیاده مدت ۲۴ است بعد از بارش غلات و حملات کردی یک با حاد است استعداد یعنی
 هر روز ۱۵۰ نفر در منطقه زمین القوس می باشد مکرده است و دست چپ در است آقا قی ها
 ۱۲ پیاده و ۴۲۲ پیاده است و پنج لشکر ۲۸ پیاده (کوت امر) این قی سر روز قبل از
 انعام ۳ منطقه جنوب (تایخ انعام ۱۳، ۱۴، ۱۵) آماده باش صد در صد بوده و فرمانده و در حال نقل
 قول از فرمانده لشکر اعلام کرده بود که این اشیاء حتماً عمل خواهد کرد و روز ۲۴ بار ۵۰۰ نفر
 یک آتش تپه شش رگ آتش اجرا شد است که از جمله نیروها را اسلحه خنجر شده و
 بعد از آن ساعت ۶:۳۰ روز سه شنبه ۱۴۰۲، بین از لعل قبی بطرف جنوب حرکت کردند و
 بنابه اظهار اسیر یزد در راه بوده اند و در بین راه در جاده غماره و تنگی که داخل بین پست تبریز نظامی
 در حال سوختن می بود اند تعداد ۱۲ نفر از سربازان قرار گرفت و بداخل با فضای اطراف رفته اند
 که فرمانده گردان آتش را به اعلام تمهید کرده است ۱۰ این تپه جمعاً با ۱۹ خود و ال بی که هر
 دستگاه آن ۴۰ تا ۴۵ نفر ظرفیت دارد باقی مانده ۲ اینها از نوع گماز حاصل می باشد و اینها
 حاصل و ال تدارکاتی و اوراق منتقل شده و ساعت ۶:۳۰ با بار روز پنجشنبه به تسویه
 رسیده اند که تا صبح روز ۲۶، ۲۷، ۲۸ ساعت ۴:۰۰ صبح در همانجا مستقر شده و سپس بطرف
 منطقه شلم حرکت کرده و در پشت خاکریز دوم بعد از سید جاکم (سید محمد رحله) ۴
 تپه مستقر گردیده که در آنجا ده خاکریز (سید محمد رحله) تپه های سنگی به ترتیب در حله اول
 و متوال بی دره نر جاکم قی ۹۲ پیاده ۲۰۰ نفر حاد است و خلعت عناصری از قی ۱۰ نفر و
 بعد از قی ۹۲ بعد از کمانال پرورش مانی و همین عملی قی ۱۰ نفر و سپاه ششم و بعد از آن
 در حله محوم قی ۱۰ پیاده مستقر بوده است که قی ۹۵ پیاده بعقب خاوندان
 که در اثر حملات نیروها اسلحه دیده بود بعقب منتقل شده و قی ۱۷ پیاده (از خاکریز دوم)
 یک گردان جاکم این تپه کرده که ساعت ۳:۰۰ سه شنبه ۱۴۰۲، ۶۵ هدف صد
 نیروهای اسلحه و گردان اول کمانال ششم شده است که بیش از ۱۵۰ کشته در
 داشت و بنابه اظهار اسیر بعد از آن گردان دوم را که با سربازان شده که سون می بودند
 اما تپه کماندو سه ششم یا نر جاکم فوت موفق شده است که یک تپه بمبارد
 اسیر از سربازان گردانهای ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ و ۳۱ و ۳۲ و ۳۳ و ۳۴ و ۳۵ و ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ و ۳۹ و ۴۰ و ۴۱ و ۴۲ و ۴۳ و ۴۴ و ۴۵ و ۴۶ و ۴۷ و ۴۸ و ۴۹ و ۵۰ و ۵۱ و ۵۲ و ۵۳ و ۵۴ و ۵۵ و ۵۶ و ۵۷ و ۵۸ و ۵۹ و ۶۰ و ۶۱ و ۶۲ و ۶۳ و ۶۴ و ۶۵ و ۶۶ و ۶۷ و ۶۸ و ۶۹ و ۷۰ و ۷۱ و ۷۲ و ۷۳ و ۷۴ و ۷۵ و ۷۶ و ۷۷ و ۷۸ و ۷۹ و ۸۰ و ۸۱ و ۸۲ و ۸۳ و ۸۴ و ۸۵ و ۸۶ و ۸۷ و ۸۸ و ۸۹ و ۹۰ و ۹۱ و ۹۲ و ۹۳ و ۹۴ و ۹۵ و ۹۶ و ۹۷ و ۹۸ و ۹۹ و ۱۰۰ و ۱۰۱ و ۱۰۲ و ۱۰۳ و ۱۰۴ و ۱۰۵ و ۱۰۶ و ۱۰۷ و ۱۰۸ و ۱۰۹ و ۱۱۰ و ۱۱۱ و ۱۱۲ و ۱۱۳ و ۱۱۴ و ۱۱۵ و ۱۱۶ و ۱۱۷ و ۱۱۸ و ۱۱۹ و ۱۲۰ و ۱۲۱ و ۱۲۲ و ۱۲۳ و ۱۲۴ و ۱۲۵ و ۱۲۶ و ۱۲۷ و ۱۲۸ و ۱۲۹ و ۱۳۰ و ۱۳۱ و ۱۳۲ و ۱۳۳ و ۱۳۴ و ۱۳۵ و ۱۳۶ و ۱۳۷ و ۱۳۸ و ۱۳۹ و ۱۴۰ و ۱۴۱ و ۱۴۲ و ۱۴۳ و ۱۴۴ و ۱۴۵ و ۱۴۶ و ۱۴۷ و ۱۴۸ و ۱۴۹ و ۱۵۰ و ۱۵۱ و ۱۵۲ و ۱۵۳ و ۱۵۴ و ۱۵۵ و ۱۵۶ و ۱۵۷ و ۱۵۸ و ۱۵۹ و ۱۶۰ و ۱۶۱ و ۱۶۲ و ۱۶۳ و ۱۶۴ و ۱۶۵ و ۱۶۶ و ۱۶۷ و ۱۶۸ و ۱۶۹ و ۱۷۰ و ۱۷۱ و ۱۷۲ و ۱۷۳ و ۱۷۴ و ۱۷۵ و ۱۷۶ و ۱۷۷ و ۱۷۸ و ۱۷۹ و ۱۸۰ و ۱۸۱ و ۱۸۲ و ۱۸۳ و ۱۸۴ و ۱۸۵ و ۱۸۶ و ۱۸۷ و ۱۸۸ و ۱۸۹ و ۱۹۰ و ۱۹۱ و ۱۹۲ و ۱۹۳ و ۱۹۴ و ۱۹۵ و ۱۹۶ و ۱۹۷ و ۱۹۸ و ۱۹۹ و ۲۰۰ و ۲۰۱ و ۲۰۲ و ۲۰۳ و ۲۰۴ و ۲۰۵ و ۲۰۶ و ۲۰۷ و ۲۰۸ و ۲۰۹ و ۲۱۰ و ۲۱۱ و ۲۱۲ و ۲۱۳ و ۲۱۴ و ۲۱۵ و ۲۱۶ و ۲۱۷ و ۲۱۸ و ۲۱۹ و ۲۲۰ و ۲۲۱ و ۲۲۲ و ۲۲۳ و ۲۲۴ و ۲۲۵ و ۲۲۶ و ۲۲۷ و ۲۲۸ و ۲۲۹ و ۲۳۰ و ۲۳۱ و ۲۳۲ و ۲۳۳ و ۲۳۴ و ۲۳۵ و ۲۳۶ و ۲۳۷ و ۲۳۸ و ۲۳۹ و ۲۴۰ و ۲۴۱ و ۲۴۲ و ۲۴۳ و ۲۴۴ و ۲۴۵ و ۲۴۶ و ۲۴۷ و ۲۴۸ و ۲۴۹ و ۲۵۰ و ۲۵۱ و ۲۵۲ و ۲۵۳ و ۲۵۴ و ۲۵۵ و ۲۵۶ و ۲۵۷ و ۲۵۸ و ۲۵۹ و ۲۶۰ و ۲۶۱ و ۲۶۲ و ۲۶۳ و ۲۶۴ و ۲۶۵ و ۲۶۶ و ۲۶۷ و ۲۶۸ و ۲۶۹ و ۲۷۰ و ۲۷۱ و ۲۷۲ و ۲۷۳ و ۲۷۴ و ۲۷۵ و ۲۷۶ و ۲۷۷ و ۲۷۸ و ۲۷۹ و ۲۸۰ و ۲۸۱ و ۲۸۲ و ۲۸۳ و ۲۸۴ و ۲۸۵ و ۲۸۶ و ۲۸۷ و ۲۸۸ و ۲۸۹ و ۲۹۰ و ۲۹۱ و ۲۹۲ و ۲۹۳ و ۲۹۴ و ۲۹۵ و ۲۹۶ و ۲۹۷ و ۲۹۸ و ۲۹۹ و ۳۰۰ و ۳۰۱ و ۳۰۲ و ۳۰۳ و ۳۰۴ و ۳۰۵ و ۳۰۶ و ۳۰۷ و ۳۰۸ و ۳۰۹ و ۳۱۰ و ۳۱۱ و ۳۱۲ و ۳۱۳ و ۳۱۴ و ۳۱۵ و ۳۱۶ و ۳۱۷ و ۳۱۸ و ۳۱۹ و ۳۲۰ و ۳۲۱ و ۳۲۲ و ۳۲۳ و ۳۲۴ و ۳۲۵ و ۳۲۶ و ۳۲۷ و ۳۲۸ و ۳۲۹ و ۳۳۰ و ۳۳۱ و ۳۳۲ و ۳۳۳ و ۳۳۴ و ۳۳۵ و ۳۳۶ و ۳۳۷ و ۳۳۸ و ۳۳۹ و ۳۴۰ و ۳۴۱ و ۳۴۲ و ۳۴۳ و ۳۴۴ و ۳۴۵ و ۳۴۶ و ۳۴۷ و ۳۴۸ و ۳۴۹ و ۳۵۰ و ۳۵۱ و ۳۵۲ و ۳۵۳ و ۳۵۴ و ۳۵۵ و ۳۵۶ و ۳۵۷ و ۳۵۸ و ۳۵۹ و ۳۶۰ و ۳۶۱ و ۳۶۲ و ۳۶۳ و ۳۶۴ و ۳۶۵ و ۳۶۶ و ۳۶۷ و ۳۶۸ و ۳۶۹ و ۳۷۰ و ۳۷۱ و ۳۷۲ و ۳۷۳ و ۳۷۴ و ۳۷۵ و ۳۷۶ و ۳۷۷ و ۳۷۸ و ۳۷۹ و ۳۸۰ و ۳۸۱ و ۳۸۲ و ۳۸۳ و ۳۸۴ و ۳۸۵ و ۳۸۶ و ۳۸۷ و ۳۸۸ و ۳۸۹ و ۳۹۰ و ۳۹۱ و ۳۹۲ و ۳۹۳ و ۳۹۴ و ۳۹۵ و ۳۹۶ و ۳۹۷ و ۳۹۸ و ۳۹۹ و ۴۰۰ و ۴۰۱ و ۴۰۲ و ۴۰۳ و ۴۰۴ و ۴۰۵ و ۴۰۶ و ۴۰۷ و ۴۰۸ و ۴۰۹ و ۴۱۰ و ۴۱۱ و ۴۱۲ و ۴۱۳ و ۴۱۴ و ۴۱۵ و ۴۱۶ و ۴۱۷ و ۴۱۸ و ۴۱۹ و ۴۲۰ و ۴۲۱ و ۴۲۲ و ۴۲۳ و ۴

[illegible]

ساعت ۱۰ صبح از مهرآه حرکت کرد و جاک خند را به تپ ۱۵ نفر در روزه (ناح سیاه) که در نزدیکی
 که قبلاً در حال آمادگی بود است داده . این تپ در ساعت ۱۰ صبح روز ۱۳۶۸/۱۰/۲۹
 مستقیم به تپ ۱۵ نفر را که در روزه (ناح سیاه) که در نزدیکی تپ ۱۵ نفر است
 سپس گردان یکم این تپ به تپ ۱۵ نفر در روزه (ناح سیاه) که در نزدیکی تپ ۱۵ نفر است
 جزیره . رفته و از آنجا به داخل جزیره ام الطویل منتقل شده که در محله تپ
 ۷.۴ در داخل جزیره ام الطویل گسترش پیدا کرد (تپ سه گردان تپ ۱۵ نفر در روزه)
 اسلام و عقب راندن آنها) که ساعت ۱۱ - روز ۲۹/۱۰/۶۸ با فشار روزه مکان اسلام
 نفر حاضر این تپ و تپ ۷.۴ به عقب رانده شده و گردان اول تپ ۱۵ نفری متلاشی شده و فرار
 آن با سارت نرها را در اسلام در آمده است . گردان ۱۰۰ نفر در روزه (ناح سیاه) که در نزدیکی تپ ۱۵ نفر است
 ۱۲/۱۰/۶۸ وارد جزیره ام الطویل شده و در خاکریز اول و سمت چپ جزیره داخل خط الحزب
 صغیر بیلو ۱۵ کیلومتر گسترش پیدا کرده و تپ ۷.۴ پیاده نیز در داخل خط الحزب بیلو
 ابوالمخضیب مستقر شده و در خاکریز سوم تپ ۷.۴ و ۱۱ در وسط جزیره صالح
 تپ ۸.۵ پیاده مستقر شده است . قرارگاه های تپ ۷.۴ و ۱۱ بین خاکریز دوم در سوم گردان
 جزیره صالح که عبیر الاله نیز می باشد مستقر گردیده . همچنین تپ ۷.۴ پیاده که در
 جزیره برادرین مستقر شده و در تپ محاصره در آنکه اقدام به فرار نمود در حالی که العرب برای
 ابوالمخضیب در کنارتی ۸.۵ مستقر می باشد .
 تپ ۱۵ نفر از اسرا گردان یکم این تپ به تپ ۸.۵ / گردان دوم ۱۵ نفر از ۳۰ نفر مستقر شده است
 استند این تپ قبل از شرکت در منطقه حدود ۱۱ تا ۱۲ نفر بوده که در گردان آن نیز
 ۱۵ تا ۲۰ نفر بودند و این است که از مهرآه با ۱۵ دستگاه خودرو و زین ، ایستاده
 منتقل شدند .
 تپ ۱۵ نفر از اسرا این تپ در تاریخ ۱۲/۱۰/۶۸ به بیلو جزیره صالح که بر روی خط العرب مستقر
 می باشد و در حالی که صالحی خط العرب صغیر لولز نرها را که تپ ۷.۴ پیاده در سمت چپ آن تپ
 ۱۲ پیاده مستقر شده است . همچنین نیروی کانورال محمدالحاکم (ک) قبل از تپ ۱۱
 در جزیره صالح بوده و جهت پناهنده شدن به نزدیکی اسلام به روزه و دارد شد که از سرزمین آن
 اطلاع کاملی ندارد .
 - تپ ۵۰ نفری : این تپ که در آن سه گردان تپ ۱۵ نفری ام الطویل ، خندق و مشلول و گردان
 ۱۲ که نزه می باشد در منطقه شرقی دهلیه حدفاصل القرنة تا العزیم در کنار جاده اتوبان
 مستقر می باشد که هرچند که در آن تپ ۱۵ نفری است و تپ ۱۵ نفری نیز جنوب به شمال روی سید
 غرب جاده اتوبان به سمت جاده ۱۵۰ کیلومتر ۲۰ متریک تانک مستقر شده و از آنجا و از آنجا
 حدودی شرقی دهلیه در دهانه که در ۲۴/۱۲/۶۵ ساعت ۱۰۰۰ صبح آن تپ تپ ۱۵ نفر است

و بطرف حمزه حرکت کرده اند. که تاکنون در شهر همدان حدوداً ۱۵۰ دستگیر شده و کربلای
از طریق حاد کتیبان یسوع به تصرف آمده و قبیل در محل فله مانده و پناهنده کرده اند و
تا ساعت ۱۶۰ روز به ۲۸ ر ۱۰۵ در همدان مستقر شده اند و ساعت ۱۸۴ روز ۲۹ ز
با تانکهای خود از طریق حاد اسفالت داخل بخشها وارد منطقه عمدتاً شده و بطرف خط
قدیم سیلبنه حاکم حرکت کرده اند که تا به اطلاعات اسلحه آنها گفته اند حاد اسفالت
آنگاه از دم رعبه تا به خط رعبه بر سید و آنگاه خاکریز را از رعبه پس بگذرید. البتة اسرا
نقطه از وضعیت کرده اند. کردان زیر القاب بن الحیدر دارند که در جلوی تیپ برده و به آن گفته
بودند که اگر کسی بمدر نزد آنها را اعلام خلاص کرد. پس از چند مرتبه بمدر و کتیب رفتن چنانکه روی
بماده اسفالت با فوه تانکهای دسته یک گروه دوم هدف آتش رزمندگان اسلحه آور گرفته و
سپهری می کردند و چند تن از خدمتکار آنها سیر می شوند. که از سبزه تانکهای کردان اخلاقی
ندارند.

- حبیب ۸۴ بنیاد این تیپ قبل از اعزام به منطقه در زیر القاب کتیبان داشته و در روز
بهار عمدتاً کربلای ۵ به منطقه عمدتاً اعزام شده که تا امروز در منطقه پیشانی جزایر خیر
استقامت کرده و پس از در منطقه عمدتاً شده و مستقیماً به منطقه عقب پیشات خاکریز دوم
منتقل شده که به آن آتش ترسانه و چپا به ۸۲ قبل از استقرار تعداد کتیری از آنها گفته و
زخمی شده و رعبه به عقب رانده.

- کردان کمانده لکری این کردان در بهار از احتیاط ۴۲۵ بوده که چند روز بعد از عملیات در
ساعت ۲ بعد از ظهر کربلای ۵ به ۱۲ ر ۱۰۵ نفوذ کرده و مدتی رفته و بر سید حرا پنا به شعبه
منتقل می شوند و بعد از غروب جانموز بر سید اینها بطرف تصرف حرکت کرده و از حاد
داخل تملکاتان بطرف خدمت منطقه عقب براه افتاده که ساعت ۵ به نیم شب به
خاکریز اول رسیده و در جهت راست به ۷۹ روی سید حاکم در وقت تیپ ۴۴ مستقر
شده و در حاد اول عتیب که در همدان است که حاد گرفته و کتیب به خاکریز دوم وارد کردند
و اسرای این کردان از سبزه تانکهای کردان خود اخلاقی ندارند.

مسترقه

- بنام الخلدات اسم از منطقه غلستان کاظم سلطان العرب منیر بعد از سید جاک دو
خاکریست چپ جاده آسمه - عقب احداث شده که فاصلہ کوہدام بین ۱۰ تا ۱۲
میباشد. این خاکریزها تا جاده اسفالت میباشد و اندر آن بطرف غلستان در حال
احداث بوده است.

بنای گفته می از اسرار کانال دور دینه (کانال خندید) تا روزنامه اردنه در داخل جزیره
ارامه را بدو در داخل جزیره صالحیه محدود بر سطر العرب اقدام به احداث ۳ کانال بنیادهای
۵۰ و ۲۵ کیلومتر از یکدیگر احداث شده که در آن مواضع ایجاد شده و نیز دهای عراقی
پشت آن مستقر میباشند. همچنین در دو تار و جزیره صالحیه یک سیلند به ارتفاع ۱۰ متر
عرض آن ۱۰ متر و در دو می باشد. و در پشت آن یک تار خاص می باشد. و نیز در
حاشیه اخذ از طرف ابر الفصیب یک سیلند می باشد که روی آن یک تار عراقی مستقر بوده و
نیز دهای ایران را هدف قرار می دهد. (توضیح اینکه سیلند اطراف صالحیه قدیمی بوده و در رسم می باشد)
- یکی از اسرار را داشته که آنست که توانسته ۲۲۴۰ کیلوگرم کاترین را در اندکی
جزیره صالحیه استقر دارند.

- بنا به اظهارات اسماعیل تقی و جاده مشهور به آنکه در اثر آتش و تخریب سیرها اسلام از بین رفته و قابل استفاده نمی باشد. و می در سیر و حال زردی می باشد حاله مدد است.

بنام اظهر قدرت و بزرگي از اسماء آتشی تو بخانه قوی ای سلام روی جاده اسماء داخل ملکات و
 دل روی گمانال توغیه مؤثر بوده و قدرت و بزرگي خود و در منتهی شده در کنار حاره شاه و کرده اند
 حتی می که از اسماء امیرد ستمگان خود و در این زمان شاه کرده است

امروز اخبار داشته اند که عماره نهمه بتدریج برافروخته می شود
و بعضی اعیان درین محله است که در این طرح مردم بجهت از شهر آوار شده و تعداد زیادی در حال
فرود می افتند و می مانند.

مردم بمهره کاملاً از این کدهای خب بستند آمد بطوریکه هیچ اراده از خود ندارند و
بدر حاکمان لب لب آلود است.

بنام گفته اسرار و نصیحت حقیر که در کتاب افکار و بطور چشمگیری تفهیم یافته در اکثر آرا و ارام صد غنیه هستند

بنام اهللوات یکی از اسرار و غیبات مشهور کرده که یکی از افسانه با درم سردانی میرزا
عراقی را که به عقب فرار میکردند با تیر باران شلیک هدف قرار داده و با دام کرده
یکی از اسرار که مدت زیادی در زندان العباسی عراق بوده است قتل و زندانیان
تکلی که در این زندان بوده اند حدود ۲۰ نفر بوده که اکثر ابعث در اورغیت
به زندان افتاده اند که بعد از کربلاک پنج آسمان را آزاد به بیاض خود مایه اند

70, 1, 3.

بسمه تعالی

خلاصه بازجریبای بدست آمده در عملیات کربلای پنجم - سری دوم

- ترکیب ۱:** گردانهای توچانه ۷۷۴ ، ۲۱۴ ، ۶۰ ، ۶۵ ، ۲۰ و ۲۱ هر کدام دارای سه آتشبار و هر آتشبار دارای دو رسته و هر رسته دارای سه گروه یک قبضه ای میباشند .
- گردان ۶۵ و ۷۷۴ توچانه ۲۴۱۳۰ ، گردان ۲۱۴ توچانه ۲۴۱۵۲ ، گردان ۶۰ ، ۲۱ و ۶۵ توچانه ۲۴۱۷۱ و گردان ۲۴۷ توچانه ۲۴۱۷۲ میباشند .
- قبل از عملیات کربلای پنجم گردانهای ۲۱۴ ، ۶۰ ، ۶۵ و ۲۴۷ تحت امر لشکر یازده بوده اند که شرح مأموریه های این گردانها در خلاصه بازجریبای سری اول ذکر شده است .
- گردان توچانه ۷۷۲ قبل از عملیات کربلای پنجم تحت امر لشکر ۳۰ پیاده در منطقه نمری کوشک بوده که با شروع عملیات کربلای پنجم به لشکر یازده مأمور گردیده و تاکنون نیز تحت امر این لشکر بوده است . همچنین گردان ۷۷۰ توچانه نیز قبلاً تابع لشکر ۳۱ پیاده در جند - جزیره جندی بوده که با شروع عملیات کربلای پنجم به لشکر ۱۱ مأمور شده است و تاکنون تابع عملیات کربلای پنجم به این لشکر مأمور بوده است .
- گردانهای ۱۶ توچانه ۲۴۱۷۲ ، ۸۴ توچانه ۲۴۱۷۲ ، ۴۸ توچانه ۲۴۱۷۳ ، ۵۰ توچانه ۲۴۱۵۲ و ۶۶ توچانه ۲۴۱۵۲ (مأمور جهت پشتیبانی یک رزمنه عسکری لشکر ۵) بوده است .
- گردان ۲۱ توچانه نیز قبل از عملیات کربلای پنجم تابع لشکر ۳۰ پیاده بوده که قبل از شروع عملیات کربلای پنجم به این گردان به لشکر ۱۱ مأمور شده است .
- ق ۲۶ رزمنه دارای ۱۲ گردان که سه گردان آن تاکتیک در گردان آن یک نمره میباشند که گردانهای تاکتیک آن بنامهای علی ، الحسن ، الحسین و گردان که نمره آن بنامها ۱ ، ۲ ، ۳ ، ۴ ، ۵ ، ۶ ، ۷ ، ۸ ، ۹ ، ۱۰ ، ۱۱ ، ۱۲ میباشند .
- ق ۵۵ محفظه دارای ۱۲ گردان تاکتیک در گردان که نمره میباشند که هر گردان آن دارای ۲ گروهان رزمنه و یک گروهان اسناد (پشتیبانی) و یک گروهان ارمان میباشند .
- ق ۶۶ که نمره دارای سه گردان که نمره میباشند ، یک گردان تاکتیک بنام ابن الحسین میباشند این ق با شماره قهای ۹۷ رزمنه و ۵۰ رزمنه تابع لشکر ۱۲ رزمنه میباشند .
- ق ۱۱ که نام قدیم سوم که بنام مادر سپه موسوم میباشند سه گردان که نام و ده گردان نیز به گردان رزمنه دارد و رادار است .
- گردان تاکتیک ۲۱ تابع لشکر یازده سه گروهان تاکتیک و یک گروهان مرزبان دارد .

۱۶۱

52

گردان ۶۷۷ توفان که قبلاً در منطقه کسری می رانسته با شروع عیادت گردانی
و پنج با سه آتش خود قبسط ۱۱ دسته خود در ذیل ساعت ۱۸ روز ۲۵ ۱۳۹۵
به منطقه عیادت گردانی پنج متعین شده و در پشت جاده اسفالت کانال پیردش
ماهی ده قحطاً (۷۵۸۴) ن همره مستقر شده است. پس از یکروز نیز جابجایی
گردان ۲۰ ترفیقه ۳۲۱۲ گردیده چون از گردان مزبور قبسط ۱۲ متعین ترفیقه سالم
نموده است.

کربان ۱۲۲ قبل از غیبت کربلای ۲ تحت امر لشکر ۵ هزاره در خلافت باقر علیه السلام
بوده که یحیی بن این لشکر را بقصد راسخ است. این گردان پس از شروع غیبت
کربلای ۲ به منطقه کانال در رومین حاضر و منتظر وقت امر لشکر یازده هزاره یحیی بن
منطقه عمومی لشکر ۱۱ مستقر گردید که با شروع غیبت کربلای ۲ این گردان ۲
ن ۳۷ نفری سامعه گردید.

[illegible]

گردان ۱۰۵ نفره ۲۲۱۴۰ در منطقه ۱۰۰ غرب اقیانوس هند - بخانه مستقر بوده در
بستیای ۵ پناه لشکر ۱ بوده است که با شروع عملیات گردی ۱ ساعت در
لازم ۱۲۳، ۶۵۰ بطن شمع حوت کرده و از یک طرف جنوب اقیانوس به رادر منطقه گسترش
شده و مأمور بستیای ۱۲۳ بستیای عمل کننده درین بویا یا صحرای گردیده که پس از
کلیات به آنجا میفرستاده است بستیای ۱۲۳ در منطقه عمیق به این
منطقه نقل مکان نمائید و از آنجا نیز به ۱۲۳ و در حال حاضر بوده است مأمور شده
وریده با نای این گردان به علت عدم مساعدت نمی توانست در آنجا بماند و به این
نزدیک اسلام وریده با نای به راه عصر ۱۲۳ و پناه با سارت رزمندگان اسلام دریا آمد

گردان ۱۶ قریباً صحرای ۴۲۱۲۲ در منطقه غریبتر شده رانته که پس از عبور از کوهستانی
به منطقه عبودی گردانی شده است. در این منطقه یک سلسله کوهستان و دریاچه و دریاچه و دریاچه
گردان ۷۶۲ در کوهستان حاجی که در این منطقه در اعرام به دریاچه گردانی شده و در این منطقه دریاچه

- مستقر بوده که با شروع عملیات بر این منطقه لازم می‌شد.
- گردان ۴۴ قویانه در منطقه کوشک تحت امر لشکر ۳۲ پیاده بوده و در سمت راست عقبه قی ۵۵ محظوظ گسترش داشته است.
- گردان ۱۱۵ قویانه در عملیات فاو کاملاً منظم شده و مجدداً بازسازی گردیده است.
- گردان ۱۶ قویانه در عملیات که برای چهار پستی قی ۱۰۴ پیاده در امام‌الرضا منبره برده پس از عملیات که برای ۳ به منطقه کلاهد منتقل و پستیان لشکر ۳۲ پیاده گردانی شود. این گردان پس از شروع عملیات که برای پنج روز ۱۹ از ۶ ساعت ۹ صبح از کلاهد بطرف بصره حرکت می‌کنند و قریبی خود را به یک همسفر منتقل می‌نمایند. این گردان در ساعت ۲۵۰۰ هانروز به سمت قویانه لشکر ۱۱ میرسد (موضع اشک در دهان بصره ۳۰۵ ساعت قریق داشته اند) این گردان ابتدا پستیانی قی ۵۴ را به رانده داشته که با اندام این قی به معنی کاندر سپاه هفتم نامور می‌گردد و پس از اندام این قی نیز به قی ۹۵ پیاده نامور می‌گردد.
- گردانهای پرافنده هوایی که تابع (تحت امر) سوله سوم میباشند عبارتند از: ۲۰، ۹۰، ۱۲، ۲۰ پرافنده هوایی که شروع از قی گسترش داشته اند.
- که ۲۰ پرافنده هوایی از جنوب شرقی کانال تقدیه سامی بطرف اروند
- که ۱۲۷ پرافنده هوایی که ۲۲ ۳۷ نیز می‌باشد در منطقه کتبیان، زیر قی و چوبی
- که ۹۰ پرافنده هوایی که ۲۰۵۷ نیز می‌باشد در غرب کانال تقدیه در مسیر سوله سوم
- کشتیهای مکینه قبل از عملیات که برای پنج مستقر خط پرافندی پنج کوشک تا خلیج عربی جزیره جنوبی رانده داشته است که با شروع عملیات جای خود را به لشکر ۱۰ پیاده داده و به منطقه عملیاتی لشکر ۱۰ منتقل شده است.
- قی ۲۶ زرض قبل از عملیات که برای پنج مستقر کتبیان در شمال کانال پرورش سامی در محصات (۵۲۰۱) مستقر بوده و کتبیان این قی در اطراف جاده گسترش داشته اند. پس از شروع عملیات این قی در شب ۱۹ از ۶ ساعت ۶۵ از طریق باستانه
- کوت سوری تقسیم شده و اقدام به پاک‌سازی نموده که در شب اول تلفات زیادی دید و اثرات مکرر از ششکان اسام این قی در روزهای دوم و سوم متحمل بیش از ۱۰۰ تلفات گردید.
- قی ۱۵ کانیزه قبل از عملیات در منطقه عملیاتی فاو احتیاط قی ۱۱۰ و ۲۰۲ پیاده از لشکر ۲ بوده است که در ساعت ۱۵۰۰ روز ۲۱ از ۶ ساعت ۶۵ از طریق جاده فاو قی ۵۰ بطرف ابوالمخضیب قویانه و تحت امر هانروز پنج شش که میلات سوره بصره قوت داشته که پس از الحاق خود روهایی این قی با غیر از این طایفه بطرف سوله حرکت می‌کنند و در قی کانیزه قی ۱۵۰ در کنار آتشبارهای کانیزه پیاده شده و تا صبح روز ۲۲ از ۶ ساعت ۱۱ حرکت می‌کنند ساعت ۱۱ - روز ۲۳ از ۶ ساعت ۱۵ به پشت کانال دور دین آمده و ساعت ۱۵۰۰ بعد از ظهر بطرف نرگا حرکت کرده و در پشت نرگا مستقر می‌گردند. این قی ساعت ۲۲۰۰ هانروز را غیر از پنج حاسم

در محاصره محل قرار گرفته بودیم و هنگام عقب نشینی فوجی با سارت نیروهای اسلام در سواک و افسران کشته
شده به روز ۲ روز میماند در یکی از خانه های اطراف نوعی با سارت رفته تان اسلام در میماند.

- تی ۱۶ زرهی لشکر ۶ در منطقه سیم احتیاط منطقه جریه قلم و ساحل و شیر سیم بردن و در
مدرسه ۱۹، ۱۰، ۶ ساعت ۱۱۰۰ به این تانکها پل داده می شود و ساعت ۶ صبح روز ۲۰ از
بدون استفاده از تانکها و کرکسین به وسیله خرد تانکها بطرف بعد حرکت میمانند و ساعت ۲۸۰۰ همانروز
در میدان سعد به تصرف کرده و پس از آن با سواران علی خاله و تانکها روبرو دارند و در منطقه
میمانند (قبل از شروع در داخل تانکها تا پیش از ۱۰ ساعت استراحت می کنند) سپس به منطقه
کشیته رفته و کمر و کمر کشیته در آنجا میمانند و ساعت ۶ صبح روز ۲۲ از بلژن به جاسم حرکت میکنند
و ساعت ۱۷۰۰ همانروز با سواران علی خاله در سمت چپ میمانند و ساعت ۲۴۰۰ همان
شب توسط رفته تان اسلام سرود و قرار میمانند و ضمن میمانند و تانکها و تانکها اقدام
به فرار می کنند. بنا به اظهار اسلام تعداد زیادی از تانکها در این تانکها در جاسم حرکت قرار گرفته و در
شماره و تعداد در تانکها در تانکها در اسلام در آید.

- تی ۱۰۳ پیاده تانک از انعام به منطقه علیانی کرمان میماند در ارتفاعات بهران در نزدیکی گردمنه
مستقر بوده که در تاریخ ۱۷، ۱۰، ۶ ساعت ۶ صبح بطرف بعد حرکت کرده و ساعت ۱۷۰۰ همانروز
وارد منطقه کشیته شده است مدت ۴ روز در منطقه باقی مانده و روز ۲۱ از ۶۵ ساعت ۱۶۰۰
بلژن منطقه علیانی شعله حرکت کرده است. این تانک در پشت کانال دورند، مستقر شده و
ساعت ۲۰۰۰ همانروز (۲۱ از ۶۵) به بعد از بلژن نزدیکی حرکت کرده و سه روز در آنجا مستقر
بوده که بالاخره در روز ۲۴ از ۶۵ سرود و بعد از آن اسلام قرار گرفته و محاصره شدند میمانند.
- گردان کماندو لشکر ۳۲ که در قلم صالح مستقر بوده ساعت ۲۱- روز ۲۲ از ۶۵ و بعد حرکت بطرف
منطقه علیانی شعله و کانال میمانند و ساعت ۶ صبح روز ۲۸ از ۶۵ ساعت ۶ صبح حرکت
مکنند و به مقر لشکر ۱۲ در الیر میمانند و از آنجا به منطقه کشیته مستقر و حوالی علیانی
تا سعد میمانند و با سواران باقی مانده است. حین جبهت پس گرفتن یک تانک از جبهه کشیته که در پس از
مدتی نیروهای اسلام به آنجا حمله کرده و ضمن پس گرفتن خاک کمریز فوجی را که در آنجا مستقر
بوده و عناصر باقی مانده
آنها اقدام به فرار می کنند. همچنین تعدادی از تانکها نیز با سارت نیروهای خود در تانکها.

工

تاریخ	میزان	توضیحات
۲۲ اردیبهشت	۳۰	۲۱۹ ریال
۲۷	۲۰	۲۰۰
۹۶	۲۱۱	۲۰۰
۵۱	۲۶	۲۰۰
	۲۵	۲۰۰

مقدور با کرده که بنظر من است و در محلی شدن که از دنیا و ملک از سر و پا نه و این ترس را زنده و مسلمانی
میتواند بچشم در دل بنظر من امان انداخته بود که هر چه از دنیا و ملک از سر و پا نه و این ترس را زنده و مسلمانی
ش حد ببرد که او را با حیل و مکر و طعن و کینه و زندقه که به شکرست رسید.

مقامه از همان اسباب است که در دفتر و کتب در خیابان اصفی دیده می شود تا آنکه علم العام از میدان بغداد تا سیران سعد ابن عثمان - خندان دینار و زکات تا این فاصله و بی فاصله از الکربله تا بل فاصله .

کتابخانه امام رضا علیه السلام - مشهد
- کتب این کتابخانه را در سال ۱۳۰۲ هجری قمری در حوالی محله (۱۳۰۲) هجری قمری واقع شده است.

۱. تعبیر واقع شده است
- سید از اسامی ۸۲ (آثار) داشته که ۴۵ را در ۱۶۵۰ هجری قمری میبرد که بعد از عرضه آن کتاب ۱۶۶۱ م
۲. در این زمینه ان اسلام را باب است در آنکه در باب عقبت مستحق گردید.

در مورد محبت که یکی از اسرار الهیه است که غایتش در جایی که نیریز است ایرانی بسیار رسیده و به گفته بسیاری از اسرار بیشترین ثبات نیریز در حال عراقی که امر آتش دین و پرچم نیریز است ایرانی بوده است و نیریز در حال عراق صرفاً بنابر مساعده کردن حرمت و احترام آن اسلام می باشد و در در هر حال که یکی از نیریز پس آید و قریباً از حد نیریز اسلام اطلاع داشته اند و از قریب نیریز و یک کشته را آگاه کرده بودند و به این خاطر توانسته نیریز در ایرانی را به عقب سرانته و از اسرای ایرانی در محله حکمیه که یکی از اعدای کینه نیریزین بوده است.

بنیاد انعامات اسرار و ضلع مغرب رودخانه اردن بمسرات رودخانه از مقابل ابوالحسنیه تا وسیع للحدود
لطف ابوالحسنیه اقدام به احداث یک دیواره از گونی سستی نموده اند.

تجارتها را که از استانهای شهر بصره اجازه خروج از شهر را ندارند و در محل شهر دستهای کنترل
میدان خروج آنها را میدزد.

شاید گفته می‌شود که در سال ۱۳۰۰ در تهران ۱۱ از مسیحیان خانه داشته باشند بطرف شمال
در حال و کتب دیده که توسط یک فرزند هویس از ایران هدف قرار می‌گیرد و تعداد زیادی کتب گسترده
نسخه شده و تعدادی از خود در خارج از کشور پخش شده

سپهسالار اسلام از آنجا دانست که قتل از عیبه کریم می شود و مقتول از غلامان ایران به دستش می افتد
کرده و ضمن درگیری با سپهسالار عراقی آنرا از آنجا فرستاد و مسافر شد در در منطقه قی ۱۳۸۴
و مقتول از غلامان نیرودا اسلام را از نیرودا عراقی در اکونکه به عیب محمد شریف

۱- کتاب اطهارات اسرار خالصه در بیان اقسام بهارات و اقسام در حد فاصل بین کربت و بهار است
راست جاده عمومی بهار و کربت نموده اند که جهت مقابله با جهل از منظر اسلام از سلفه حائضین
مورد بهر و برادر قرار داده اند. معوضین تعداد ۵۰ فرزند موسس ازین بزمین در ماه ربیع
بطرف بعبره نشاندند و گفته اند تا در صورت سقوط شهر بعبره جهت تخلیه آن از این موسسین استفاده
نمایند.

۲- کتاب اطهارات اسرار کیمیاها اعلام علیه و رسماً از بهار محبت بهر کسین و عناصر آن که در حوزگان
مانند می باشد توسط مسئول حزبی قیام یا کفر مشخص می شود که عبارت از یک افسر
سردار و ۱۰ سرباز حجتی می باشد که در هر عملی در حال آخرین پیاده مستقر می شوند
و نیز همان که حاضر به بازگشتن به جبهه نباشند اعلام می کنند.

۳- کتاب اطهارات اسرار موسیقی که به بهار اصابت کرد و مورد باز دید شورای جیشواره قرار گرفت به
مدینه الطیب واقع در میان باب الحکیم در نزدیکی وزارت دفاع (اصابت کرد) بر دوشک قبل از آن
به خیابان ابو فریب مقابل (مدینه الضیافه البرکات) خانه های انسان اصابت کرد که عراق در سرد
آن سکوت کرد.

۴- کتاب اطهارات اسرار بهار محبت بهار و غیره از اشعار و دریاها قیام حاکم عراق در سلسله
و مدتی در زندان شماره ۱ ارتش بر می بردند و حکم به اعدام شده بودند که پس از باز دید هدام از
روستای بهار کربلای عراق مورد غنای قرار گرفتند و از ارتش عراق خارج شدند.

۵- کتاب اطهارات اسرار بهار ۸۶ در یک جبهه حزبی نفعی هدام به هدام و پیشرفت کردند که بطور
پایه وادان به حبس ایران و عراق از کار گذشتند و پس از گذر از شوری شهری عراق با ایران
و یاغی دادن به حبس مجدد آ روی کل میاید که این پیشرفت مورد قبول نیاماد و روی نیز
به اعدام محکوم شد.

۶- پس از محبت قار در منطقه زیر ۳ نفر از اسرا داشتند که سه نفر کربتی بودند و بهر طرفداران
بهزاد قصه ترور هدام را داشتند که توسط لطف نصیف حاکم کشف و شتابی ~~کشف~~ و
قتل شد.

۷- کتاب اطهارات کیمیا اسرار بهار عراق با استفاده از خورس کسان حاضر عراقی در مقرر شد
بخشی دارند که به یک پیشرفته ترین و شبی بی سیمه ایرانی را سفود کنند.

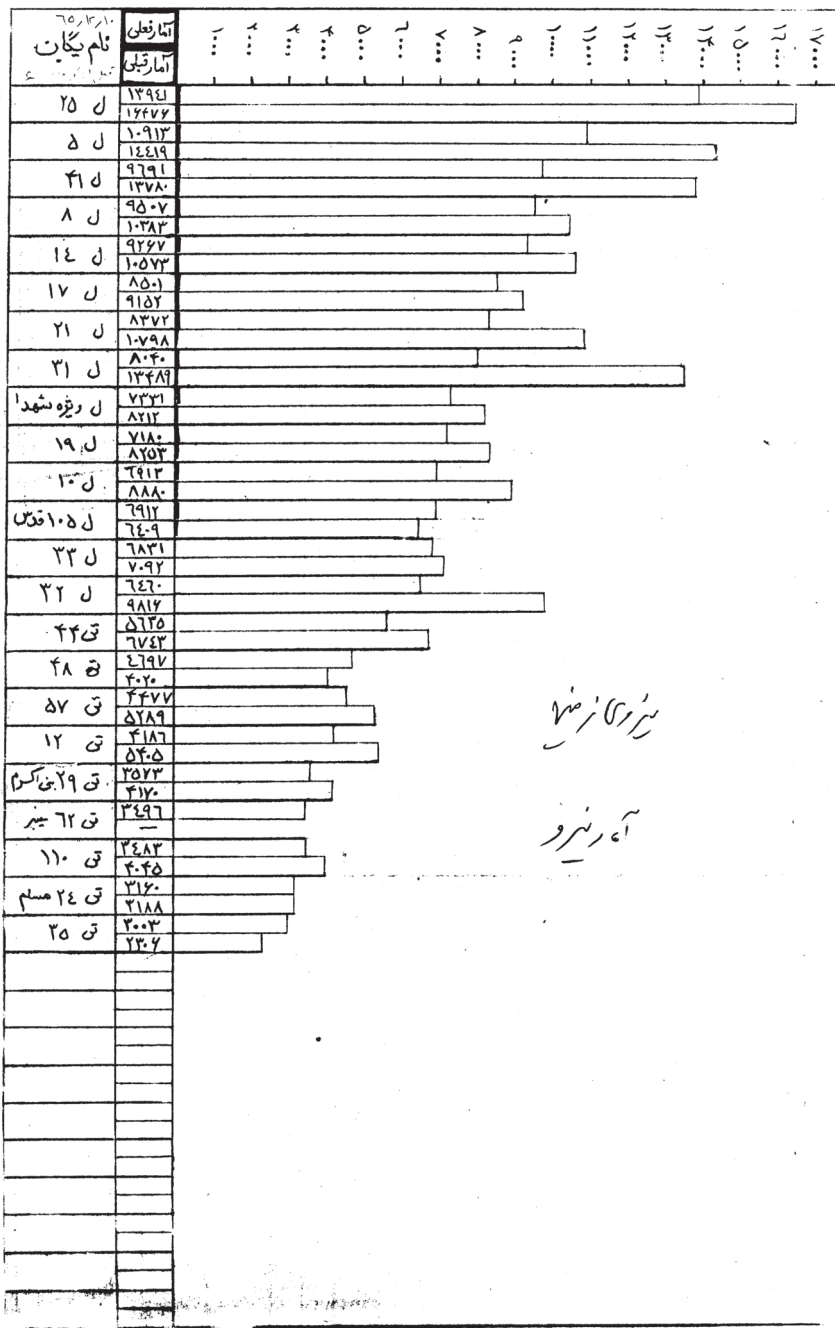
۸- می از اسرار اطهارات که من از عمل در داخل قاره ماه ۸۰۲ شنیده است که یکی از افغان
گفته است مدار کار کردن نیز بهار ایرانی (لودرها و مددزها) در جزیره حاج دبیرخ (سینو) میاید.
التم می از زندان ۸۰۲ شنیده است که در جرم و سینو خود ابرازند زبانه است.

[illegible]

محاورت المملیٰ نوری سید

تاریخ

10, 10, 2A



شهادت

آه زنیرو



معرفی کتاب

روزشمار جلد ۲۳ (والفجر مقدماتی)

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس روزشمار جنگ ایران و عراق را به ۵۷ مجلد تقسیم کرده است که ۱۷ جلد آن (به صورت ناپیوسته) تاکنون چاپ شده است. جلد ۲۳ این مجموعه با عنوان والفجر مقدماتی؛ دستگیری سران حزب توده و تیرگی روابط ایران و شوروی به چاپ رسید. این کتاب دوره زمانی ۱/دی/۱۳۶۱ تا ۳۰/بهمن/۱۳۶۱ را در بر می‌گیرد. از ویژگی‌های این کتاب می‌توان به دارا بودن خلاصه اهم مطالب و فهرست نمایه موضوعی (اعلام) است که دسترسی خواننده به مطالب را سهل می‌کند اشاره کرد.

نویسنده کتاب در بخشی از مقدمه، کتاب را این طور معرفی کرده است: کتاب حاضر به تبیین ابعاد مختلف جنگ یعنی مسائل نظامی (عملیات‌ها)، اجرای آتش سلاح‌های دوربرد، پاک‌سازی مناطق ناآرام، اقدامات گروه‌های هم‌پیمان عراق در داخل و... و آن دسته از مسائل غیرنظامی (اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و...) که بر حوزه نظامی و توان رزمی طرفین درگیر تاثیرگذار بوده، پرداخته است. این کتاب بر مبنای روزشمار سال است و

فصل‌بندی خاصی ندارد. اهم مطالب این کتاب به این شرح است:

- روند مباحث مربوط به طراحی مانور و اجرای عملیات والفجر مقدماتی، مراحل و سازمان رزم عملیات؛ یگان‌های عملیاتی اعم از نیروهای سپاه و ارتش و سرانجام اجرا و هدایت عملیات.

- گسترش سازمان رزم و تغییرات سازمانی سپاه برای توسعه کمی و کیفی توانایی‌های خود.

- نگاه کلی به روابط جمهوری اسلامی ایران و شوروی که در پی گرمی روابط عراق و شوروی تحلیل یافت. افزایش ارسال اسلحه از شوروی به عراق؛ دستگیری سران حزب کمونیست توده به عنوان عوامل داخلی و جاسوس کشور اتحاد جماهیر شوروی.

- محاکمه سران اتحادیه کمونیست ایران مشهور به "سربدران" یا "سیاه جامگان" به جرم حمله به شهر آمل و کشتار ۴۰ تن از مردم و نیروهای نظامی و امنیتی این شهر.

شاخص‌ترین وقایع غیرنظامی که در این دوره ۶۰ روزه بررسی شده است، عبارتند از:

- ادامه میانجی‌گری دولت الجزایر؛ سفر وزیر

- ۱- اداره کلیه امور مربوط به جنگ
- ۲- تبعیت نیروها از شورا در اداره مناطق
- ۳- تحت نظر گرفتن تبلیغات اعم از رادیو، تلویزیون و مطبوعات
- ۴- تبیین سیاست خارجی مربوط به دفاع
- ۵- پخش کلیه اعلامیه‌ها و بیان تبلیغات با اجازه شورا
- ۶- دولت مأمور جلب متخلفین و تحویل به دادگاه انقلاب است.



گزارش نشست نقد و بررسی کتاب «جاده‌ی استراتژیک فاو - بصره»

زهرا ناظری

جلسه و دفاع و سخنرانی نویسنده و ناظر محترم، ادامه یافت.

معرفی کتاب

در ابتدای جلسه برادر یحیی نیازی، نویسنده کتاب، معرفی کوتاهی از کتاب کرده و روند شکل‌گیری کتاب را بیان داشتند. ایشان در این باره گفتند: «کتاب از ایده‌ی آقای دکتر اردستانی برای پرداختن به نقاط عطف در صحنه‌ی نبرد شکل گرفت. برخی نقاط، برخی مناطق و برخی موضوعات در دفاع مقدس جایگاهی برای خودشان پیدا کرده‌اند. مناطقی مثل قلاویزان، بازی‌دراز و جاده‌ی استراتژیک فاو - بصره و... در واقع در بهمن ماه ۱۳۸۷ کار پژوهش و تحقیق و نگارش کتاب با پیشنهادی که آقای دکتر اردستانی به بنده کردند آغاز شد و کار نظارت بر کتاب را هم خودشان به عهده گرفتند و این کتاب براساس مستندات موجود در مرکز شکل گرفت. محتوا و شاکله‌ی این کتاب با توجه به وقایعی که در شب چهارم عملیات والفجر ۸ در جاده‌ی استراتژیک فاو - بصره رخ داده است، شکل گرفته است.

این کتاب در ۸ فصل تنظیم شده است. فصل اول به تبیین چارچوب و زمینه‌های بحث و ۷ فصل بعد، تصمیم‌گیری، ماهیت و عملکرد یگان‌های سپاه پاسداران در انهدام لشکر گارد را تشریح کرده است. از جمله

کتاب «جاده‌ی استراتژیک فاو - بصره» به نویسندگی آقای یحیی نیازی و نظارت محتوایی آقای دکتر حسین اردستانی، در سال ۱۳۹۱ در مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس به چاپ رسید. این کتاب که ۳۲۸ صفحه دارد، با ایده‌ی دکتر حسین اردستانی (رئیس مرکز) مبنی بر پرداختن به برخی نقاط عطف در جنگ شکل گرفته و کار پژوهش و جمع‌آوری اسناد و مدارکش انجام شد و به خاطر کمبود منابع و عدم انسجام منابع مکتوب و غیر مکتوب و نیاز به مصاحبه و گفتگو با افرادی که مطلع در این زمینه بودند، کار این کتاب به درازا کشید و تألیف آن تا شهریور ۱۳۹۱ به طول انجامید.

اما رسم و سنت مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس بر این است که به نقد و بررسی کتاب‌های منتشر شده‌ی خودش می‌پردازد و از منتقدان، پژوهش‌گران و خبرنگاران و ... دعوت می‌کند تا در این جلسه‌ها شرکت کرده و حتی نظرات و دیدگاه‌های خود را در باب کتاب بیان دارند. تا به حال ۱۷ مورد جلسه‌ی نقد و بررسی برگزار شده است که آخرین جلسه از این سلسله نشست‌ها به کتاب «جاده‌ی استراتژیک فاو - بصره» نوشته آقای یحیی نیازی اختصاص یافته است. این جلسه که در تاریخ ۱۶ شهریور ۱۳۹۲ برگزار شد، با حضور سخنرانی منتقدان جلسه؛ آقایان سعید سرمدی و حسن دری و ابراز دیدگاه چندتن از حاضران در

در واقع عنوان کتاب نه تنها رکن کتاب است بلکه خود رکن دیگر ارکان نیز می‌باشد. در این جا، ابتدا وقتی افراد عنوان این کتاب را می‌بینند، برداشت‌های مختلفی را بنابر گرایش‌هایشان می‌کنند. در واقع عنوان کتاب محدوده‌ی مکانی موضوع را مشخص نکرده است و معلوم نیست از این ۹۰ کیلومتر جاده‌ی فاو - بصره، کجایش مورد نظر است و هم از لحاظ زمانی این ابهام وجود دارد. به نظر بنده موضوع این کتاب جامع و مانع نیست و این جامع و مانع نبودن موضوع تأثیرش را بر روی جاهایی از این کتاب گذاشته است و یکی از این جاها عنوان کتاب است که عنوان صحیحی برای این کتاب نیست و نادرست است. مشخص نیست که هدف نویسنده از نوشتن کتاب خاطره است یا نگاه مستند یا پژوهش است و یافتن ادبی و به نظر بنده نویسنده نتوانسته است به یک موفقیت کاملی برسد. در اثر این جامع و مانع نبودن موضوع کتاب، اهداف کلیدی کتاب و مبنای اصلی نوشتن کتاب که تعریف و بیان ویژگی‌های آن عملیات خاص است، تحقق پیدا نکرده است و فرد با مطالعه‌ی کتاب متوجه نمی‌شود که این بی‌همتا بودن و حساسیت علمیات در کجا است و چرا این گونه است. زمان خاص عملیات را هم فرد متوجه نمی‌شود که چرا لشکر گارد شب چهارم و یا عصر روز سوم وارد این منطقه می‌شود و هدف از آوردن او در این منطقه چه بوده است. گرچه در مقدمه به صورت مختصر و در حد دو جمله به آن اشاره می‌شود ولی وارد متن که می‌شویم به این نکات کلیدی پرداخت نشده است.

در این کتاب ویژگی‌های لشکر گارد تبیین نشده است و مخاطب استعداد و توانایی‌های این لشکر را نمی‌داند. در واقع مخاطب تفاوتی بین این لشکر با لشکر ۱۰ زرهی یا لشکرهای دیگر عراق احساس نمی‌کند و نمی‌داند. خواننده پس از مطالعه در نمی‌یابد که چقدر نیرو و تجهیزات این لشکر آورده و چه کار کرده است و این مسائل تبیین نشده است.

به مسأله‌ی نحوه‌ی اطلاع از حضور لشکر گادر عراق به صورت دقیق پرداخته نشده است. مسأله مهم دیگر طراحی

محدودیت‌هایی که مانع از تحقق همه‌ی اهداف این پژوهش می‌شد، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: بی‌سابقه بودن موضوع، کم بودن اطلاعات میدانی، فاصله گرفتن افراد مطلع از متن واقعه (بیش از بیست و چند سال) و فراموشی جزئیات حادثه از طرف آنها، کافی نبودن و مرتب نبودن منابع و ... می‌توان ادعا کرد که امروز موضوعی شکل گرفت که می‌تواند مبنایی باشد برای موضوعات دیگر.

کتاب در بوته‌ی نقد

پس از سخن‌رانی کوتاه برادر نیازی، برادر سعید سمرمدی پژوهش‌گر و راوی با سابقه‌ی دفاع مقدس، به عنوان منتقد اول به ایراد سخن‌رانی پرداخته و نکاتی را مطرح کردند که در ادامه می‌آید:

«ابتدا تشکر می‌کنم از مرکز به خاطر موضوع جدید و مستقل این کتاب و ان‌شاءالله این مبنایی باشد برای بحث‌ها و موضوعات جدید، ما در باب ورود به خرمشهر و آزادسازی خرمشهر، در مورد نحوه‌ی عبور غواص‌ها از اروند و فاو، در مورد ساعت انتخاب عملیات فاو و پیچیدگی‌هایش و هم چنین در مورد بمب‌باران‌های موشکی و ... کتاب نداریم و امید است این کتاب فتح بابی باشد برای انتخاب موضوعات حساس و تعیین‌کننده‌ی جنگ و به صورت ریز و دقیق این مطالب بیان شود.»

نقاط قوت کتاب

«از نقاط قوت کتاب یکی استفاده‌ی زیاد از گزارش‌های راویان است. هم چنین اسامی افرادی که ذکر شده است، در پاورقی‌ها مسئولیتشان قید می‌شود که خواننده بداند و چون اسامی زیادی می‌آید، فرد دچار سردرگمی نشود. در ابتدای هر فصل مقدمه‌ی ادبی‌ای وجود دارد که این مقدمه جذابیت و گیرایی خوبی دارد و مرتبط با موضوع است. طراحی کتاب و صفحه‌بندی آن متفاوت با کتاب‌های دیگر است و جذابیت از این طریق ایجاد شده است.»

نقاط ضعف و کاستی‌های کتاب

در ادامه برادر سمرمدی به بیان عیوب و ضعف‌های کتاب پرداخته و چنین ابراز داشتند: «اصلی‌ترین رکن کتاب، عنوان آن است و نویسنده در زیر عنوان کتاب می‌باشد.

در نگارش این کتاب از منابع مختلفی استفاده کرده است که این حسن است ولی دقت نداشتن در صحت و اصالت منابع و مآخذ آسیب این کار وی می‌باشد و در نتیجه میان مطالب ارائه شده از منابع مختلف تفاوت وجود دارد.»

انتخاب موضوع بدیع

پس از برادر سرمدی، برادر حسن دری، پژوهش‌گر و راوی با سابقه‌ی دفاع مقدس، نیز سخن‌رانی را ارائه داده و در مقام منتقد مباحثی را مطرح کردند که در ادامه می‌آید:

«ابتدا تشکر می‌کنم از نویسنده‌ی کتاب به دو علت یکی

به خاطر انتخاب موضوع بدیع و علت دوم به خاطر این که ایشان تنها نویسنده‌ای بوده‌اند که جلسه‌ی نقد کتابشان را خودشان پیشنهاد داده‌اند. نقد بنده دارای ۶ سرفصل اساسی بوده است که مطرح خواهم کرد. البته این مسأله اهمیت دارد که این موضوع تا به حال در کتاب‌های دفاع مقدس به نگارش در نیامده است.»

کاستی‌های کتاب

«هدف کتاب که توصیف

حادثه‌ای در شب چهارم از عملیات والفجر ۸ است، توسط نویسنده در کتاب بیان نشده است و بیش از ۷۰ درصد از کتاب به کلیات دیگر پرداخته است. روش تحقیق این کتاب توصیفی با استفاده از منابع دست اول مرکز است که قبلاً توسط دوستانی نظیر آقایان خداوردی و نداف این کار انجام شده است.

در فصل‌بندی کتاب، از فصل چهارم به بعد که اصل موضوع را شامل می‌شود و در مورد درگیری یگان‌ها است، جایی موضوعات به هم تنیده نیست و خواننده جزء به جزء ذهنش را باید درگیر کند. تیترهای فصل‌ها و زیر فصل‌ها با موضوع و عنوان کتاب ارتباطی ندارد و با سلیقه‌ی خوبی انتخاب نشده است و بیش‌تر گنگ و چند جا هم تبلیغی هستند

نحوه‌ی مقابله با لشکر گادر است که این هم از نکات کلیدی است و باید به آن پیش‌تر پرداخته می‌شد در حالیکه به صورت یکی مطرح شده است.

از دیگر مباحث، بحث شرح دقیق خود حادثه‌ی زدن لشکر گارد و نیز بحث انهدام بی‌سابقه‌ای که لشکر گارد متحمل شده است، می‌باشد که باز هم در این مباحث کاستی وجود دارد و هیچ کجا آماری بیان نشده است مگر آن صحبتی که آقای رضائی داشته‌اند.

مسأله مهم این است که آوردن موضوعاتی که در این

کتاب مطرح شده است، با عنوانی که انتخاب شده است، ربطی ندارد و آوردن این موضوع تحت این عنوان کاملاً نابجا است. تقریباً ۶۴ درصد مطالب مطرح شده در این کتاب ارتباط موضوعی با شب چهارم عملیات فاو و انهدام لشکر گارد عراق ندارند.

توضیحات این کتاب راجع به عملیات بیت‌المقدس و راجع به عملیات خیبر و عملیات بدر و قبل از فاو و بعد از فاو و انتخاب

منطقه‌ی عملیاتی فاو است. در واقع این‌ها، مباحث خوبی است ولی جایش اینجا نیست و بنا بوده است که شب چهارم عملیات فاو و پاتک لشکر گارد و انهدام آن تبیین بشود و از این خاطر نویسنده باید از این موضوعات می‌گذشته است و به صورت کلی آنها را مطرح می‌کرده است تا توجه به موضوع اصلی که شب چهارم عملیات است و انهدام لشکر گارد عراق به خوبی انجام شود.

یکی از اشکالات دیگر کتاب، بحث دقیق نبودن مباحث و عباراتی است که مطرح می‌شود. هم‌چنین درست استفاده نکردن از برخی کلمات از ایرادهای دیگر کتاب است. در جاهای بسیاری متن دچار دقیق نبودن استفاده از عبارات و کلمات و مطالب و نیز متناقض بودن مطالب است.

مسأله‌ی دیگری که باید گفت این است که نویسنده

سعید سرمدی:

از نقاط قوت کتاب یکی استفاده‌ی زیاد از گزارش‌های راویان است. هم‌چنین در ابتدای هر فصل مقدمه‌ی ادبی‌ای وجود دارد که این مقدمه جذابیت و گیرایی خوبی دارد و مرتبط با موضوع است.

به نظر بنده طرح جلد کتاب هم بسیار ضعیف است و من مخالف دورنگ شدن صفحه‌ها و هزینه‌ی اضافی هستم. این هزینه‌ی اضافی می‌تواند صرف انجام پژوهشی دیگر شود. هم‌چنین بهتر بود که عنوان کتاب پس از پایان نوشتن کتاب انتخاب می‌شد: «حماسه‌ی روز چهارم». عنوانی که برای این کتاب انتخاب شده است نادرست است چون جاده‌ی فاو-بصره، دو سه سال دست ما و عراق بوده است و اتفاقات زیادی بر روی این جاده رخ داده است و با این

عنوان کلی، معلوم نمی‌شود که کدام یک از اتفاقات و رخدادها مورد نظر است. از این جهت نویسنده عنوان نامناسبی را برگزیده است.»

بیان منسجم به جای بیان مقطع مقطع

پس از اتمام نقد برادر دری، از حاضران در جلسه دعوت شد که وارد بحث شده و آنها نیز نقطه نظرات و دیدگاه‌های خودشان را در باب کتاب، نقاط

ضعف و نقاط قوتش بیان کنند که برادر انصاری، راوی وو پژوهش‌گر دفاع مقدس، به بیان دیدگاه‌هایشان پرداختند:

«به نظر بنده بهتر بود موضوعاتی که به صورت مقطع مقطع و هر لشکر به صورت جدا جدا، عملیاتش بر روی جاده بیان شده است، به صورت منسجم در کتاب می‌آمد. اگر مبنا آن جاده‌ی استراتژیک است و نیز انهدام لشکر گارد عراق، باید همه‌ی عملیات‌های لشکرهای خودی که درگیر با دشمن شدند، به صورت منسجم بیان می‌شود و نه این که هر لشکر به صورت جدا بیان شود و این نکته‌ای مهم و اصلی است.

جدیدترین اطلاعات در این کتاب

سپس برادر نیازی، نویسنده‌ی کتاب، در مقام پاسخ و دفاع برآمده و پس از قرائت دست نوشته‌ای که سردار سرلشکر دکتر غلامعلی رشید بر این کتاب نوشته‌اند، چند

محتوای کتاب باید به روز حادثه می‌پرداخته است ولی نویسنده به موضوعاتی پرداخته است که اصل و هدف نبوده است و بیش‌تر به مقدمات طویل پرداخته و مقدمه در این کتاب حاکم بر موضوع شده و فرع بر اصل حاکم شده است. همان طوری که در ۶۰ صفحه‌ی اول کتاب دیده می‌شود.

متونی که در کتاب به قلم نویسنده نوشته شده است عموماً بدون مرجع و منبع بوده و نمونه‌های بسیاری از این

موارد دیده می‌شود. در بعضی جاها نویسنده حتماً باید مرجع و منبع می‌داده و جزئیاتی می‌گفته است که این کار نکرده است. همان طوری که می‌دانیم در حوزه‌ی کتاب‌های تاریخی و مستند، کتاب باید مستدل و با منبع و مرجع باشد. ایراد دیگری که بر کتاب وارد است، تناسب نداشتن و ارتباط نداشتن نقل قول‌ها با موضوع است. هم‌چنین ناشناخته بودن

افرادی که از آنها قول شده است. در مورد پانوشته‌های این کتاب باید گفت که این کتاب پانوشته‌های قوی‌ای ندارد و بسیاری از موضوعات تخصصی و افراد، پانوشته ندارد. در مورد زبان و نثر این کتاب باید گفت که زبان و نثر این کتاب یکنواخت نیست. مثلاً در جایی از کتاب، از نوار بی‌سیم که گفتگو است، استفاده شده که خسته‌کننده است چون ۳۰ صفحه از کتاب را شامل می‌شود، در حالیکه ربطی به روز حادثه هم ندارد. در این کتاب از گفتگو و نوار بی‌سیم استفاده شده، از کتاب‌های دیگر و نشر آن‌ها استفاده شده، از نقل قول مستقیم در کتاب استفاده شده و در جاهایی هم خود نویسنده قلم زده است که سبک و نشر خاص خود را دارد و این باعث شده که نثر کتاب روان و یکنواخت نباشد. در مورد سبک نویسندگی برادر نیازی هم به نظر می‌رسد که کاملاً شعاری است و ژورنالیستی و نه محققانه و پژوهش‌گرانه.



از راست: حسن دری (متنقد)، سعید سرمدی (متنقد)، نادر نوروزشاد (دبیر)، یحیی نیازی (نویسنده)

نکته را ابراز داشتند:

«بنده مدعی هستم که در این کتاب جدیدترین اطلاعات را حتی به مخاطب راوی و حاضر در صحنه‌ی جنگ هم داده است. بر خلاف گفته‌ی دوستان در فصل سوم این کتاب، لشکر گارد عراق به خوبی معرفی شده است. همچنین روند رشد و سیر صعودی و گسترش سازمان رزم لشکر گارد به خوبی مشخص شده است.

بنده توانسته‌ام با ترکیبی از قلم راوی‌ی داستان‌گونه در کنار پژوهشی کاملاً قوی و مستند، یک موضوع تلفیقی و ترکیبی را ارائه بدهم و از این جهت یکنواخت نبودن محتوا جزو افتخارات بنده است و در این مورد ارجاع می‌دهم به گفتگویی که اردیبهشت امسال با خبرنگاران داشته‌ام. معمولاً در نقد دو رویکرد وجود دارد؛ یکی رویکرد توصیفی و دیگری رویکرد انتقادی که بنده متوجه نشدم که دوستان کدام رویکرد را پیش گرفته بودند. این که گفته شده ۶۴ درصد کتاب به چه صورت بوده است بنده تعجب می‌کنم که چگونه خط‌کش ایشان (متنقد) این قدر دقیق بوده است. در مورد سبک و نشر کتاب باید بگویم که کتاب کاملاً از جنبه‌های شعاری عاری است و اما بحث گفتگو و دیالوگ خودش از بحث‌هایی است که مورد تأکید موکد است که هر چه قدر از دیالوگ‌نویسی استفاده کنیم، محتوا

را غنی کرده‌ایم.

بحث عنوان کتاب که آقای سرمدی مطرح کردند، بحث درستی است و جناب آقای اردستانی هم روی عنوان این کتاب نظر داشتند و در یادداشت‌شان اشاره کرده‌اند که نام کتاب را چه بگذاریم و اصلاً خود کاربرد کلمه‌ی استراتژیک با توجه به توصیه‌های فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی رایج نیست و کاملاً این بحث برای من قابل قبول است.

در مورد این ایرادی که گرفته شد که بررسی‌های این کتاب از خیلی قبل یعنی عهد قاجار شروع شده است، باید بگویم این نظر ناظر محترم بوده است و ما مخاطب را مخاطب عام گرفته‌ایم و از این جهت نیاز به توضیح بیش‌تر مباحث و موارد بوده است.

در واقع این کتاب یک بار کاملاً نوشته شده و صفحه‌بندی شد و پس از آن به دلیل ایراداتی، مورد پسند واقع نشد و چهارده ماه بعد چاپ شد و این مدت بر روی کتاب کار شد.

بنده در مقدمه به مشکلات کار که کمبود منابع و فاصله گرفتن از آن حادثه و به خاطر نداشتن حوادث و رخدادها توسط افراد حاضر در صحنه و ... اشاره کرده‌ام. مثلاً یکی از مشکلات این بود که منابع و اسناد لشکر ۸ نجف اشرف و لشکر ۱۷ علی ابن ابی طالب^(ع) خوب و زیاد بودند، بنابراین

در بخشی از صحبت‌هایشان چنین گفتند:
«به نظر بنده اینکه که ما گفته‌ای از کجا بیاوریم و این را به عنوان اعتبار اثرمان معرفی کنیم، دلیل این نمی‌شود که نقدها را بی اعتبار کرده و نادرست بدانیم. نکته‌ی دیگر اینکه بهتر این بود که همین نقدهایی را که می‌گویید سطحش پایین بوده است را پاسخ می‌دادید و دفاع می‌کردید. اگر ما یک اثر تاریخی و مستند تولید می‌کنیم، دقت و ظرافت در آن خیلی مهم است و تیرتی که در فهرست می‌آید، انتظار می‌رود که رابطه‌ی اعم و اخص بودنش رعایت شود در حالیکه برخی از تیرهای این کتاب از آن فضای علمی بیرون آمده و وارد فضای ادبی می‌شود. همچنین چینش نقل قول‌ها در نتیجه‌گیری شما باعث ضعیف شدن نتیجه‌گیری‌تان شده است و باعث شده است که مخاطب هیچ ارتباطی با نتیجه برقرار نکند در حالیکه باید بُت مطلب گفته می‌شد. در مورد نقشه‌ی آخر هم باید گفت که می‌بایستی جزئی می‌بود و بیش‌تر روی آن کار می‌شد. همچنین باید عکسی در کتاب از جاده‌ی استراتژیک وجود می‌داشت. در مورد صفحه‌آرایی کتاب هم باید تبریک بگویم چون آدم رغبت می‌کند کتاب را بخواند و کتاب جذاب شده است.»

نبود تناقض‌گویی؛ حُسن خوب کتاب

برادر مجید نداف هم در سخنانی کوتاه، به بیان

این قسمت مربوط به این لشکرها کامل‌تر و دقیق‌تر نوشته شده‌اند ولی جایی که منابع کم بوده است، قادر به نوشتن نبوده‌ام.

مسأله‌ی دیگری که باید به آن اشاره کنم این است که در این دنیا تنها خداوند و هر آنچه که به او وصل است، بی‌عیب و نقص است و ثانیاً اینکه در یک کتاب ۲۵۰ صفحه‌ای همه چیز را نمی‌توان آورد و همان‌طوری که گفتم این تنها فتح بابی است برای دیگران.

در مورد بحث منابع و مراجع، باید گفت آنجایی که نیاز بوده است ما همه‌ی موارد را ارجاع دادیم. اگر در بعضی جاها به مستندات اشاره‌ای نشده از این جهت نیست که مستند نبوده است بلکه نویسنده جمع همه‌ی موارد و ماحصل همه‌ی مستنداتی که وجود داشته است را به قلم خودش آورده است.

در پایان باید به این نکته اشاره کنم که بنده مطالب دوستان را خواهم گرفت و جزء به جزء بررسی خواهم کرد و جایی که نیاز به بررسی بیش‌تر داشته باشد، حتماً این کار را خواهم کرد.»

صفحه‌آرایی خوب؛ عامل جذابیت کتاب

پس از اتمام سخن‌رانی و دفاعیات برادر نیازی، یکی از حاضران در جلسه به بیان چند نکته پرداختند. برادر اکبرپور



از راست: حسن دری (منتقد)، سعید سرمدی (منتقد)، نادر نوروزشاه (دبیر)، دکتر حسین اردستانی (مسئول مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس)

نیست که نویسندگان کشور کجا هستند. به نظر ما جاده‌ی استراتژیک تمام نشده است و اگر کسی می‌تواند بیاید و کتاب دیگری بنویسد. بنده همه جا اصرار داشتیم در روی کتاب و در عنوان آن انهدام لشکر گارد عراق بیاید و نمی‌دانم که چرا نیامده است.

در مورد نام استراتژیک که در عنوان کتاب آمده است، باید بگویم که اصلاً اسم این جاده، جاده‌ی استراتژیک است و کاریش هم نمی‌شود کرد و به نظر بنده عنوان کتاب را نادرست خواندن، موضوعیت ندارد.

مقدمه هم سبک نوشتن نویسنده بوده است و هرکسی یک جوری می‌نویسد و نوع نوشتن هر کسی فرق می‌کند. نقدی که در مورد ساختار کتاب کردند وارد است و من توضیح خواهم داد. این که گفتند به پیشینه خیلی پرداخته شده، درست نیست و نمی‌شود به مباحث بدون پرداختن به پیشینه‌ی آنها وارد شد و البته هر کسی به یک سبکی وارد می‌شود. مهم‌ترین ایراد به کتاب این بود که دوستان گفتند بهتر بود یگان‌ها و لشکرها کنار گذاشتند

می‌شدند و مقاومت دیده می‌شد که من بسیار به این مسأله فکر کردم و رویش کار کردم ولی نتوانستم این کار را بکنم و اگر کسی حالا بتواند این کار را بکند ما می‌گوییم دوباره بروید و لشکر گارد را بنویسید ولی این کار نشد.

در این جلسه نقد خوبی صورت گرفت و کاستی‌های نوشته هم هنوز پا برجاست و البته نوشتن کتاب جامع و کامل هم کار بسیار سختی است.»

نظرات و دیدگاه‌هایشان پرداختند. ایشان چنین اظهار داشتند: «به نظر بنده یکی از ارزش‌هایی کتاب این است که در کتاب تناقض‌گویی وجود ندارد. در واقع در مرکز باید موضوعات در ارتباط مستقیم با نبردها ریزه شده و کار دقیق بشود.

بنده به عنوان راوی عملیات والفجر ۸ از این کتاب استفاده کردم و به نظرم ایراداتی که وجود دارد مربوط به ویراستاران مرکز است و اگر تیتراها و سوتیتراها، ادبی آمده است، ایرادی است که به ویراستاران مرکز وارد است.

باز ایراد دیگری که به ویراستاران وارد است، عنوان کتاب است. کلمه‌ی استراتژیک این توقع را ایجاد می‌کند که سطح تغییراتی که در کتاب آمده راهبردی باشد، حال آن که این گونه نیست و این کتاب کم‌ترین مباحث راهبردی را دارد.»

پس از برادر نداف باز هم آقای نیازی، نویسنده‌ی کتاب، در مقام دفاع از خودشان و کتابشان برآمده و پاسخ به مواردی که آقای اکبرپور گفته بودند را بیان کردند.

کتاب جاده‌ی استراتژیک
فاو-بصره؛ کاری ارزشمند

در پایان جلسه نیز، جناب آقای

دکتر حسین اردستانی، رئیس مرکز اسناد و ناظر محترم کتاب «جاده‌ی استراتژیک فاو-بصره»، به ایراد سخن‌رانی پرداخته و مطالبی را بیان کردند که در ادامه می‌آید:

«فلسفه‌ی وجودی نقد بیان و دیدن کاستی‌ها و نقص‌ها است و به نظر بنده چیزی که در این جلسات نقد باید مطرح قرار بگیرد، تحمل است. به نظر بنده این کتاب کار ارزشمندی است. کار بزرگی در دفاع مقدس انجام شده ولی متأسفانه کسی نیست که بنویسد و معلوم

3. The IRGC Meeting to Assess Operation Karbala-4 and Pave the Grounds for Operation Karbala-5

Abstract:

Operation Karbala-5 is one the important and valuable experiences of IRGC during the eight-year Holy Defense. Studying and assessing this important and extensive operation from the various strategic, commanding, tactical, and combat angles is very important and valuable as well.

In the new copy of Negin Magazine No. 45, this article (distracted from an archived tape numbered 2666 in the Center for Documentation) has been assigned to the IRGC commanders meeting in the Khatam(pbuh) Headquarters to be ready for the Operation Karbala-5. This tape has been recorded by Muhammad Doroudian, one of the Center Raviyan (narrators) on December 27, 1986.

In this meeting, Mr. Gholampur presented Mr. Rezaei the IRGC commander a report of the recent situation of the operational area and the friendly units which has excluded in this article. Then, the commanders of 41st Sarallah Division and 18th Alghadir Brigade explained the situation of their units and operational areas and finally Mr. Nabi Rudaki the commander of 19th Fajr Division and Mr. Ruhollal Nuri as well as their battalion commanders described their units activities in Operation Karbala-4. Meanwhile, Mr. Rezaei and the commanders of Khatam Headquarters asked them some important questions to assess the enemy and the operational area.



4. War of the Cities

Mehdi Haji Khodaverdi

Abstract:

The extension of the military conflict of Iran and Iraq was directed to the bombing and firing missiles against the cities in four rounds during the eight-year imposed war and conflicted a heavy casualties and damages. In the final year of the war, the fourth and the last round of these attacks began with an air attack against Tehran Refinery and then some of the Iranian cities including the capital, Tehran, were targeted with the Iraqi long range missiles for the first time and several other cities were attacked by the air as well.

While the discussions between the Islamic of Iran and the UN secretary-general were continuing in a rational and natural process to improve the arrangement of certain paragraphs of Resolution 598, Iraq attacked the Iranian cities in direction with the increasing political pressures of the major powers coordination against Iran to force the Iranian to accept the Resolution unconditionally.

The Iraqi failure to encounter the Iranian combatants in the battlefields, regaining the major power and the international communities towards the Iran-Iraq War and showing her resentment from the slowness of peace negotiations process were amongst the other objectives that have been for this Iraqi action by the international political and mass circles.

This article is an abridged description of the events in the fourth round of the "War of the Cities", the Iraqi regime motivations for these attacks, the US and the Soviet as well as the other western and regional states positions, and the Iranian people resistance against the Iraqi attacks and the Islamic Republic insistence on her principle positions during the discussions with the UN secretary-general; the events which drove the Iraqi regime to approach to actualize the threat of a "chemical attack" against the Iranian major cities.



Contents

Articles

The Evolution of Field Hospital in the Imposed War

5

✍ Amir Hushang Tahmasbipour

The Reasons of Muhammad Rasul Allah^(pbuh) Division Success in Operation Karbal-5 (Fish Lake)

31

✍ Mehdi Haji Khodaverdi

The IRGC Meeting to Assess Operation Karbala-4 and Pave the Grounds for Operation Karbala-5

59

✍ Hassan Dorri

4th Round of War of the Cities

77

✍ Yaddollah Izadi

Studying and Assessing the Iraqi Chemical War in Operation Karbala-5

111

✍ Muhammad Baqer Nikkha Bahrami

The Iran-Iraq War: Protracted Conflict, Prolonged War

119

✍ Translated by: Abdolmajid Heidari

Conference

Introducing Books: "Daily Reporting the Ali Ibn Abitalib^(AS) Division Battlefield in the Operation Badr" and "The Narrators of the Battlefield: Martyr Muhammad Reza Malaki"

137

✍ Zahra Nazeri

Documents

Operation Karbala-5 in the Documents

143

✍ Hassan Dorri

Book Review

The 23rd Chronology Book

171

✍ Sayyid Hamzeh Hussein

The Supreme Defense Council in Mass Media

172

Book Review and Study

Reporting the Meeting for Analysis and Study of the Book "The Faw-Basra Strategic Road"

173

✍ Zahra Nazeri



The Center for Holy Defense Documentation and Research

NEGIN IRAN

Vol.12 □ No.45 □ Summer 2013

Published Quarterly by
Editorial Head and Executive Editor

Editorial Board

Executive Manager

Page Designer

Editor

Publishing Supervisor

Address

Email

Tel

Fax

Price

The IRGC Center for Holy Defense Docu-
mentation and Research

Dr. Hussein Ardestani

Dr. Gholam Ali Rashid

Dr. Hussein Alaei

Dr. Mahmoud Yazdanfam

Hamid Aslani

Hassan Dorri

Abbas Doroodian

Zahra Nazeri

Muhammad Behrozi

No.77, Shahid Vahid Dastgerdi) Zafar(Ave.,
Shariati St., Tehran, I.R.IRAN.

neginiran@gmail.com

+ 98 21 - 22909522

+ 98 21 - 22909538

80,000 R